

خانواده قرآنی

تعلیم و تربیت: ۱۱۴ (اخلاق و علوم تربیتی: ۲۱۰)

- عمومی -

۱۹۶۱

۵۳۲۰

عیسی زاده، عیسی، ۱۳۴۷ -

خانواده قرآنی (ویزگی‌ها و وظایف اعضای آن) / عیسی عیسی‌زاده. - قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۹۰.

[۲۵۲] ص. - (مؤسسه بوستان کتاب، ۱۹۶۱) (اخلاق و علوم تربیتی؛ ۲۱۰). تعلیم و تربیت؛ ۱۱۴

ISBN 978-964-09-0796-2 - ۴۶۰۰ تومان: ۲ - ۰۷۹۶

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

Isa Isazadeh. A Quranic Family The Characteristics and Duties of Its
Members

کتاب‌نامه: ص. [۲۴۵] - ۲۴۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

چاپ چهارم: ۱۳۹۱.

۱. اسلام و خانواده. ۲. زناشویی (اسلام). ۳. والدین و کودک (اسلام). الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مؤسسه بوستان کتاب. ب. عنوان.

۲۹۷/۴۸۳۱

BP ۲۳۰ / ۱۷ / ۹ خ

ب ۱۳۹۱

خانواده قرآنی

(ویژگی‌ها و وظایف اعضای آن)

عیسی عیسیزاده

بوستان
۱۳۹۱



با حمایت نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور
ویژه مسابقات فرهنگی سال ۱۳۹۱
صرف جهت استفاده در کتابخانه‌های عمومی
غیر قابل فروش

خانواده قرآنی

(ویژگی‌ها و ظایف اعضای آن)

نویسنده: عیسی عیسی‌زاده

ناشر: مؤسسه بوستان کتاب

(مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

نوبت چاپ: چهارم / ۱۳۹۱ • شمارگان: ۴۳۰۰ • بهای: ۴۶۰۰ تoman

تمامی حقوق © محفوظ است

printed in the Islamic Republic of Iran

❖ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفاییه)، ص پ ۹۱۷ / ۳۷۱۸۵، تلفن: ۷۷۴۲۱۵۵-۷ ۷۷۴۲۱۵۴، تلفن: ۷۷۴۳۴۲۶

❖ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (عرضه ۱۲۰۰۰، عنوان کتاب با همکاری ۱۷۰ ناشر)

❖ فروشگاه عمدۀ و مرکز اطلاع‌رسانی: قم، چهارراه شهدا، جنب ورودی دفتر تبلیغات اسلامی، تلفن: ۷۷۴۳۱۷۹

❖ فروشگاه شماره ۲: تهران، میدان فلسطین، خ طوس، کوچه تبریز، پلاک ۳۰، تلفن: ۰۹۳۹۵۹۹۰۸۹ - ۸۸۹۵۶۹۲۲

❖ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع یاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، تلفن: ۲۲۳۳۶۷۲

❖ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهار راه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، تلفن: ۲۲۰۳۷۰

❖ فروشگاه شماره ۵: اصفهان، میدان انقلاب، جنب سینما ساحل، تلفن: ۲۲۱۷۱۲

❖ پخش پکنا (پخش کتب اسلامی و انسانی)، تهران، خ حافظ، نرسیده به چهار راه کالج، نیش کوچه بامشاد، تلفن: ۸۸۹۴۰۳۰۳

❖ اطلاع از تازه‌های نشر از طریق پیام کوتاه (SMS)، با ارسال شماره همراه خود به ۱۰۰۰۲۱۵۵ یا ارسال درخواست به:

E-mail:info@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت:

با تقدیر از همکاری که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

❖ اعضاي شورای بررسی آثار • دبیر شورای کتاب: حمود آهنگر • ویراستار: ابوالفضل طبیعی‌دار • چکیده عربی: سهیله خانفی • چکیده انگلیسی: مریم خانفی • فیبا: مصطفی محفوظی • مسئول واحد حروف‌نگاری: احمد مؤتنی • اصلاحات حروف‌نگاری: محبوبه اکبری و الهام قره‌گلو • صفحه‌آرایی: فاطمه حیدری‌بنزا و احمد مؤتنی • کارشناس و کنترل نمونه‌خواهی: محمد جواد مصطفوی • نمونه‌خواهی: محمد ایتاری • بازخوانی تهابی من: رضا مهتاب • نظارت و کنترل آماده‌سازی: ولی قربانی • کنترل فنی صفحه‌آرایی: حسنعلی جعفری • کارشناس طراحی و گرافیک: مسعود نجابتی • طراح جلد: حسین میرزاپی • مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی • اداره آماده‌سازی: حمید رضا تیموری • اداره چاپخانه: مجید مهدوی و سایر همکاران لیتوگرافی، چاپ و صحافی.

رئیس مؤسسه
اسماعیل اسماعیلی

تقدیم به:

پدر و مادرم؛

آن دو عزیز سفر کرده که مرا با همربان ترین همربانان
-خدای یگانه- آشنا کردند و زمینه فراگیری کتاب زندگی،
قرآن آسمانی را برایم فراهم آورددند پدری که با صدای نازنین
و تلاوت دلنشین سحری خویش، عشق قرآن را در جانم جاری
ساخت و مادری که با دستهای رنج‌کشیده و چشمۀ همیشه
جاری همروزه و هجتبش، مرا در سایه‌سار ولاپت اهل بیت
پروراند.

و به ارواح طیبه همه آزاده‌دان و شهیدانی که با جهاد و
شهادت خویش، بستر تعلیم و نشر معارف نورانی قرآن مجید را
برای همان آهاده ساختند.

فهرست مطالب

۲۱ مقدمه

بخش اول: کلیات

۲۷	تعريف خانواده
۲۷	تشکیل خانواده
۲۷	ارزش و جایگاه تشکیل خانواده
۳۰	ارزش و جایگاه تشکیل خانواده از منظر اهل بیت
۳۰	۱. برترین پایگاه نزد خدا
۳۰	۲. محبوب‌ترین خانه نزد خدا
۳۱	۳. محبوب‌ترین مباح
۳۱	۴. مکان نزول رحمت الهی
۳۱	۵. سنت محمد ﷺ
۳۳	۶. سبب کمال دین
۳۴	۷. راه دستیابی به سعادت
۳۴	۸. سبب حفظ دین
۳۴	۹. برتر از نماز و روزه مجرّد
۳۴	۱۰. برتر از هفتاد رکعت نماز مجرّد

۳۵	۱۱. سبب گشایش روزی
۳۵	فلسفه تشکیل خانواده

بخش دوم: وظایف متقابل زن و مرد

۳۹	وظایف مرد در برابر زن
۳۹	ارزش و جایگاه زن صالحه
۳۹	۱. خیر دنیا و آخرت
۳۹	۲. بهترین گنج
۴۰	۳. سبب آسایش
۴۰	۴. برتر از هزار مرد ناصالح
۴۱	۵. سبب نجات از تیرگی و دیوانگی
۴۱	۶. سبب اصلاح شوهر
۴۲	جایگاه و اهمیّت رعایت حقوق در خانواده
۴۲	رعایت حقوق زن
۴۳	موارد حقوق زنان
۴۳	۱. پرداخت مهریه
۴۴	۲. تأمین رفاه مناسب
۴۴	تأمین رفاه خانواده از منظر اهل بیت
۴۵	۳. حق همخوابگی و تأمین نیازهای جنسی زن
۴۶	تأمین نیازهای جنسی زنان از منظر اهل بیت
۴۹	رعایت آداب و احکام رفتار جنسی
۵۰	احترام و محبت به زن

۵۰	اهمیت احترام و محبت به همسر
۵۱	اظهار محبت
۵۱	اعتدال در محبت
۵۲	ارزش و آثار احترام و محبت به زن در روایات
۵۲	۱. از اوصاف اهل بیت
۵۲	۲. نشانه دوستی اهل بیت
۵۲	۳. از اخلاق انبیا
۵۳	۴. سبب زیاد شدن ایمان
۵۳	۵. از حقوق زنان
۵۳	۶. بهترین فرد
۵۴	۷. سبب جلب محبت
۵۴	۸. نشان بزرگواری
۵۴	۹. سفارش جبرئیل
۵۴	۱۰. سفارش امام باقر
۵۵	۱۱. صفت حضرت ابراهیم
۵۵	۱۲. برتر از اعتکاف
۵۵	۱۳. سبب استحکام پیوند
۵۵	۱۴. تکریم خداوند
۵۶	احترام به زن در سیره اهل بیت
۵۶	۱. احترام به همسر از سوی پیامبر اکرم ﷺ
۵۸	۲. احترام به فاطمه از سوی علی
۵۸	۳. احترام به ام حمیده از سوی امام صادق

۵۸	خوش رفتاری با زن
۵۹	ارزش خوش رفتاری با زن از منظر اهل بیت
۵۹	۱. بهترین فرد
۵۹	۲. نشان کمال ایمان
۵۹	۳. از نیازهای ضروری
۶۰	۴. سفارش حضرت علی
۶۰	پرهیز از بد اخلاقی و خشونت با زن
۶۱	پرهیز از بد اخلاقی و خشونت با زن از منظر اهل بیت
۶۵	نفی خشونت در سیره پیامبر اکرم ﷺ
۶۶	عفو و گذشت
۶۶	اهمیت عفو و گذشت در خانواده
۶۶	عفو و گذشت در سخنان و سیره اهل بیت
۶۹	آثار عفو و گذشت
۶۹	۱. بهرمندی از عفو الہی
۶۹	۲. بهرمندی از پاداش خداوند
۶۹	۳. بهرمندی از محبت خداوند
۷۰	۴. بهرمندی از رحمت خداوند
۷۰	۵. بهرمندی از ستایش خداوند
۷۰	۶. بهرمندی از بهشت جاودان
۷۱	۷. سبب ایجاد دوستی و محبت
۷۱	۸. سبب رفع کینه و دشمنی
۷۱	۹. سبب عزّت و بزرگی

۷۲	۱۰. سبب طولانی شدن عمر
۷۲	۱۱. سبب اصلاح خطا کار
۷۲	صبر و بردازی
۷۲	اهمیت صبر و بردازی
۷۳	ارزش و آثار صبر و بردازی در خانواده
۷۴	۱. بهره مندی از خیر فراوان
۷۴	۲. دستیابی به درجه برتر در بهشت
۷۴	۳. بهره مندی از پاداش حضرت ایوب
۷۵	۴. بهره مندی از پاداش شکرگزاران
۷۵	۵. بهره مندی از بهشت
۷۵	۶. سبب نجات از آتش جهنم
۷۶	پوشاندن عیب و پرهیز از عیب جویی
۷۷	همکاری در خانه
۷۷	اهمیت همکاری مرد در خانه
۷۸	همکاری در خانه در سیره اهل بیت
۷۸	۱. سیره پیامبر اکرم ﷺ
۷۹	۲. سیره امیر مؤمنان علی
۸۰	محافظت خانواده از انحراف
۸۲	موعظه و نصیحت
۸۳	مشاوره و همفکری
۸۵	وظیفه زن در برابر مرد
۸۵	رعایت حقوق شوهر

۸۶	موارد حقوق شوهر بر زن
۸۶	۱. حق تمکین و اطاعت از شوهر
۸۹	پرهیز از نافرمانی شوهر
۸۹	۲. حفظ امانت
۹۰	۳. رفق و ملایمت
۹۱	۴. شکایت نکردن علیه شوهر
۹۲	۵. آراستگی برای شوهر
۹۲	۶. پرهیز از آراستگی برای غیر شوهر
۹۴	۷. هماهنگی با شوهر در بیرون رفتن از منزل
۹۴	۸. پرهیز از اذیت و آزار شوهر
۹۶	ارزش و آثار احترام و محبت نمودن به شوهر از منظر اهل بیت
۹۶	۱. بهره مندی از رحمت الهی
۹۶	۲. نشانه ارزش
۹۷	۳. از نیازهای زن
۹۷	۴. از بهترین زنان
۹۷	۵. بهره مندی از پاداش شهید
۹۸	۶. بهره مندی از پاداش فراوان
۹۸	احترام به شوهر در سیره فاطمه
۹۸	همکاری در خانه
۹۹	ارزش کارهای زن در خانه
۹۹	۱. بهره مندی از پاداش جهاد
۹۹	۲. سبب نجات از عذاب الهی

۹۹	۳. بهره‌مندی از پاداش الهی
۱۰۰	کار در خانه در سیره فاطمه
۱۰۱	مشاوره و همفکری

بخش سوم: مسئولیت‌های پدر و مادر در برابر فرزند

۱۰۵	بورسی جایگاه و ارزش فرزند
۱۰۵	الف - جایگاه و ارزش فرزند از منظر قرآن
۱۰۸	ب - جایگاه و ارزش فرزند از منظر اهل بیت
۱۰۸	۱. گلی از گل‌های بهشت
۱۰۹	۲. جگر گوشه مؤمن
۱۰۹	۳. بهترین نعمت
۱۰۹	۴. برکت منزل
۱۱۰	۵. سبب شادمانی پدر و مادر در قیامت
۱۱۰	۶. سبب بهره‌مندی از رحمت خداوند
۱۱۰	۷. سبب بهره‌مندی از درجات بهشت
۱۱۱	۸. سبب بهره‌مندی از نیکی به پدر و مادر
۱۱۱	۹. سبب بهره‌مندی از دعای پیامبر اکرم ﷺ
۱۱۱	۱۰. سبب بهره‌مندی از پاداش آزاد کردن بنده در راه خدا
۱۱۲	مسئولیت‌های پدر و مادر در مورد فرزند
۱۱۲	انتخاب نام نیکو
۱۱۴	تغذیه فرزند نوزاد از شیر مادر
۱۱۵	ارزش و پاداش شیر دادن به فرزند

۱۱۶	شرایط انتخاب دایه
۱۱۷	تریت دینی فرزند
۱۱۷	اهمیت تربیت دینی فرزند
۱۱۸	امور مؤثر در تربیت دینی فرزند
۱۲۰	مناسب‌ترین سن برای تربیت دینی فرزند
۱۲۲	مراحل تربیت دینی فرزند
۱۲۲	۱. مرحله آشناسازی
۱۲۲	۲. مرحله همراهی
۱۲۳	۳. مرحله تشویق
۱۲۳	فواید تشویق
۱۲۵	۴. مرحله ترغیب
۱۲۵	۵. مرحله تکلیف
۱۲۶	۶. مرحله مراقبت و محافظت
۱۲۶	۷. مرحله تبیین و تشریح
۱۲۷	۸. مرحله هدایت و راهنمایی
۱۲۸	مسائل مورد توجه در تربیت دینی
۱۲۸	۱. مسائل اعتقادی
۱۲۹	موارد مورد توجه در تربیت اعتقادی
۱۳۳	اثر تربیتی توجه به معاد
۱۳۳	۲. مسائل اخلاقی
۱۳۵	۳. مسائل عبادی
۱۳۶	موارد مورد تأکید در مسائل عبادی

۱۴۶	۴. آموزش قرآن به فرزند
۱۴۷	آموزش قرآن به فرزند در روایات
۱۴۸	پاداش آموزش قرآن به فرزند
۱۴۹	۵. آداب معاشرت
۱۵۰	نمونه‌هایی از آداب معاشرت در قرآن
۱۵۸	احترام و محبت به فرزند
۱۵۸	اهمیت احترام و محبت به فرزند
۱۶۱	زمان مناسب برای ابراز محبت به فرزند
۱۶۳	ضرورت اظهار محبت به فرزند
۱۶۳	اعتدال در ابراز محبت به فرزند
۱۶۴	رعایت عدالت در محبت به فرزندان
۱۶۵	احترام و محبت به فرزند در سیره پیامبر اکرم
۱۶۵	۱. احترام به امام حسن
۱۶۶	۲. احترام به امام حسین
۱۶۷	۳. احترام به سایر کودکان
۱۶۹	دعا برای فرزند
۱۷۱	شیوه دعا کردن برای فرزند
۱۷۲	مشاورت با فرزندان
۱۷۴	انتخاب همسر برای فرزند
۱۷۵	انتخاب همسر برای فرزند در روایات
۱۷۷	توجه به دیدگاه فرزند در انتخاب همسر
۱۷۸	توجه به آینده فرزند

شیوه برخورد با یتیمان، عامل مؤثر در آینده فرزند ۱۷۹

بخش چهارم: ویژگی‌های فرزند صالح

- | | |
|-----|--|
| ۱۸۳ | ویژگی اول: نیکی به پدر و مادر |
| ۱۸۴ | اهمیت نیکی به پدر و مادر |
| ۱۸۵ | نیکی به پدر و مادر در ادیان آسمانی |
| ۱۸۶ | فلسفه نیکی به پدر و مادر |
| ۱۸۷ | محدوده نیکی به پدر و مادر |
| ۱۸۸ | محدوده نیکی به پدر و مادر در کلام معصومین |
| ۱۸۹ | آثار و فواید نیکی به پدر و مادر |
| ۱۹۰ | نیکی به پدر و مادر در سن پیری |
| ۱۹۱ | خسته نشدن از نیکی به پدر و مادر |
| ۱۹۲ | آفات ترک نیکی به پدر و مادر |
| ۱۹۳ | آثار و فواید نیکی به پدر و مادر در روایات |
| ۱۹۴ | نیکی به پدر و مادر بعد از مرگ آنها در روایات |
| ۱۹۵ | ویژگی دوم: اطاعت از پدر و مادر |
| ۱۹۶ | اهمیت اطاعت از پدر و مادر |
| ۱۹۷ | فلسفه اطاعت از پدر و مادر |
| ۱۹۸ | محدوده اطاعت از پدر و مادر |
| ۱۹۹ | آثار و فواید اطاعت از پدر و مادر |
| ۲۰۰ | ویژگی سوم: پرهیز از نافرمانی پدر و مادر |
| ۲۰۱ | پیامدهای نافرمانی از پدر و مادر |

۲۱۰	۱. نافرمانی از دستور الهی
۲۱۰	۲. گرفتار شدن به عذاب الهی
۲۱۱	۳. از زمره زیانکاران
۲۱۱	۴. از زمره ستمگران و گناهکاران
۲۱۲	۵. از زمره بدبختان
۲۱۲	پیامد نافرمانی از پدر و مادر در روایات
۲۱۳	الف - پیامدهای دنیاگی
۲۱۵	ب: پیامد آخرتی
۲۱۹	ویژگی چهارم: تشکر از پدر و مادر
۲۱۹	اهمیت تشکر از پدر و مادر
۲۲۰	آثار و فواید تشکر از پدر و مادر
۲۲۰	انواع تشکر از پدر و مادر
۲۲۰	ویژگی پنجم: احترام به پدر و مادر
۲۲۰	اهمیت احترام به پدر و مادر
۲۲۲	محدوده احترام به پدر و مادر
۲۲۲	آثار احترام به پدر و مادر
۲۲۲	رعایت احترام پدر و مادر در سخن گفتن با آنان
۲۲۳	پیامد بی احترامی به پدر و مادر
۲۲۳	احترام به پدر و مادر در روایات
۲۲۵	احترام به پدر و مادر در سیره عملی پیامبر اکرم
۲۲۵	۱. احترام به پدر و مادر رضاعی
۲۲۶	۲. احترام به مادر حضرت علی

۲۲۷	۳. احترام به خواهر رضاعی
۲۲۷	۴. احترام به اولین مادر رضاعی
۲۲۸	ویژگی ششم: تواضع در مقابل پدر و مادر
۲۲۸	اهمیت تواضع در مقابل پدر و مادر
۲۲۸	احسان متواضعانه نسبت به پدر و مادر
۲۲۹	تواضع در مقابل پدر و مادر در روایات
۲۲۹	ویژگی هفتم: اجازه از پدر و مادر
۲۳۱	آثار اجازه گرفتن
۲۳۱	۱. محفوظ ماندن از انحراف جنسی
۲۳۱	۲. رعایت احترام به پدر و مادر
۲۳۲	۳. سبب آرامش روحی اعضای خانواده
۲۳۲	ویژگی هشتم: دعا و استغفار برای پدر و مادر
۲۳۲	اهمیت دعا و استغفار برای پدر و مادر
۲۳۳	فلسفه دعا برای پدر و مادر
۲۳۳	آثار دعا و طلب آمرزش برای پدر و مادر
۲۳۳	۱. بهره مندی پدر و مادر از رحمت خداوند
۲۳۴	۲. بهره مندی پدر و مادر از آمرزش الهی
۲۳۴	دعا و طلب آمرزش برای پدر و مادر در روایات
۲۳۴	طلب آمرزش سبب نجات از عاق والدین
۲۳۵	دعا برای پدر و مادر غیر مؤمن
۲۳۵	طلب مغفرت برای پدر و مادر بعد از مرگ آنها
۲۳۵	ویژگی نهم: انفاق به پدر و مادر

۲۳۶	آثار انفاق به پدر و مادر
۲۳۷	پیامد ترک انفاق به پدر و مادر
۲۳۸	ویژگی دهم: همکاری با پدر و مادر
۲۳۹	ویژگی یازدهم: وصیت برای پدر و مادر
۲۴۰	ویژگیدوازدهم: عذر خواهی از پدر و مادر
۲۴۱	ویژگی سیزدهم: پرهیز از حسادت
۲۴۲	پیامد حسادت در قرآن
۲۴۳	ویژگی چهاردهم: عفو و گذشت
۲۴۵	کتابنامه

مقدمه

قرآن، تنها کتابی آسمانی است که بر فراز قله فصاحت و بلاغت، هدایت و رستگاری را بشارت می‌دهد^۱ و عالی ترین معارف گنجینه غیب را با آهنگی روح نواز به جهانیان عرضه می‌نماید؛^۲ کتابی که تلاوت آیاتش سبب طهارت نفوس^۳ و اجابت دعوت‌هایش سبب حیات^۴ و هدفش نجات بشر از تاریکی‌است.^۵

۱. «إِنَّ هَذَا الْقُرْءَانَ يَهْدِي لِلّٰتِي هِيَ أَقَوْمٌ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا»؛ همانا این قرآن به استوارترین آیین هدایت می‌کند، و به مؤمنانی که کارهای شایسته می‌کنند مژده می‌دهد که برای آنان مزدی بزرگ خواهد بود. (اسراء، آیه ۹).

۲. «وَاتَّبِعُوا أَخْسَنَ مَا أَنْتُولَ إِلَيْكُمْ»؛ و از بهترین کتابی که از جانب پروردگار تان به سوی شما نازل شده است پیروی کنید.... (زمر، آیه ۵۵).

۳. «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنفُسِهِمْ يَأْتِيهِمْ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِنَّ ضَلَالٌ مُّبِينٌ»؛ به راستی خدا به مؤمنان نعمتی گران عطا کرد، آن کاه که میانشان پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان بخوانند و پاکشان سازد و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد؛ و قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. (آل عمران، آیه ۱۶۴).

۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَسْتَجِيبُ لَهُمْ وَلِلَّٰهِ مُولَّوٰ إِذَا دَعَوكُمْ لِمَا يُؤْتِيْكُمْ وَأَعْمَلُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمُرْءَ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُشَهَّرُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که خدا و پیامبر شما را به چیزی دعوت می‌کند که به شما حیات می‌بخشد، دعوتشان را اجابت کنید، و بدانید که خدا میان آدمی و دلش حایل می‌شود، و فقط به سوی او محشور می‌شوید. (انفال، آیه ۲۴).

۵. «الْكِتَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخُرُجَ النَّاسُ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْغَرِيزِ الْحَمِيدِ»؛ [این] کتابی است که آن را به سوی تو نازل کردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان، از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آوری؛ به راه آن [خدای] عزّتمند ستد. (ابراهیم، آیه ۱).

جهان‌شمولي و جاودانگي آيات الهى اقتضا دارد که در همه زمان‌ها، محور حل مشکلات زندگي بشر باشد و اکنون که پس از سال‌ها تلاش و فداکاري و مجاهدت خستگي ناپذير اولياي الهى و پيروان راستين آنان، زمينه طرح و اجرا شدن ارزش‌هاي قرآنی در جامعه اسلامي ايران فراهم گردیده و ندای نجات‌بخش اسلام به گوش جهانيان رسيده است و از سوی ديگر، دشمنان قسم خورده انسانيت با تمام توان خويش با ابزارهای گوناگون و فريبنده، رشد و تعالي بشر را هدف گرفته و با سرمایه گذاري فراوان، تحقق فرهنگ ناب اسلام را در جهان و به ويژه در كشورهای اسلامي به خط‌رانداخته و اركان خانواده‌ها را متزلزل کرده‌اند، ضرورت دارد همه انديشوران و دست اندركاران دل‌سوز به ويژه مشعل داران هدایت با به کارگيري همه توان خويش، معارف نجات‌بخش قرآن کريم را در ابعاد گوناگون با بهترین شيوه به جامعه ارائه نمایند.

يکی از مهم‌ترین پايگاه‌های فرهنگي - تربیتي که نسبت به ديگر پايگاه‌ها نقشي کليدي دارد و باید مورد توجه جدی قرار گيرد، کانون مقدس خانواده است که می‌تواند با آراسته شدن به ارزش‌هاي قرآنی، تأثيري شگرف در جامعه و ديگر پايگاه‌های فرهنگي - تربیتي داشته باشد و با تربیت شخصیت‌های کم نظری همچون امام خمینی منشأ تحولات بزرگی در سرنوشت انسان‌ها گردد و بستر تعالي معنوی بشر را فراهم آورد. متأسفانه اين کانون مهم در عصر حاضر به سبب دسيسه‌های شياطين و تهاجم جدی آنان، در معرض خطر قرار گرفته و دچار آسيب‌های فراوانی همچون جدایي همسران، فراری شدن فرزندان و کم‌رنگ شدن ارزش‌هاي اخلاقی گردیده است و تنها راه محفوظ ماندن اين پايگاه اثرگذار از مشکلات يادشده، تمسک به چراغ هدایت‌بخش آسماني، يعني قرآن کريم و اهل بيت با اجرای دستورهای نجات‌بخش آنان در تمام زوایای زندگي است. اگر اعضای هر خانواده‌اي به وظايفي که از سوی خداوند برای آن‌ها تعين شده - چه وظايف فردی مثل اقامه نمازو روزه و

چه وظایف جمعی مانند احسان و احترام به یکدیگر - عمل کنند، تمام مشکلات پیش روی آنها بر طرف خواهد شد و از گمراهی‌ها و سرگردانی‌ها نجات خواهند یافت؛ چراکه این وعده رسول گرامی اسلام صلوات الله علیه و سلام است که فرمود: «من دو چیز گران‌بها را در میان شما به امانت می‌گذارم که اگر به آن دو چنگ زنید، هرگز گمراه نخواهید شد.^۱» در میان آثار گذشتگان که به وظایف و ویژگی‌های یک خانواده قرآنی مربوط است، جای اثری که همه وظایف و ویژگی‌های تک تک اعضای خانواده قرآنی را تبیین کرده باشد، خالی به نظر می‌رسید؛ از این رو، نگارنده تصمیم گرفت تا با توکل به خدا و توصل به اهل بیت علیهم السلام به قدر توان خویش که برگرفته از سال‌ها تجربه تبلیغی و پژوهش‌های قرآنی است، بر اساس نیازسنجی واقعی، اثری را در تبیین وظایف و ویژگی‌های یک خانواده قرآنی با بهره‌گیری از متن آیات نورانی قرآن و سخنان گران‌مایه اهل بیت علیهم السلام به شیفتگان معارف نورانی قرآن عرضه نماید، تا شاید بتواند با این تلاش ناچیز، هم در قرآنی شدن خانواده خویش و هم خانواده‌های ارزشمند جامعه اسلامی و رفع مهجوریت قرآن در عرصه‌های زندگی و ارائه معارف کاربردی این کتاب زندگی به انسان‌های تشنۀ هدایت، گامی بردارد.

به امید روزی که همه ما با عمل کردن به وظایف فردی و اجتماعی خویش، بر اساس دستورهای قرآن مجید، بتوانیم سعادت دنیا و آخرت را تأمین کرده، رضایت خداوند را به دست آوریم و خشنودی ارواح طیئه همه آزاد مردانی که با فداکاری و ایثار جان خویش، زمینه‌ساز دست‌یابی ما به معارف زلال و هدایت بخش کتاب آسمانی را شدند، فراهم نماییم.

عیسیٰ عیسیٰ زاده

قم - ۱۳۸۹

۱. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۰۸؛ الکافی، ج ۲، ص ۴۱۷ و مسند احمد بن حبیل، ج ۳، ص ۱۷.

بخش اول:

کلیات

تعریف خانواده

خانواده، واحد اجتماعی نشست گرفته از ازدواج یک زن و یک مرد است که فرزندان پدید آمده از آن‌ها، آن را تکمیل می‌کنند.^۱

خانواده نخستین اجتماعی است که شخص در آن گام می‌نهد و آداب زندگی و اصول و رسوم اجتماعی و تعاون و از خود گذشتگی را فرا می‌گیرد. خانواده کانون حفظ سنت‌های اخلاقی و مرکز رشد عواطف و احساسات است. شک نیست که خانواده‌ها از نظر فرهنگ و نوع تربیت، متفاوت اند. در این میان خانواده قرآنی از همه برتر است؛ یعنی خانواده‌ای که همه افراد آن، وظایف خود را چه فردی و چه خانوادگی و چه اجتماعی بر اساس دستورهای قرآن انجام دهند.

تشکیل خانواده

ارزش و جایگاه تشکیل خانواده

کانون خانواده که با ازدواج مرد و زن شکل می‌گیرد، دارای ارزش و جایگاه مهمی در دین اسلام است، خداوند انسان‌ها را به تشکیل این کانون ارزشمند،

۱. نظام حیات خانواده در اسلام، ص ۲۰.

تشریف و ترغیب نموده است^۱، زیرا انسان‌ها در سایه آرامش به دست آمده از راه تشکیل خانواده^۲، می‌توانند مسیر دست‌یابی به کمال خلقت را

۱. ﴿وَإِنْ حِفْظُمْ أَلَا تُنْسِطُوا فِي أَيْتَامِي فَأُنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنْ أَنْسَاءٍ مُتْنِي وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ حِفْظُمْ أَلَا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَى أَلَا تَعْوُلُوا﴾؛ و اگر می‌ترسید که نسبت به دختران یتیم [در صورت ازدواج با آنان] به عدالت رفتار نکنید، با زنان [دیگر] که مورد پسند شما باشند، دو، و سه سه، و چهار چهار ازدواج کنید. و اگر می‌ترسید که به عدالت عمل نکنید، با یکی [ازدواج کنید] و یا [به] زنانی که مالکشان هستید [کتفنا نمایید]. این دستور، به دوری گریدن شما از انحراف نزدیکتر است. (نساء، آیه ۳). «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ أَلَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأَلْهِلَّكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا إِلَيْكُمْ مُخْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِرِينَ قَمَا أَشَمَّتُمُوهُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَأَتُوْهُنَّ أَجْوَهُنَّ فَرِيْضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْمُ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيْضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيْمًا حَكِيمًا * وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الشُّوْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ السُّؤْنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَأُنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أَجْوَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَحَدِّذَاتٍ أَخْدَانٍ فَإِذَا أَخْصَنَ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نَصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعِذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنْتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ أَعْوَرُ رَحِيمٌ»؛ زنان شوهردار نیز بر شما حرام شده‌اند، مگر کنیزانی که مالک آنان شده‌اید. [این احکام را] خدا بر شما مقرر کرده است. و جز این زنان [که نام برده شدند]، زنان دیگر بر شما حلالند که [آنان را] با پاکدامنی، نه از راه زنا، با اموال خود طلب کنید. پس هرگاه از آنان بهره برده‌ید، مهرشان را به عنوان فریضه به آنان بدھید. و پس از تعیین مهر، بر شما گناهی نیست [که درباره کم و زیاد کردن یا بخشیدن آن] با هم تراضی کنید؛ همانا خدا دانا و حکیم است و هر کس از شما توانایی مالی ندارد که با زنان پاکدامن مؤمن ازدواج کند، با زنان برده مؤمن که مالکشان هستید [ازدواج کند] و خدا به ایمان شما داناتر است. شما همه از یکدیگرید. پس با اجازه صاحبانشان با آنان ازدواج کنید، و مهرشان را به طور پسندیده به آنان بدھید، در حالی که پاکدامن باشند، نه آن که آشکارا مرتكب زناشوند، و نه آن که محربانه دوست بگیرند. پس وقتی که شوهردار شدند، اگر مرتكب فحشاً گردیدند، مجازاتشان نصف مجازات زنان آزاد است. این [ازدواج با زنان برده] برای کسانی از شماست که می‌ترسید [در اثر فشار غریزه جنسی] به مشقت بیفتدند، و خودداری کردن [از این ازدواج] برای شما بهتر است، و خدا بسیار آمرزنه و مهربان است. (نساء، آیات ۲۴ و ۲۵)؛ «وَأَنْكِحُوا أَلَّا يَأْمِنِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَانِكُمْ إِنْ يَكُنُوا فَقَرَاءٌ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلَيْهِمْ»؛ مردان و زنان مجرد و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید. اگر نیازمند باشند، خدا آنان را به فضل خود بی‌نیاز می‌کند؛ و خدا گشایشمند و داناست. (نور، آیه ۳۲).

۲. «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...»؛ اوست آن که شما را از یک تن آفرید، و جفتش را از جنس او قرار داد تا در کنارش آرامش بیابد... (اعراف، آیه ۱۸۹)؛ «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَذْوَاجًا لِتَسْكُنُ إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَنْكَرُونَ...»؛ و از نشانه‌های [قدرت] او این است

به آسانی طی نمایند، چون زن و مرد با پیوند زناشویی و تشکیل خانواده، مکمل همدیگرند و همین امر سبب به کمال رسیدن هر یک از آنان خواهد شد.

از سوی دیگر، خداوند با فرستادن احکام و مقررات ارزشمند برای این پایگاه بزرگ، راه دست یابی به سعادت دنیا و آخرت را برای بشر، فراهم نموده است، زیرا عمل کردن هر یک از اعضای خانواده به آن مقررات و سفارشات می‌تواند آن‌ها را هم در دنیا و هم در آخرت به رستگاری برساند. بنابراین، اگر انسانی از تشکیل خانواده، خودداری نماید، یقیناً راه‌های زیادی را برای دست یابی به تکامل و سعادت از دست داده است.

اگر با تشکیل خانواده، پیوند ایمانی بین اعضای آن برقرار گردد، زمینه ادامه زندگی آن خانواده و در کنار همدیگر بودن آنان در بهشت جاودانه، فراهم می‌گردد.^۱

اما اگر کسی به سبب نداری و تنگ دستی، تشکیل خانواده ندهند، این گونه افراد باید بدانند، گشايش و گسترش روزی، بر اساس مشیت الهی و قانون مندی حاکم بر

→ که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرام گیرید، و میان شما محبت و شفقتی قرار داد. قطعاً در این [تدبیر عجیب] برای مردمی که می‌اندیشدند نشانه‌هast. (روم، آیه ۲۱).

۱. «إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَأَكِيْهُونَ» هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرْضِ إِنَّهُمْ مُنْكَرُونَ؛ به راستی اهل بهشت در آن روز در سرگرمی [اشادی بخشی] شیرین کام‌اند آنان و همسرانشان در سایه‌هایی [آرام بخش] بر تخت‌های آراسته تکیه می‌زنند. (یس، آیات ۵۴ و ۵۵)؛ «الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ» اذْخُلُوا الْجَنَّةَ أَتْمُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ تُحِبُّونَ؛ همانان که به آیات ما ایمان آوردن و تسلیم [حق] بودند شما و همسرانتان در حالی که شادمان گردانده می‌شوید به بهشت درآید. (زخرف، آیات ۶۹ و ۷۰)؛ «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَأَتَقْرَبُوهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانِ الْحَسَنَةِ يُهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ وَمَا أَنْثَمُهُمْ مِنْ عَمَلَهُمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ أُمَرِيْعَ بِمَا كَسَبَ رَهِيْنَ»؛ و کسانی که ایمان آورده و فرزندانشان در ایمان از آنان پیروی کرده‌اند، فرزندانشان را به آنان ملحق می‌کنیم و از عملشان هیچ نمی‌کاهیم. هر کسی در گرو دستاورد خویش است. (طور، آیه ۲۱).

عالم است^۱ و خداوند با تشویق به تشکیل خانواده، فراهم شدن روزی را محصول و آثار اقدام به این امر نموده است.^۲

و از سوی دیگر، فطرت آدمی چنین است که با ازدواج و پذیرش مسئولیت تشکیل خانواده، شخصی فعال می‌شود و نیرو و استعداد خود را بیش از پیش در جهت کسب درآمد مشروع و اداره زندگی جدید به کار می‌گیرد؛ و این امر نه تنها مایه قوام و استواری خانواده می‌شود، بلکه موجب تحرّک اجتماعی و اقتصادی می‌گردد.

ارزش و جایگاه تشکیل خانواده از منظر اهل بیت

۱. برترین پایگاه نزد خدا

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

ما بُنَيَ فِي إِسْلَامٍ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - وَ أَعَزُّ مِنَ التَّزْوِيجِ؛^۳

هیچ بنایی در اسلام، پایه گذاری نشده که در پیشگاه خدای عز و جل، محبوب‌تر و ارجمند‌تر از تشکیل خانواده باشد.

۲. محبوب‌ترین خانه نزد خدا

امام صادق فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود:

۱. «اللَّهُ يَسْطِعُ الْرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُغْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ»؛ خداست که عطايش برای هر که بخواهد توسعه می‌دهد و [یا] تگ می‌گرداند؛ ولی [کافران] به زندگی دنیا خشنودند، در حالی که زندگی دنیا در مقایسه با آخرت جز بهره‌ای اندک نیست. (رعد، آیه ۲۶).

۲. «وَأَنْكِحُوا أَلَّا يَمِنُوكُمْ وَالصَّابِرِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فَقَرَاءٌ يُشْفِهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلَيْهِ»؛ و مردان و زنان مجرد و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید. اگر نیازمند باشند، خدا آنان را به فضل خود بی‌نیاز می‌کند؛ و خدا گشایش مند و داناست. (نور، آیه ۳۲).

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲ و مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۲-۱۵۳.

ما مِنْ شَيْءٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - مِنْ بَيْتٍ يُعَمَّرُ فِي الْإِسْلَامِ بِالنِّكَاحِ؛^۱
هیچ چیز، نزد خدای عز و جل محبوب‌تر از خانه‌ای نیست که با ازدواج آباد گردد.

۳. محبوب‌ترین مباح

امام باقر فرمود:

لَيْسَ شَيْءٌ مُبَاخٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ النِّكَاحِ؛^۲
هیچ چیز مباحی در پیشگاه خداوند، محبوب‌تر از ازدواج نیست.

۴. مکان نزول رحمت الهی

رسول اکرم فرمود:

يُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ بِالرَّحْمَةِ فِي أَرْبَعِ مَوَاضِعٍ: عِنْدَ نُزُولِ الْمَطَرِ، وَعِنْدَ نَظَرِ الْوَلَدِ
فِي وَجْهِ الْوَالَدَيْنِ، وَعِنْدَ فَتْحِ بَابِ الْكَعْبَةِ، وَعِنْدَ النِّكَاحِ؛^۳

درهای آسمان در چهار موضع از سر رحمت، گشوده می‌شود: هنگام نزول باران، و
هنگام نگاه کردن فرزند به چهره پدر و مادر و هنگام گشوده شدن در کعبه و هنگام
ازدواج.

۵. سنت محمد

رسول اکرم فرمود:

النِّكَاحُ سُنْتِي فَمَنْ رِغَبَ عَنْ سُنْتِي فَلَيْسَ مِنِّي؛^۴

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۴.

۳. همان، ص ۱۵۲.

۴. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۰.

ازدواج سنت من است، پس هر کس به سنت من پشت کند از من نیست.

امام صادق روایت نمود که رسول اکرم صلوات الله علیه و سلام فرمود:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ عَلَىٰ فِطْرَتِي، فَلَيَسِنَ سِسْتَيٌ فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي الْتَّكَاحُ؛^۱

هر کس دوست دارد بر آین من باشد، البته باید از سنت من پیروی کند و در راه من گام زند، از جمله سنت‌های من ازدواج است.

امیر مؤمنان علی فرمود:

تَرَوْجُوا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَثِيرًا مَا كَانَ يَقُولُ: مَنْ كَانَ يُحِبُّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتَيِنَ فَلَيَتَّبِعْ فِي إِنَّ مِنْ سُنَّتِي الْتَّرَوْجَ؛^۲

تشکیل خانواده دهید، زیرا رسول خدا صلوات الله علیه و سلام بسیار می‌فرمود: هر کس دوست دارد از سنت من پیروی کند، تشکیل خانواده دهد که از جمله سنت‌های من تشکیل خانواده است.

از انس بن مالک، نقل شده است که عده‌ای از اصحاب پیامبر، پس از آن‌که از احوال پیامبر صلوات الله علیه و سلام - و بندگی و پارسایی و پرهیزگاری او - با خبر شدند، گمان کردند که لازمه بندگی و پارسایی و پرهیزگاری، دست شستن از زندگی معمولی و رهبانیت پیشگی است؛ برخی گفتند: «هرگز ازدواج نخواهیم کرد». و بعضی گفتند: «هرگز گوشت نخواهیم خورد». و عده دیگری گفتند: «هرگز در بستر نخواهیم خفت». و دیگرانی گفتند: «پیوسته، روزه دار خواهیم بود و افطار نخواهیم کرد». چون این سخنان به گوش پیامبر صلوات الله علیه و سلام رسید، خطبه‌ای خواند و پس از حمد و ثنای الهی فرمود:

مَا بَالْ أَقْوَامٍ قَالُوا كَذَا وَ كَذَا، لِكُنَّيْ أُصَلَّى وَ أَنَامُ وَ أَصُومُ وَ أَفْطَرُ وَ أَتَرَوْجُ النِّسَاءَ،

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۷۴

۲. همان، ص ۶ و ۷

فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنْتِي فَلَيَسَ مِنِّي؛^۱

چه شده است که گروههایی، چنین سخنانی بر زبان می‌آورند، در حالی که من نماز می‌گرام و استراحت می‌کنم، روزه می‌گیرم و افطار می‌نمایم، و ازدواج می‌کنم؛ پس هر که از سنت من روی بگرداند از من نیست.

۶. سبب کمال دین

امیر مؤمنان علی فرمود:

لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ يَتَرَوَّجُ إِلَّا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ كُلُّهُ دِينُهُ:^۲

هیچ یک از اصحاب رسول خدا ازدواج نمی‌کرد، مگر این‌که رسول خدا می‌فرمود: دینش کامل شد.

امام رضا نقل کرد، که زنی در مقام پرسش به امام باقر، گفت: «من مُتَبَّلٌ هستم». حضرت فرمود: «مقصودت از تَبَّلٌ چیست؟» گفت: «تصمیم دارم، هرگز ازدواج نکنم». فرمود: «برای چه؟» گفت: «برای دستیابی به فضل و کمال». امام فرمود: «انصَرِفِي، فَلَوْ كَانَ فِي ذَلِكَ فَضْلٌ لَكَانْتْ فَاطِمَةُ أَحَقٌ بِهِ مِنْكَ، إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ يَسْبِقُهَا إِلَى الْفَضْلِ».^۳

از این تصمیم منصرف شو، زیرا اگر خودداری از ازدواج فضیلت و کمالی در بر می‌داشت فاطمه به درک این فضیلت و کمال از تو شایسته‌تر بود، در حالی که هیچ کس نیست که در فضیلت و کمال، بر وی پیشی گیرد.

۱. صحیح مسلم، ج ۹، ص ۱۷۹.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۴.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹.

۷. راه دست‌یابی به سعادت

رسول اکرم ﷺ فرمود:

مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَغْطَيَ نِصْفَ السَّعَادَةِ؛^۱

هر کس، تشکیل خانواده دهد، به نیمی از سعادت، دست یافته است.

۸. سبب حفظ دین

رسول اکرم ﷺ فرمود:

مَنْ تَزَوَّجَ [فَقَدْ] أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ، فَلَيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي؛^۲

هر کس تشکیل خانواده دهد، نیمی از دینش را حفظ کرده است، پس باید در نیم دیگر از خداوند بترسد.

۹. برتر از نماز و روزه مجرد

رسول اکرم ﷺ فرمود:

الرَّكْعَاتُانِ يُصْلِيهِمَا مُتَرَوِّحٌ أَفْضَلُ مِنْ رَجُلٍ عَزِيزٍ يَقُومُ لَيْلَهُ وَ يَصُومُ نَهَارَهُ؛^۳

دو رکعت نمازی که انسان متأهل اقامه نماید، برتر از آن است که مجردی، شب را به نماز شب و روز را به روزه بگذراند.

۱۰. برتر از هفتاد رکعت نماز مجرد

امام صادق فرمود:

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۳۲۹ و بحدار الانواد، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۷.

رَكْعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا الْمُتَرَوِّجُ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً يُصَلِّيهِمَا الْأَعْزَبُ؛^۱
دور رکعت نمازی که انسان متأهل بگزارد از هفتاد رکعت نمازی که مجرد به جا آورد،
برتر است.

رسول اکرم ﷺ فرمود:
الْمُتَرَوِّجُ التَّائِمُ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصَّائِمِ الْعَزَبِ؛^۲
ارزش و مرتبه فرد متأهل خفته، از فرد روزه دار و نماز شب خوان مجرد، برتر است.

۱۱. سبب گشایش روزی

رسول اکرم ﷺ فرمود:
إِتَّخِذُوا الْأَهْلَ فَإِنَّهُ أَرْزَقُ لَكُمْ؛^۳
تشکیل خانواده دهید که این امر گشایش دهنده روزی بر شماست.

فلسفه تشکیل خانواده

کانون خانواده با خلقت آدم ابوالبشر و همسرش حوا شکل گرفته تا انسان در سایه این کانون به آرامش دست یابد و با ایجاد محبت و مهربانی و کسب عفت و پاکدامنی به تکامل برسد.^۴ خداوند برای بقای نسل بشر^۵ و دست یابی انسانها به آثار

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۶.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۱.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳.

۴. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْثِيَتُكُمْ أَرْوَاحًا لِتَشْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ لَيْتَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِيَّاتٍ لَقُومٌ يَتَكَبَّرُونَ»؛ و از نشانه های [قدرت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرام گیرید، و میان شما محبت و شفقتی قرار داد. قطعاً در این [تدبیر عجیب] برای مردمی که می اندیشتند نشانه هاست. (روم، آیه ۲۱)

و فواید ارزشمند تشکیل خانواده، آنان را به این امر تشویق کرده احکام متناسبی را برای آن قرار داده است تا با عمل کردن به آنها از برکات تشکیل خانواده بهره‌مند گردند و به وسیله آن بتوانند افزون بر سعادت دنیوی به زندگی جاودانه آخرتی نیز دست پیدا کنند.

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّنْ نُفُسٍ وَاجِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زُجَاهًا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...﴾؛ اوست آن که شما را از یک تن آفرید، و جفت‌ش را از جنس او قرار داد تا در کنارش آرامش بیابد...؛ (اعراف، آیه ۱۸۹) «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامِنِ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءٌ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَابْنُهُ عَلِيمٌ»؛ و مردان و زنان مجرد و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید. اگر نیاز مند باشند، خدا آنان را به فضل خود بی نیاز می‌کند؛ و خدا گشایشمند و داناست. (نور، آیه ۳۲).

۵. «فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْواجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْواجًا يَذْرُوْكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ أَسَمِيعُ الْأَصْفِيرُ»؛ آفریننده آسمان‌ها و زمین است. برای شما از خودتان جفت‌هایی قرار داد، و از دام‌ها نیز جفت‌هایی [قرار داده است]. شما را بدین وسیله تکثیر می‌کند. برای او مانندی نیست و اوست که شنوا و بیناست. (شوری، آیه ۱۱).

بخش دوم:

وظایف متقابل زن و مرد

وظایف مرد در برابر زن

ارزش و جایگاه زن صالحه

۱. خیر دنيا و آخرت

از امام باقر روايت شده است که پیامبر اکرم ﷺ، فرمود:

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: إِذَا أَرْدَتُ أَنْ أَجْمَعَ الْمُسْلِمِينَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛ جَعَلْتُ لَهُ قَلْبًا خَاسِعًا، وَ لِسَانًا ذَاكِرًا، وَ جَسَدًا عَلَى الْبَلَاءِ صَابِرًا، وَ رَوْجَةً مُؤْمِنَةً تَسْرُّهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا؛^۱

خدای عز و جل فرموده است: هرگاه بخواهم خیر دنيا و آخرت را برای مسلمانی گرد آورم، برایش قلبی خاشع و زبانی ذاکر و تنی صابر بر بلا، قرار دهم و همسری که چون او را بنگرد شادمان شود.

۲. بهترین گنج

رسول اکرم ﷺ فرمود:

أَلَا أَحْبَرُكُمْ بِخَيْرٍ مَا يُكْنِزُ؟ الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا تُسْرُّهُ؛^۲

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۳

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۱

آیا شما را از بهترین چیزی که اندوخته کنید، آگاه نکنم؟ [بهترین اندوخته]، همسری صالح است که چون [شویش] بدو بنگرد، شادمان شود.

۳. سبب آسایش

امام صادق فرمود:

ثَلَاثَةُ لِلْمُؤْمِنِ فِيهَا رَاحَةٌ... وَ امْرَأَةُ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛^۱
سه چیز مایه راحت و آسایش مؤمن است... و از آن سه، همسری است صالح که یاور مؤمن در امر دنیا و آخرت است.

۴. برتر از هزار مرد ناصالح

رسول اکرم فرمود:

الْأَمْرَأَةُ الصَّالِحَةُ خَيْرٌ مِنَ الْفِرْجِ غَيْرِ صَالِحٍ؛ وَ أَيْمًا إِمْرَأَةٌ خَدَّمَتْ زَوْجَهَا سَبْعَةَ أَيَّامٍ، أَغْلَقَ اللَّهُ عَنْهَا سَبْعَةَ أَبْوَابِ التَّارِ، وَ فَتَحَ لَهَا تَمَائِيَةً أَبْوَابِ الْجَنَّةِ تَدْخُلُ مِنْ أَيْمًا [إِيمَاءً] شَأْءَتْ؛^۲

زن صالح از هزار مرد ناصالح بهتر و برتر است؛ و هر زنی که هفت روز به همسر خود خدمت نماید، خداوند هفت در آتش [جهنم] را بر او بیند و هشت در بهشت را بر او بگشاید تا از هر دری که خواست به بهشت در آید.

رسول اکرم فرمود:

مَنْ أَعْطَيَ خَمْسًا لَمْ يَكُنْ لَهُ عُذْرٌ فِي تَرْكِ عَمَلِ الْآخِرَةِ: زَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ دُنْيَاهُ وَ آخِرَتِهِ، وَ بَنْوَنَ أَبْرَارٌ، وَ مَعِيشَةٌ فِي بَلَدِهِ، وَ حُسْنُ خُلُقٍ يُذَارِي بِهِ

۱. وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۱۴.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۲۵۱.

النَّاسُ، وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِي؛^۱

هر که پنج چیز داشته باشد، دیگر بهانه‌ای در ترک عمل آخرتی ندارد [و آن پنج چیز عبارتند از:] همسری شایسته که او را در دنیا و آخرتش یاری دهد، فرزندانی نیک کردار، کار کردن در شهر و منطقه خودش، اخلاقی نیکو که بدان با مردمان، مدارا نماید و دوستی اهل بیت من.

۵. سبب نجات از تیرگی و دیوانگی

امام صادق فرمود:

خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ لَمْ يَرُلْ نَاقِصَ الْعِيشِ، زَائِلَ الْعُقْلِ، مَسْعُولُ الْقَلْبِ: فَأَوْلُهَا: صِحَّةُ الْبَدْنِ، وَ الثَّالِثَةُ: الْآمْنُ، وَ الثَّالِثَةُ: الْسَّعَةُ فِي الرِّزْقِ، وَ الرَّابِعَةُ: الْأَنْبِيسُ الْمُوَافِقِ، قُلْتُ: وَ مَا الْأَنْبِيسُ الْمُوَافِقُ؟ قَالَ: الْأَرْوَحَةُ الصَّالِحَةُ، وَ الْوَلْدُ الصَّالِحُ، وَ الْخَلِيلُ الصَّالِحُ، وَ الْخَامِسَةُ وَ هِيَ تَجْمَعُ هَذِهِ الْخِصَالَ: الدَّعَةُ؛^۲

پنج چیز است که هر کس یکی از آنها را نداشته باشد، پیوسته زندگی اش تیره و عقلش آشفته و دلش گرفتار باشد: نخستین آنها، تندرستی است، دوم امنیت است، و سوم گشادگی در روزی است، و چهارم همدم موافق است. راوی گوید، گفتم: همدم موافق کیست؟ فرمود: همسر صالح، و فرزند صالح، و دوست صالح و پنجمین چیز که اینها را دربر می‌گیرد عبارت است از: آسایش.

۶. سبب اصلاح شوهر

یکی از چیزهایی که مرد مسلمان را اصلاح می‌کند، این است که، زنی داشته باشد،

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۱.

۲. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۶.

وقتی به او نگاه می‌کند، شاد گردد و هنگامی که از خانه خارج می‌شود، شوهر را در قلب و در اعماق وجود خود حفظ کند و هرگاه به او دستوری می‌دهد، اطاعت نماید.^۱

جایگاه و اهمیت رعایت حقوق در خانواده

شناخت حقوق متقابل و پایبندی بدان، راه گشاترین راه دستیابی به زندگی سالم و خانواده مطلوب است، زیرا محور قرار گرفتن حقوق در زندگی خانوادگی، ریشه زندگی سعادت‌آمیز است و هرگونه رفتار گزینشی با این حقوق و پایبندی به برخی و پشت‌پا زدن به برخی دیگر، نظام خانواده را متزلزل و در معرض آسیب‌های جدی قرار می‌دهد و مانع هرگونه لذت جویی در کانون خانواده خواهد شد.

حاکمیت حقوق و حدود در خانواده از حاکمیت و سلطه فرد در خانواده جلوگیری می‌کند، اسلام در جامعه‌ای که چیزی به نام حقوق معنا نداشت، روابط خانوادگی را بر حقوق پایه‌ریزی نمود و مبنای تمام رفتارها و روابط و مناسبات را حقوق قرار داد. پیامبر اکرم ﷺ نیز در شرایط گوناگون، حقوق مداری در خانواده را مطرح کرد و خود در رفتار و شیوه زندگی خانوادگی اش آن را نشان می‌داد تا مسلمانان و پیروانش روابط خانوادگی خود را بر اساس حقوق تنظیم کنند.

آن حضرت در حجۃ الوداع، خطبه مهمی ایراد نمودند، در آن خطبه سفارش‌های ارزشمندی به امت فرمودند که از جمله آن سفارش‌ها، رعایت حقوق متقابل در خانواده بود.

... أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ النِّسَاءَ عِنْدَكُمْ عَوَانٌ، أَخْذُ تُمْوِهْنَ بِأَمَانَةِ اللَّهِ، وَ اسْتَحْلَلُونَ

فُرُوجَهُنَّ بِكَلْمَةٍ [بِكَلْمَاتٍ] اللَّهِ: فَلَكُمْ عَلَيْهِنَّ حَقٌّ، وَ لَهُنَّ عَلَيْكُمْ حَقٌّ؛^۲

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۲، ح ۷.

۲. الخصل، ج ۲، ص ۴۸۷ و بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۳۸۱.

مردم! زنانتان در بند شمایند، آنان را به عنوان امانت خدا برگرفتید و با حکم خدا بر شما حلال شده‌اند، پس شما را برایشان حقوقی است و آنان را بر شما حقوقی است.

رعايت حقوق زن

خداؤند حقوقی برای زن بر عهده شوهر قرار داده است، و مردان را مکلف به ادعای این حقوق نموده است^۱ و آنان را از هر گونه سختگیری بر زنان منع کرده است.^۲

موارد حقوق زنان

۱. پرداخت مهریه

مهریه یکی از حقوق زنان بر عهده شوهرهاست که آنان وظیفه دارند به زنان خویش پرداخت نمایند، مگر آن که زنی مهریه خود را به شوهر بخشد.^۳

۱. «وَلَهُنَّ مِثْلُ أَذْنِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلْجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ ... و برای این زنان، به طور شایسته [حقوقی بر مردان] است، مانند آنچه [برای مردان] بر عهده آنان است، و مردان بر آنان مرتبی دارند؛ و خدا عزّتمند و حکیم است. (بقره، آیه ۲۲۸).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتُوا لَا يَحْلُّ لَكُمْ أَنْ تُرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَدْهِيْوَا بِعْضًا مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيْنَ بِفَاحِشَةً مُبِيِّنَةً وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرْهُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرُهُوْا سَيِّئًا وَيَعْلَمُ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای شما حلال نیست که زنان را با کراحت آنان به ارث ببرید؛ و آنان را در تنگنا قرار ندهید تا بخشی را از آنچه به ایشان داده‌اید از دستشان به در بریم، مگر این که کار بسیار زشت آشکاری مرتکب شوند. و با آنان به طور پسندیده معاشرت کنید؛ پس اگر از آنان خوشتان نمی‌آید، [تحمل] کنید، زیرا بسا چیزی را شما خوش نمی‌دارید در حالی که خدا خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد. (نساء، آیه ۱۹).

۳. «وَآتُوا النِّسَاءَ حَدُّقَاتِهِنَّ نَخْلَةً فَإِنْ طَيْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُّهُ هَيْسِيَا مَرِيَّنَا»؛ و مهر زنان را با رضایت خاطر به آنان بدھید؛ پس اگر چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما بخشدند، آن را حلال و گوارابخورید. (نساء، آیه ۴).

۲. تأمین رفاه متناسب

یکی دیگر از حقوقی که خداوند برای زن، بر عهده شوهر قرار داده است، تأمین رفاه متناسب به عنوان پرداخت نفقة می‌باشد.^۱

تأمین رفاه خانواده از منظر اهل بیت

تلاش برای رفاه معقول و معتل از وظایف مسئول خانواده می‌باشد. رسول اکرم در این مورد فرمود:

آئیسَ مِنْ مَنْ وَسَعَ اللَّهُ عَلَيْهِ ثُمَّ قَتَرَ عَلَى عِيالِهِ؛^۲

کسی که خداوند بدو گشايش [در امکانات و دارایی] داده است و او بر خانواده خود سخت می‌گیرد، از ما نیست.

آن حضرت درباره ارزش تلاش مرد در تأمین نیازهای مادی فرمودند:

الْكَلَادُ عَلَى عَيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛^۳

تلاش کننده در راه [رفاه] خانواده مانند مجاهد در راه خداد است.

۱. «...وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا...»؛ و خوراک و پوشاك مادران به طور شایسته، بر عهده پدر است. هیچ کس جز به قدر وسعش مکلف نمی‌شود. (بقره، آیه ۲۳۳): «الرَّجَالُ قَوْمُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...»؛ مردان بر زنان خود مدیریت دارند، بدان سبب که خدا بعضی از آنان (مردان) را بر بعضی (زنان) برتری داده است، و نیز بدان سبب که آنان [در زندگی مشترک خود] از اموالشان هزینه می‌کنند... (نساء، آیه ۳۴) «لَيُثْنِقَ دُوْسَعَةٍ مِنْ سَعْيِهِ وَمَنْ قُدْرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلَيُثْنِقَ مِنْ أَنَاءَ اللَّهِ لَا يُكَافِدُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيِّجَعُ اللَّهُ بَعْدَ عُشْرِ يُسْرًا»؛ باید هر صاحب وسعتی طبق وسع خود هزینه کند؛ و کسی که رزقش بر او تنگ شده باید از آنچه خدا به او داده است هزینه نماید. خدا هیچ کس را جز به قدر آنچه به او داده است تکلیف نمی‌کند. به زودی خدا پس از سختی سهولتی پدید می‌آورد. (طلاق، آیه ۷).

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۵۶.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۸۸.

و در جمله‌ای دیگر فرمود:

إِذَا خَرَجَ الْعَبْدُ فِي حَاجَةٍ أَهْلِهِ، كَتَبَ اللَّهُ - تَعَالَى - لَهُ بِكُلِّ حُطْوَةٍ دَرَجَةً، وَ إِذَا فَرَغَ مِنْ حَاجَتِهِمْ غَرَّلَهُ؛^۱

چون بنده در طلب تأمین نیازهای خانواده‌اش گام بیرون نمهد، خدای متعال برای هر گام او در این راه درجه‌ای بنویسد و چون در تأمین نیازهای ایشان از کار فارغ شود، آمرزیده محسوب گردد.

امام سجاد در ارزش تلاش برای معیشت خانواده فرمود:

لَأَنْ أَدْخُلَ السُّوقَ وَ مَعِي دَرَاهِمَ أَبْنَاعُ بِهِ لِعَيْالِي لَحْمًاً وَ قَدْ قَرِمُوا [إِلَيْهِ] أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَعْقِقَ نَسِيمَةً؛^۲

اگر به بازار روم و چند درهمی داشته باشم که برای خانواده خود گوشت بخرم، در حالی که به آن خیلی تمایل داشته باشند، برای من از آزاد کردن بردهای محبوب تر است.

۳. حق همخوابگی و تأمین نیازهای جنسی زن

در منطق اسلام، توجه به نیازهای جنسی در درون خانواده و تأمین صحیح آنها در آن جا و صیانت جامعه از بروز و ظهور مسائل جنسی بسیار تأکید شده است، دو همسر باید بدانند که روابط جنسی نقشی مهم در زندگی زناشویی دارد و روابط جنسی تنها رابطه‌ای جسمی نیست بلکه آنچه مهم‌تر است و بلکه اساس روابط جنسی است و روح و باطن آن شمرده می‌شود، رابطه معنوی و روحی دو همسر و پیوند لطیف آن دو در پرتو رابطه جنسی پر لطافتی است که در این صورت، زمینه

۱. کنز المحتل، ج ۱۶، ص ۲۸۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۵۱.

آرامش مناسب و شیرین برایشان فراهم می‌شود. احساس زن و مرد برای رابطه‌ای مناسب، بسیار مهم است و این‌که هر دوی آنان، احساس کنند که شریک یکدیگر در رابطه‌ای روحی و جسمی هستند و در این صورت است که حظ و لذت واقعی تدارک می‌شود. در آموزه‌های دینی رابطه صحیح جنسی میان دو همسر امری معنوی و مورد پسند خداست و با چنین نگاهی رابطه جنسی، وصالی مقدس و پیوندی مبارک و وحدتی لطیف و زیبا شمرده می‌شود. این چنین است که رابطه جنسی میان دو همسر، یک‌سویه نخواهد بود و بر آوردن نیاز جنسی یکدیگر، مطلوب دو همسر قرار می‌گیرد و پرده پوشی و حیاورزی به کناری می‌رود و روابط صمیمی و راحت و پر لطافت معنا می‌یابد و هیچ یک از دو همسر، دیگری را از چنین رابطه‌ای محروم نمی‌سازد و این رابطه دوسویه و پر رمز و راز را از دیگری مضایقه نمی‌کند و هر یک، تلاش می‌کند احساس رضایت را در رابطه جنسی فراهم سازد که این امر از عوامل یک زندگی زناشویی پر نشاط، کامیاب و پایدار است.

بنابراین، لازم است زن و مرد با درکی درست از روابط جنسی و نگاهی لطیف و انسانی به آن، زندگی خود را از این موهبت الهی، بهره‌مند سازند.^۱

تأمین نیازهای جنسی زنان از منظر اهل بیت

۱. امام صادق فرمود: «... سلمان گفت: از رسول خدا علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: هر مردی که کنیزی داشته باشد و خواهش‌های جنسی او را به جا نیاورد و یا او را به کسی که خواهش‌های جنسی او را برآورده می‌نماید، تزویج نکند، سپس زن به گناه مبتلا شود، برای آن مرد نیز مانند همان گناه، حساب می‌شود...»^۲

۱. سیره بنوی، ج ۴، ص ۲۰۹ و ۲۱۰.

۲. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۸۳.

۲. از امام رضا سؤال شد: مردی داغدار و مصیبت‌زده، بدون آن که قصد ضرر زدن به همسر جوان خود را داشته باشد، ماهها و بلکه یک سال است که با همسر خود آمیزش جنسی نداشته است. آیا او گناه کار می‌باشد؟ آن حضرت فرمود: «این مرد اگر بیشتر از چهار ماه با زن خود آمیزش نکند، گناه کار است و مرتكب حرام شده است. [در روایتی دیگر در ادامه حدیث بیان شده:] مگر آن‌که زن به شوهرش اجازه بدهد.»^۱

۳. امام صادق از پدر بزرگوارش نقل نمود که پیامبر اکرم فرمود:

ثَلَاثَةُ مِنَ الْجَفَا: أَنْ يَصْحَبَ الرَّجُلُ الرَّجُلَ فَلَا يَسْأَلُهُ عَنْ إِسْمِهِ وَ كُنْتِيهِ، وَ أَنْ يُدْعَى الرَّجُلُ إِلَى طَعَامٍ فَلَا يُجِيبَ، أَوْ يُجِيبَ فَلَا يَأْكُلُ، وَ مُوَاقِعَةُ الرَّجُلِ أَهْلَهُ قَبْلَ الْمُلَاعِيَّةِ؛^۲

سه چیز از جفاست: ۱. مردی با مرد دیگر مصاحب و همراه شود، ولی اسم و کنیه او را پرسید. ۲. مردی به خوردن طعام دعوت شود، ولی اجابت نکند یا قبول کند ولی نخورد. ۳. مرد قبل از آن‌که همسرش را تحریک نموده و آماده آمیزش نماید، با او آمیزش جنسی انجام دهد.

۴. امیر مؤمنان علی فرمود:

إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْتِي زَوْجَتَهُ فَلَا يُعَجِّلُهَا فَإِنَّ لِلنِّسَاءِ حَوَائِجَ^۳

هر گاه یکی از شما بخواهد [برای رابطه جنسی] با همسرش خلوت سازد [لازم است همسرش را آماده رابطه نماید] و نباید در این امر شتاب ورزد، زیرا زنان را نیازهایی است.

خداآوند در قرآن هم به مردان و هم زنان، توصیه نموده است که هیچ کدام، حق

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۴۰.

۲. همان، ج ۱۴، ص ۸۳.

۳. همان.

ندارند به بهانه فرزند، طرف مقابل را از ارتباط جنسی محروم نمایند.^۱ از امام صادق در مورد تفسیر این کلام خداوند سؤال شد، آن حضرت فرمود: «گاه زنی میل به آمیزش با شوهرش دارد، ولی شوهر می‌گوید: می‌ترسم که باردار شوی و من سبب مرگ فرزندم بشوم. در نتیجه تقاضای زن را نپذیرفته، با او آمیزش نمی‌کند. خداوند عزوجل در این آیه قرآن، مردان را از این عمل باز داشته، می‌فرماید: مردان حق ندارند به زنان ضرر برسانند و زنان نیز به خاطر بچه نباید مانع آمیزش شوهر خود شده، به او ضرر بررسانند.»^۲

خداوند فقط به شوهرانی اجازه ترک همخوابگی با زنان را داده است که از فرمان شوهر سریچی کرده و از انجام خواسته مشروع شوهر نشوز کنند.^۳

۵. امام صادق فرمود:

...فَخَصِبَ الرَّجُلُ بِالسَّوَادِ، فَقَالَ النَّبِيُّ ... مَحَبَّةُ إِلَيْنَا كُمْ؛^۴

مرد به رنگ سیاه خضاب کند که پیامبر فرمود: این کار باعث محبت در زنانタン می‌شود.

۱. «وَالوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أُولَادَهُنَّ حَوَلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُبَيِّنَ الْرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْأَمْوَالِ دَلَّهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةُ بُوَلَّهَا وَلَا مَوْلُودُهُ بُوَلَّهِهِ...»؛ و مادران [مطلوبه] فرزندانشان رادو سال تمام شیر دهنند. [این حکم] برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تمام کند. و خوراک و پوشاسک مادران، به طور شایسته، بر عهده پدر است. هیچ کس جز به قدر وسعتش مکلف نمی‌شود. هیچ مادری نباید به فرزندش زیان برساند، و هیچ پدری نباید به فرزندش [ازیان برساند]... (بقره، آیه ۲۲۲).

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۵۷.

۳. «وَاللَّاتِي تَخَافُونَ شُحُورَهُنَّ عَظُوْهُنَّ وَأَهْبُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَأَضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطْغَنَكُمْ فَلَا يَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْهَا كَبِيرًا...»؛ و زنانی که از ناسازگاری آنان بیم دارید، نخست اندرزشان دهید، و [اگر سود نداده] در بستر از آنان دوری کنید، و [اگر سود نداده] آنان را بزنید؛ پس اگر از شما اطاعت کردن، راهی بر زیانشان مجویید. همانا خدا بلند مرتبه و بزرگ است. (نساء، آیه ۳۴).

۴. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۸۷

۶. امام باقر فرمود:

النِّسَاءُ يُحْبِبُنَ أَنْ يَرَيْنَ الرِّجَالَ فِي مِثْلِ مَا يُحِبُّ الرِّجَالُ أَنْ يَرَى فِيهِ النِّسَاءَ مِنَ
الرِّبَّةِ:^۱

همان طور که شوهران دوست دارند زن خود را (زینت شده) ببینند، زنان نیز دوست
دارند، شوهر خود را (آراسته) ببینند.

رعایت آداب و احکام رفتار جنسی

رفتار جنسی، احکام و آدابی دارد که تقوا و پاکی آنها را گرد می‌آورد و همین
خود، انسان و رفتار جنسی و پاسخ به این نیاز ضروریش را از دیگر موجودات در
پاسخ به این نیازشان جدا می‌سازد. خداوند برای بهره‌مندی جنسی مردان از زنان،
توصیه‌هایی فرمود که هر مردی ملزم می‌باشد به آن توصیه‌ها عمل کند والا مرتكب
محرّمات الهی می‌شود.^۲

[ای پیامبر] از تو درباره حیض زنان می‌پرسید، بگو حیض رنجی است.
پس در ایام حیض از زنان دوری گزینید و با آنها آمیزش جنسی نکنید
تا پاک گردن و چون پاک شدند از آن طریقی که خداوند فرمان داده است
با ایشان آمیزش کنید هر آینه خدا توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست
دارد.

۱. بخار الانواد، ج ۷۶، ص ۱۰۱.

۲. «وَسَأَلُوكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَنْزِهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأُشْوُهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمْرَكُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّبِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَّهَرِينَ»؛ و از تو درباره حیض می‌پرسید، بگو: آن رنج و آزاری
است. پس به هنگام حیض، از زنان کناره بگیرید و نزدیکشان نشوید تا پاک گردن. پس وقتی که خود را پاکیزه
کردن، از جایی که خدا به شما فرمان داده است بر آنان درآیید. همانا خدا توبه کاران و پاکیزگان را دوست می‌دارد.
(بقره، آیه ۲۲۲).

احترام و محبت به زن اهمیت احترام و محبت به همسر

احترام و محبت در روابط خانوادگی، نقش بسیار مهمی در سلامت خانواده دارد، هر چه احترام و محبت به یکدیگر عمیق‌تر و گستردگر باشد، زندگی خانوادگی از آرامش، لذت، توانایی و رشد بیش‌تری برخوردار خواهد بود، حفظ حرمت زنان و اظهار محبت به آنان، از توصیه‌های خداوند به مردان است،^۱ زیرا تکریم و محبت نمودن، هم چون چشمۀ زلالی است که سیرابی زندگی از آن است و این چشمۀ مجاری مختلف می‌یابد و در هر مجرأ بارور کننده و رشد دهنده است. قرار گرفتن دو فرد با دو شخصیت و دو تربیت در کنار یکدیگر برای زندگی مشترک، نیازمند جوشش پیوسته محبت و رحمت است؛ و این جوشش زمانی کار ساز و مفید است که در ظروف مختلف جاری گردد و در صورت‌های گوناگون، خود را نشان دهد: بر زبان و گفتار، در سلوك و رفتار و در کنش‌ها و واکنش‌ها. محبت ورزیدن به همدیگر بهترین محرّک زندگی سالم و شاداب است و این چیزی است، که زن و مرد را به کار و تلاش و امداد زن و مرد با محبت، همدیگر را کامل می‌کنند و زمینه تأمین نیازهای یکدیگر و ادای درست حقوق همدیگر را فراهم می‌سازند. زندگی با احترام و محبت به درستی پیش می‌رود و فشار زندگی و مشکلات جز با محبت و رحمت قابل تحمل نمی‌شود.

۱. «وَاعْشُوْهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْمُوْهُنَّ يَعْسِيْ أَنْ تَكْرُهُوْا شَيْئاً وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا...»؛ ... و با آنان به طور پسندیده معاشرت کنید؛ پس اگر از آنان خوشتان نمی‌آید، [تحمل] کنید، زیرا] بسا چیزی را شما خوش نمی‌دارید در حالی که خدا خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد. (نساء، آیه ۱۹).

اظهار محبت

از مهم‌ترین جلوه‌های محبت و تکریم در زندگی، جلوه‌های زبانی و گفتاری است؛ به زبان آوردن عشق، دوستی و محبت، تحسین یکدیگر و بیان زیبایی‌ها، خوبی‌ها و توانایی‌ها، به گفت‌وگو نشستن و با یکدیگر مشورت نمودن، تأثیری بسیار زیادی در جلب اعتماد داشته و سبب برطرف شدن مشکلات زندگی خواهد شد.

اعتدال در محبت

در منطق اسلام، همان اندازه که محبت به زن، مورد توجه قرار گرفته، به اعتدال در محبت نیز سفارش شده است. شوهر، وقتی بیش از حد، تسلیم خواسته‌های خوب و بد همسر خویش می‌شود، بزرگ‌ترین ضربه را از نظر روحی و روانی به او وارد کرده است، زیرا این کار سبب ناز پروردگی و زودرنجی همسر می‌شود که با کوچک‌ترین ناملایمات آزرده و ناراحت می‌شود.

در هر صورت محبت به خانواده تا آن‌جا مورد قبول دین اسلام است که سبب از دست دادن محبت خدا و رسول خدا و ارزش‌های الهی نشود و در موقع آزمایش الهی، محبت به زن و فرزند را بر محبت به خدا ترجیح ندهد و الا این نوع محبت، سبب گمراهی و فسق انسان می‌گردد.^۱

۱. «فُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِشْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَشْوَافُكُمْ وَأَشْوَافُ أَقْرَبَتُكُمْ وَتِجَارَةً تَخْشُونَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجَهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَصُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَشْهُرٍ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي أَلْقَوْمَ أَلْفَاسِيَّنَ»؛ بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و خویشاوندانان و اموالی که به دست آورده‌اید و تجاری که از کسادی آن بیم دارید و خانه‌هایی که به آنها خشنودید، نزد شما از خدا و پیامبر و جهاد در راه او محبوب ترند، پس منتظر باشید تا خدا فرمان خود را بیاورد. و خدا مردم نافرمان را هدایت نمی‌کند. (توبه، آیه ۲۴) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

يَأَيُّهَا مَسْعُودُ لَا تَحْمِلْنَ السَّقَةَ عَلَى أَهْلِكَ وَ وَلَدِكَ عَلَى الدُّخُولِ فِي الْمَعَاصِي وَ
الْحَرَامِ؛^۱

ای پسر مسعود، مبادا به خاطر محبت نسبت به زن و فرزند، وادرار به گناه و افتادن در
حرام شوی!

ارزش و آثار احترام و محبت به زن در روایات

۱. از اوصاف اهل بیت

رسول اکرم ﷺ فرمود: «به ما اهل بیت، هفت چیز داده شده که به احدی قبل و بعد
از ما چنین عطا نشده و آن‌ها عبارتند از:... و محبت به همسر».^۲

۲. نشانه دوستی اهل بیت

امام صادق فرمود: «هر کس محبتش به ما اهل بیت زیاد شود، محبت او به زنش
زیاد می‌شود».^۳

۳. از اخلاق انبیا

امام صادق فرمود: «دوست داشتن همسر (زن)، از خُلق و خُوى

→ لَا تُهِمُّ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعُلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مبادا
اموال و فرزنداتان شما را از یاد خدا غافل کنند. و هر کس چنین کند، اینانند که زیانکار خواهند بود. (منافقون،
آیه ۹).

۱. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۳۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۲.

۳. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۲۸۷.

پیامبران است.^۱

۴. سبب زیاد شدن ایمان

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «هرگاه ایمان بندهای زیاد شود، محبتش نسبت به همسر (زن) زیاد می‌شود.»^۲

امام صادق فرمود: «هرگاه عشق و علاقه مردی به همسرش زیاد می‌شود بر ایمان او افزوده می‌شود.»^۳

امام صادق فرمود: «من گمان ندارم که بر ایمان مردی، خیری اضافه شود، مگر آن که محبت و علاقه او به همسرش زیادتر شود.»^۴

۵. از حقوق زنان

امام سجاد فرمود: «... حق زن بر تو (شوهر) آن است، که بدانی خداوند او را مایه آرامش و انس تو قرار داد، پس بدان که همسری او، نعمتی الهی می‌باشد و بر تو واجب است که او را تکریم و احترام کنی...»^۵

۶. بهترین فرد

حضرت فاطمه فرمود: «بهترین شماکسی است که در برخورد با مردم نرم‌تر و مهربان‌تر باشد و همسر خویش را بیشتر مورد تکریم قرار دهد.»^۶

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۷.

۲. همان.

۳. مکارم الاخلاق، ص ۱۹۷.

۴. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۲.

۵. همان، ج ۱۵، ص ۱۷۴.

۶. دلائل الامامة، ص ۷.

٧. سبب جلب محبت

رسول اکرم ﷺ فرمود: «سخن مرد به زنش که «دوستت دارم» هرگز از قلب زن بیرون نمی‌رود.»^۱

٨. نشان بزرگواری

رسول اکرم ﷺ فرمود: «تکریم نمی‌کنند زنان را مگر افراد بزرگوار و تحقیر نمی‌کنند آن‌ها را مگر افراد فرومایه.»^۲

٩. سفارش جبرئیل

حَوْلًا از پیامبر اکرم ﷺ پرسید: ... زن چه حقی بر مرد دارد؟ آن حضرت فرمود: «جبرئیل همواره سفارش زن‌ها را می‌کرد، چنان که خیال کردم مرد حق ندارد [حتی کوچک‌ترین کلمه توهین آمیزی مثل [«اوہ» به او بگوید].»^۳

١٠. سفارش امام باقر

امام باقر فرمود: «هر کس زن می‌گیرد باید او را تکریم نماید. همانا زن هر فردی، باعث خوشی او می‌باشد، پس هر کس زن می‌گیرد نباید او را ضایع نماید.»^۴

۱. وسائل الشیعه، ج ٢٠، ص ٢٣.

۲. نهج الناصحه، ص ٢١٨.

۳. مستدرک الوسائل، ج ١٤، ص ٢٥٢.

۴. وسائل الشیعه، ج ٥، ص ٦١.

۱۱. صفت حضرت ابراهیم

امام صادق فرمود: «حضرت ابراهیم، همسر خود ساره را عزیز می‌شمرد و حق او را ادا می‌کرد.»^۱

۱۲. برتر از اعتکاف

رسول اکرم فرمود: «نشستن مرد در کنار همسرش، نزد خدای متعال از اعتکاف در مسجد من، محبوب‌تر است.»^۲

۱۳. سبب استحکام پیوند

رسول اکرم فرمود: «سخن مرد به همسر خود که «دوستت دارم» هرگز از قلب زن بیرون نمی‌رود.»^۳

۱۴. تکریم خداوند

رسول اکرم فرمود:

مَنْ أَكْرَمَ زَوْجَتَهُ فَإِنَّمَا يُكْرِمُ اللَّهَ عَزَّوَجَّلَ^۴

هر کس همسرش را تکریم نماید، خدای عزوجل را تکریم نموده است.

۱. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۳۶.

۲. میزان الحکمه، ج ۵، ص ۱۰۱.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰.

۴. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۷.

احترام به زن در سیره اهل بیت

۱. احترام به همسر از سوی پیامبر اکرم ﷺ

روایت شده که پیر زنی بر پیامبر ﷺ وارد شد، حضرت نیز به او محبت و لطف نمود، وقتی پیر زن خارج شد، عایشه از پیامبر درباره او پرسید. حضرت فرمود: او در زمان حیات خدیجه پیش ما می‌آمد.^۱

رسول اکرم ﷺ فرمود:

أُعْطِيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، سَبْعَةُ لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَنَا، وَ لَا يُعْطَاهُنَّ [يُعْطَاهُنَّ] أَحَدٌ
بَعْدَنَا... وَ الْمَحَبَّةَ فِي النِّسَاءِ؛^۲

به ما اهل بیت، هفت چیز داده شده است که به هیچ کس پیش و پس از ما چنین داده نشده است و آن‌ها عبارتند از:... و محبت به همسر.

انس بن مالک گوید:

مَا رَأَيْتُ أَحَدًا كَانَ أَرْحَمَ بِالْعِيَالِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ؛^۳

هیچ کس را ندیدم که از رسول خدا ﷺ به خانواده، مهربان تر باشد.

سیره‌نویسان در مورد مهربانی حضرت با خانواده خویش، این گونه نقل کردند:
 كَانَ مِنْ تَلَاطِفِهِ بِهِمْ أَنَّهُ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِمْ بِاللَّيْلِ سَلَّمَ تَسْلِيمًا لَا يُوقَظُ النَّائِمَ، وَ يَسْمَعُ
 الْيَقْنَاطُونُ؛^۴

مهربانی و نرم خویی پیامبر ﷺ به خانواده‌اش چنان بود که وقتی هنگام شب بر آنان وارد می‌شد سلام می‌کرد؛ سلامی که خفته‌ها را بیدار نمی‌کرد و بیدارها می‌شنیدند.

۱. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۸.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۷.

۳. صحیح مسلم، ج ۱۵، ص ۷۵.

۴. سیره بنوی، ج ۴، ص ۱۱۳.

پیامبر اکرم ﷺ در خانه آنقدر مهربان بود و ملایمت می‌ورزید که برخی همسران آن حضرت، به خود جرئت می‌دادند که با آن حضرت مشاجره کنند و تندا نمایند، ولی حضرت در چنین مواقعی نیز ملایمت نشان می‌داد.^۱

انس بن مالک گوید: من ده سال در خدمت رسول خدا ﷺ بودم، هرگز مرا دشنام نداد و برخوردي با من نکرد و بر من صدا بلند ننمود و برایم چهره درهم نکشید و نشد که مرا به کاری فرمان دهد و من در آن کار کوتاهی کنم و حضرت مرا سرزنش نماید و اگر کسی از اعضای خانواده، مرا سرزنش می‌کرد، حضرت می‌فرمود: رهایش کن که اگر آن کار انجام شدنی بود، انجام می‌شد.^۲

ام سلمه گوید: چون از خدیجه یاد می‌کردیم رسول خدا ﷺ می‌فرمود:
 خَدِيجَةُ وَ أَيْنَ مِثْلِ خَدِيجَةِ! صَدَقَتِي حِينَ كَذَبَنِي النَّاسُ، وَ آزَرَتِي عَلَى دِينِ
 اللَّهِ، وَ آعَانَنِي عَلَيْهِ بِمَا لَهَا؛^۳

خدیجه، و کجا مانند خدیجه یافت می‌شود! آن روز که همه مرا دروغگو خواندند، او مرا راستگو خواند؛ و مرا بر دین خدا یاری کرد، و با مالش در راه دین خدا کمک نمود.

ام سليم مادر انس بن مالک گوید: هنگام بازگشت مسلمانان از یکی از سفرها به مدینه «آنچه» برده سیاهی که شترهای حامل زنان پیامبر را با آواز خود به جلو می‌راند با شتاب آنها را می‌برد. پیامبر خود را به او رسانید و فرمود:

يَا أَنْجَشَةً! رُوِيدًا سُوقَكَ بِالْقَوَارِبِ؛^۴

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۱۴.

۳. بحد الأحوال، ج ۴۳، ص ۱۳۱.

۴. سیره بنوی، ج ۴، ص ۲۵۳.

ای انجشه! در حرکت دادن این شیشه‌های شکننده احتیاط کن!

۲. احترام به فاطمه از سوی علی

حضرت علی فرمود: «... من به واسطه فاطمه و پسرانش بر مردم برتری دارم. پس به رسول خدا افتخار می‌کنم که او را به همسری من در آورد.»^۱
 حضرت علی در خطبه‌ای فرمود: «ای مردم، سخن مرا بشنوید و آن را درک کنید که مرگ من نزدیک است، من... همسر سرور زنان این امت می‌باشم...».^۲

۳. احترام به ام حمیده از سوی امام صادق

امام صادق در ستایش از همسر خود، حمیده فرمود: «حمیده از هر نوع بدی پاک می‌باشد چون طلا.»^۳

خوش رفتاری با زن

رفتار نیکو با زن یکی از توصیه‌های خداوند به شوهرها می‌باشد^۴ و چنانچه مردی از زنش خوشش نیاید حق ندارد با او بد رفتاری کند، بلکه اگر نمی‌خواهد با او زندگی کند می‌تواند محترمانه از او جدا شود.^۵

۱. بحدالاوارد، ج ۳۹، ص ۳۴۹.

۲. همان، ص ۳۳۶.

۳. کافی، ج ۱، ص ۴۷۷.

۴. «...وَعَاشُرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرُهُوا شَيْئاً وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»؛ ... و با آنان به طور پسندیده معاشرت کنید؛ پس اگر از آنان خوشتان نمی‌آید، [تحمل] کنید، زیرا [بسا] چیزی را شما خوش نمی‌دارید در حالی که خدا خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد. (نساء، آیه ۱۹).

۵. «الظَّالِفُ مِنَ تَانِ قَامِسَكُ يَمْعُرُوفٌ أَوْ تَسْرِيعٌ يِلْحَسَنٌ وَلَا يَجْلُ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِنَ آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئاً إِلَّا أَنْ يَخافَا لَا يُقْبِلُ

ارزش خوش رفتاری با زن از منظر اهل بیت

۱. بهترین فرد

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «بهترین شما آن کس است که با همسرش از همه خوش رفتارتر باشد و من از همه شما با همسر خود خوش رفتارتر هستم». ^۱

۲. نشان کمال ایمان

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «کامل ترین مؤمنین از جهت ایمان، کسی است که از جهت اخلاق نیکوترين آنها باشد و برترین شما کسانی هستند که با زن خود، خوش رفتار باشند». ^۲

۳. از نیازهای ضروری

امام صادق ع فرمود: «انسان در خلال برآوردن نیازهای منزل و عیالش به سه چیز

→ حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خَفَتْمُ أَلَا يَقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا أَفْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودَ اللَّهِ فَلَا تَعْدُوْهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ این گونه طلاق دوبار است؛ پس [بعد از هر طلاقی] باید [زن را] یا به طور شایسته نگاه دارد و یا با خوش رفتاری رها کند. و برای شما حلال نیست که از آنچه به آنان داده اید چیزی باز ستانید، مگر این که زن و شوهر بترسند که [در صورت زندگی با یکدیگر] حدود خدا را برابر پنداشند؛ پس اگر بترسید که آن دو، حدود خدا را برابر پنداشند، در مورد آنچه زن برای آزادی خود قدریه دهد، گناهی بر آن دو نیست. اینها حدود خداست، پس، از آنها تجاوز نکنید. و کسانی که از حدود خدا تجاوز کنند، آنان خود ستمکاراند. (بقره، آیه ۲۲۹) «فَإِذَا بَلَغُنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْبِدُوا ذَوَئِ عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكُمُ الْيُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمَ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقَى اللَّهَ يَجْعَلُ لَهُ مَخْرَجًا»؛ پس هنگامی که به پایان عده خود رسیدند، یا با شیوه‌ای پسندیده نگاهشان دارید و یا با شیوه‌ای پسندیده از آنان جدا شوید، و دو شاهد عادل از خودتان را [بر رجوع یا جدایی] گواه کیرید، و گواهی را برای خدا به پا دارید. اینها پندهایی است برای کسی که به خدا و روز و اپسین ایمان دارد. و هر کس از خدا پرواند، [خدا] برای او راهی جهت بیرون رفتن [از تنگناها] قرار می‌دهد. (طلاق، آیه ۲).

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۱.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۲۶.

نیازمند است، حتی اگر آن چیزها با طبع او سازگار نباشد که یکی از آن‌ها رفتار نیکو می‌باشد.^۱

۴. سفارش حضرت علی

حضرت علی در روز عید قربان، خطبه خواند و پس از تکبیر گفت: «... با زنان خود نیکی کنید...».^۲

حضرت علی به فرزند خود امام حسین فرمود: «همسرت را حفظ کن و به او نیکی کن.»^۳

پرهیز از بداخلانی و خشونت با زن

اعمال خشونت در خانواده، از زشت‌ترین و نکوهیله‌ترین بد رفتاری‌هاست؛ چیزی که زندگی را تیره و تار و روابط زناشویی را غمبار و دوستی‌ها را به دشمنی، و نزدیکی‌ها را به دوری تبدیل می‌کند. پرهیز از خشونت و سخت‌گیری نکردن با زنان از توصیه‌های خداوند به مسلمانان است.^۴

۱. همان، ج ۸۷، ص ۲۳۶.

۲. همان، ج ۹۱، ص ۱۰۱.

۳. همان، ج ۴۶، ص ۱۱.

۴. (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحْلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْثُوا أَنْسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْصُلُوهُنَّ لَتَدْهُبُوا بِعَيْنٍ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحشَةٍ مُّبِيِّنَةٍ وَعَالِيَّةٍ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكُرَهُوْا شَيْئاً وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای شما حلال نیست که زنان را با کراحت آنان به ارت ببرید؛ و آنان را در تنگنا قرار ندهید تا بخشی از آنچه به ایشان داده‌اید از دستشان به در برید، مگر این‌که کار بسیار زشت آشکاری مرتکب شوند. و با آنان به طور پستدیده معاشرت کنید؛ پس اگر از آنان خوشتان نمی‌آید، [تحمل] کنید، زیرا! بسا چیزی را شما خوش نمی‌دارید در حالی که خدا خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد. (نساء، آیه ۱۹).

پرهیز از بد اخلاقی و خشونت با زن از منظر اهل بیت

۱. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «حق زن بر شوهر این است که شوهر نفقه او را پردازد و با او بد اخلاقی نکند و به خدا قسم، اگر این وظایف را انجام دهد، حق زن را ادا کرده است.»^۱

۲. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «حق زن بر شوهر آن است، که خوراک و پوشانک او را تأمین نماید و به صورت او نزند و به او بدی نکند و جز در خانه (در مواردی که زن ناشزه گردیده است) از او دوری نگیرد.»^۲

۳. حسین بن بشار گوید: به اباالحسن الرضا نوشت: «یکی از نزدیکانم که بد اخلاق است برای خواستگاری، نزد من آمد. امام فرمود: اگر بد اخلاق است به او زن ندهید.»^۳

۴. پیامبر اکرم ﷺ در خطبه‌ای فرمود: «نماز و اعمال نیک شوهری که زن خود را آزار دهد و به او ظلم نماید، قبول نمی‌شود، هر چند روزها روزه گیرد و عبادت به جا آورد و در راه خدا، بنده آزاد نموده و انفاق نماید. علاوه بر آن اولین فردی است که وارد جهّنم می‌شود...».»^۴

رسول اکرم ﷺ فرمود:

فَأَيُّ رَجُلٍ لَطَمَ إِمْرَأَتَهُ لَطْمَةً أَمَّرَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - مَالِكًا حَازِنَ التِّبْرَانِ فُتْلَطْمَهُ عَلَى حُرُّ وَجْهِهِ سَبْعِينَ لَطْمَةً فِي نَارِ جَهَنَّمِ؛^۵

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۴.

۲. نهج النصائح، ح ۱۳۹۰.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۴.

۴. همان، ص ۱۱۶.

۵. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۰.

هر مردی که به همسرش، یک سیلی بزند، خدای عزوجل به مالک دوزخ فرمان می‌دهد او را در جهنم هفتاد سیلی بزند.

رسول اکرم ﷺ فرمود:

أَيْضُرِبُ أَحَدُ كُم الْمَرْأَةِ ثُمَّ يَظْلَلُ مُعَايِقَهَا؟^۱

آیا فردی از شما مردان، همسر خود را می‌زند، آن گاه با او هم آغوش می‌گردد؟

رسول اکرم ﷺ فرمود:

إِنِّي أَتَعَجَّبُ مِمَّن يَضْرِبُ إِمْرَأَتَهُ وَ هُوَ بِالضَّرْبِ أَوْلَى مِنْهَا^۲

من در شگفتمن از کسی که زنش را می‌زند، حال آن که او، خود به کتک خوردن سزاوارتر است.

ابن سعد گوید:

جائَتْ إِمَرَأَةٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَدْ ضَرَبَهَا زَوْجُهَا ضَرِبًا شَدِيدًا فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَأَنْكَرَ ذَلِكَ وَ قَالَ: يَظْلَلُ أَحَدُ كُم يَضْرِبُ إِمْرَأَتَهُ ضَرَبَ الْعَبْدِ ثُمَّ يَظْلَلُ مُعَايِقَهَا وَ لَا يَسْتَحِي^۳

زنی نزد رسول خدا ﷺ آمد، که شوهرش او را به شدت زده بود. پس رسول خدا ﷺ برخاست و آن کار را سخت زشت شمرد و فرمود: شگفتا که کسی از شما همسر خویش را می‌زند هم چون زدن بردگان و سپس بی آن که شرم کند او را در آغوش می‌کشد!»

حواله از رسول اکرم ﷺ در مورد حق زنان بر شوهرانشان پرسید، و حضرت فرمود:
أَخْبَرَنِي أَخِي جَبَرَئِيلُ، وَ لَمْ يَزْلِ مُوصِي بِالنِّسَاءِ حَتَّى ظَنَّتُ أَنْ لَا يَحِلُّ لَزَوْجِهَا

۱. وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۱۱۹.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۰.

۳. سیره بنوی، ج ۴، ص ۳۷۱.

أَنْ يَقُولَ لَهَا: أُفْ يَا مُحَمَّد! إِنَّقُوا اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - فِي النِّسَاءِ... فَأَسْفَقُوا عَلَيْهِنَّ وَ طِبَّوْا قُلُوبَهُنَّ حَتَّىٰ يَقْنَ مَعَكُمْ، وَ لَا تَكْرِهُوْا النِّسَاءَ وَ لَا تُسْخِطُوْهُنَّ وَ لَا تَأْخُذُوْا مَمْلَآ آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئاً إِلَّا بِرْضًا هِنَّ وَ إِذْنِهِنَّ؛^۱

برادرم جبرئیل، مرا خبر داد و همواره سفارش زنان را به من کرد، چنان که گمان کردم، مرد حق ندارد به همسرش، حتی اف بگوید. [جبرئیل مرا گفت: ای محمد! درباره زنان از خدای عزوجل پرواکنید... پس با آنان مهربان نمایید و دلهاشان را خوش گردانید تا همراهتان بمانند و زنان را ناخوش ندارید، و بر آنان خشم مگیرید، و چیزی را از آنچه بدانان بخشیده اید جز به رضایت و اجازه ایشان بر مگیرید.

۵. از امام باقر نقل شده است که علی هنگام شدت گرمای روز به خانه می رفت که با زنی رو به رو شد که شوهرش به او ستم و تعدی نموده و او را تهدید به کتک کرده بود. حضرت به او فرمود: «ای بندۀ خدا، قدری درنگ کن تا گرما فرو نشیند، آن گاه من به همراه تو خواهم آمد». زن گفت: «در این صورت خشم و غضب شوهرم بر من بیشتر خواهد شد». حضرت، لحظاتی سر به زیر افکند و پس از آن، سر خود را بالا کرد در حالی که گفت: «به خدا سوگند، جز این روانیست که حق ستمدیله، بی آن که دچار اضطراب و آزار شود باید ستانده شود». پس به زن فرمود: «خانه ات کجاست؟» آن گاه با وی همراه شد تا به خانه آن زن رسیدند، حضرت از پشت در سلام کرد، مردی جوان بیرون آمد. حضرت به او فرمود: «ای بندۀ خدا، از خدا پروا کن که تو همسرت را تهدید کرده و ترساندهای و از خانه بیرونش کرده‌ای!» مرد که امام را نمی‌شناخت، با تندی گفت: «به تو مربوط نیست! به خدا سوگند، به خاطر سخنت و حمایت از او، آتشش خواهم زد!» امیر مؤمنان فرمود: «من تو را به معروف امر می‌کنم و از منکر نهی می‌نمایم، آن گاه تو با منکر با من رو به رو می‌شوی و

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۲ و ۲۵۳.

به معروف پشت می‌کنی؟» در همان حال، شمشیر خود را به جهت تهدید آن مرد، از غلاف بیرون آورد. همین وقت جمیع از مردم، متوجه امام شدند و به او با عنوان امیرمؤمنان سلام کردند. جوان حضرت را شناخت و به پای او افتاد و گفت: «ای امیرمؤمنان! از گناه من درگذر، به خدا سوگند، از این پس، خاک پای همسرم خواهم شد! پس حضرت شمشیرش را غلاف کرد و به زن فرمود: «به خانه‌ات وارد شو و تو نیز کاری نکن که شوهرت وادر شود با تو چنین رفتاری کند».۱

۶. امام صادق فرمود: «وقتی سعد [بن معاذ] فوت کرد، هفتاد هزار فرشته او را تشییع کردند و رسول خدا بر قبر او ایستاد و گفت: دوستی مانند سعد از دنیا رفت.

مادر سعد گفت: [بهشت] بر تو گوارا و گرامی باد. پیامبر ﷺ به او فرمود: ای مادر سعد، در کار خدا به طور جزم سخن مگو. مادر سعد گفت: ای رسول خدا، آنچه درباره سعد گفته شنیدم. پیامبر ﷺ فرمود: سعد با خانواده‌اش، درشتی زبان داشت.۲

۷. جابر بن عبد الله انصاری از رسول خدا روایت کرد که آن حضرت فرمود: **الْأَخْبِرُ كُمْ بِشَارِ رِجَالِكُمْ؟ قُلْنَا: بَلِي يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَقَالَ: إِنَّ مِنْ شِرَارِ رِجَالِكُمْ الْبَهَاثَ الْحِزْئِيَّ الْفَطَّاشَ؛^۳**

آیا شما را از بدترین مردانタン آگاه نسازم؟ گفتم: چرا ای رسول خدا فرمود: بدترین مردان شما کسی است که تهمت زن، بد اخلاق و بد زبان و دشمن گوی است.

۸. امیرمؤمنان در مورد زنان فرمود: **إِنَّهُنَّ أَمَانَةُ اللَّهِ عِنْدَكُمْ، فَلَا تُضَارُّوهُنَّ وَ لَا تَعْضُلُوهُنَّ؛^۴**

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۳۷ و بحدالاولاد، ج ۴۱، ص ۵۷.

۲. بحدالاولاد، ج ۶، ص ۲۱۷.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۴۰.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۱.

زنان امانت الهی نزد شما هستند، پس به آنان آسیب و زیان نرسانید و برایشان سخت مگیرید و عرصه را بر آنان تنگ نکنید.

نفى خشونت در سیره پیامبر اکرم

رُوِيَ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يُطَالِبُ بِأَمْوَالِ الْإِيمَلِكُهَا وَكَانَ نِسَاؤُهُ يُكْثِرُنَ مُطَالَبَتَهُ حَتَّى قَالَ عُمَرُ، كُلُّنَا مَعَاشِرُ الْمُهَاجِرِينَ مَتَسَلَّطِينَ عَلَى الْأَزْوَاجِ، فَاخْتَلَفَتِ النِّسَاءُ فِيهِنَّ فَتَخَلَّقَنِ بِأَخْلَاقِهِنَّ وَكَلَّمَتِ إِمَرَّاتِي يَوْمًا فَرَأَتِهِنِي فَرَقَعْتُ يَدِي لِأَضْرِبَهُنَا وَقُلْتُ: أَتَرِجِعُنِي يَالْكَعَاءِ؟ فَقَالَتْ: إِنَّ نِسَاءَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يُرَا جَعْنَةً وَهُوَ حَيْرٌ مِنْكُمْ؛^۱

روایت شده است که گاهی از پیامبر ﷺ چیزهایی درخواست می شد که او نمی توانست تدارک کند و همسران وی، از آن حضرت درخواست های بیش از اندازه می کردند. عمر گوید: ما مهاجران در مکه بر زنان خود تسلط داشتیم [و در مدینه زنان انصار بر شوهران خود تسلط داشتند] تا آن که زنان ما با زنان آنان معاشرت کردند و اخلاقشان مانند زنان انصار شد [که پذیرای خشونت مردان نبودند]. روزی به زن خود، چیزی گفتم و او پاسخ مرا داد. پس دست خود را بالا بردم تا او را بزنم و به او گفت: آیا پاسخ مرا می دهی، ای فرومایه! او گفت: [زنان پیامبر را و رفتار آنان با او و رفتار او را با آنان ببین!] بی گمان زنان رسول خدا ﷺ پاسخ او را می دهند [و با او تندی می کنند و او هیچ تندی با آنان نمی کند] در حالی که او از تو بهتر است.

در خبری مشهور از عایشه آمده است:

مَا ضَرَبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ [بِيَدِهِ] خَادِمًا لَهُ [قَطُّ] وَلَا إِمَرَّةً لَهُ [قَطُّ]؛^۲

پیامبر اکرم ﷺ هرگز خدمت کار و هم چنین زنی را نزد.

۱. بحدال الانواد، ج ۱۶، ص ۳۸۴-۳۸۵.

۲. سیره بنوی، ج ۱۴، ص ۳۷۰.

عفو و گذشت

اهمیت عفو و گذشت در خانواده

در روابط دو همسر، اختلاف نظر و بگو مگوهایی پیش می آید که اگر قرار باشد بخشن و گذشت به میان نیاید و کدورت های پیش آمده را نشوید، و زن و مرد مسائل پیش آمده را در ذهن و دل خود نگه دارند و پیوسته با آنها کلنجر بروند و رشدشان دهنند، روح خود را می خراشند و سلامت روابط خانوادگی را می گیرند و زندگی را تیره می سازند. خداوند در سخت ترین حالات زندگی مشترک و آن جا که زندگی به مرز جدایی می رسد نیز فرمان به گذشت و بزرگواری داده است^۱ و در صورتی که برخی اعضای خانواده، مسیری خلاف حق و عدالت را می پیمایند و بی گمان دیگر اعضا نباید به آن خلاف حق و عدالت تن بسپارند، باز هم فرمان به بخشن و گذشت داده است.^۲

عفو و گذشت در سخنان و سیره اهل بیت

ابو عبد جَدَلِی از عایشه پرسید، اخلاقی رسول خدا صلوات الله علیه و سلام با خانواده اش چگونه بود؟ عایشه گفت:

۱. «وَإِنْ طَلَّقُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْنَا لَهُنَّ فَرِيضةً فَيُصْفُ مَا فَرَضْنَا إِلَّا أَنْ يَغْفُلُوا أَوْ يَكْفِلُوا أَنْذِلَةً عُكْدَةً أَنْكَحَ وَأَنْ تَغْفُلُوا أَقْرَبُ لِلتَّشْوِيِّ وَلَا تَسْوُ أَلْفَاضَلَّ يَتَّسِعُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»؛ و اگر پیش از آن که با آنان آمیزش کنید طلاقشان دادید و مهری برایشان مقرر کرده اید، نصف آنچه را که مقرر کرده اید، [بهدهید]، مگر این که آنان گذشت کنند، یا آن کسی که عقد نکاح به دست اوست گذشت کند؛ و گذشت کردن شما به تعوانزدیکتر است؛ و فضل و احسان در میان خود را فراموش نکنید؛ قطعاً خدا به آنچه می کنید بیناست. (بقره، آیه ۲۳۷).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَمُوا إِنَّ مِنْ أَذْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًا لَّكُمْ فَآخِذُوْهُمْ وَإِنْ تَغْفُلُوا وَتَصْنَعُوْهَا وَتَنْفِرُوْهَا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، بی تردید، برخی از همسران و فرزندانتان دشمنانی برای شما هستند، پس از آنان برحدار باشید؛ و اگر [از خطایشان] درگذرید و [بدون توبیخ] چشم پوشی کنید و آن را پوشاند، [خدا نیز با شما چنین می کند،] به یقین، خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (تعابن، آیه ۱۴).

كَانَ أَحْسَنَ النَّاسِ حُلْقًا لَمْ يَكُنْ فَاحِشًا وَ لَا مُتَفَحِّشًا وَ لَا صَحْبًا فِي الْأَسْوَاقِ، وَ لَا يَبْخِزِي بِالسَّيِّئَةِ مِثْلَهَا وَ لِكِنْ يَعْفُو وَ يَصْفَحُ؛^١

[رسول خدا ﷺ] خوش اخلاق ترین مردمان بود نه دشمن می‌داد و نه بد زبانی می‌کرد، و نه در کوچه و بازار، هیاهو به راه می‌انداخت و نه بدی را با بدی جبران می‌کرد، بلکه می‌بخشید و گذشت می‌کرد.

مردی نزد رسول خدا آمد و گفت: «ای رسول خدا، خانواده‌ام مرا عصبانی می‌کنند، چگونه مجازاتشان کنم؟» پیامبر ﷺ فرمود: «تعفو» بیخش و درگذر! آن مرد، دوباره پرسید و پیامبر ﷺ همان پاسخ را داد. بار سوم که پرسید، پیامبر ﷺ فرمود:

فَإِنْ عَاقَبْتَ فَعَاقِبْ بِقَدَرِ الذَّنْبِ وَأَنْقِ الْوَجْهِ؛^٢

اگر هم [به ناچار] مجازات کردی، به اندازه گناه و جرم مجازات کن، و از زدن به صورت پرهیز کن.

عبدالله بن عمر گوید:

إِنَّ رَجُلًا أَتَى رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ لِي خَادِمًا يُسِيءُ وَ يَظْلِمُ أَفَأَضْرِبُهُ؟ قَالَ: تَعْفُو عَنْهُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً؛^٣

مردی نزد رسول خدا آمد و عرض کرد: ای رسول خدا، خدمت گزاری دارم که بدی می‌کند و ستم می‌نماید آیا او را بزنم؟ پیامبر ﷺ فرمود: هر روز هفتاد بار از او گذشت کن.

امام سجاد فرمود:

... أَمْا حَقُّ الرَّوْجَهِ، فَإِنْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَ أَنْسًا، فَتَعْلَمْ أَنَّ

١. کنز العمال، ج ٧، ص ٢١.

٢. سیره بنوی، ج ٤، ص ٤١٩.

٣. همان، ص ٤٢٠.

ذلِكَ نِعْمَةً مِنْ اللَّهِ عَلَيْكَ... فَإِنْ لَهَا عَلَيْكَ أَنْ تَرْحَمَهُا... وَإِذْ اجْهَلْتُ عَفْوَتَ عَنْهَا؛^١

حق زن بر تو (شوهر) آن است که بدانی خداوند او را برای تو مایه آرامش و انس قرار داد. پس بدان او نعمتی الهی می باشد... همانا حق او بر تو آن است که با او با مهربانی رفتار کنی... و هنگامی که از سر جهل و نادانی مرتکب خطای شد او را عفو نمایی.

اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق پرسیدم:
ما حَقُّ الْمَرْأَةِ عَلَى رَوْجِهَا الَّذِي إِذَا فَعَلَهُ كَانَ مُحْسِنًا؟ قال : يَسْبَعُهَا وَيَكْسُوْهَا
وَإِنْ جَهَلَتْ عَفَرَ لَهَا؛^٢

حق زن بر شوهر چیست که هر گاه آن را به جای آورد، نیکوکار شمرده خواهد شد؟ آن حضرت فرمود: غذا و پوشاك زن را تأمین کند و اگر از سر جهل و نادانی مرتکب خطای شد، او را عفو نماید.

امام رضا فرمود:
إِعْلَمُ أَنَّ النِّسَاءَ شَتِّي... فَمَنْ ظَفَرَ بِصَالِحَتِهِنَّ يَسْعَدُ، وَمَنْ وَقَعَ فِي طَالِحَتِهِنَّ فَقَدْ أَبْتُلِي وَلَيْسَ لَهُ إِنْتِقَامٌ؛^٣

زنان چند گروهند:... پس هر مردی که همسر صالح، نصیبیش شود، سعادتمند گردیده است و هر کس گرفتار زن بدی شود، بی گمان آزمایش شده است، و حق ندارد انتقام بگیرد.

امام صادق فرمود: «پدرم حضرت باقر همسری داشت که او را آزار می داد و

١. وسائل الشیعه، ج ١٥، ص ١٧٤.

٢. همان، ج ١٤، ص ١٢١.

٣. مستدرک الوسائل، ج ١٤، ص ١٦١.

اذیت می‌کرد، و پدرم در مقابل او را می‌بخشید و با گذشت با او رفتار می‌نمود.»^۱

آثار عفو و گذشت

۱. بهره‌مندی از عفو الهی

﴿وَلِيُغْفِرُوا وَلِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾؛^۲

باید بخشنده و گذشت نمایند. مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشاید؟ و خدا آمرزنده مهریان است.

﴿إِنْ تُبْدِوا خَيْرًا أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوْ عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفْوًا قَدِيرًا﴾؛^۳

اگر خیری را آشکار کنید یا پنهانش دارید، یا از بدی درگذرید [یدانید که] خداوند بخشاینده تووانست.

۲. بهره‌مندی از پاداش خداوند

﴿وَجَرَأَوْ سَيِّئَةً سَيِّئَةً مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَ وَأَصْلَحَ فَأُجْزُهُ عَلَى اللَّهِ﴾؛^۴

جزای هر بدی، بدی‌ای همانند آن است، پس هر کس ببخشد و نیکوکاری کند، پاداش او بر خداوند است.

۳. بهره‌مندی از محبت خداوند

﴿وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾؛^۵

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۱.

۲. نور، آیه ۲۲.

۳. نساء، آیه ۱۴۹.

۴. شوری، آیه ۴۰.

۵. آل عمران، آیه ۱۳۴.

و خشم خود را فرو می‌برند و از مردمان در می‌گذرند، خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

﴿فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^١

آنان را ببخش و از آن‌ها در گذر، خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

٤. بهره‌مندی از رحمت خداوند

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأُولَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَأَحْذِرُوهُمْ وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾^٢

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بعضی از همسران و فرزنداتان دشمنان شما هستند، از آن‌ها بر حذر باشید و اگر عفو کنید و صرف نظر نمایید و ببخشید (خدا شما را می‌بخشد)، چرا که خداوند بخشنده و مهربان است.

٥. بهره‌مندی از ستایش خداوند

﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ... وَإِذَا خَاطَبُهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾^٣

بندگان خاص خداوند رحمن، کسانی اند که اگر جاهلان آن‌ها را مخاطب سازند (به آنان اهانتی نمایند) آنان در جواب سلام می‌دهد (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند).

٦. بهره‌مندی از بهشت جاودان

﴿وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ... * أُولَئِكَ جَرَأْوُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتُ تَجْرِي

۱. مائده، آیه ۱۳.

۲. تعبان، آیه ۱۴.

۳. فرقان، آیه ۶۳.

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا...^۱

کسانی که از خطای مردم می‌گذرند، پاداششان آمرزش پروردگار و بهشت‌هایی است که از زیر (درختان) آن‌ها نهرها جاری است، جاودانه در آن می‌مانند.

۷. سبب ایجاد دوستی و محبت

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ إِذْفَعَ بِالَّتِي هِيَ أَخْسَنُ فَإِذَا أَلَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةً كَانَهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾^۲

هرگز نیکی و بدی یکسان نیست، بدی را با نیکی دفع کن تا دشمنان سر سخت همچون دوستان گرم و صمیمی شوند!

۸. سبب رفع کینه و دشمنی

رسول اکرم ﷺ فرمود:

تَعَافُوا تَسْقُطِ الضَّغَائِنُ بَيْنَكُمْ؛^۳

از یکدیگر گذشت کنید تا کینه‌های میان شما از بین برود.

۹. سبب عزّت و بزرگی

رسول اکرم ﷺ فرمود:

عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يُزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَتَعَاوَفَا يُعِزَّ كُمْ.^۴

بر شما باد گذشت، زیرا که گذشت، جز بر عزّت بنده نمی‌افزاید. پس از یکدیگر

۱. آل عمران، آیات ۱۳۴ و ۱۳۶.

۲. فصلت، آیه ۳۴.

۳. کنز المحتل، ج ۳، ص ۳۷۳.

۴. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۱۹.

گذشت کنید تا خداوند شما را عزّت بخشد.

۱۰. سبب طولانی شدن عمر

قال رسول الله ﷺ:

مَنْ كَثُرَ عُفُوهُ مُدَّ فِي عُمُرٍ^۱

هر که پر گذشت باشد، عمرش طولانی شود.

۱۱. سبب اصلاح خطاكار

امام سجاد فرمود:

اما حَقَّ كُسْيٍ كَه از جانب او با سخن يا عمل به تو بدی رسیده اين است که اگر بدی او عمدى باشد، گذشت از او او برای تو بهتر است، زیرا اين گذشت موجب منصرف شدن آن شخص از بدی کردن و ادب شدن اوست.^۲

صبر و بردباری

اهمیت صبر و بردباری

زندگی خانوادگی، دارای فراز و فرود، نیش و نوش، سختی و گرفتاری و اختلاف سلیقه و نظر است و به دلیل تنگاتنگی روابط، این امور تأثیری جدی بر اعضای خانواده می‌گذارد. بدون صبر و بردباری، زندگی دچار مشکلات بسیاری خواهد شد. از این رو لازم است زن و شوهر در رویارویی با مسائلی که پیش می‌آید، شکیبا و بردبار باشند، زیرا بردباری بدون بی تابی و شکایت در زندگی سبب پیوند و نزدیکی،

۱. بحد الأحوال، ج ۷۵، ص ۳۵۹

۲. همان، ج ۷۱، ص ۲۰

و مركب عبور از تنگناها و سختی‌ها می‌باشد. خداوند در قرآن، برای کسانی که در زندگی و مشکلات وارد، بردباری و شکیبایی پیشه می‌کنند، وعده خیر کثیر داده است و به مؤمنان توصیه فرموده: «با زنانタン معاشرت شایسته داشته باشید و اگر به جهاتی از همسران خود رضایت کامل ندارید و بر اثر اموری، آن‌ها در نظر شما ناخوش آیند می‌باشند، فوراً تصمیم به جدایی و یا بد رفتاری نگیرید و تا آن جا که در قدرت دارید مدارا کنید زیرا ممکن است شما در تشخیص خود گرفتار اشتباه شده باشید و آنچه را نمی‌پسندید خداوند در آن خیر و برکت و سود فراوانی قرار داده باشد». ^۱ بنابراین، تا کارد به استخوان شما نرسد، سزاوار است، معاشرت به معروف و رفتار شایسته را ترک نکنید به خصوص بسیار می‌شود که همسران درباره یکدیگر، گرفتار سوء ظن‌های بی‌دلیل و حُب و بعض‌های بی‌جهت می‌گردند و قضاوت‌های آنان در این حال، غالباً نادرست می‌باشد، تا آن جا که خوبی‌ها در نظرشان بدی و بدی‌ها در نظرشان خوبی جلوه می‌کند، ولی با گذشت زمان و مدارا کردن، تدریجاً حقایق آشکار می‌شود. ^۲

ارزش و آثار صبر و بردباری در خانواده

صبر و بردباری در دین اسلام، دارای آن چنان جایگاه و عظمتی است که پرداختن

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمُنُوا لَا يَجُلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْثُوا الْأَنْسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لَيَنْهَاوْا بِعُضُّ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِسْنَ بِفَاحِشَةٍ مُّبِيِّنَةٍ وَعَالِيَّةٍ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنَّ كَرْهَهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكُرُّهُوا شَيْئًا وَبَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَيْسِرًا»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای شما حلال نیست که زنان را با کراحت آنان به ارت ببرید؛ و آنان را در تنگنا قرار ندهید تا بخشی از آنچه به ایشان داده‌اید از دستشان به در برید، مگر این‌که کار بسیار زشت آشکاری مرتكب شوند. و با آنان به طور پسندیده معاشرت کنید؛ پس اگر از آنان خوشتان نمی‌آید، [تحمّل کنید، زیرا] بسا چیزی را شما خوش نمی‌دارید در حالی که خدا خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد. (نساء، آیه ۱۹).

۲. تفسیر نمویه، ج ۳، ص ۳۲۰ و ۳۲۱.

به ابعاد مختلف آن، فرصت جدایی را می‌طلبد تا از منظر قرآن و اهل بیت مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد، اما در عظمت و آثار ارزشمند صبر و بردباری مرد در مقابل همسر و خانواده به ذکر چند روایت از سخنان گهربار اهل بیت اکتفا می‌شود.

۱. بهره مندی از خیر فراوان

﴿وَاعْشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهُنْمُوْهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكُرُّهُوا شَيْئاً وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾^۱

و با زنانタン به نیکی رفتار کنید و اگر از آنان خوشتان نیامد (بردبار باشید و زود تصمیم نگیرد) پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت و خیر فراوان قرار می‌دهد.

۲. دست یابی به درجه برتر در بهشت

امام صادق فرمود:

إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةً لَا يَنْلَاهَا [لَا يَنْلُغُهَا] إِلَّا إِمَامٌ غَادِلٌ، أَوْ ذُو رَحْمٍ وَصُولٍ، أَوْ ذُو عَيَالٍ صَبُورٌ^۲

در بهشت درجه‌ای است که به آن دست نمی‌یابد مگر پیشوای دادگر یا خویشاوندی که زیاد صله رحم به جا آورد و یا عیال وار شکیبا.

۳. بهره مندی از پاداش حضرت ایوب

رسول اکرم فرمود:

۱. نساء، آیه ۱۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۰۹.

مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقٍ اِمْرَأَتِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا أَعْطَى أَيُّوبَ عَلَى
بَلَائِهِ...^١

هر مردی در برابر بد اخلاقی همسرش شکیبایی ورزد، خداوند همان ثوابی را به وی
دهد که به ایوب در قبال گرفتاری اش عطا کرد.... .

٤. بهره مندی از پاداش شکرگزاران

رسول اکرم صلوات الله عليه وآله وسالم فرمود:

الَا وَمَنْ صَبَرَ عَلَى خُلُقٍ اِمْرَأَةٍ سَيِّئَةِ الْخُلُقِ وَاحْتَسَبَ فِي ذَلِكَ الْأَجْرَ، أَعْطَاهُ اللَّهُ
ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ فِي الْآخِرَةِ^٢

بدانید هر مردی که به خاطر و به امید پاداش [اللهی]، در برابر بد اخلاقی همسرش،
شکیبایی ورزد، خداوند در آخرت به او ثواب شاکران را عطا خواهد کرد.

٥. بهره مندی از بهشت

امام باقر فرمود:

مَنِ احْتَمَلَ مِنْ اِمْرَأَتِهِ وَلَوْ كَلِمَةً وَاحِدَةً... أَوْ جَبَ لَهُ الْجَنَّةَ^٣

هر کس، بد اخلاقی همسرش را، هر چند به اندازه یک کلمه، تحمل کند و شکیبایی
ورزد، خداوند بهشت را بر او واجب گرداند.

٦. سبب نجات از آتش جهنم

امام باقر فرمود:

١. مکارم الاخلاق، ص ٢١٣ و ٢١٤.

٢. وسائل الشیعه، ج ١٤، ص ١٢٤.

٣. مکارم الاخلاق، ص ٢١٦.

مَنِ احْتَمَلَ مِنْ إِمْرَأَيْهِ وِلَوْ كَلِمَةً وَاحِدَةً، أَعْتَقَ اللَّهُ رَقْبَتَهُ مِنَ النَّارِ؛^۱

هر کس، بد اخلاقی همسرش را، هر چند به اندازه یک کلمه، تحمل کند و شکیبایی
ورزد، خداوند گردن او را از آتش آزاد سازد... .

پوشاندن عیب و پرهیز از عیب جویی

یکی از ویژگی‌های زن و شوهر که در قرآن به آن توجه شده است، پوشاندن عیب
یکدیگر می‌باشد، زیرا خداوند زن و مرد را به لباس برای همدیگر تشبیه کرده است^۲،
تا این پیام را به آن‌ها گوشزد نماید، همان‌گونه که لباس، سبب پوشاندن عیب و نقص
انسان می‌شود، زن و مرد نیز برای همدیگر این‌گونه‌اند، یعنی عیب و نقص همدیگر
را می‌پوشانند و از آشکار کردن عیب همدیگر پرهیز می‌کنند.

پوشاندن عیب همدیگر و پرهیز از هر گونه عیب جویی در زندگی مشترک، لازمه
درک یکدیگر و تلاش مشترک برای دست‌یابی به اهداف زندگی است و آشکار
ساختن عیب همدیگر سبب فروپاشی روابط سالم و مفاهeme دو شریک زندگی
می‌شود. یکی از راه‌های سالم ماندن انسان از این خصلت خطرناک (عیب جویی)
ترک کردن هر گونه جست‌وجوی عیب‌های دیگران و مشغول شدن به اصلاح
عیب‌های خویش می‌باشد. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

طُوبٰ لِمَنْ مَنَعَهُ عَيْبَهُ عَنْ عُيُوبِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ إِخْوَانِهِ؛^۳

خواشا به حال آن کس که عیب خودش، او را از پرداختن به عیب‌های برادر مؤمنش
باز دارد.

۱. مکارم الاخلاق، ص ۲۱۶.

۲. «هُنَّ لِيَاسُّ الْكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاسُ الْكُمْ» بقره، آیه ۱۸۷

۳. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۲۶

و حضرت علی خطاب به حارث همدانی فرمود:
 حسْبُكَ [حَسِيبَ الْمَرْءَ... مِنْ سَلَامِتِهِ قِلَّةٌ تَحْفَظُهُ] لِعَيْوبِ عَيْرِهِ^۱
 در سالم بودن آدمی، همین که عیوب دیگران را کمتر در ذهن خود نگه دارد.

همکاری در خانه

اهمیت همکاری مرد در خانه

یکی از راههای تحقق اهداف یک خانواده، همکاری همه جانبه اعضای خانواده می‌باشد که سبب راحتی در تحمل مشکلات و سختی‌ها نیز می‌شود. در منطق اسلام، همکاری مرد در کارهای خانه، دارای جایگاه مهمی می‌باشد. پیامبر اکرم ﷺ، فرمایشات بسیار ارزشمندی در این مورد دارد که به وسیله امیر مؤمنان علی نقل شده است:

دَخَلَ عَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ وَفَاطِمَةُ جَالِسَةٌ عِنْدَ الْقِدْرِ وَأَنَا أَنْقِي الْعَدَسَ.
 قال: يا أبا الحسن! قلت: لبيتك يا رسول الله. قال: إِسْمَعْ مِنِي وَمَا أَقُولُ إِلَّا مَا أَمْرَرَ
 رَبِّي. مَا مِنْ رَجُلٍ يُعِينُ امْرَأَتَهُ فِي بَيْتِهِ إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ عَلَى بَذِنِهِ عِبَادَةً
 سَنَةٌ صِيَامٌ نَهَارِهَا وَقِيَامٌ لَيْلَهَا، وَأَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا أَعْطَاهُ
 الصَّابِرِينَ...^۲

يا عَلِيٌّ! مَنْ لَمْ يَأْنِفْ مِنْ خِدْمَةِ الْعِيَالِ دَخَلَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ. يا عَلِيٌّ! خِدْمَةُ
 الْعِيَالِ كَفَارَةٌ لِلْكُبَائِرِ، وَيُطْفَئُ غَصَبَ الرَّبِّ، وَيَزِيدُ فِي الْحَسَنَاتِ وَالدَّرَجَاتِ.
 يَا عَلِيٌّ! لَا يَخِدُمُ الْعِيَالَ إِلَّا صِدْيقٌ أَوْ شَهِيدٌ أَوْ رَجُلٌ يُرِيدُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛^۲
 [روزی] رسول خدا بر ما وارد شد در حالی که فاطمه بر سر دیگ غذا بود و

۱. بخار الانواد، ج ۷۸، ص ۸۰ و ۸۱

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۸ و ۴۹

من عدس پاک می‌کرم. فرمود: ای ابوالحسن! گفتم: بله ای رسول خدا. فرمود: از من بشنو و من، جز آنچه پروردگارم مرا بدان فرمان داده است، نمی‌گویم. هیچ مردی به همسرش کمک نمی‌کند، مگر این‌که در ازای هر موی بدنش، برایش عبادت یک سال باشد که روزهایش به روزه و شب‌هایش به نماز شب بگذرد و خدای متعال ثواب صابران را به او بخشد... .

ای علی! هر که خدمت به خانواده را عار نداند و از آن سرباز نزند بی حساب وارد بهشت شود... .

ای علی! به خانواده‌اش خدمت نمی‌کند، مگر کسی که به مقام صدیق یا شهید رسیده باشد و یا کسی که خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او بخواهد.

همکاری در خانه در سیره اهل بیت

۱. سیره پیامبر اکرم ﷺ

امام حسین از امیرمؤمنان درباره برنامه وضع پیامبر ﷺ در داخل خانه پرسش کرد و علی چنین فرمود:

وَكَانَ إِذَا آوَى إِلَى مَنْزِلِهِ جَزَّاً دَخُولَهُ تَلَاثَةَ أَجْزَاءٍ، جُزْءٌ لِلَّهِ، وَجُزْءٌ لِأَهْلِهِ، وَجُزْءٌ لِنَفْسِهِ، ثُمَّ جَزَّاً جُزَّاهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ فَيَرْدُ ذَلِكَ عَلَى الْعَامَةِ وَالْخَاصَّةِ، وَلَا يَدَّرُ عَنْهُمْ شَيْئاً^۱

رسول خدا ﷺ چون به خانه می‌رفت، اوقات خویش را سه قسمت می‌کرد: بخشی را برای [عبادت] خدا، و قسمتی را برای خانواده خود، و بخشی را به خود اختصاص می‌داد؛ پس بخشی را که به خود اختصاص داده بود، میان خود و مردم تقسیم می‌کرد و بخشی از آن را به مردم اختصاص می‌داد و عام و خاص را می‌پذیرفت و چیزی از

۱. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۵۰؛ و مکارم الاخلاق، ص ۱۳.

آنان مضایقه نمی‌کرد.

از عایشه نقل شده است که: رسول اکرم ﷺ در خانه خود در خدمت خانواده‌اش بود، لباس خود را پاکیزه می‌کرد، گوسفنده را می‌دوشید، جامه خود را وصله می‌کرد، پای افزار خویش را پینه می‌زد، خانه را جارو می‌کرد، شتر را می‌بست و شتر آبکش را علوفه می‌داد، با خدمت کارش غذا می‌خورد و با او آرد خمیر می‌کرد و کالای خویش را از بازار خود حمل می‌کرد.^۱

ابن شهر آشوب نقل کرد که: رسول اکرم ﷺ پای افزار را پینه می‌زد و جامه را وصله می‌کرد و در خانه را، خود باز می‌کرد و شیر گوسفندان را می‌دوشید و شتر را می‌بست و سپس آن را می‌دوشید و چون خدمت کارش خسته می‌شد، او را کمک می‌کرد.^۲

۲. سیره امیرمؤمنان علی

در روایتی چنین آمده است:

دخل رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى عَلَيْ ، فَوَجَدَهُ هُوَ وَفَاطِمَةُ يَطْحَنِ فِي الْجَاؤِرِسِ [الجاروس] فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ : أَيْكُمَا أَعْيَأٰ؟ فَقَالَ عَلَيْ : فَاطِمَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ . فَقَالَ لَهَا: قُومِيْ يَا بُنْيَةَ فَقَامَتْ، وَجَلَسَ النَّبِيُّ ﷺ مَوْضِعَهَا مَعَ عَلَيْ فَوَاسِاهُ فِي طَحْنِ الْحَبِّ^۳

روزی رسول خدا ﷺ به خانه علی وارد شد. او و فاطمه را دید که با کمک هم با آسیاب دستی، گندم آرد می‌کنند. فرمود: کدام یک خسته‌ترید؟ علی گفت:

۱. سیره بنوی، ج ۴، ص ۴۲۹.

۲. همان، ص ۴۲۹ و ۴۳۰؛ و مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۱۴۶.

۳. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۰ و ۵۱.

فاطمه خسته‌تر است. پیامبر ﷺ به فاطمه فرمود: دخترم برخیز، فاطمه برخاست و حضرت به جای او نشست و علی را در آرد کردن گندم کمک کرد.

امام صادق فرمود:

کانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَحْتَطِبُ وَيَسْتَسْقِي وَيَكْنُسُ، وَكَانَتْ فَاطِمَةُ تَطْحَنُ وَتَعْجِنُ وَتَخْبِزُ^۱

امیرمؤمنان هیزم جمع می‌کرد و آب می‌کشید و جارو می‌کرد و فاطمه آرد تهیه می‌کرد و خمیر درست می‌کرد و نان می‌پخت.

در روایتی آمده است: «علی خرما و نمک در جامه و به دست خود حمل می‌کرد و می‌گفت: از کمال آدمی نمی‌کاهد که منافعی را برای خانواده‌اش حمل کند و با خود بپرد». ^۲

محافظت خانواده از انحراف

یکی از رسالت‌های مهمی که خداوند بر عهده مؤمنان، خصوصاً سرپرست خانواده‌ها نهاده محافظت از آن‌ها در برابر انحرافات و گمراهی‌هاست.^۳ بی‌توجهی هر مردی در تربیت و اصلاح خانواده، به ویژه همسر خویش، خسارت

۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۳۹.

۲. بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۵۴.

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَمُوا ثُوَا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيْكُمْ نَارًا وَقُوْدُهَا النَّاسُ وَالْجَحَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غَلَاظٌ شَدَادٌ لَا يَعْصُوْنَ اللَّهَ مَا أَمْرَهُمْ وَيَقْعُلُونَ مَا يُتُّمِرونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ‌ها هستند مصون دارد. بر آن [آتش] فرشتگانی درشت خوی و سخت‌گیر گمارده شده‌اند که خدا رادر آنچه به آنان فرمان داده است عصیان نمی‌کنند، و آنچه را که بدان فرمان می‌یابند انجام می‌دهند. (تحریر، آیه ۶): «وَأَمْرُ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَأَصْطَبَهُ عَلَيْهَا لَا شَأْنَكَ رِزْقًا تَعْنَى نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِتَنْقُوفُكَ»؛ و خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر آن شکیبا باش. ما از تو رزقی نمی‌خواهیم، ماییم که به تو روزی می‌دهیم، و عاقبت [نیکو] برای [اهل] تقواست. (طه، آیه ۱۳۲).

جبران ناپذیری را در درجه اول به خانواده و بعد به جامعه وارد خواهد کرد، زیرا اگر زن خانه، که سمت مادری فرزندان را به عهده دارد، منحرف شود، مسلماً فرزندان آن خانواده نیز دچار انحراف خواهند شد و اگر مادر خانواده، صالحه باشد، فرزندان صالح، تحويل جامعه خواهد داد. تشییه زن و مرد به منزله لباس برای همدمیگر، از سوی خانواده،^۱ بیانگر محافظت آنان از همدمیگر در مقابل انحرافات می‌باشد، زیرا همان گونه که لباس، انسان را از آسیب‌های سرما و گرما حفظ می‌کند، زن و شوهر نیز همدمیگر را از انحراف و گناهان حفظ می‌کنند.

یکی از صفات ارزشمندی که می‌تواند مردان را در محافظت از همسر و خانواده خویش یاری رساند، غیرت می‌باشد مردان با غیرت، آن چنان از همسر و ناموس خویش حفاظت می‌کنند که به هیچ وجه، اجازه نمی‌دهند، چشم نامحرمان و هوس بازان به ناموس آن‌ها بیفتند. در منطق دین اسلام، به کسانی که از این صفت مهم محروم‌مند و حاضرند همسرانشان بدون حجاب اسلامی و با آرایش و معطر در میان نامحرمان حضور پیدا کنند و چهره و اندام خود را در معرض دید همگان قرار دهند، لقب دیویث داده شده است.

پیامبر اکرم صلوات الله عليه و آله و سلم فرمود:

الْمُتَغَافِلُ عَلَى زَوْجَتِهِ هُوَ الدَّيْوُثُ؛^۲

مردی که زنش تبهکار و فاسد باشد ولی خود را به بی‌خبری بزند و زشتکاری او را نادیده بگیرد دیویث است.

امام صادق فرمود:

۱. «أَحِلَّ لَكُمْ يَنِيَّةَ أَصْيَامٍ أَلْرَئَتُ إِلَيْيَ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِيَاْسُ لَكُمْ وَأَئْتُمْ لِيَاْسُ لَهُنَّ...»؛ آمیزش با زنانستان در شب‌های روزه‌داری برای شما حلal شده است. آنان برای شما لباسی هستند و شما نیز برای آنان لباسی هستید... (بقره، آیه ۱۸۷).

۲. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۵.

إِنَّ اللَّهَ عَيْوُرُ يُحِبُّ كُلَّ عَيْوِرٍ حَرَمَ الْقَوَاخِشَ ظَاهِرَهَا وَبَاطِنَهَا؛^۱
 خداوند غیرتمند است و هر صاحب غیرت را دوست دارد و از غیرت خداست که
 اعمال زشت و فحشا را در ظاهر و باطن حرام فرموده است.

امام صادق فرمود:

إِذَا لَمْ يُعَيِّرِ الرَّجُلُ فَهُوَ مَنْتُوسُ الْقُلْبِ؛^۲
 هرگاه مردی غیرت نداشته باشد، بداند که قلبی واژگونه دارد.

امام صادق فرمود:

إِنَّ الْغَيْرَةَ مِنَ الْأَيْمَانِ؛^۳

همانا غیرت، نشانی از ایمان است.

امام صادق فرمود:

إِنَّ الْمَرْءَ يَحْتَاجُ فِي مَنْزِلِهِ وَعَيْالِهِ إِلَى ثَلَاثٍ خِصَالٍ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِي طَبَعِهِ ذَلِكَ:
 مُعَاشِرَةٌ جَمِيلَةٌ، وَسَعَةٌ بِتَقْدِيرٍ، وَغَيْرَةٌ بِتَحْصِينٍ؛^۴

هر مردی در برابر اهل و خانواده خود، سه چیز را باید رعایت کند اگر چه در طبع و
 عادتش نباشد: معاشرت و برخورد شایسته، میانه روی در امور اقتصادی، غیرت و
 حفظ ناموس.

موعظه و نصیحت

یکی از ویژگی‌های مرد، در خانواده قرآنی و ایمانی که خداوند به آن گوشزد نموده
 است، موعظه و نصیحت کردن به همسرانی است که خوف تمدد و سرپیچی از آن‌ها

۱. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۰۸.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۰۹.

۴. سفينة البحار، ج ۲، ص ۳۳۸.

داده می‌شود.^۱ چنانچه زنی از راه موعظه، حاضر به تفاهم با شوهرش نشود، خداوند به شوهر اجازه داده تا از زنش دوری گزیند و چنانچه زن از این راه هم، متنبه نشد، بر اساس اذن خداوند، شوهر اجازه دارد، زن را برای پذیرش حق و رعایت وظایفی که خداوند بر عهده او گذاشت، تنبیه فیزیکی کند، البته با رعایت شرایط ذکر شده در شرع مقدس تا منجر به ظلم و تعدی به زن نشود، اما اگر زنی مطیع شوهر شد و حق قانونی و شرعی شوهر را رعایت کرد، شوهر حق ندارد، کمترین تعدی و ظلمی در حق زنش مرتکب شود.

مشاوره و همفکری

یکی دیگر از ویژگی‌های همسران موفق، که در قرآن به آن اشاره شده، مشاوره و همفکری با یکدیگر است؛^۲ گرچه مورد مشاوره، مسئله از شیر گرفتن کودک

۱. «الرَّجَالُ قَوْمُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَعَلَ اللَّهُ بِعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَّبِمَا أَنْقَلُوا مِنْ أَنْوَالِهِمْ فَالصِّلَاحَاتُ قَاتِلَاتٌ حَافِظَاتٌ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَحَافُونَ نُشُورُهُنَّ فَيَظْهُرُهُنَّ وَأَهْجُرُهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَأَضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطْعَنُكُمْ فَلَا يَتَغَيَّرُ عَلَيْهِنَّ سَيِّلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْهَا كَبِيرًا»؛ مردان بر زنان خود مدیریت دارند، بدان سبب که خدا بعضی از آنان (مردان) را بر بعضی (زنان) برتری داده است، و نیز بدان سبب که آنان [در زندگی مشترک خود] از اموالشان هزینه می‌کنند. پس زنان شایسته فرمانبردارند، و در غیاب [شوهر حقوق او را] حفظ می‌کنند، همان‌گونه که خدا [حقوق آنان را] حفظ کرده است. وزنانی که از ناسازگاری آنان بیم دارید، نخست اندرزشان دهید، و [اگر سود نداد، در بستر از آنان دوری کنید، و [اگر سود نداد] آنان را بزنید؛ پس اگر از شما اطاعت کردند، راهی بر زیانشان مجویید. همانا خدا بلند مرتبه و بزرگ است. (نساء، آیه ۳۴).

۲. «وَالوَالِدَاتُ يُؤْخِذُنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِكُنْ أَرَادَ أَنْ يُمْتَهِنَ الْرَّضَاعَةَ وَعَلَى آمْوَالِهِنَّ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِشْوُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسَ إِلَّا وُشَعَّهَا لَا تُضَارَّ وَالْبَدَهُ بَوَالَّهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوَالَّهُ وَعَلَى آنَوْارِهِ مِثْلُ ذَلِكَ قَائِمٌ أَرَادَ فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَشَاؤِرٌ فَلَا جَنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرِضُوكُمْ أَوْلَادَكُمْ فَلَا جَنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»؛ و مادران [مطلوبه] فرزندانشان را دو سال تمام شیر دهنند. [این حکم] برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تمام کند. و خوراک و پوشک مادران، به طور شایسته، بر عهده پدر است. هیچ کس

می باشد، اما پیام اصلی قرآن، توجه به جایگاه اصلی مشاوره در فراز و نشیب‌های زندگی می باشد که می تواند به عنوان یکی از راههای بسیار مهم حل مشکلات در دستور کار زندگی همسران قرار گیرد. اگر همفکری و مشاوره به عنوان یک اصل در تصمیم‌گیری و اداره و پیشبرد امور در زندگی مشترک، پذیرفته شود، روابط خانوادگی به درستی تنظیم می‌گردد و بسیاری از بد فهمی‌ها و اختلاف‌ها رفع می شود. البته مشاوره و همفکری به معنای نفی شخصیت یکی در برابر دیگری و هضم شدن یکی در دیگری نیست و اعضای خانواده می‌توانند در عین داشتن شخصیت مستقل و اندیشه و نظر خویش، در اهداف و جهت‌گیری‌ها و مسیر زندگی، با مشاوره و همفکری به توافق و تفاهم برسند. همفکری در زندگی خانوادگی، درک متقابل و همسویی در امور مشترک است نه نفی یکدیگر و نادیده گرفتن علائق و سلایق گوناگون. این انتظار، که همه افراد خانواده در یک مسئله، دارای یک نظر و سلیقه باشند و در همه چیز یک فهم و عقیده معنا یابد، انتظاری غیر واقعی است، اما اگر در زندگی خانوادگی، یک سلیقه و نظر مهم باشد و دیگران حق اظهار نظر نداشته باشند، شادی حقیقی و آرامش واقعی و روابط پر نشاط، دچار آسیب جدی خواهد شد و پیوند میان افراد از استحکام بیرون می‌رود. بنابراین بر همسران لازم است تا هر گونه خود محوری و خود مداری را از خود دور نمایند تا بتوانند به راحتی به سوی تفاهم در زندگی گام بردارند و از میوه‌های شیرین همفکری در زندگی برخوردار گردند.

→ جز به قدر وسعش مکلف نمی‌شود. هیچ مادری نباید به فرزندش زیان برساند، و هیچ پدری نیز نباید به فرزندش [ازیان برساند] و [در صورت فوت پدر،] مثل این [هزینه] بر عهده وارث است. و اگر [پدر و مادر] بخواهند با رضایت و مشورت یکدیگر، [پیش از تمام شدن دو سال،] طفل را از شیر بگیرند، گناهی بر آن دو نیست. و اگر خواستید برای فرزنداتان دایه بگیرید، گناهی بر شما نیست، به شرط این که بهای را که می‌دهید، به خوبی پردازید. و از خدا پرواکنید، و بدانید که خدا به آنچه می‌کنید بیناست. (بقره، آیه ۲۳۳).

وظیفه زن در برابر مرد

رعايت حقوق شوهر

زن در برابر مرد، وظایفی دارد که در قرآن مطرح شده و او را ملزم به انجام دادن آنها نموده است؛ همان‌گونه که بر عهده مرد، حقوقی در برابر زن تعیین گردیده است.^۱ خداوند رعایت حقوق شوهر را از صفات زنان شایسته و صالح بر شمرده است^۲ و زنانی را که نسبت به رعایت حقوق شوهرانشان خیانت نمودند از جهنّمیان قرار داده است^۳ و به

۱. «...وَأَهْنَ مِثْلُ أَذْلَى عَلَيْهِنَ بِالْمَعْرُوفِ وَالرِّجَالُ عَلَيْهِنَ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ ... و برای این زنان، به طور شایسته حقوقی بر مردان است، مانند آنچه [برای مردان] بر عهده آنان است، و مردان بر آنان مرتبی دارند؛ و خدا عزّتمند و حکیم است. (بقره، آیه ۲۲۸).

۲. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ إِمَا فَعَلَ اللَّهُ بِعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَإِمَّا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَاتِنَاتٌ حَافِظَاتٌ لِلْغَيْبِ إِمَّا خَيْطَ اللَّهُ...»؛ مردان بر زنان خود مدبیریت دارند، بدان سبب که خدا بعضی از آنان (مردان) را بر بعضی (زنان) برتری داده است، و نیز بدان سبب که آنان [در زندگی مشترک خود] از اموالشان هزینه می‌کنند. پس زنان شایسته فرمابنیدارند، و در غیاب [شوهر حقوق او را] حفظ می‌کنند، همان‌گونه که خدا [حقوق آنان را] حفظ کرده است... (نساء، آیه ۳۴).

۳. «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا أَمْرَأَتُ نُوحٍ وَأَمْرَأَتُ لُوطٍ كَاتَبَا تَحْتَ عَيْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِيْنِ فَخَاتَاهُمَا فَلَمْ يُعْنِسْهَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقَبِيلٌ أَدْخُلَا أَنْذَارَ مَعَ الْأَذْلِيلِينَ»؛ خدا برای آنان که کفر ورزیده‌اند، زن نوح و زن لوط را مثل آورده است که، تحت سرپرسی دو بنده شایسته از بندهان ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند، و در برایر [کیفر] خدا هیچ کاری از آن دو [بیامبر] برای آنها ساخته نبود، و [به آن دو زن] گفته شد با داخل شوندگان داخل آتش شوید. (تحریم، آیه ۱۰).

شوهرانشان اجازهٔ تنبیه آن‌ها را داده است^۱ و در صورت رعایت حقوق شوهر، هر گونه تجاوز و ظلم در حق زنان را بر شوهران ممنوع کرده است.^۲ اما اگر در مواردی بین آن‌ها اختلاف پیش آمده است، توصیه نموده تا با انتخاب دو داور از هر طرف، بین آن‌ها آشتی صورت گیرد،^۳ چراکه صلح و آشتی بهتر از جدال و درگیری می‌باشد.

موارد حقوق شوهر بر زن

۱. حق تمکین و اطاعت از شوهر

اطاعت از شوهر در امور زناشویی، یکی از وظایف زن در قرآن مطرح شده است و در صورت سرپیچی و نشوز زن، به مرد اختیار داده شده تا او را موعظه و در صورت بی‌تأثیر بودن آن، همخوابگی را ترک و در نهایت اگر زن حاضر به تمکین نشد او را تنبیه نماید.^۴

۱. ﴿...وَاللَّاتِي تَخَافُونَ تُنْسُوَهُنَّ فَيُظْهُرُهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَأَضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطْعَنُكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا﴾؛ و زنانی که از ناسازگاری آنان بیم دارید، نخست اندرزشان دهید، و [اگر سود نداد،] در بستر از آنان دوری کنید، و [اگر سود نداد] آنان را بزنید؛ پس اگر از شما اطاعت کردند، راهی بر زیانشان مجویید. همانا خدا بلند مرتبه و بزرگ است. (نساء، آیه ۳۴).

۲. ﴿...فَإِنْ أَطْعَنُكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا﴾؛ ... پس اگر [زنان] از شما اطاعت کردند، راهی بر زیانشان مجویید. همانا خدا بلند مرتبه و بزرگ است. (نساء، آیه ۳۴).

۳. ﴿...وَإِنْ خَفِتُمْ شِقَاقَ بَيْتِهِمَا فَابْتَغُوا حَكْمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكْمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوْفِقُ اللَّهُ بِيَتِهِمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا خَبِيرًا﴾؛ و اگر از جدایی میان آن دو، بیم دارید، داوری از کسان مرد و داوری از کسان زن برآنگریزید [تا راه اصلاح را بیابند]؛ اگر آن دو، اراده اصلاح داشته باشند، خدا میانشان توافق برقرار می‌کند. به یقین خدا دانا و آگاه است. (نساء، آیه ۳۵).

۴. ﴿...فَالصَّالِحَاتُ قَاتِنَاتٌ حَافِظَاتٌ لِلْقَيْبِ بِمَا حَفَظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ تُنْسُوَهُنَّ فَيُظْهُرُهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فَإِنْ أَطْعَنُكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا﴾؛ ... پس زنان شایسته فرمانبردارند، و در غیاب اشواهر حقوق او را حفظ می‌کنند، همان‌گونه که خدا [حقوق آنان را] حفظ کرده است. و زنانی که از ناسازگاری

امام باقر فرمود:

جَاءَتْ إِمْرَأَةٌ إِلَى النَّبِيِّ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حُقُّ الزُّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ؟
فَقَالَ لَهَا: أَنْ تُطِيعَهُ وَلَا تَعْصِيهِ، وَلَا تَصْدَقَ مِنْ بَيْنِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا تَصُومَ تَطْوِعاً إِلَّا
بِإِذْنِهِ وَلَا تَمْنَعُ نَفْسَهَا...؛^۱

زندگی نزد پیامبر آمد و پرسید: ای رسول خدا حق شوهر بر زن چیست؟

فرمود: این است که او را فرمان برد و نافرمانی اش نکند و از اموال شوهرش جز با اجازه او بخشنده ننماید و جز با هماهنگی با او روزه مستحبی نگیرد و خود را از او منع نکند.

از امام صادق نیز نقل شده است که فرمود:

جَاءَتْ إِمْرَأَةٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حُقُّ الزُّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ؟
قَالَ: ... عَلَيْهَا أَنْ تُطَيِّبَ طِبَّهَا وَ تَبْلِسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا، وَ تُزَيِّنَ بِأَحْسَنِ
زِينَتِهَا وَ تَعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَيْهِ غُدْوَةً وَ عَشِيشَةً؛

زندگی نزد رسول خدا آمد و پرسید: ای رسول خدا حق شوهر بر زن چیست؟

فرمود: این است که خود را به بهترین عطری که در اختیار دارد خوشبو سازد و بهترین لباس خود را برای شوهرش بپوشد و به نیکوترين وجه خود را بیارايد و صبح و شام خود را بر شوهرش عرضه نماید.

رسول اکرم فرمود:

حَقُّ الرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ، إِنَارَةُ السَّرَاجِ، وِإِصْلَاحُ الطَّعَامِ، وَ أَنْ تَسْتَقِبِلَهُ عِنْدَ بَابِ

→ آنان بیم دارید، نخست اندرزشان دهید، و [اگر سود نداد،] در بستر از آنان دوری کنید، و [اگر سود نداد] آنان را بزنید؛ پس اگر از شما اطاعت کردند، راهی بر زیانشان مجویید. همانا خدا بلند مرتبه و بزرگ است. (نساء، آیه ۳۴).

۱. الکافی، ج ۵، ص ۵۰۸؛ و وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۹۳.

بَيْتِهَا فَتَرَّحَّبَ بِهِ، وَ أَنْ لَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ؛^۱

از حقوق مرد بر زن، آن است که چراغ را برایش روشن کند، غذای مناسب برایش طبخ نماید و از در خانه استقبال کند و به او خوش آمد بگوید و در هنگام تقاضای او - مگر در مواقعی که عذر شرعی دارد - امتناع نورزد.

رسول اکرم ﷺ فرمود: «بهترین زنان شما زنی است که فرزند بزاید و مهربان باشد و خودش را بپوشد و پاکدامن باشد؛ در میان خانواده‌اش عزیز و نزد شوهرش رام باشد، در برابر همسرش خود را جلوه بدهد و در برابر مردان بیگانه خود را حفظ کند، سخن شوهرش را بشنو و او را اطاعت کند و در خلوت، خود را در اختیار او قرار دهد.»^۲

رسول اکرم ﷺ فرمود:

لَوْ أَمَرْتُ أَحَدًا يَسْجُدُ لِأَحَدٍ لَآمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا؛^۳

اگر می‌خواستم، کسی را امر کنم، که برای دیگری سجده کند (یعنی اگر سجده برای غیر خدا جایز بود) دستور می‌دادم، زنان شوهران خویش را سجده نمایند.

رسول اکرم ﷺ فرمود: «آیا شما را از بهترین زنانتان آگاه نکنم؟ گفتیم چرا ای رسول خدا، فرمود: بهترین زنان شما کسانی اند که نیاز جنسی همسر خود را برأورده می‌سازند.»^۴

رسول اکرم ﷺ فرمود: «حق شوهر بر همسرش این است که او را از بھرہ مندی جنسی منع نکند.»^۵

۱. مکارم الاخلاق، ص ۲۴۶.

۲. روضة المتقين، ج ۸، ص ۱۰۲.

۳. فروع الکافی، ج ۲، ص ۶۰.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴.

۵. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۳۵ و ۳۳۶.

پرهیز از نافرمانی شوهر

رسول اکرم ﷺ فرمود:

آلأ أَخْبِرُكُمْ بِشَرَارِ نِسَائِكُمْ: الْذَّلِيلَةِ عِنْدَ أَهْلِهَا، الْعَزِيزَةِ مَعَ بَعْلِهَا، الْعَقِيمِ الْحَقُودِ
الَّتِي لَا تَوَرَّعُ عَنْ قِبْحٍ، الْمُتَبَرِّجَةِ إِذَا غَابَ عَنْهَا بَعْلُهَا، الْحِصَانِ مَعَهُ إِذَا حَضَرَ،
لَا تَسْمَعُ قَوْلَهُ، وَ لَا تُطِيعُ أَمْرَهُ، وَ إِذَا خَلَاهُ بَعْلُهَا تَمَنَّعَتْ مِنْهُ، كَمَا تُمْنَعُ الصَّعْبَةُ
عِنْدَ رُكُوبِهَا، لَا تَقْبِلُ مِنْهُ عُذْرًا، وَ لَا تَغْفِرُهُ ذَبَابًا؛^۱

می خواهید شما را از بدترین زنان آگاه سازم؟ زنی است که نزد خویشان خود را
خفیف و خوار و نزد شوهر به خود بالیده مباهات و افتخار نماید، ناز، بددل و کینه
توز، در گفتار و رفتار زشت و بی پروا باشد، در اوقات غیبت شوهر، آشکارا از منزل
خارج شده، خودنمایی کند، در هنگام حضورش بسی اعتنایی کرده، دست به وی
ندهد، سخن شوهر را نمی شنود و امرش را اطاعت نمی کند، در وقت خلوت، مثل
اسب سرکش از وی امتناع ورزد، عذر وی را نپذیرد و از لغتش و خطای او نگذرد.»

۲. حفظ امانت

یکی از حقوق شوهر بر زن، حفظ امانت ها و اسرار شوهر در غیاب اوست^۲،
خداؤند جهنهم را کیفر همسران نوح و لوط ، به سبب خیانت آنان به شوهرانشان،
قرار داده است^۳ و برخی همسران پیامبر اکرم ﷺ را به سبب افسای راز آن حضرت،

۱. مکارم الاخلاق، ص ۲۵۶.

۲. ﴿...فَالصَّالِحَاتُ حَافِظَاتٌ لِتَثْبِيتِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ﴾؛ ... پس زنان شایسته فرمانبردارند، و در غیاب [شوهر حقوق او را] حفظ می کنند، همان گونه که خدا [حقوق آنان را] حفظ کرده است... (نساء، آیه ۳۴).

۳. ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا أَمْرَاتٌ تُوحِّي وَأَمْرَاتٌ لُوطٌ كَاتَنَا تَحْتَ عَيْنَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَعَاهَتُهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا

توبیخ نموده است.^۱

زن مسلمان و شایسته، اهل درد و امانتدار است، این نکته را درک می‌کند که مرد برای به‌دست آوردن هزینه زندگی، متحمل رنج‌ها و دشواری‌هایی شده و تا چه حد خود را به آب و آتش زده است تا بتواند سرمایه‌ای به‌دست آورد و آبروی اهل خانه را حفظ و نفقة آن‌ها را تأمین کند. در میزان هزینه‌ای که زن در خانه صرف می‌کند، مراقب است که خود را در نقش امانت‌داری برای شوهر به‌حساب آورد و با حسن نیت در هزینه‌ها وارد می‌شود. امانت‌داری زن سبب می‌شود که شوهر در زندگی، اعتماد داشته باشد و این اعتماد سبب می‌شود که کار مرد در محل کارش با اطمینان و حسن نیت باشد.^۲

۳. رفق و ملایمت

رسول اکرم صلوات الله علیه و سلام فرمود:

أَلَا وَ أَيُّمَا إِمْرَأٌ لَمْ تَرْفُقْ بِرَوْجَهَا وَ حَمَلَتْهُ عَلَىٰ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ، وَ مَا لَا يُطِيقُ لَمْ يَقْبِلِ اللَّهُ مِنْهَا حَسَنَةً، وَ تَلَقَّى اللَّهُ وَ هُوَ عَلَيْهَا عَصْبَانٌ؛^۳

→ منَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ أَدْخُلًا أَنْتَارَ مَعَ الْدَّاخِلِينَ؛ خدا برای آنان که کفر ورزیده‌اند، زن نوح و زن لوط را مثُل آورده است که، تحت سرپرستی دو بندۀ شایسته از بندگان ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند، و در برابر [کیفر] خدا هیچ کاری از آن دو [پیامبر] برای آنها ساخته نبود، و [به آن دو زن] گفته شد با داخل‌شوندگان داخل آتش شوید.

(تحریر، آیه ۱۰).

۱. «إِذَا أَسْرَ النَّبِيِّ إِلَى بَعْضِ أَذْوَاجِهِ حَبِيبِنَا بَتَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضِ فَلَمَّا بَتَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْتَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأْنِي الْقَلِيلُ الْخَيْرُ؛ و [یاد کنید] هنگامی را که پیامبر با یکی از همسران خود سخنی به راز گفت، پس چون وی آن راز را [به همسر دیگر] خبر داد و خدا پیامبر را از آن آگاه کرد، بخشی [از راز فاش شده] را اظهار کرد و از بخشی چشم پوشید؛ پس وقتی آن زن را از آن باخبر ساخت، وی گفت: چه کسی این را به تو خبر داده؟ گفت: [خدای] دانای آگاه به من خبر داده است. (تحریر، آیه ۳).

۲. نظام حیات خانواده در اسلام، ص ۱۹۰ و ۱۹۲.

۳. مکارم الاخلاق، ص ۲۱۴؛ و بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۴.

بدانید هر گاه زنی با شوهرش رفق و ملایمت نداشته باشد و از او چیزی بخواهد که قادر به دست آوردن آن نباشد، خداوند از چنین زنی حسن‌های را قبول نمی‌کند و او خداوند را در حالی دیدار می‌کند که خداوند از او خشمگین است.

۴. شکایت نکردن علیه شوهر

رسول اکرم ﷺ به حوالاء فرمود:

يَا حَوْلَاءُ لَا يَحِلُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُكَلِّفَ زَوْجَهَا فَوْقَ طَاقَتِهِ، وَ لَا تَشْكُوْهُ إِلَى أَحَدٍ مِّنْ خَلْقِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَقْرَبِهِ وَ لِأَبْعَدِهِ^۱

ای حوالاء، جایز نیست که زن به شوهرش، بیش از توانش تکلیف کند، و جایز نیست از او نزد کسی - چه نزدیک و چه دور - گلایه نماید.

رسول اکرم ﷺ فرمود:

إِنِّي لَأَبْغِضُ الْمَرْأَةَ تَحْرُجُ مِنْ بَيْنِهَا، تَجْرُّ ذَلِيلًا، تَشْكُو زَوْجَهَا^۲

بی گمان، من زنی را که از خانه خود، دامن کشان برای شکایت از شوهرش بیرون شود، دشمن می‌دارم.

فاطمه زهرا ، خطاب به حضرت علی می‌گفت:

يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنْ إِلَهِي أَنْ تُكَلِّفَ نَفْسَكَ [أَنْ أُكَلِّفَ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ]^۳

ای ابوالحسن، بی گمان من از خدایم خجالت می‌کشم، که تو به چیزی وادر شوی [و من خواسته‌ای از تو داشته باشم] که قادر به انجام دادن آن نباشی.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۲

۲. کنز المعنی، ج ۱۶، ص ۳۸۲

۳. بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۱۷۴

۵. آراستگی برای شوهر

یکی از سفارش‌های دین اسلام به زن و مرد، توجه به زیبایی و آراستگی در خانواده می‌باشد. در سیره و سخنان اهل بیت این مسئله مورد توجه جدی قرار گرفته است.

پیامبر اکرم ﷺ به یکی از همسرانش فرمود:

مَالِيْ أَرَاكَ شَعْنَاءَ مَرْهَاءَ سَلْتَاءَ؟^۱

چرا تو، ژولیده مویی و در اثر نکشیدن سرمه، چشمت سفید شده است و چرا
خضاب نمی‌کنی؟

امام صادق فرمود:

فَأَلَّا تُأْمِنَ سَلَمَةً: فَسَأَلَتُ فاطِمَةَ هَلْ عِنْدَكِ طِيبٌ إِذْ حَرْتِهِ لِنَفْسِكِ؟ فَأَلَّا: نَعَمْ فَأَنْتِ يَقْارُورَةٍ، فَسَكَبْتِ مِنْهَا فِي رَاحَتِي فَسَمِّمْتِ مِنْهَا إِحْيَاهَ مَا شَمَمْتُ مِنْهَا فَأَطَّهَافْتُ^۲

ام سلمه گفت: از فاطمه پرسیدم که آیا عطری ذخیره کرده‌ای؟ گفت: آری، پس
شیشه‌ای آورد و قدری در کف دست من ریخت، بوی خوشی داشت که هرگز مانند
آن را استشمام نکرده بودم.

۶. پرهیز از آراستگی برای غیر شوهر

آشکار نکردن زینت برای غیر شوهر، یکی از توصیه‌های قرآن مجید به زنان
می‌باشد.^۳ در منطق اهل بیت نیز به این امر توجه شده، که نمونه‌هایی از کلام

۱. بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۱۷۴.

۲. همان، ج ۴۳، ص ۵۹ و ۱۱۴.

۳. (وَقُلْ لِلنُّؤْمَنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَصْبَرْهُنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ لَا يُبَدِّيَنَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهُنَّ

گهربارشان در اینجا ذکر می‌شود:

۱. امام صادق فرمود:

...أَيُّمَا إِمْرَأٌ تَطَبِّبُ لِعَيْنِ رَوْجِهَا لَمْ يَتَبَلَّ اللَّهُ مِنْهَا صَلَةً حَتَّىٰ تَعْتَسِلَ مِنْ طِبِّهَا
كَعْسِلِهَا مِنْ جِنَابِهَا؛^۱

هر زنی که خود را برای غیر شوهرش، خوشبو کند، نمازی از او قبول نمی‌شود تا زمانی که خود را از آن بُوی خوش پاک گرداند، همان طور که جنابت خود را با غسل پاک می‌سازد.

۲. امام صادق فرمود:

نَهَىٰ رَسُولُ اللَّهِ... أَنْ تَتَزَينَ لِغَيْرِ زَوْجِهَا فَإِنْ فَعَلْتُ كَانَ حَقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُحْرِقَهَا
بِالنَّارِ؛^۲

رسول خدا نهی کرد از این که زنی برای غیر شوهر خود زینت کند و اگر چنین کاری انجام دهد، خداوند او را به آتش جهنم می‌سوزاند.

→ عَلَىٰ جُبُوْبِهِنَّ وَلَا يُبَدِّيْنَ زِيَّتَهِنَّ إِلَّا لِبُعُوْلِهِنَّ أَوْ أَبَائِهِنَّ أَوْ أَنْبَائِهِنَّ أَوْ أَخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي
إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخْوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكُتْ أَيْمَانُهِنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطَّفَلُ الَّذِينَ
لَمْ يَظْهِرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ أَنْسَاءٍ وَلَا يَضْرِبُنَّ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُغَلَّمَ مَا يُخْفِيْنَ مِنْ زِيَّتِهِنَّ وَتُوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيْهَا الْمُؤْمِنُوْنَ
لَعَلَّكُمْ تُلْخِحُوْنَ؛ وَ بِهِ زَنَانٌ مُؤْمِنَاتٌ بِكُوْنِهِنَّ نِكَاهَهَايِنَّ خَوْدَ [که حرام است] چشم پوشی کنند و شرمگاههای
خود را حفظ نمایند و زینت هایشان را - جز آنچه که خود نمایان است - آشکار نکنند؛ و باید روسری خود را
برگریبان خویش فرو افکنند، و زینت خود را جز برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا
پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان همکیش
خود، یا برده های زر خریدشان، یا ملازمانشان از میان مردانی که نیاز جنسی ندارند، یا کودکانی که [به سَنَّ تَعْمِيز
نَرْسِيَّهٖ وَ] از شرمگاه زنان آگاه نشده اند، آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه ای بر زمین] نکوبند که زینت های
مخفي آنان معلوم شود. و ای مؤمنان، همگی به سوی خدا بازگردید، باشد که ظفر مند شوید. (نور، آیه ۳۱).

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۳.

۲. همان، ص ۱۱۵.

۳. امام صادق فرمود:

قال رَسُولُ اللَّهِ وَسَلَّدَ: أُمِّيْ إِمْرَأٌ تَطَبِّيْتُ وَخَرَجْتُ مِنْ بَيْتِهَا فَهِيَ تُلْعَنُ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا مَتَى مَا رَجَعَتْ؛^۱

هر زنی که خودش را خوشبو کند و از منزل خارج شود مورد لعن قرار می‌گیرد تا به خانه برگردد.

۴. امام صادق فرمود:

لَا يَنْبُغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُجْمِرَ ثَوْبَهَا إِذَا خَرَجْتُ مِنْ بَيْتِهَا؛^۲

شایسته نیست برای زن که هنگام خارج شدن از منزل، لباس‌های خود را معطر کند.

۷. هماهنگی با شوهر در بیرون رفتن از منزل

امام صادق فرمود: «پیامبر اکرم ﷺ نهی کرد از این‌که زنی بدون اجازه شوهرش از منزل بیرون رود. اگر چنین کاری کند، مورد لعن همه فرشتگان آسمان و هر مرد و زنی که با او برخورد می‌کند قرار می‌گیرد تا این‌که به خانه برگردد».^۳

امام صادق فرمود: «زنی از رسول خدا ﷺ در مورد حق شوهر بر زن سؤال کرد، حضرت فرمود: بدون اذن شوهر، روزه مستحبی نگیرد، بدون اجازه شوهر از منزل بیرون نرود...»^۴

۸. پرهیز از اذیت و آزار شوهر

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۴.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان، ص ۱۱۲.

مَنْ كَانَ لَهُ إِمْرَأً أَتُؤْذِنُ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا، وَ لَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُعِينَهُ وَ تَرْضِيهِ، وَ إِنْ صَامَتِ الدَّهْرَ، وَ قَامَتْ، وَ اعْتَقَتِ الرِّقَابَ، وَ أَنْفَقَتِ الْأَمْوَالَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ كَانَتْ أَوْلَ مَنْ تَرَدَ النَّارَ ثُمَّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَ عَلَى الرِّجْلِ مِثْلُ ذَلِكَ الْوِزْرِ وَ الْعَذَابِ إِذَا كَانَ لَهَا مُؤْذِنًا ظَالِمًا..^١

هر کسی (مردی) که زنش او را اذیت و آزار کند، خداوند نماز و کارهای نیک او را قبول نمی کند تا این که شوهر را راضی کند. گرچه تمام عمرش روزه بگیرد و نماز بخواند و بنده آزاد کند و در راه خدا اتفاق نماید. چنین زنی (آزار رساننده شوهر) اولین فردی است که وارد آتش جهنم می شود. بعد حضرت فرمود: هر مردی هم، زنش را آزار و اذیت کند، این گونه دارای عذاب است.... .

امام صادق فرمود:

أَئُمْنَا إِمْرَأً بَاتَتْ وَ زَوْجُهَا عَلَيْهَا سَاخِطٌ فِي حَقٍّ لَمْ يُتَقْبَلْ مِنْهَا صَلَاةً حَتَّى يَرْضِيَ عَنْهَا..^٢

هر زنی که بخوابد و حال این که شوهرش در مورد حقی از حقوقش از او ناراضی باشد، خداوند نماز او را قبول نمی کند تا این که شوهر را از خود راضی کند... .

امام صادق فرمود:

ثَلَاثَةُ لَا يُرْفَعُ لَهُمْ عَمَلٌ:... وَ امْرَأً زَوْجُهَا عَلَيْهَا سَاخِطٌ..^٣

یکی از کسانی که عمل او بالا نمی رود، (قبول خداوند قرار نمی گیرد) زنی است که شوهرش از او ناراضی باشد.

امام صادق فرمود:

۱. همان، ص ۱۱۶.

۲. همان، ص ۱۱۳.

۳. همان، ص ۱۱۴.

مَلْعُونَةٌ مَلْعُونَةٌ إِمْرَأَةٌ تُؤْذِي زَوْجَهَا وَتُغْمِهُ، وَسَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ إِمْرَأَةٌ تُكْرِمُ زَوْجَهَا وَلَا تُؤْذِيهِ؛^١

ملعون است، ملعون است زنی که شوهر خود را بیازارد و غمگینش کند؛ و خوشبخت است، خوشبخت است زنی که شوهر خود را تکریم کند و آزارش ندهد.

امام صادق فرمود:

ثَلَاثَةُ تُكَدِّرُ الْعَيْشَ: الْسُّلْطَانُ الْجَائِرُ، وَالْجَارُ السُّوءُ، وَالْمَرْأَةُ الْبَذِيَّةُ؛^٢

سه چیز، زندگی را تیره می‌کند: فرمانروای ستمگر همسایه بد و زن بد دهن و وقیح.

امام صادق فرمود:

أَيُّمَا إِمْرَأَةٌ قَالَتْ لِزَوْجِهَا: مَا رَأَيْتُ قَطُّ مِنْ وَجْهِكَ خَيْرًا، فَقَدْ حَبَطَ عَمَلُهَا؛^٣

هر زنی به شوهرش بگوید: از تو خیری ندیده‌ام، اعمال [نیک] خود را تباہ سازد.

ارزش و آثار احترام و محبت نمودن به شوهر از منظر اهل بیت

۱. بهره‌مندی از رحمت الهی

رسول اکرم صلوات الله عليه وآله وسلام فرمود: «وقتی مرد به زن خود با محبت می‌نگرد و زنش بدو با مهر نگرد، خداوند به دیده رحمت بر آن‌ها می‌نگرد.»^٤

۲. نشانه ارزش

امام رضا فرمود: «... بدان که زنان چند گروه‌هند: یک گروه از آنان، گنج و غنیمت

۱. همان، ص ۵۱۹.

۲. بحدار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۳۴.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۵.

۴. نهج الفضاحه، ج ۶۲۱.

محسوب می‌شوند، این گروه، زنانی هستند که شوهران خود را دوست داشته، به آن‌ها عشق می‌ورزند...»^۱

۳. از نیازهای زن

امام صادق فرمود: «... زن در روابط بین خود و شوهر هم‌دلش، از سه خصلت بی نیاز نمی‌باشد، که یکی از آن سه، اظهار عشق به شوهر با دلربایی است...».»^۲

۴. از بهترین زنان

امام صادق فرمود: «بهترین زنان شما... با محبت‌ترین زنان به شوهرانشان و مهربان‌ترین مادر به فرزندانشان هستند.»^۳

۵. بهره مندی از پاداش شهید

مردی نزد رسول خدا آمد و گفت: مرا همسری است که چون خانه روم به استقبالم آید و چون بیرون شوم بدرقه‌ام نماید و چون مرا اندوهناک بیند به من گوید: چه چیز اندوهناک ساخته؟ اگر اندوه روزی ات را داری، دیگری آن را برایت تکفل کرده است و اگر اندوه کار آخرت را داری، خداوند آن را فزونی بخشد. پس رسول خدا فرمود: خداوند را، کارگزارانی است و همسر تو از جمله آنان است که نیمی از پاداش شهید برای اوست.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۱.

۲. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۳۷ و وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵۹.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۷.

٦. بهره مندی از پاداش فراوان

رسول اکرم ﷺ فرمود:

ما مِنْ إِمَّرَأَةٍ تُسْقِي زَوْجَهَا شَرْبَةً مِنْ مَاءِ إِلَّا كَانَ حَيْرًا لَهَا مِنْ عِبَادَةِ سَنَةِ صِيَامِ
نَهَارِهَا وَقِيَامِ لَيْلَهَا، وَيَبْنِي اللَّهُ لَهَا بِكُلِّ شَرْبَةٍ تَسْقِي زَوْجَهَا مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ وَ
غَفَرَ لَهَا سِتِّينَ حَطَّيَّةً؛^١

هیچ زنی جرعهای آب به شوهرش نمی‌دهد، مگر آن که این کار برای او از یک سال
عبادتی که روزهایش به روزه و شب هایش به نماز شب بگذرد، بهتر است و خداوند
در ازای چنین کاری، شهری در بهشت برای آن زن ایجاد کند و شصت خطای اورا
بیامزد.

احترام به شوهر در سیره فاطمه

امام باقر فرمود: حضرت فاطمه به حضرت علی فرمود: «من تو را وصی
خودم قرار می‌دهم، زیرا تو بعد از رسول خدا ﷺ محبوب‌ترین فرد نزد من هستی.»^٢
فاطمه زها در لحظه‌های غمبار احتضار خویش به شدت گریست، حضرت
علی پرسید: چرا گریه می‌کنی؟ فاطمه فرمود: به خاطر آنچه که پس از من به تو
خواهد رسید، می‌گریم.»^٣

همکاری در خانه

انجام کارهای خانه، مثل پختن غذا، شستن لباس، تمیز کردن منزل، از وظایف

۱. وسائل الشیعه، ج ١٤، ص ١٢٣.

۲. بحار الانوار، ج ٨١، ص ٣٩٠.

۳. همان، ج ٤٣، ص ٢١٨.

الزامی زن نمی‌باشد، اما در فرهنگ اسلام، انجام چنین کارهایی از سوی زنان دارای ارزش و اهمیت فوق العاده‌ای می‌باشد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

ارزش کارهای زن در خانه

۱. بهره‌مندی از پاداش جهاد

رسول اکرم ﷺ فرمود:

مَهْنَةُ إِحْدَا كُنَّ فِي بَيْتِهَا جِهَادُ الْمُجْتَهِدِينَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛^۱

[ای زنان] هر یک از شما با اشتغال در خانه خویش، [اگر خدا خواهد] ثواب مجاهدان را خواهد یافت.

۲. سبب نجات از عذاب الهی

رسول اکرم ﷺ فرمود:

أَيُّمَا إِمْرَأٌ رَفَعْتُ مِنْ بَيْتِ رَوْجَهَا شَيئًا مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ تُرِيدُ يَهِ صَلَاحًا
نَظَرَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - إِلَيْهَا، وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ لَمْ يُعَذَّبْ؛^۲

هر زنی که در خانه همسر خود به قصد مرتب کردن آن، چیزی را جابه‌جا کند، خداوند به او نظر [رحمت] افکند و هر که خداوند به او نظر [رحمت] کند، عذابش نکند.

۳. بهره‌مندی از پاداش الهی

حضرت زهرا از پیامبر ﷺ تقاضای خدمت‌کار نمود. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

۱. نهج النصلحه، ح ۲۸۹۷.

۲. امامی الصدقه، ص ۳۳۶؛ وبحدار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۳۵۱.

«می ترسم اگر کنیز داشته باشی، اجر و ثواب خدمت در خانه از تو فوت شود.»^۱

کار در خانه در سیره فاطمه

جابر بن عبد الله گوید: «حضرت رسول ﷺ بر فاطمه وارد شده و حال آن که فاطمه سنگ آسیاب را می چرخاند و حضرت لباسی از پشم شتر بر تن داشت، پس چون حضرت، نگاهش به فاطمه افتاد، گریست و به او گفت: بشتاًب در سختی های دنیا برای نعمت آخرت، پس خداوند این آیه را بر او نازل کرد: و هر آینه، آخرت برای تو بهتر از دنیاست...»^۲

روزی پیامبر ﷺ وارد منزل فاطمه شد. دخترش را دید که روی زمین نشسته، با یک دست فرزندش را در آغوش گرفته شیر می دهد و با دست دیگر با آسیاب دستی، گندمها را آرد می کند. اشک در چشمان رسول خدا ﷺ حلقه زد و فرمود: «دخترم! تلخی ها و مشکلات دنیا را به یاد شیرینی و سعادت بهشت بر خود گوارا ساز، حضرت فاطمه در جواب پدر گفت: ای رسول خدا، حمد و شکر و سپاس سزاوار خدادست، در برابر نعمت های بیکران او.»^۳

امام باقر فرمود:

إِنَّ فَاطِمَةَ ضَيْمَتْ لِعَلَيٍّ عَمَلَ الْبَيْتِ وَالْعَجِينَ وَالْجُبَزَ وَقَمَ الْبَيْتَ، وَضَمِّنَ لَهَا،
عَلَيٌّ مَا كَانَ خَلْفَ الْبَابِ، نَقْلَ الْحَطَبِ، وَأَنْ يَحِيَءِ بِالطَّعَامِ؛^۴

فاتحه کار خانه و خمیر کردن و نان پختن و نظافت خانه را بر عهده گرفت، و

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۰۶.

۲. همان، ج ۱۶، ص ۱۴۳.

۳. همان، ج ۴۳، ص ۸۶.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۵.

علی کارهای بیرون خانه و آوردن هیزم و مواد خوراکی را عهدهدار شد.

مشاوره و همفکری

یکی دیگر از ویژگی‌های همسران موفق، که در قرآن به آن اشاره شده، مشاوره و همفکری با همدیگر است؛^۱ گرچه مورد مشاوره، مسئله از شیرگرفتن کودک می‌باشد، اما پیام اصلی قرآن، توجه به جایگاه اصلی مشاوره در فراز و نشیب‌های زندگی می‌باشد، که می‌تواند به عنوان یکی از راههای بسیار مهم حل مشکلات در دستور کار زندگی همسران قرار گیرد. اگر همفکری و مشاوره به عنوان یک اصل در تصمیم‌گیری و اداره و پیشبرد امور در زندگی مشترک، پذیرفته شود، روابط خانوادگی به درستی تنظیم می‌گردد و بسیاری از بد فهمی‌ها و اختلاف‌ها رفع می‌شود. البته مشاوره و همفکری به معنای نفی شخصیت یکی در برابر دیگری و هضم شدن یکی در دیگری نیست و اعضای خانواده می‌توانند در عین داشتن شخصیت مستقل و اندیشه و نظر خویش، در اهداف و جهت‌گیری‌ها و مسیر زندگی، با مشاوره و همفکری به توافق و تفاهم برسند. همفکری در زندگی خانوادگی، درک متقابل و همسویی در امور مشترک است نه نفی یکدیگر و نادیده گرفتن علائق و سلایق گوناگون. این انتظار، که همه افراد خانواده در یک مسئله، دارای یک نظر و سلیقه باشند و در همه چیز یک فهم و عقیده معنا یابد، انتظاری غیر واقعی است، اما اگر در زندگی خانوادگی، یک سلیقه و نظر مهم باشد و دیگران حق اظهار نظر نداشته

۱. «...فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاءُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَشَرَّضُوا أَوْ لَا دُكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَاوُتُمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»؛ و اگر [پدر و مادر] بخواهند با رضایت و مشورت یکدیگر، [بیش از تمام شدن دو سال،] طفل را از شیر بگیرند، گناهی بر آن دو نیست. و اگر خواستید برای فرزندانتان دایه بگیرید، گناهی بر شما نیست، به شرط این که بهای را که می‌دهید، به خوبی بپردازید. و از خدا پروا کنید، و بدانید که خدا به آنچه می‌کنید بیناست. (بقره، آیه ۲۳۳).

باشند، شادی حقيقی و آرامش واقعی و روابط پر نشاط، دچار آسیب جدی خواهد شد و پیوند میان افراد از استحکام بیرون می‌رود. بنابراین بر همسران لازم است تا هر گونه خود محوری و خود مداری را از خود دور نمایند تا بتوانند به راحتی به سوی تفahم در زندگی گام بردارند و از میوه‌های شیرین همفکری در زندگی برخوردار گردند.

بخش سوم:

مسئولیت‌های پدر و مادر در برابر فرزند

بررسی جایگاه و ارزش فرزند

شناخت دقیق جایگاه و ارزش فرزند، نقش بسیار مهمی در انجام دادن وظایف دارد، از همین رو شایسته است قبل از بررسی مسئولیت‌های پدران و مادران در قبال فرزندان، جایگاه و ارزش فرزندان از دیدگاه قرآن و روایات بررسی شود.

الف - جایگاه و ارزش فرزند از منظر قرآن

در قرآن، اصل وجود فرزند به عنوان نعمت الهی،^۱ متعاع دنیا،^۲ زینت زندگی،^۳

۱. «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَرْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ بَيْنَنِ وَحَقَّدَهُ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَقْبَالًا طِيلٍ يُؤْمِنُونَ وَيَنْعِمُونَ إِلَهٌ هُمْ يَكْفُرُونَ»؛ و خدا برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد، و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوادگانی پدید آورد، و از چیزهای دلپذیر به شما روزی داد. با این وصف، آیا به باطل می‌گردوند و نعمت خدا را ناسیابی می‌کنند؟ (تحلیل، آیه ۷۲).

۲. «رُزِّيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَيْنَ... ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...»؛ دوست داشتن خواستنی‌ها، از قبیل: زنان، پسران،... برای مردم زینت داده شده است. این‌ها متعاع دنیاست. و خدادست که نیک فرجامی فقط نزد اوست. (آل عمران، آیه ۱۴).

۳. «رُزِّيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَيْنَ...»؛ دوست داشتن خواستنی‌ها، از قبیل: زنان، پسران... برای مردم زینت داده شده است. (آل عمران، آیه ۱۴) «الْمَالُ وَالبَيْنُ زِيَّنَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...»؛ مال و اولاد زینت زندگی دنیايند،... (کهف، آیه ۴۶).

وسیله^۱ امتحان الهی و یاری رساننده به پدر و مادر^۲ مطرح گردیده و داشتن فرزند صالح به عنوان آرزوی^۳ پیامبران الهی، نور چشم بندگان خاص خدا^۴ و سبب

۱. «وَأَعْلَمُوا أَنَّا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ»؛ و بدانید که اموال و اولاد شما فقط وسیله آزمایشند، و این که خداست که اجری بزرگ نزد اوست. (انفال، آیه ۲۸) «إِنَّا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ»؛ جز این نیست که اموال و فرزندان شما [وسیله] آزمایشند، و خداست که مزدی بزرگ نزد اوست او آن را به کسانی می دهد که از عهده این آزمایش بر آیند. (تغابن، آیه ۱۵)

۲. «فَمَرِدَنَا لَكُمْ أَلْكَرَةً عَلَيْهِمْ وَأَنْدَدَنَا لَكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَجْهَنَّمَ أَكْثَرَ نَفِيرًا»؛ سپس شما را بر آنان چیره می کنیم و با اموال و پسرانی به شما مدد می رسانیم و نفرات شما را بیشتر [از آنان] می گردانیم. (اسراء، آیه ۶) «أَمَدَكُمْ بِأَنَّاعَمٍ وَبَيْنَيْنِ»؛ شما را به وسیله دامها و فرزندانی مدد کرده است. (شعراء، آیه ۱۲۳) «وَيُنْدِدُكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَيْنِ...»؛ و شما را با اموال و فرزندانی مدد کرد... (نوح، آیه ۱۲) «وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا وَبَيْنَيْنِ شَهُودًا»؛ و برای او مالی همواره در حال فزونی قرار دادم و پسرانی همیشه در حضور، (مدثر، آیات ۱۲ و ۱۳).

۳. «هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرْيَةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَيِّعُ الدُّعَاءِ»؛ آن جا بود که زکریا پروردگارش را خواند و گفت: پروردگار، از نزد خود نسلی پسندیده به من ببخش، همانا تو شنونده دعا بی. (آل عمران، آیه ۳۸) «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَنْسِسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زُوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَعَشَّاهَا حَمَلَتْ حَتَّالًا خَيْفَانًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أُنْتَلَتْ دَعَا إِلَّهُ رَبَّهُمَا لَئِنْ أَتَيْتَنَا صَالِحًا لَكُوْنَنَ مِنَ الشَّاكِرِينَ»؛ اوست آن که شما را از یک تن آفرید، و جفتش را از جنس او قرار داد تا در کنارش آرامش بیابد. پس هنگامی که با او آمیزش کرد، باری سبک بر گرفت، و [مدتی] آن را با خود داشت. پس چون گرانبار شد، پدر و مادر، خدا، پروردگار خود را خواندند که اگر فرزندی شایسته به ما عطا کنی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود. (اعراف، آیه ۱۸۹) «ذُكْرُ رَحْمَةِ رَبِّكَ عَبْدُهُ زَكَرِيَا * قَالَ رَبِّ إِلَيْيَ وَهَنَ الْعَظَمُ مِنِّي وَأَشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْيَا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيقَا»؛ [این] یاد رحمت پروردگار تو نسبت به بندهاش زکریاست آن گاه که پروردگارش را در پنهان ندا کرد. گفت: پروردگار، من استخوانم سست شده و سرم از پیری سفید گشته و [تاکنون]، پروردگارا، در دعا به درگاه تو [از اجابت آن] محروم نبوده ام. و من از خویشاوندان پس از خودم بیم دارم، و زنم [از اول] نازا بوده است؛ پس، از جانب خودت و لبی (فرزنده) به من ببخش، که از من ارث برد و از خاندان یعقوب [ایز] ارث برد، و او را -پروردگارا- مورد رضایت [خود] قرار ده. (مریم، آیات ۲ و ۴ و ۵ و ۶) «وَإِنَّ مِنْ شَيْعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ»؛ و ابراهیم از پیروان او بود [آن گاه گفت: پروردگار، [رسلی] از شایستگان به من عطا کن. (صفات، آیات ۸۳ و ۱۰۰).

۴. «وَعِبَادُ الْأَرْحَمِنِ * وَالَّذِينَ يَسْقُلُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَرْوَاجِنَا وَذُرْيَاتِنَا قُرَّةً أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُسْتَقِينَ إِمَاماً»؛ و بندگان [خدای ارحمان کسانی] اند که... می گویند: پروردگار، از همسران و فرزندان ما نور چشمانی به ما ببخش، و ما را پیشوای تقوایشگان قرار ده. (فرقان، آیات ۶۳ و ۷۴).

بشارت^۱ خداوند بیان شده است؛ اما فرزند ناصالح، دشمن پدر و مادر،^۲ سبب هلاکت^۳ و عذاب آنان،^۴ سبب تفاخر^۵ پدر و مادر غیر مؤمن و مایه

۱. «هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَا زَيْنَهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرْيَةً طَيْبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الْدُّعَاءِ» فَنَادَهُ أَلْمَلَاتِكَهُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمَحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيِينَ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةِ مِنْ أَلْلَهِ وَسَيِّدِهِ وَحَصُورًا وَتَبَيِّنًا مِنَ الْأَصْالِحِينَ؛ آن جا بود که زکریا پروردگارش را خواند و گفت: پروردگار، از نزد خود نسلی پسندیده به من بیخش، همانا تو شنونده دعا بی. پس فرشتگان او را در حالی که در محراب به نماز ایستاده بود، ندا کردند که: خدا تو را به یحیی که کلمه‌ای از خدا (یعیسی) را تصدیق می‌کند و آقا و پارسا و پامبری از صالحان است، مژده می‌دهد. (آل عمران، آیات ۳۸ و ۳۹). «وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةً فَضَحِّكَتْ فَبَشَّرَنَاهَا بِإِشْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِشْحَاقَ يَعْقُوبَ»؛ و همسرش ایستاده بود که [ناگهان] حایض شد، پس او را به [ولادت] اسحاق و پس از او به یعقوب مژده دادیم. (هود، آیه ۷۱) «وَبَئْسُهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ» قالو لا تَوْجَلْ إِنَّا بُشِّرُوكَ بِغَلَمٍ عَلِيمٍ؛ و آنان را از مهمانان ابراهیم خبر ده؛ گفتند: نرس، که ما تو را به پسری دانا مژده می‌دهیم. (حجر، آیات ۵۱ و ۵۳) «وَإِنِّي حِفْتُ الْأَتْوَالَيْ مِنْ وَرَائِي وَكَاتَتْ أَمْرَأَيَ عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيَا» یا زکریا إِنَّا بُشِّرُوكَ بِغَلَمٍ أَشْمَهُ يَحْيِي لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلِ سَمِيَاً؛ و من از خویشاوندان پس از خودم بیم دارم، و زنم از اول] نازا بوده است؛ پس، از جانب خودت ولیی (فرزندی) به من بیخش، ای زکریا، ما تو را به پسری که نامش یحیی است و قبلًا همنامی برای او قرار نداده‌ایم، مژده می‌دهیم. (مریم، آیات ۵ و ۷) «وَإِنَّ مِنْ شَيْعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ فَبَشَّرَنَاهُ بِغَلَمٍ حَلِيمٍ»؛ و ابراهیم از پیروان او بود پس او را به پسری بردار مژده دادیم. (صفات، آیات ۸۳ و ۱۰۱).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَوْا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأُولَادِكُمْ عَدُوًا لَكُمْ فَآخِرُ زُوْهُمْ وَإِنْ تَعْفُوا وَتَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بی تردید، برخی از همسران و فرزندان‌تان دشمنانی برای شما هستند، پس از آنان برحدار باشید؛ و اگر [از خطایشان] درگذرید و [بدون توبیخ] چشم‌پوشی کنید و آن را پوشانید، [خدا نیز با شما چنین می‌کند،] به یقین، خدا بسیار آمرزندۀ و مهربان است. (تغابن، آیه ۱۴).

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَوْا لِأَنْتُهُمْ أَمْوَالَكُمْ وَلَا أُولَادَكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعُلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مبادا اموال و فرزندان‌تان شما را از یاد خدا غافل کنند. و هر کس چنین کند، ایناند که زیانکار خواهند بود. (منافقون، آیه ۹).

۴. «فَلَا تُعْجِبْنَكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أُولَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَرَهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ»؛ پس مبادا اموال و اولادشان تو را به شگفت آورد. جز این نیست که خدا می‌خواهد به وسیله این‌ها در زندگی دنیا عذابشان کند و جانشان در حال کفر بیرون رود. (توبه، آیه ۵۵).

۵. «وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَّا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعْرُ ثَنَرًا» وَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ طَالِمٌ لِتُسْبِيهِ قَالَ مَا أَطْلَنُ أَنْ تَبَدَّ هنوزه آیند؟؛ و او محصول فراوانی داشت. پس [از روی غور] به همتشین خود - در حالی که با او گفت و گو

تهدید^۱ خداوند معرفی گردیده است.

ب - جایگاه و ارزش فرزند از منظر اهل بیت :

در روایات و سخنان معصومین مطالب ارزشمندی در مورد جایگاه فرزند آمده است که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. گلی از گل‌های بهشت

سکونی از پیامبر اکرم ﷺ چنین روایت می‌کند: «الْوَلَدُ الصَّالِحُ رَيْحَانَةٌ مِّنْ رِيَاحِنِ الْجَنَّةِ»؛^۲ فرزند خوب گلی است از گل‌های بهشت.

→ می‌کرد - گفت: مال من از تو بیشتر است و از حیث افراد از تو نیرومندترم. و در حالی که بر خویشن ستمکار بود، به باع خود درآمد [و] گفت: گمان نمی‌کنم این [باغ] هرگز زوال پذیرد. (کفه، آیات ۳۴ و ۳۵). «وَقَالُوا تَخْنُّ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا تَخْنُّ يَمْعَدُّ بِهِنَّ»؛ و گفتند: ما اموال و اولاد بیشتری داریم و هرگز عذاب خواهیم شد. (سبا، آیه ۳۵). «إِلَّمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُّرٌ بِئْتَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَتَلَ عَيْشٌ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نِيَاثٌ ثُمَّ تَهْبِيْ فَتَرَاهُ مُصْنَرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَاماً وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَسَفَرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْغَوْرُ»؛ بدایید که زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی و زینت و فخر فروشی نسبت به یکدیگر و فزون خواهی در اموال و اولاد نیست. [وصف زندگی دنیا] مانند این است که بارانی بیارد و گیاه [روییده از] آن، کشاورزان را به وجود آورد، سپس خشک شود و آن را زرد شده بینی، آن‌گاه خُرد شود. و در آخرت عذابی سخت، و امرزش و رضایتی از جانب خدا خواهد بود، و زندگی دنیا چیزی جز کالای فریب نیست. (حدید، آیه ۲۰).

۱. «وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أَفَ لَكُمَا أَعْدَانِي أَنْ أُخْرِجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرْبَوْنُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَغْيِيَانِ اللَّهَ وَبِلَكَ آمِنٌ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِيَّنِ»؛ و آن کس که به پدر و مادرش می‌گوید: اُف بر شما، آیا به من وعده می‌دهید که از نده از گور] بیرون آورده می‌شوم و حال آن که پیش از من نسل‌ها در گذشتند [و کسی از آن‌ها زنده نشد؟] و آن دو به خدا استغاثه می‌کنند [و می‌گویند: وای برتو! ایمان بیاور، که وعده خدا حق است، و او می‌گوید: این جز افسانه‌های پیشینیان نیست، (احقاف، آیه ۱۷)].

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۳ و مکارم الاخلاق، ص ۲۱۸.

۲. جگر گوشه مؤمن

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

الْوَلَدُ كَبِدُ الْمُؤْمِنِ إِنْ مَاتَ صَارَ شَفِيعًا، وَ إِنْ مَاتَ بَعْدَهُ يَسْعَفُرُ اللَّهُ لَهُ فَيَغْفِرُ لَهُ^۱

فرزند جگر گوشه مؤمن است، اگر پیش از پدر بمیرد، برایش شفاعت می‌کند و اگر بعد از پدر بمیرد، برایش استغفار می‌کند و خداوند در اثر استغفار فرزند، پدر را می‌بخشد.

۳. بهترین نعمت

از حسن بصری نقل شده است که می‌گفت:

بِئْسَ الشَّيْءُ الْوَلَدُ إِنْ عَاشَ لَدَنِي، وَ إِنْ مَاتَ هَدَنِي فَبَلَغَ ذُلِكَ زَيْنَ الْعَابِدِينَ
فَقَالَ: كَذِبَ وَ اللَّهُ! نِعَمُ الْوَلَدُ؛ إِنْ عَاشَ فَدْعَاءُ حاضِرٌ، وَ إِنْ مَاتَ فَشَفِيعٌ سَابِقٌ^۲؛

فرزند، بد چیزی است؛ اگر زنده بماند رنجورم می‌کند و چون بمیرد، مرگش بی تاب و ناتوانم می‌سازد. وقتی این سخن به امام سجاد رسید، فرمود: به خدا قسم دروغ گفت! فرزند، بهترین نعمت است؛ اگر بماند دعایی است حاضر، و چون بمیرد شفاعت کننده‌ای است که انسان او را پیشاپیش می‌فرستد.

۴. برکت منزل

پیامبر اکرم ﷺ به ابن عباس فرمود:

يَا أَبْنَ عَبَّاسٍ، بَيْتُ لَاصِبِيَانَ فِيهِ لَأَبْرَكَةَ فِيهِ...^۳؛

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۲.

۲. همان، ص ۱۱۲.

۳. کنز العمل، ج ۱۶، ص ۲۸۱.

ای ابن عباس، خانه‌ای که در آن کودکی نباشد، خیر و برکت ندارد.

۵. سبب شادمانی پدر و مادر در قیامت

امام صادق فرمود:

وَمِنْ فَرَحَةٍ - وَلَدَهُ - فَرَحَةُ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۱؛

هر کس فرزند خود را خوشحال کند، خداوند در روز قیامت خوشحالش می‌نماید.

۶. سبب بهرمندی از رحمت خداوند

امام صادق فرمود:

إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْوَالِدَ لِشَدَّةِ حُبِّهِ لِوَلَدِهِ^۲؛

مردی که به فرزند خود محبت بسیار دارد، مشمول رحمت خداوند می‌باشد.

۷. سبب بهرمندی از درجات بهشت

پیامبر اکرم فرمود:

قَبِّلُوا أَوْلَادَكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ وَمَا بَيْنَ كُلَّ دَرَجَتَيْنِ خَمْسَمَائَةً^۳
عَامٍ؛

فرزندان خود را ببوسید؛ زیرا برای هر بوسه‌ای، یک درجه در بهشت خواهد داشت
که فاصله هر درجه تا درجه دیگر به اندازه پانصد سال راه است.

۱. عدة الداعي، ص ۷۹.

۲. وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۲۰۱.

۳. مکارم الاخلاق، ص ۲۲۰.

۸. سبب بهره مندی از نیکی به پدر و مادر

امام صادق فرمود:

بِرُّ الرَّجُلِ بِوَالِدِهِ بِرُّهُ بِوَالِدَيْهِ^۱؛

نیکی مرد به فرزند به منزله نیکی به پدر و مادر خویش است.

۹. سبب بهره مندی از دعای پیامبر اکرم صلوات الله عليه و آله و سلم

امام صادق از رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم نقل می‌کند که:

رَحِيمُ اللَّهُ وَالدِّينِ أَغْانَاهُ وَلَدَهُمَا عَلَى بِرِّهِمَاهُ^۲؛

خداآوند رحمت کند پدر و مادری که فرزندشان را به نیکی یاری کنند.

۱۰. سبب بهره مندی از پاداش آزاد کردن بنده در راه خدا

پیامبر اکرم صلوات الله عليه و آله و سلم فرمود:

إِذَا نَظَرَ الْوَالِدُ إِلَى وَلَدِهِ نَظْرَةً كَانَ لِلْوَالِدِ عِدْلٌ عَنْ قِنَاعِ نَسْمَةٍ. قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: وَ إِنْ نَظَرَ تَلَانِمَاتَهُ وَ سِيَّنَ نَظْرَةً؟ قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ^۳؛

اگر پدر نگاهی به فرزند خود بیفکند، همانند آن است که بنده‌ای آزاد کند. عرض شد:

ای پیامبر خدا، اگر ۳۶۰ بار نگاه کند [چگونه است]؟ فرمود: خدا بزرگ‌تر از آن است.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۲.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۱۹۹.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۹.

مسئولیت‌های پدر و مادر در مورد فرزند

انتخاب نام نیکو

یکی از رسالت‌های پدر و مادر در برابر فرزند، انتخاب نامی نیکو و شایسته برای اوست. در قرآن آمده است، پس از تولد دختر عمران، زن عمران نام مریم (که به معنای عبادت‌کننده و خدمت‌گزار است^۱) را برای دخترش برگزیرد.^۲ مردی از پیامبر اکرم ﷺ پرسید: حق فرزندم بر من چیست؟ فرمود: «تُحْسِن إِسْمَه...»^۳؛ انتخاب نام نیکو. این عمل نزد حضرت علیؑ بهترین نیکی پدر به فرزند است: «أَوْلُ مَا يَبْرُرُ الرَّجُلُ

۱. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۲۶

۲. «إِذْ قَالَتْ أَمْرَأَةُ عُمَرَانَ رَبِّي إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُعَزَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * فَلَمَّا وَضَعَهَا قَالَ رَبُّهُ إِلَيْيَ وَضَعَهَا أُنْثى وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَأَيْسَنَ الدَّكَرُ كَالْأُنْثى وَإِنِّي سَمِّيَّهَا مَرِيمَ وَإِنِّي أَعْبُدُهَا بِكَ وَدُؤْسِتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»؛ آن‌گاه که زن عمران گفت: پروردگار، من آنچه را که در شکم خود دارم نذر تو کردم که ابرای خدمت معبد آزاد باشد؛ پس از من پذیر که تو خود شنو و دانایی. پس وقتی که آن را بزد، گفت: پروردگار! من آن را دختر زاییدم - و خدا به آنچه او زاییده بود داناتر بود، و پسر مانند این دختر نبود - و من او را مریم نام نهادم، و او و نسلش را از شیطان رانده شده به تو پناه می‌دهم. (آل عمران، آیات ۳۵ و ۳۶). عمران پدر مریم قبل از تولد او از دنیا

رفت. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۲۸

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۴

وَلَدُهُ أَنْ يُسَمِّيَهُ بِاسْمٍ حَسَنٍ، فَلَيَحْسِنَ أَحَدُكُمْ إِسْمَ وَلَدِهِ.^۱

انتخاب نام، مسئله بسیار مهمی در زندگی آینده افراد می‌باشد؛ از این رو، پدر و مادر باید بدانند فرزندشان در آینده به طور مستمر با این نام سروکار دارد؛ زیرا همه او را با این نام صدا می‌زنند و نام، راهی برای توجه به شخصیت طفل است. اگر نام انتخاب شده رشت و مورد تنفس مردم باشد، بی‌شک مورد تمسخر و تحقیر قرار گرفته و سبب رنج روحی و آزردگی خاطر کودک خواهد شد و در نتیجه، کودک انتخاب ناصحیح پدر و مادر را علت این ناراحتی‌ها خواهد دانست؛ بنابراین، پدران و مادران باید تلاش کنند تا زیباترین نام را برای فرزند خویش انتخاب نمایند و اگر فرزند پسر باشد، شایسته است از نام‌های انبیا^۲ و امامان معصوم^۳ و اگر دختر باشد، از اسمی و القاب فاطمه زهرا^۴ برگزیده شود.

روشن است که فقط داشتن نام نیکو، نمی‌تواند انسان را سعادتمند گرداند و او را به رستگاری برساند، بلکه ملاک اصلی در سعادت هر فردی عمل اوست، و نام نیکو می‌تواند زمینه روانی و تلقینات روحی و اجتماعی مثبتی را برای شخص فراهم آورد. نکته قابل توجه دیگر در نام‌گذاری فرزندان این است که اگر نام فرزندان از اسمی پیامبران^{پسندیده} و امامان معصوم و حضرت زهرا انتخاب گردید، باید سعی گردد

۱. همان، ج ۱۵، ص ۱۲۲.

۲. رسول خدا^{پسندیده} فرمود: «ساکنان هیچ خانه‌ای نیست که در بین آنان نام پیامبری باشد، مگر این که خداوند فرشته‌ای بر آنان گسیل می‌کند که هر صبح و شام تقدیس‌شان کنند.» (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۵).

۳. «ربعی بن عبدالله گوید: به امام صادق عرض کردم: فدایت شوم، ما فرزندان خود را به نام شما و پدران شما می‌نامیم، آیا این عمل به حال ماسودمند است؟ امام فرمود: آری، به خدا قسم! مگر دین چیزی غیر از مهر و رزیدن و منزجر بودن است!...» (همان، ص ۱۲۹).

۴. سلیمان جعفری می‌گوید: «از ابوالحسن شنیدم که می‌فرمود: هیچ گاه فقر و بیچارگی به خانه‌ای که در آن نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا جعفر یا طالب یا عبدالله یا فاطمه باشد، داخل نمی‌شود. (همان، ص ۱۲۸).»

احترام این اسمای حفظ شود؛ همان گونه در روایات نیز به این امر تذکر داده شده است^۱ :

تغذیه فرزند نوزاد از شیر مادر

تغذیه نوزاد با شیر مادر، یکی از مسئولیت‌هایی است که خداوند بر عهده مادران گذاشته و پدران را نیز موظف نموده که امکانات لازم را برای مادر شیرده فراهم نماید. و در صورت معذور بودن مادر از شیر دادن فرزند، دایه‌ای برای شیر دادن فرزند انتخاب نماید. و پدران و مادران را از رساندن هر گونه آسیب و ضرر به کودکان در این مورد نهی فرموده است و در پایان، همه را به تقوای الهی سفارش کرده و هشدار داده که تمام اعمال شما از علم الهی مخفی نمی‌ماند.^۲

۱. اسحاق بن عمار گوید: «به حضور امام صادق شرفیاب شدم، به آن حضرت خبر دادم خداوند پسری به من داده است. حضرت فرمود: آیا نامش را محمد نگذارده‌ای؟! عرض کرد: آری. حضرت فرمود: محمد را مزن و دشنامش مده، زیرا تا وقتی که زنده هستی خداوند او را نور چشم تو قرار داده و پس از مرگت، فرزند صالح و جانشین صادقی برای تو خواهد بود.» (همان، ج ۱۲، ص ۱۹)

در روایتی دیگر، سکونی گوید: «بر امام صادق وارد شدم در حالی که محزون و اندوهگین بودم. امام به من فرمود: ای سکونی! چرا اندوهگینی؟ عرض کرد: صاحب دختری شده‌ام. امام فرمود: ای سکونی سنگینی اش بر زمین است و روزی اش بر خدا؛ عمرش از عمر تو جدا و روزی که می‌خورد غیر از روزی تو است. سکونی گوید: به خدا سوگند! حزن و اندوه از من رخت برپست. سپس امام فرمود: (او را چه نامیدی؟) عرض کرد: فاطمه. حضرت سه مرتبه فرمود: آه آه! آن گاه دست خود را بر پیشانی نهاد...؛ سپس فرمود: حال که او را فاطمه نامیدی هرگز دشنامش مده، نفریش مکن و هرگز او را مزن.» (همان، ج ۱۵، ص ۲۰۰).

۲. «وَالْوَالِدَاتُ يُرِيْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوَّلَنِيْ كَامِلَنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتَمَّمَ الْأَرْضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِشْوَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُشَعِيْهَا لَا تُضَارَّ وَالْبَدَةُ بَوَالَّدِهَا وَلَا مَوْلُودُ لَهُ بَوَالَّدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ قَائِمٌ أَرَادَ افْصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَشَاؤُرٍ فَلَا جَنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرِضُمُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جَنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»؛ و مادران [مطلقه] فرزندانشان را دو سال تمام شیر دهنند. [این حکم] برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تمام کند. و خوراک و پوشک مادران، به طور شایسته، بر عهده پدر است. هیچ کس

در روایات نیز برای تغذیه نوزادان از شیر مادر، سفارش‌های ارزشمندی وارد

شده است. رسول گرامی اسلام صلوات الله علیه و سلام فرمود:

لَيْسَ لِلصَّبَّى لَبَنُ حَيْرٌ مِنْ لَبَنِ أَمِّهِ!^۱

هیچ شیری برای نوزاد بهتر از شیر مادرش نیست.

امام صادق از امیر مؤمنان صلوات الله علیه و سلام نقل نمود که آن حضرت فرمود:

مَا مِنْ لَبَنٍ رُضِّعَ بِهِ الصَّبَّى أَعْظَمُ بَرَكَةً عَلَيْهِ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ!^۲

هیچ شیری با برکت‌تر از شیر مادر برای نوزاد نیست.

ارزش و پاداش شیر دادن به فرزند

مادرانی که به نوزادشان شیر می‌دهند، باید بدانند نزد خداوند اجر و پاداش

فراوانی دارند. امام صادق از رسول خدا صلوات الله علیه و سلام نقل فرمود: هر زنی که در خانه شوهرش برای سامان دادن به امور منزل چیزی را جا به جا کند، خداوند به او نظر می‌کند و خداوند به هر که نظر کند، هرگز عذابش نخواهد کرد. ام سلمه عرض کرد: یا رسول الله، مردان تمام نیکی‌ها را برده‌اند، آیا برای زنان مسکین هم چیزی مانده است؟ پیامبر صلوات الله علیه و سلام فرمود: آری، هنگامی که زن باردار می‌شود، مانند روزه دار شب زنده‌داری است که با جان و مال خود در راه خدا جهاد کند، و هر گاه وضع حمل

→ جز به قدر وسعش مکلف نمی‌شود. هیچ مادری نباید به فرزندش زیان برساند، و هیچ پدری نباید به فرزندش ازیان برساند، و [در صورت فوت پدر،] مثل این [هزینه] بر عهده وارث است. و اگر [پدر و مادر] بخواهند با رضایت و مشورت یکدیگر، [پیش از تمام شدن دو سال،] طفل را از شیر بگیرند، گناهی بر آن دو نیست. و اگر خواستید برای فرزندانتان دایه بگیرید، گناهی بر شما نیست، به شرط این که بهایی را که می‌دهید، به خوبی پردازید. و از خدا پروانگی، و بدانید که خدا به آنچه می‌کنید بیناست. (بقره، آیه ۲۳۳).

۱. مسند ک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۵۶.

۲. همان، ص ۱۷۵.

کند، اجر و پاداشی دارد که کسی از عظمت آن آگاه نیست، و هرگاه فرزند خود را شیر دهد، به هر مکیدن نوزاد، پاداشی به او دهنده است که برابر است با آزاد کردن بندهای از فرزندان اسماعیل و هنگامی که از شیر دادن فرزند خود فارغ شود، فرشته بزرگواری بر پهلویش زند و گوید: اعمال خود را از سر بگیر که خداوند تو را آمرزیده است.^۱

در روایت دیگری، پیامبر اکرم ﷺ به حواله عطاره فرمود: «پس آن گاه که مادر وضع حمل کرده و شروع به شیر دادن نوزاد کند، به هر بار مکیدن شیر مادر، در روز قیامت نوری درخشنان در برابر ش جلوه کند و هر کس از گذشتگان و آیندگان آن را مشاهده کند، به شگفتی در آید و در نامه عمل، روزه دار شب زنده دار ثبت گردد...؛ پس اگر فرزندش را از شیر گرفت، خدای متعال به او فرماید: ای زن، بدان که تمام گناهانت را آمرزیدم؛ پس عمل خود را از سر بگیر.»^۲

شرایط انتخاب دایه

تغذیه نوزاد از شیر مادر در اولویت است و تا آن جا که امکان دارد، سعی شود از شیر خشک و شیر دایه استفاده نشود؛ اما در صورتی که به هر دلیلی برای مادر امکان نداشته باشد به فرزندش شیر دهد، باید دقت شود تا نوزاد از هر دایه‌ای شیر نخورد بلکه دایه پاکدامن، با ایمان، با تقوا و شیعه اهل بیت برای تغذیه نوزاد انتخاب گردد^۳ و اگر هم استفاده از شیر خشک ضرورت پیدا کرد، سعی شود از شیر

۱. همان، ص ۱۷۵.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۵۶.

۳. در روایتی از رسول اکرم ﷺ نقل شده است که فرمود: «إِيَّاكُمْ أَنْ تُسْتَرِضِيُّوكُمُ الْحَمْقَاءَ إِنَّ اللَّبَنَ يَتَّسَأَّ عَلَيْهِ؛ مَبَاذاً بِرَأْيِ شَيْرِ دَادَنَ بِهِ فَرَزَنَدَنَ خَوْدَ اِزْ زَنَ اَحْمَقَ اَسْتَفَادَهَ كَنِيدَ، زَيْرَا شَيْرَ پَایَهَ وَ اَسَاسَ رَشَدَ وَ تَرْبِيَتَ فَرَزَنَدَ اَسْتَ.»

خشک‌هایی که از کشورهای غیر اسلامی آمده، استفاده نشود.

تریبیت دینی فرزند اهمیت تربیت دینی فرزند

هر کودکی که متولد می‌شود همانند آینه‌ای شفاف است. پدر و مادر با تربیت صحیح می‌توانند این پاکی را افروز کنند و دوام بخشنده‌یا با تربیت نادرست آن را مکدر سازند؛ زیرا «خدواند مردم را بر اساس فطرت خدایی آفریده است.»^۱ پدر و مادر موظّف هستند^۲ زمینه رشد و شکوفایی این فطرت خدایی را فراهم سازند و نگذارند این ودیعه الهی دچار آفت زدگی شود. فرزندان در ابتدای زندگی مظہر پاکی، پذیرش و صمیمیّت هستند، و پیش از آن که ما چیزی را به آن‌ها تفهیم کنیم، از پدیده‌ها، ارزش‌ها، ضد ارزش‌ها، تصوّری در ذهن ندارند؛ ارزش و ضد ارزش‌ها را از ما فرا می‌گیرند و به همان راهی که ما دعوتشان کنیم، قدم می‌نهند. هر گاه امری از جانب ما ناخوشایند معرفی شود، آن‌ها نیز بدون هیچ تأمل که به واقع هنوز قدرت آن در وجودشان رشد نکرده است، آن را امری ناخوشایند می‌پندارند و نیز بالعکس؛ از

→ (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۲) و از امام صادق نقل شده است که فرمود: «رَضَاعُ الْيَهُودِيَّةِ وَ النَّصَارَىَّةِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ رَضَاعِ النَّاصِيَّةِ، فَاحْذِرُوا النَّصَابَ أَنْ تُظَاهِرُوهُمْ؛ شَيْرٌ دَهْنَدَهْ يَهُودِيٌّ وَ يَانَصَارَىَّ نَزَدَ مِنْ بَهْرَ اسْتَ ازْ شَيْرٌ دَادَنَ زَنَ نَاصِيَّ؛ پَسْ زَنَانَ نَاصِيَّ رَا بَهْ دَايِگَى انتخاب مَكْنِيدْ.» (همان).

۱. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلَّدِينِ حَتَّىٰ فَطَرَ اللَّهُ أَكْبَرُ النَّاسَ عَلَيْهَا»؛ پس باگرایش به حقّ به این دین [توحیدی] روى بیاور، با همان فطرت الهی که مردم را بر آن آفریده است. آفرینش خدا غیرپذیر نیست. این است آن آیین راست و درست، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (روم، آیه ۳۰).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَوْا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيْكُمْ نَارًا وَقُوْدُهَا النَّاسُ وَالْجَهَارُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غَلَاظٌ شَدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمْرَهُمْ وَلَا يَعْلَمُونَ مَا يُؤْمِرُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ‌ها هستند مصون دارید. بر آن [آش] فشتگانی درشت خوی و سخت گیر گمارده شده‌اند که خدا را در آنچه به آنان فرمان داده است عصيان نمی‌کنند، و آنچه را که بدان فرمان می‌یابند انجام می‌دهند. (تحریم، آیه ۶).

این رو، بسیاری از عادت‌ها، احساس‌ها و اخلاق‌های ثابت و زود گذر در پرتو تلاش ماست که در آن‌ها شکل می‌گیرد.

امور مؤثر در تربیت دینی فرزند

تربیت دینی فرزندان مستلزم اموری است که رعایت آن‌ها می‌تواند نقش بسیار مهمی در اثر بخشی تلاش‌های پدر و مادر داشته باشد، و از جمله آن امور، پالایش نمودن محیط خانه از مسائل ضد ارزشی است که اگر چنین نشود، تربیت دینی اثرش را از دست خواهد داد. دیگر آن که در تربیت دینی تنها به پاره‌ای از اعمال خشک و بی روح اکتفا نشود، بلکه به همه ابعاد تربیت دینی توجه شود، زیرا حقیقت دین، مجموعه‌ای است که بدون هماهنگی میان اجزای آن نمی‌توان با مراعات اصولی مختصر، نتیجه مطلوبی به دست آورد؛ به عنوان مثال، اگر به نماز، روزه و حجاب تاکید می‌گردد، به همان میزان باید به ادب، نرم خویی، مهربانی و نظافت توجه شود. نکته مهم و دقیق دیگر، شیوه فراخوانی فرزند به تربیت دینی است. شیوه اجباری و خشونت، عاقبتی خوش در امر تربیت ندارد. بسیاری از افراد که در سنین بلوغ در برابر پدر و مادر خود سرکشی می‌کنند و به مقدسات دینی پشت پا می‌زنند، همان‌هایی هستند که در سنین خردسالی و نوجوانی با اجبار و خشونت به انجام امور عبادی و امثال آن فرا خوانده شدند، در حالی که در قرآن آمده است: خداوند هیچ گاه کسی را به چیزی مکلف نمی‌سازد مگر آن گاه که در توانش باشد.^۱

بنابراین، توجه به روحیات فرزند و ظرفیت و استعدادهای آنان برای عملی ساختن هر گونه روش تربیتی، امری اجتناب‌ناپذیر است. در تربیت دینی، شیوه صریح گویی (القای مستقیم) جایگاه خود را از دست داده و پند و اندرز آمرانه یا

۱. ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾؛ خدا هیچ کس را جز به اندازه وسعش تکلیف نمی‌کند. (بقره، آیه ۲۸۶).

نصیحت گونه چندان کارساز نیست و چه بسا، طرف را به مقابله و امداد دارد و در حقیقت، انسان سازی نوعی به کارگیری هنر است که بدون آن هیچ تلاشی به شمر نمی‌رسد.

آشنا نمودن فرزندان به آثار و فواید ارزشمند تربیت دینی و آفات و زیان‌های بی‌دینی و بی‌بند و باری با زبان خودشان، نقش برجسته‌ای در پذیرش آموزه‌های دینی دارد. بها دادن به شخصیت فرزندان و توجه به نقاط مثبت آن‌ها، تأثیر فوق العاده‌ای در اثر پذیری آنان ایفا می‌کند؛ همان گونه که دست گذاشتن بر روی نقاط منفی و تحریر شخصیت آن‌ها، از موانع بسیار مهم اثر پذیری آنان است.

یکی دیگر از امور مؤثر در تربیت دینی فرزند، عمل کردن پدر و مادر به وعده‌هایی است که به فرزندان می‌دهند، زیرا عمل نکردن به وعده‌ها سبب تحقیر شخصیت فرزندان شده و به آنان درس دروغ‌گویی می‌دهد. پدر و مادر با خلف وعده و گفتار بی‌عمل خود، سخنانی را که در آینده به فرزندان خواهند گفت، از پیش باعتبار می‌سازند. خداوند وفای به عهد را از مصادیق نیکی و از نشانه‌های انسان‌های صادق و اهل تقوا شمرده^۱ و در روایات نیز این مسئله - وفای به عده - مورد توجه قرار گرفته است. از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است که فرمود:

۱. «يَئِسَ الَّبَرُ أَنْ تُؤْلُو وَمُجْوَهُكُمْ قِيلَ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ وَلَكِنَّ الَّبَرَ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّنَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَآتَى الْسَّبِيلَ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الْرِّقَابِ وَأَقامَ الْصَّلَاةَ وَآتَى الْزَكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَاسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَجِئْنَ أَلْيَسْ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقِونَ»؛ نیکی آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب بگردانید، بلکه نیکی [مجسم] کسی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب [های آسمانی] و پیامبران ایمان آورده، و مال خود را با این که آن را دوست دارد، به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و در اراه آزادی] برگان می‌دهد، و نماز را بر پا می‌دارد، و زکات می‌پردازد، و کسانی که وقتی عهد می‌بنند به عهدشان وفا می‌کنند، و به ویژه کسانی که در تنگدستی و سختی و هنگام جنگ شکنیابند. این‌اند که [در ادعای نیک بودن] راست می‌گویند، و این‌اند که تقواپیشگان‌اند. (بقره، آیه ۱۷۷).

أَجِبُوا الصَّيْنَانَ وَ ارْحَمُوهُمْ فَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ فَقُوْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ لَا يَرَوْنَ إِلَّا أَنَّكُمْ
تَرْزُقُونَهُمْ^١؛

کودکان را دوست بدارید و به آنان اظهار محبت کنید. پس اگر به آنان وعده‌ای دادید، به آن وفا کنید؛ زیرا آنان روزی خود را به دست شما می‌بینند.

از حضرت علی نیز نقل شده است که فرمود:

لَا يَصْلُحُ مِنَ الْكِذْبِ جِدٌ وَ لَا هَذْلٌ، وَ لَا أَنْ يَعِدَ أَحَدُكُمْ صَبَّيَةً ثُمَّ لَا يَفِي بِهِ، إِنَّ
الْكِذْبَ يَهْدِي إِلَى الْفَجُورِ، وَ الْفَجُورَ يَهْدِي إِلَى التَّارِ^٢؛

دروغ گفتن شایسته نیست، به جد باشد یا به شوخی، و نیز سزاوار نیست کسی به فرزندش وعده‌ای بدهد و سپس به آن وفانماید؛ دروغگویی به تبهکاری می‌انجامد و تبهکاری به آتش دوزخ.

بنابراین، پدر و مادر یا نباید به فرزندان و عده بدھند و یا اگر برای اهداف تربیتی، وعده‌ای به آن‌ها دادند، سعی کنند به وعده‌های خود عمل کنند.

مناسب‌ترین سن برای تربیت دینی فرزند

در روایات توجه ویژه‌ای به سینین کودکی و نوجوانی شده و توانمندی و آمادگی بیشتر آنان نسبت به سینین بزرگ‌تر را در فراگیری علم بیان نموده است؛ به عنوان نمونه، به ذکر چند مورد اشاره می‌شود:

١. حضرت رسول ﷺ فرمود:

مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ فِي صِغَرٍ كَالنَّفَشِ فِي الْحَجَرِ، وَ مِثْلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ فِي كِبَرٍ كَالذِّي
يَكْتُبُ عَلَى الْمَاءِ^٣؛

١. وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٠١.

٢. امامی صدوق، ص ٣٧٦.

٣. میزان الحكم، ج ١، ص ٦٤٦.

کسی که در خردسالی یاد می‌گیرد [علم او] مانند نقشی است که بر سنگ حک شده باشد و آن که در بزرگسالی فرامی‌گیرد، مانند کسی است که بر آب می‌نویسد.

۲. حضرت امیر مؤمنان علی فرمود:

عَلِمُوا صِبِيَانَكُمْ مِنْ عِلْمِنَا مَا يَنْفَعُهُمُ اللَّهُ بِهِ، لَا تَعْلِمُ الْمُرْجَحَةُ بِرَأْيِهَا^۱

کودکان خود را از آن قسمت علم ما که خداوند به وسیله آن به ایشان سود می‌رساند، آموزش دهید، تا مرجهه (منحرفان) با اعتقاد خویش بر آن‌ها غلبه نکنند.

۳. همان بزرگوار فرمود:

الْعِلْمُ فِي الصِّغَرِ كَالْتَقْشِ فِي الْحَجَرِ^۲

فراگیری دانش در سنین پایین، مانند نقشی است که بر سنگ حک شود.

۴. همان بزرگوار فرمود:

وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتُهُ^۳

قلب نوجوان همچون زمین خالی است که هر بذری در آن افکنده شود، می‌پذیرد.

۵. امام صادق فرمود:

بَاذِرُوا أَحْدَاثَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَ إِلَيْكُمُ الْمُرْجَحَةُ^۴

مشغول آموختن حدیث به نوجوانان خود شوید قبل از آن‌که مرجهه (منحرفان) بر شما پیشی گیرند.

۶. همان حضرت فرمود:

عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى الْخَيْرِ^۵

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۷.

۲. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۴.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۶.

۴. همان.

۵. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۳۶.

به نوجوانان توجه کن، زیرا آنان نیکی را با سرعت بیشتری کسب می‌کنند.

با توجه به مطالب یاد شده، مناسب‌ترین زمان برای تربیت دینی فرزندان، سن کودکی و نوجوانی است و اگر به تربیت دینی آنان در این سنین توجه نشود، در سنین بالاتر، کار تربیت بسیار دشوار خواهد بود.

مراحل تربیت دینی فرزند

تربیت دینی فرزندان در صورتی که متناسب با شرایط سنی آن‌ها باشد، آثار ارزشمندی را به دنبال خواهد داشت و اگر مطابق با فهم و درک آنان نباشد، چه بسا نتیجه معکوسی خواهد داشت؛ بنابراین، تربیتی دینی فرزندان با توجه به مقاطع سنی خاص در چند مرحله انجام می‌گیرد:

۱. مرحله آشناسازی

در این مرحله که از کودکی تا پنج سالگی را شامل می‌شود، والدین سعی نمایند فرزندان را تنها با اصل مسائل دینی مانند نماز، آشنا کنند. در این مرحله، کودک تنها با حرکات و شیوه خواندن نماز والدین آشنا می‌شود. با مشاهده رفتار والدین، تمام حرکات در ذهن کودک ضبط می‌گردد. (برای مثال یکی از راههای عملی که پدر و مادر می‌توانند برای آشنا کردن کودکان خویش انجام دهند، این است که سجاده مخصوص کودک را هنگام نماز در کنار خود قرار دهند و کودک را بروی سجاده بشانند).

۲. مرحله همراهی

در این مرحله شایسته است پدر و مادر به دو شیوه عمل کنند:
اول: فرزندان خود را در همراهی و هماهنگی با رفتار و حرکات خویش به هنگام

نماز، راهنمایی کنند (نیازی به قرائت و ادای الفاظ و کلمات توسط کودکان نمی‌باشد).

دوم: همراه آوردن فرزندان به هنگام حضور در مساجد و اماکن مذهبی. این مرحله تکمیل کننده مرحله آشنا سازی است. فرزندان در این مرحله علاوه بر آشنایی با نماز، با جماعت و مسجد نیز آشنا خواهند شد. این مرحله در پسران، از پنج تا هفت سالگی و در دختران از چهار تا شش سالگی است.

۳. مرحله تشویق

تشویق از مسائل بسیار مهم تربیت اسلامی و از بهترین شیوه‌های تربیت کودک است. فرزندان از تحسین و تشویق لذت می‌برند و این، از تمایلات فطری آنان است که باید به بهترین شیوه و برای گرایش دادن آن‌ها به فعالیت‌های ارزشمند از آن استفاده کرد. نیاز به تشویق، نیازی همیشگی است و این خطاست که برخی تصور کنند چون فرزندانشان بزرگ شده‌اند، دیگر به تشویق نیازی ندارند، بلکه به جز ابیا و اولیا و برگزیدگان الهی، همه افراد در همه مراحل زندگی نیازمند تشویق و تمجیدند.

فواید تشویق

الف . تقویت روحیه: تشویق موجب تقویت روحی فرزندان می‌شود و نیروی تازه‌ای به آنان می‌بخشد تا بتوانند با اعتماد به نفس و پشت گرمی بیشتر کارهای خوب و مورد علاقه خود را دنبال کنند و به اهمیت آن‌ها بیش از پیش پی ببرند.

ب . شکوفایی استعداد: تشویق، استعدادهای درونی کودکان را رشد داده و به شکوفایی سوق می‌دهد و زمینه‌های یأس و نا امیدی و بد بینی را در آن‌ها از بین می‌برد.

ج . تحمل سختی‌ها: کودک در پرتو تشویق می‌آموزد که مشکلات و سختی‌ها را بر خود هموار سازد تا هدف مطلوب خود را دنبال کند و تداوم تشویق به تداوم فعالیت‌های رشد دهنده کودک می‌انجامد.

د . خوش بینی: تشویق کودک از سوی پدر و مادر و اطرافیان باعث می‌شود کودکان با نظری خوب و خوش بینانه به آن‌ها نگاه کنند و آن‌ها را دوست و همدم و یار صمیمی خود بدانند و این خود آثار بسیاری در بر دارد.

ه . حفظ از انحرافات: گاه یک تشویق به جا و حکیمانه و ساده ممکن است مسیر زندگی کودکی را عوض کند و او را از بد کاری‌ها و انحرافات نجات بخشد.

و . ایجاد انگیزه: تشویق کودکان برای انجام فعالیت‌های مثبت و پاداش دادن پس از انجام آن‌ها، باعث ایجاد انگیزش و تحریک در آن‌ها خواهد شد و جو رقابتی خوبی در میان آن‌ها پدید خواهد آورد؛ اما فرزندانی که مورد تشویق قرار نمی‌گیرند، اغلب دچار شکست روحی می‌شوند و اعتماد به نفس خود را از دست داده، خود را پست و حقیر می‌شمارند و جرئت دست زدن به کار خوب را در خود نمی‌یابند.

در این‌که تشویق، عمل بسیار پسندیده‌ای است جای تردید نیست، ولی مهم‌تر از آن، شیوه تشویق است که باید مُدّ نظر والدین قرار گیرد، و در غیر این صورت، چه بسا تشویق بازتاب منفی هم داشته باشد. تشویق خوب، آن است که تنها زبانی نباشد، بلکه عملی نیز باشد و بر اساس نوع رفتار و اعمال فرزندان در نظر گرفته شود تا آثار آن بهتر به ثمر بنشینند. تشویق نباید اصالت پیدا کند و به سرگرمی مبدل نشود، بلکه باید به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد و تقویت رفتارهای مثبت به کار رود و کودکان به خوبی بدانند برای چه تشویق می‌شوند و چه باید بکنند تا مورد تشویق قرار گیرند. هم‌چنین تشویق خوب آن است که در حضور جمع صورت گیرد، نه فقط در خفا و پنهانی.

۴. مرحله ترغیب

بخش سوم: مسئولیت‌های پدر و مادر ۱۲۵

مرحله ترغیب، فراتر از تشویق صرف است و پدر و مادر باید به ایجاد رغبت و تمایل درونی در فرزندان اقدام نمایند. در این مرحله، احساس و غریزه درونی فرزندان دخالت دارد، زیرا ایجاد رغبت در فرزندان برای انجام دادن تکالیف دینی، نوعی جواب مثبت به تمایل درونی آنان نیز می‌باشد.

در مرحله ترغیب، پدر و مادر علاوه بر تعیین پاداش مادی، به تشریح و تبیین پاداش‌های معنوی و نقشی که انجام تکالیف دینی و حضور در اماکن مذهبی به خصوص مساجد در ایجاد آرامش روحی و بهداشت روانی انسان ایفا می‌نماید، می‌پردازند. این مرحله، سنین ده تا پانزده سالگی برای پسران و هشت تا نه سالگی برای دختران را شامل می‌شود.

۵. مرحله تکلیف

در این مرحله، پدر و مادر برای فرزندان نوعی تکلیف در انجام مسائل عبادی، مانند اقامه نماز و حضور در مسجد، تعیین می‌نمایند. با عنایت به این مسئله مهم که حداقل پانزده سالگی برای فرزندان پسر و نه سالگی برای دختران، زمان آغاز و جоб تکالیف شرعی می‌باشد، بر خلاف مراحل قبل که تنها تشویق و ترغیب و پاداش برای ایجاد جاذبه در فرزندان مؤثر بود، از این پس تنیه نیز به آن اضافه می‌شود.

باید در نظر داشت که نوع تنیه به فراخور شیوه عملکرد و رفتار فرزندان در نظر گرفته شود و طوری نباشد که ایجاد دافعه کند و یا ذهن فرزندان را در انجام تکالیف شرعی بدین و منفی سازد. (برای مثال محدود کردن برخی امتیازها، برای فرزندان،

خود نوعی تنبیه به شمار می‌رود).

۶. مرحله مراقبت و محافظت

در این مرحله، باید بر ادامه و استمرار انجام مسائل عبادی از سوی فرزندان، محافظت و مراقبت به عمل آید و تمام عوامل مثبت و منفی که در جذب یا گریز نوجوان و جوان مؤثرند، ابتدا شناسایی شده و در ادامه، ضمن تقویت نقاط مثبت، در کاهش و در نهایت حذف عوامل منفی اقدامی باشته صورت گیرد. در این مرحله نقش همسالان، مدرسه، محیط، فامیل‌های نسبی، رسانه‌ها (تلوزیون، ماهواره، اینترنت و...)، در جذب و یا گریز فرزندان به مساجد بسیار قابل توجه و تأثیر گذار خواهد بود.

نکته مهم و اساسی این است که بعد از مرحله تکلیف، پدر و مادر باید دقّت داشته و مراقبت جامع‌تری بر آنان داشته باشند، تا از آنچه در مراحل قبل با زحمت و تلاش فراوان به دست آورده‌اند، محافظت شود. کوتاهی در این مرحله نتایج سویی در تربیت دینی فرزندان بر جای خواهد گذاشت.

۷. مرحله تبیین و تشریح

در این مرحله، با توجه به این‌که فرزندان در حال گذار از مرحله نوجوانی به جوانی بوده و از قدرت فهم و درک بالاتری نسبت به مراحل قبل برخوردار شده‌اند و شخصیت و هویت آنان نیز در حال تکوین و شکل‌گیری می‌باشد، ضروری است، والدین و مربیان با زبان علم و منطق (و نه احساسی) با آنان صحبت کرده و اهمیتی که مسائل دینی در زندگی بشر دارد و نیز منزلت و جایگاه اماکن مقدس به خصوص مساجد را برای آنان تبیین نمایند.

با توجه به این‌که ذهن جوان، در این مرحله به هنجارها و ارزش‌های دینی و نیز آداب و رسوم و سنن اجتماعی حاکم بر جامعه، حساس می‌شود و نوعی خانواده گریزی و اجتماع پذیری در آنان نمود پیدا می‌کند، شایسته است با گروه‌های سالم اجتماعی مثل هیئت‌های مذهبی و اماکن مذهبی که بهترین مکان اجتماعی و دوست‌یابی و محل بروز و شکوفا شدن استعدادهای است، پیوند داده شوند، تا بتوانند پتانسیل‌های بالقوه خویش را در جهت مثبت به بالفعل تبدیل نمایند.

۸. مرحله هدایت و راهنمایی

این مرحله، از سنین اوخر جوانی شروع شده و تا مرحله بزرگ‌سالی ادامه می‌یابد. اگر چه در این مرحله نقش و تأثیرگذاری پدر و مادر بر فرزندان به دلیل ازدواج و تشکیل خانواده فرزندان جوان و نیز برخورداری از شعور و فهم اجتماعی، به قدر رشد آنان، کم رنگ می‌شود، ولی والدین با هدایت و راهنمایی فرزندان خود در موقع مورد نیاز، به خصوص موقع بحرانی زندگی آنان، می‌توانند همچون گذشته به ایفای نقش بپردازنند.

در این مرحله، پدر و مادر با توجه به نقش ریش‌سفیدی که در خانواده‌ها دارند و نیز فرزندان آنان که در مرحله سنی بزرگ‌سالی قرار دارند و از زندگی احساسی و هیجانی گذر کرده‌اند، می‌توانند به عنوان بزرگ خانواده، هم‌چنان به ایفای نقش بپردازنند و با راهنمایی‌های خویش، فرزندان را به سوی اعمال خیر و انجام فرایض دینی هدایت کرده و رهمنمون سازند.^۱

در همین باره، پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: «فرزند تا هفت سال آقا و فرمان‌گذار و تا هفت سال دیگر غلام و فرمانبر و هفت سال سوم، وزیر و

۱. ده پویمه، ج ۶، ص ۳۰-۳۶.

کارپرداز است. پس از این مدت، اگر صفاتی پسندیده داشت، زحمات چند ساله به ثمر رسیده و گرنه، رنج بیهوده میر، که وظیفه‌ات را به کار بسته‌ای.»^۱

مسائل مورد توجه در تربیت دینی

۱. مسائل اعتقادی

مهم‌ترین مسئله در تربیت دینی خانواده و فرزندان که مورد توجه خداوند و پیامبران الهی قرار گرفته است، مسائل اعتقادی می‌باشد^۲; زیرا اعتقادات هر شخصی تعیین کننده اوصاف، اعمال، رفتار و گفتارهای اوست^۳; برای مثال، انسانی که به

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۵.

۲. «وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَيْهِ وَيَعْقُوبَ يَا بَنَىٰ إِنَّ اللَّهَ أَصْطَنَى لِكُمُ الَّذِينَ فَلَاتَمُوتُنَ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ * أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءِ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمُؤْمِنُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَبَدَّلُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا عَبْدُ اللَّهِ أَبْنَىكَ وَإِلَهُ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهُهَا وَاجِدًا وَتَحْنُّ لَهُ مُسْلِمُونَ»؛ و ابراهیم پسرانش را به همان آین سفارش نمود، و یعقوب نیز چنین کرد، [و هر یک گفتند:] ای پسران من، خدا این دین را برای شما برگیریده است، پس البته نمیرید مگر در حالی که تسليم او باشید. آیا شما حاضر بودید هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید؟ آن گاه که به پسرانش گفت: پس از من چه چیزی را خواهید پرسید؟ گفتند: معبد تو و معبد پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را می‌پرسیم که معبدی یگانه است و ما تسليم او هستیم. (بقره، آیات ۱۳۲ و ۱۳۳). «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمَ رَبِّ أَجْعَلْ هَذَا أَبْلَدَةً أَمْنًا وَأَجْبَنِي وَبَنَى أَنْ تَسْعِدَ الْأَصْنَامَ»؛ و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا، این شهر را [مکان] امن قرار ده، و مرا و فرزندانم را از پرسنیش بت‌ها دور بدار. (ابراهیم، آیه ۳۵). «وَإِذْ قَالَ لَقَمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعْظِمُ يَا بَنَى لَا تُشْرِكُ بِاللَّهِ إِنَّ الشَّرِيكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»؛ و [یاد کن] هنگامی را که لقمان به پسرش - درحالی که او را پند می‌داد - گفت: ای پسرک من، به خدا شرک نیاور که به راستی شرک ظلمی بزرگ است. (لقمان، آیه ۱۳).

۳. «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيْرِ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّابُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ»؛ به زودی کسانی را که به ناحق در زمین تکبر می‌ورزند از آیات خود رویگران می‌کنم؛ و اگر آنان هر آیتی را بسینند به آن ایمان نمی‌آورند، و اگر راه هدایت را بسینند آن را راه خود انتخاب نمی‌کنند، و اگر راه ضلالت را بسینند آن را راه خود انتخاب می‌کنند. این بدان سبب است که آنان آیات ما را تکذیب کرند و از آنها غافل بودند. (اعراف، آیه ۱۴۶).

خداوند و عالم قیامت ایمان داشته باشد، دارای ویژگی‌هایی است که فرد بی ایمان چنین ویژگی‌هایی را ندارد و در کانون خانواده، شیوه برخورد فرزندانی که به آیات الهی ایمان دارند، با دیگر اعضای خانواده، به ویژه پدر و مادر، غیر از شیوه فرزندانی است که به آیات خدا اعتقاد ندارند یا دارای اعتقادی سطحی هستند.

در نتیجه، تربیت اعتقادی فرزندان از وظایف بسیار مهم پدر و مادر است که اگر با شیوه صحیح و همراه با دلایل منطقی و محققانه انجام گیرد، آثار و برکات آن در اعمال و رفتار فرزندان نمایان می‌شود و اگر به صورت تقليدی و یا اکراهی باشد، آفات جبران ناپذیری در پی خواهد داشت. خداوند تقليد کورکورانه در مسائل اعتقادی را به شدت مذمت کرده^۱ و فرزندانی را که بدون تفکر و اندیشه، در مسائل اعتقادی از پدرشان تقليد می‌نمایند، به عذاب خویش تهدید کرده است.^۲

موارد مورد توجه در تربیت اعتقادی

الف . دعوت به توحید: آغاز تربیت دینی فرزندان با کلمه توحید، از توصیه‌های

→ «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَرْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ وَيَأْلُمُ يَوْمَئِذٍ لِّلْمَكَدِّينَ»؛ و چون به آنان گفته شود: رکوع کنید، رکوع نمی‌کنند. آن روز وای بر تکذیب کنندگان! (مرسلات، آیات ۴۸ و ۴۹).

۱. «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَتَبُوُ ما أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا إِلَنْتَيْعَ مَا أَلَّيْتُنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ»؛ و چون به آنان گفته شود: از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می‌گویند: [نه، بلکه از آینی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا ادر هر حال از پدرانشان پیروی می‌کنند،] هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی‌کردن و هدایت نیافته بودند؟ (بقر، آیه ۱۷۰). «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ»؛ و هنگامی که به آنان گفته می‌شود: به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر بباید، می‌گویند: آنچه پدرانمان را بر آن یافته‌ایم برای ما بس است. آیا [از پدرانشان پیروی می‌کنند،] هر چند پدرانشان چیزی نمی‌دانستند و هدایت نیافته بودند؟ (مائده، آیه ۱۰۴).

۲. لقمان، آیه ۲۱ و زخرف، آیات ۲۳ و ۲۵.

ارزشمند پیامبر اکرم ﷺ و ائمه هدی می باشد. ابن عباس از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده است که فرمود:

إِفْتَحُوا عَلَى صِبَّيْنِكُمْ أَوَّلَ كَلِمَةٍ لِإِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ...!

اولین کلمه‌ای که بر زبان فرزندان می‌گذارید، «لإله إلا الله» باشد.

در روایتی دیگر فرمود:

إِذَا أَفْصَحُوا أَوْلَادُكُمْ، فَعَلِمُوهُمْ لِإِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ...؟

وقتی فرزنداتان زبان به سخن گشودند، به آن‌ها «لإله إلا الله» را یاد دهید.

در ارزش آغاز تربیت کودک با توحید، پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود:

مَنْ رَبَّيْ صَغِيرًا حَتَّىٰ يَقُولَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَمْ يُخَاصِبْهُ اللَّهُ؟

هر کس کودکی را تربیت کند تا این‌که «لإله إلا الله» بگوید، خداوند روز قیامت

[اعمال] او را محاسبه نخواهد کرد.

اولین موقعه لقمان حکیم به فرزندش که در قرآن آمده،^۴ دعوت به توحید و پرهیز از شرک می‌باشد که مقدم بر دیگر مسائل عبادی و اخلاقی شده است و این نشان می‌دهد در تربیت دینی فرزند، اولین امر، مسائل اعتقادی است.

ب . توجه به معاد: یکی از مسائل مهمی که باید پدر و مادر در تربیت اعتقادی فرزندان به آن توجه نمایند، آگاه نمودن فرزندان از مسئله معاد است؛ همان گونه که لقمان حکیم پس از نصیحت فرزندش به مسئله توحید، حساب‌رسی اعمال در

۱. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۴۱.

۲. همان، ص ۴۴۰.

۳. همان، ص ۴۵۶.

۴. «وَإِذْ قَالَ لِثُمَانَ لِابْنِيهِ وَهُوَ يَعْظُمُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكُ بِاللَّهِ إِنَّ أَشِرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»؛ و [یاد کن] هنگامی را که لقمان به پسرش - درحالی‌که او را پند می‌داد - گفت: ای پسرک من، به خدا شرک نیاور که به راستی شرک ظلمی بزرگ است. (لقمان، آیه ۱۳).

قیامت را به فرزندش گوشزد کرده است.^۱

آشنایی کودکان با زندگی ابدی و به خصوص صحنه‌های زیبای بهشت و باغها و چشمۀ سارها، آنان را از رکود فکری و محدودیت افق دید و نگرش نجات می‌دهد. یاد معاد یک محرك نیرومند و قوی است که نوجوانان را نه تنها به سوی ارزش‌های انسانی هدایت می‌کند، بلکه استعداد آنان را برای بهسازی و آبادی زندگی دنیایی و آخرتی، بیش از پیش به کار می‌اندازد و شکوفا می‌سازد، زیرا آنان به این باور می‌رسند که در جهان آخرت از عهده پاسخ‌گویی به اعمال خوب و بد خود برآیند؛ نیز می‌آموزند که نباید در دنیا سربار دیگران باشند. آن‌ها در سایه یاد معاد، آزاد، مستقل و با عزّت خواهند زیست و توانشان را به کار خواهند گرفت تا با استفاده از نعمت‌های الهی، زندگی شرافتمدانه‌ای داشته باشند و با بهره‌گیری از این نعمت‌ها سعادت آخرتی را نیز فراهم خواهند ساخت.

فرزنданی که معرفت به جهان آخرت در زندگی آن‌ها راه یافته به کلی با کسانی که به دور از تعالیم انبیا و به خصوص بسی اعتقاد به زندگی آخرتی تربیت یافته‌اند، متفاوت‌اند.

باور به رستاخیز ابدی، موجی نیرومند از مسئولیت الهی و عشق به خدمت در راه خدا، برای وصول به وعده‌های بهشتی پدید می‌آورد. در پرتو اعتقاد به معاد است که روح فضیلت و درست‌کاری و ترک هوایپرستی و هرزگی خوی دائمی آدمی می‌گردد. یاد آخرت و مسائل آن هیچ دلی را اشغال نمی‌کند، جز آن که آلودگی‌ها و تیرگی‌های

۱. «وَإِذْ قَالَ لَقَمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعْظُمُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكُ بِاللَّهِ إِنَّ الْشَّرِكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ * يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِنْ قَالَ حَيَّةٌ مِنْ حَرَدٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ حَبِيرٌ»؛ و [ایاد کن] هنگامی را که لقمان به پرسش - درحالی‌که او را پند می‌داد - گفت: ای پسرک من، به خدا شرک نیاور که به راستی شرک ظلمی بزرگ است. ای پسرک من، اگر عمل آدمی‌ها موزن دانه خردلی و در درون سنگی یا در آسمان‌ها یا در زمین باشد، [روز قیامت] خدا آن را می‌آورد. به یقین، خدا دقیق و آگاه است. (لقمان، آیات ۱۳ و ۱۶).

فکری و عملی را از آن می‌شوید و می‌زداید. بدین ترتیب زندگی، هدف‌دار و با معنا می‌گردد. فرزندان می‌توانند با آنکا به این عقاید زندگی ساز، شخصیتی استوار و سروشار از امید و اعتماد به نفس و میل به سازندگی و خیرخواهی داشته باشند و از بازار زندگی و بزنگاه حادثه‌ها و گرفتاری‌های روزگار به سلامت و موفق و سعادتمند بیرون آیند و از هر آسیب فرساینده و خسارت بار، اینمی‌یابند و نشیب و فراز زندگی به عزت و استواری آن‌ها آسیبی نرساند.

امام صادق در روایتی می‌فرماید: لقمان حکیم به فرزند خود فرمود: من از زمانی که چشم به دنیا گشودم، به آن پشت کردم و به آخرت روی آوردم؛ پس منزلی که تو به سوی آن در حرکت هستی، به تو نزدیک‌تر از منزلی است که به آن پشت کرده و در حال دور شدن از آن هستی^۱، و در جمله دیگر فرمود: فرزندم، چگونه فرزند آدم به خواب می‌رود در حالی که مرگ، او را تعقیب می‌کند و چگونه در غفلت و بی خبری است، در حالی که از او غافل نیستند.^۲

امام باقر در روایتی می‌فرماید: لقمان حکیم به فرزندش چنین توصیه کرد: فرزندم، اگر در مرگ شک داری، پس خواب را از خود دور گردان! در حالی که بر چنین کاری قادر نیستی و اگر در معاد و رستاخیز شک داری، مانع بیداری خود از خواب شو در حالی که هرگز بر چنین کاری توان نداری، و اگر درباره این مسائل بیندیشی، خواهی دانست که جان تو به دست دیگری است و همانا خواب تو به منزله مرگ و بیداری بعد از خواب به مثابه زنده شدن پس از مرگ است.^۳

حضرت علی در ضمن وصیتی به فرزند خود امام حسن می‌فرماید:

۱. بحد الانوار، ج ۱۳، ص ۴۱۷ و ۴۱۸.

۲. اختصاص شیخ مفید، ص ۳۳۴.

۳. بحد الانوار، ج ۱۳، ص ۴۱۷.

يَا بُنْيَ قَصْرِ الْأَمَلِ، وَادْكُرِ الْمَوْتَ، وَازْهَدْ فِي الدُّنْيَا، فَإِنَّكَ رَهِينٌ مُوتٍ، وَغَرَضٌ
بِلَاءٌ، وَطَرِيقٌ سُقْمٌ^۱؛

فرزندم، آرزوهایت را کم کن و به یاد مرگ باش و در دنیا زهد و پارسایی را پیشه کن،
زیرا تو گروگان مرگ و آماج گرفتاری‌ها و زمین خورده بیماری‌ها هستی.

اثر تربیتی توجه به معاد

حضرت علی در وصیتی به فرزندش امام حسن چنین می‌فرماید:
وَأَكْثُرُ مِنْ ذِكْرِ الْآخِرَةِ وَمَا فِيهَا مِنَ النُّعَمِ وَالْعَذَابِ الْأَلِيمِ فَإِنَّ ذَلِكَ يُزَهِّدُكَ فِي
الْدُّنْيَا وَيُصَغِّرُهَا عِنْدَكَ^۲؛

آخرت و آنچه را در آن است از نعمت‌ها و عذاب در دنیاک، بسیار یاد کن، زیرا تو را در دنیا زاهد و پارسا می‌سازد و دنیا را در نظرت خوار و بی مقدار می‌گرداند.
جوانی که از دوران بلوغ در اثر راهنمایی‌ها و تلقین‌های خردمندانه پدر و مادر به تدریج با جهان آخرت آشنا می‌شود، در می‌یابد که نعمت‌های دنیوی ماندنی نیست؛ از این رو می‌کوشد در مسیر ابدیتی که پیش رو دارد، برای خود توشه‌ای گیرد و بر همین اساس زندگی آینده خود را تنظیم می‌کند، زیرا سعادت آینده را در گرو اعمال خویش می‌داند و می‌کوشد برای راه طولانی و گردندهای خطرناک آینده، توشه کافی بر گیرد و تا آن‌جا که در توان دارد از هر نظر خود را آماده و شکیبا سازد.

۲. مسائل اخلاقی

یکی از وظایف بسیار مهمی که خداوند بر عهده پدران و مادران قرار داده است،

۱. مجموعه ودام، ص ۳۷۸.

۲. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۰۵.

محافظت خانواده و فرزندان از گرفتار شدن به آتش جهنم است. در قرآن، یکی از عوامل مهم محفوظ ماندن از آتش جهنم و ورود به بهشت، متخلق شدن به فضایل اخلاقی و پرهیز از رذایل اخلاقی بیان شده است:^۱ همان گونه که یکی از عوامل مهم جهنمی شدن و محرومیت از بهشت، متصرف شدن به رذایل اخلاقی و دوری از فضایل اخلاقی است.^۲

اما آنچه در متخلق شدن فرزندان به فضایل اخلاقی مؤثر است، شیوه تربیت می‌باشد که به صورت صحیح و مؤثر انجام گیرد. در تربیت اخلاقی فرزندان افزون بر آگاه کردن آن‌ها از فضایل و رذایل اخلاقی و تبیین آثار و پیامدهای آن‌ها، متصرف بودن پدر و مادر به فضایل اخلاقی و پرهیز از رذایل اخلاقی، نقش بسیار مؤثری دارد.^۳

در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ آمده است:

إِعْمَلُوا بِطَاعَةِ اللَّهِ وَ اتَّقُوا مَعَاصِي اللَّهِ، وَ مُرُوا أَوْلَادُكُمْ يَأْمِنُوا لِلْأَوَامِرِ وَ أَجْتَنَابُوا النَّوَاهِي فَذِلِكَ وِقَايَةٌ لَهُمْ وَ لَكُمْ مِنَ النَّارِ؟

اعمالتان بر اساس اطاعت از اوامر خداوند متعال باشد و از معاصی الهی اجتناب کنید و فرزندانتان را امر کنید که از دستورهای شما اطاعت کنند و از آنچه شما بر خود روانی دارید، دوری نمایند که این امر موجب می‌شود شما و آن‌ها از آتش عذاب الهی محفوظ بمانند.

۱. فرهنگ قرآن، ج ۶، مدخل بهشت، موجبات بهشت، ص ۵۳۹ و ۵۵۴، ج ۷، مدخل جهنم، عوامل مصونیت از جهنم، ص ۲۷۳.

۲. همان، ج ۱۰، مدخل جهنم، موجبات جهنم، ص ۲۷۴ و ۳۰۰.

۳. «يَا أَخْتَ هَرُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ أَمْرًا سُوءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَيْتِيًّا»؛ ای خواهر هارون، پدرت مرد بدی نبود و مادرت ایزابدکاره نبود [این نوزاد از کجاست؟] (مریم، آیه ۲۸) «إِنَّكَ إِنْ تَذَرُّمُ يُضْلُلُوا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كُفَّارًا»؛ زیرا اگر آنان را باقی گذاری بندگان را گمراه می‌کنند و جز گناهکار و کفرپیشه نمی‌زایند. (نوح، آیه ۲۷).

۴. کنز العمل، ح ۴۶۷۵.

یکی از پیام‌های مهم این فرموده پیامبر اکرم ﷺ، آن است که پدران و مادران قبل از سفارش به فرزندان، باید خود مطیع اوامر و نواهی الهی باشند تا بتوانند فرزندان خویش را به اخلاق حسنی متخلص کرده و آن‌ها را خدا ترس و معاد باور تربیت کنند.

۳. مسائل عبادی

اهمیت مسائل عبادی: یکی از موضوع‌های مهم در تربیت دینی فرزندان که در قرآن از سوی پیامبران الهی نسبت به فرزندانشان مورد توجه قرار گرفته است، مسائل عبادی می‌باشد.^۱ در مسائل عبادی اگر فرزندان طوری تربیت شوند که از همان ابتدای نوجوانی، وظایف عبادی خود را از روی اشتیاق نه اکراه انجام دهنند، آثار و فوایدی ارزشمند در خانواده به بار خواهد نشست؛ اما اگر به مسائل عبادی فرزندان توجه

۱. «أَمْ كُثُّمْ سُدَّدَاءِ إِذْ حَضَرَ يَغْثُوبُ الْمُؤْتَ إِذْ قَالَ لِيَسِيهِ مَا تَعْبِدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا تَعْبِدُ إِلَهَكَ وَإِلَهٌ أَبَاكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهَهَا وَاحِدًا وَتَحْنُنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»؛ آیا شما حاضر بودید هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید؟ آن گاه که به پسرانش گفت: پس از من چه چیزی را خواهید پرسیدند؟ گفتند: معبد تو و معبد پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را می‌پرسیم که معبدی یگانه است و ما تسلیم او هستیم. (بقره، آیه ۱۳۳) «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرْيَتِي بِوَادٍ غَيْرَ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمَحْرَمَ رَبَّنَا لِيَقِيسُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَثْنَيْهَ مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَأَرْزُقْهُمْ مِنَ الشَّرَابِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ»؛ رَبَّنَا إِنِّي تَعْلَمُ مَا تُخْفِي وَمَا تُعْلِنُ وَمَا يَخْفِي عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبِيرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَيِّعُ الدُّعَاءِ * رَبَّ أَجْعَلَنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرْيَتِي رَبَّنَا وَتَكَبَّلَ دُعَاءً»؛ پروردگار، من برخی از فرزندانم را در درهای بی کشت [ازرع]، در کنار خانه حرمت یافته تو ساکن کردم؛ پروردگار، تانماز را بريا دارند. پس دلهای مردمی را به آنان متمایل کردن و از محصولات [گوناگون] نصیبیشان کن، شاید سپاسگزاری کنند. پروردگار، بی گمان، تو آنجه را که پنهان می‌داریم و آنجه را که آشکار می‌سازیم می‌دانی، و چیزی - نه در زمین و نه در آسمان - از خدا پنهان نیست. ستایش از آن خدایی است که اسماعیل و اسحاق را با وجود پیری به من عطا کرد. به راستی پروردگارم شتونده [و مستجاب کننده] دعاست. پروردگار، مرا برپادارنده نماز قرار ده و از فرزندانم نیز. پروردگار، و دعای مرآ مستجاب کن. (ابراهیم، آیات ۳۷ - ۴۰). «يَا مُّئَيْأَ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»؛ [لقمان به پسرش گفت:] ای پسرک من، نماز را بريا دار، و به کار پسندیده فرمان ده و از کار ناپسند باز دار، و بر آسیبی که به تو می‌رسد شکیبا باش، که این [شکیبا] از امور ضروری و لازم است. (لقمان، آیه ۱۷).

نشود و ارتباطی بین آن‌ها با خداوند از طریق عبادت ایجاد نگردد، به خداشناسی آن‌ها، آسیب وارد می‌شود که پیامد آن بر اهل بصیرت پنهان نیست.
در میان مسائل عبادی، برخی اعمال مورد توجه و سفارش ویژه خداوند قرار گرفته که به اختصار ذکر می‌شود.

موارد مورد تأکید در مسائل عبادی

الف: آموزش نماز: یکی از بارزترین مصدق عبادت و مهم‌ترین، مؤثرترین و سازنده‌ترین عمل عبادی که خداوند در تربیت دینی اعضای خانواده و فرزندان بر آن تأکید کرده، نماز است. دعوت اعضای خانواده به نماز از تکالیفی است که خداوند به پیامبر اکرم ﷺ امر کرده و او را در این دعوت به صبر و برداری سفارش نموده است^۱ و حضرت اسماعیل و لقمان حکیم را به سبب دعوت و سفارش خانواده و فرزندانشان به اقامه نماز، مورد تمجید و ستایش قرار داده^۲ و از حضرت ابراهیم به

۱. «وَأُمُّهُ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَأَصْطَرَ عَيْنَهَا لَا نَشَائِكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِتَّقْوَىٰ»؛ و خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر آن شکیبا باش. ما از تو رزقی نمی‌خواهیم، ماییم که به تو روزی می‌دهیم، و عاقبت [نیکو] برای [أهل] تقواست. (ط، آیه ۱۳۲).

۲. «وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا»؛ و در این کتاب [سرگذشت] اسماعیل را یاد کن، که او درست و عده و فرستاده و پیامبر بود. و خانواده خود را همواره به نماز و زکات فرمان می‌داد، و نزد پروردگارش مورد رضایت بود. (مریم، آیات ۵۴ و ۵۵). «وَلَقَدْ أَتَيْنَا لِقَمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ أَشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ شَكَرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ وَإِذْ قَالَ لِقَمَانٌ لَا بَشِّرْهُ وَهُوَ يَعْظُمُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الْشَّرِيكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأُمِرْ بِالسُّعْدُ وَأَنْهَ عَنِ الشَّنَّكِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصْبَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأَئْمَوْرِ»؛ و به راستی ما به لقمان این حکمت را آموختیم که: برای خدا شکر کن؛ و هر که شکر کند تنها به سود خود شکر می‌کند، و هر که ناسپاسی کند [زیانی به خدا نمی‌رساند، چرا که] خدا بی‌نیاز و ستوده است. و [یاد کن] هنگامی را که لقمان به پرسش - درحالی که او را پند می‌داد - گفت: ای پسرک من، به خدا شرک نیاور که به راستی شرک ظلمی بزرگ است. ای پسرک من، نماز را بريا دار، و به کار پستنده فرمان ده و از کار ناپستن باز

سبب دعا برای اقامه نماز از سوی فرزندانش، به نیکی یاد کرده است.^۱ یکی از عوامل مهم در اجرای سفارش خداوند سبحان به مؤمنان در مورد حفاظت خانواده از آتش دوزخ،^۲ اقامه نماز است، زیرا سبب اصلی دوزخی شدن یک خانواده، ارتکاب فساد، فحشا، منکرات و گناهان می‌باشد و آن چیزی که می‌تواند هر انسانی را از انجام دادن گناه و فحشا حفظ نماید و او را به رستگاری و سعادت برساند، اقامه نماز واقعی است؛^۳ زیرا نماز یاد خدا را زنده می‌کند^۴ و این یاد خداست که می‌تواند انسان را از هر انحرافی نجات دهد که اگر این عمل ارزشمند عبادی از سوی هر کسی مورد بی توجهی قرار گرفته و ضایع گردد، پیامدی جز فرو رفتن در شهوت، فساد و

دار، و برآسیبی که به تو می‌رسد شکیبا باش، که این [شکیبایی] از امور ضروری و لازم است. (لعمان، آیات ۱۲ و ۱۳ و ۱۷).

۱. «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيْ أَجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْبَنَّيْ أَنْ نَعْمَدَ الْأَصْنَامَ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرْيَتِي بُوادٍ غَيْرَ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمَحْرَمَ رَبَّنَا إِلَيْسِمُوا أَصَّلَةً فَاجْعَلْ أَقْنَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَأَرْزُقْهُمْ مِنَ الْمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ رَبِّيْ أَجْعَلَنِي مُؤْسِمَ الْأَصَّلَةِ وَمِنْ ذُرْيَتِي رَبَّنَا وَتَكَلَّلَ دُعَاءً؛ وَ[ياد کن] هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگار، این شهر را [مکان] امن قرار ده، و مرا فرزندانم را از پرسش بتها دور بدار. پروردگار، من برخی از فرزندانم را در دره‌ای بی‌کشت [وزرع]، در کنار خانه حرمت یافته تو ساکن کردم؛ پروردگار، تا نماز را برپا دارند. پس دل‌های مردمی را به آنان متمایل گردن و از محصولات [گوناگون] نصیبیان کن، شاید سپاسگزاری کنند. پروردگار، مرا برپادارنده نماز قرار ده و از فرزندانم نیز: پروردگار، و دعای مرا مستجاب کن. (ابراهیم، آیات، ۳۵ و ۳۷ و ۴۰).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَوْا قُوَّا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاثُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شَدِيدٌ لَا يَعْصُمُنَ اللَّهُ مَا أَمْرَهُمْ وَيَعْلَمُونَ مَا يُؤْمِرُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ‌ها هستند مصون دارید. بر آن [آتش] فرشتگانی درشت خوی و سخت‌گیر گمارده شده‌اند که خدا را در آنچه به آنان فرمان داده است عصيان نمی‌کنند، و آنچه را که بدان فرمان می‌یابند انجام می‌دهند. (تحریم، آیه ۶).

۳. «أَثْلَى مَا أُوجِي إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالشَّكْرُ وَلِلَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ»؛ (عنکبوت، آیه ۴۵) «قُدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»؛ به راستی که مؤمنان ظفر یافتند. همانان که در نمازشان خاشع و فروتن‌اند. (مؤمنون، آیات ۱ و ۲).

۴. «إِنَّى أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْدُنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»؛ من خدا که هیچ معبدی جز من نیست، پس مرا پرسش کن و برای یاد من نماز برپا دار. (طه، آیه ۱۴).

تباهی به دنبال نخواهد داشت^۱، زیرا ترک یا ضایع کردن نماز، همان دوری و غفلت از یاد خدا و روی آوردن به سوی شیطان می‌باشد که منشأ تمام گناهان و بدینختی‌های بشر است.

بیان آثار و برکات اقامه نماز و پیامد ترک یا سهل انگاری در اقامه آن از نظر قرآن، مجالی دیگر می‌طلبد که به جهت رعایت اختصار و خارج نشدن از موضوع اصلی، از ذکر آن در اینجا صرف نظر می‌شود.

سفارش ائمه اطهار به اقامه نماز فرزندان:

۱. امیر مؤمنان علی فرزندان خود را این گونه به نماز سفارش فرمود:

اللهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ! فَإِنَّهَا حَيْرُ الْعَمَلِ فَإِنَّهَا عِمَادُ دِينِكُمْ^۲

خدرا خدا را، درباره نماز که نماز بهترین عمل و ستون دین شمامست.

و در جمله دیگر فرمود:

أَوْصِبِكَ يَا بُنْيَيِّ بِالصَّلَاةِ عِنْدَ وَقْتِهَا^۳

فرزندم، تو را به خواندن نماز در اول وقت سفارش می‌کنم.

۲. ابو بصیر از امام کاظم روایت کرده است که فرمود: پدرم در حال احتضار

فرمود:

۱. «فَلَمَّا مِنْ بَعْدِهِمْ خَلَفُ أَصْاعُوا أَصْلَاهَ وَأَتَبَعُوا أَلْشَهَابَ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ عَيْنًا»؛ آن‌گاه پس از آنان نسلی به جایشان آمدند که نماز را تباہ ساختند و از هوس‌ها پیروی کردند؛ پس به زودی با شر و نکتی [بزرگ] رو به رو خواهند شد. (مریم، آیه ۵۹).

«عَنِ الْشَّجَرِمِينَ * مَا سَلَكُكُمْ فِي سَقَرَ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ»؛ که در باغ‌هایی اوصف‌نایپذیر از یکدیگر می‌پرسند، درباره مجرمان، که چه چیز شما را به سَقَرَ درآورد؟ می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم، (مدثر، آیات ۴۰ و ۴۳).

۲. تحف المعقول، ص ۱۹۵.

۳. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۴۵۸.

يَا بُنْيَ، إِنَّهُ لَا يَنْالُ شَفَاعَتَنَا مَنِ اسْتَحْفَفَ بِالصَّلَاةِ؛^۱

ای فرزندم، شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد، نخواهد رسید.

ابن قداح از امام صادق روایت کرد که فرمود:

إِنَّا نَأْمَرُ الصَّبِيَانَ أَنْ يَجْمِعُوا بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ الْأُولَى وَالْعَصْرِ وَبَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ، مَاذَا مُوْلَى وُضُوئِ قَبْلَ أَنْ يَسْتَغْلُوا؟^۲

ما به فرزندان خود دستور می‌دهیم مادامی که در حال وضو هستند و مشغول کار دیگری نشده‌اند، نماز ظهر را با نماز عصر، و نماز مغرب را با نماز عشا بخوانند.

۳. حسن بن قارون می‌گوید: از امام رضا پرسیدم...: «... مردی فرزند خود را به نماز خواندن مجبور می‌کند، زیرا گاهی یکی دو روز نماز نمی‌خواند. امام فرمود: [فرزندش] چند سال دارد؟ عرض کردم: هشت سال. امام فرمود: سبحان الله! نماز را ترک می‌کند؟! عرض کردم: اگر نماز بخواند، احساس ناراحتی می‌کند. امام فرمود: به هر صورتی که می‌تواند نمازش را بخواند و آن را ترک نکند.»^۳

ب . روزه گرفتن: یکی از اعمال عبادی که پدران و مادران وظیفه دارند فرزندان خود را با آن آشنا سازند تا از آثار و برکات آن بهره‌مند گردند، روزه گرفتن است. روزه‌داری از عبادت‌های ارزشمند است.

بر اساس آیه نورانی قرآن، بهترین شمره و حکمت آن دست یافتن به صفت ارزشمند تقواست^۴ و با حصول تقواست که همه می‌توانند خودشان و فرزندانشان را

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۶۲.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۱۸۳.

۳. همان، ج ۳، ص ۱۳.

۴. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقَوْنَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما نوشته شده است، چنان‌که بر کسانی که پیش از شما بودند نوشته شده بود، باشد که تقوا پیشه شوید. (بقره، آیه ۱۸۳).

از عذاب دنیا^۱ و آخرت^۲ حفظ نمایند؛ بنابراین، اگر خداوند به مؤمنان توصیه فرمود

۱. ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْفُرْقَىٰ آمَنُوا وَاتَّقُوا لَتَعْلَمُنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَبُوا فَأَخْذَنَا هُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾؛ و اگر اهل آن شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می‌گشودیم، ولی [انبیا را] تکذیب کردند، و ما آنان را به کیفر آنچه مرتكب می‌شدند، [به عذاب] گرفتیم. (اعراف، آیه ۹۶). ﴿فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ سَكِّرِهِمْ أَنَّا دَمَرْنَا هُمْ وَقَوْسَهُمْ أَجْعَمْنَا وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾؛ پس بنگر که سرانجام نیرنگ‌شان چگونه بود. ما آنان و قومشان را یکسره ریشه کن کردیم. و کسانی را که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند نجات دادیم. (نمل، آیات ۵۱ و ۵۳). ﴿وَأَمَّا ثَمُودٌ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاشْتَخْبُوا أَعْمَى عَلَىٰ أَلْهَمِي فَأَخْذَنَاهُمْ صَاعِقَةً الْعَذَابِ أَلْهَمُونَ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ * وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾؛ و اما قوم شمود را هدایتشان کردیم، ولی آنان کور دلی را بر هدایت ترجیح دادند، پس به کیفر آنچه مرتكب می‌شدند صاعقه عذاب خفت‌آور آنان را فروگرفت. و [از میان قوم عاد و ثمود] کسانی را که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند نجات دادیم. (فصلت، آیات ۱۷ و ۱۸).
۲. ﴿وَأَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدُنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مِنْ أَشَاءَ وَرَحْمَتِي وَسِعْتُ كُلُّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الْزَكَاهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِإِيمَانِنَا يُؤْمِنُونَ﴾؛ و برای ما در این دنیا و در آخرت خوبی مقرر کن، که ما به سوی تو بازگشته ایم. [خدا] گفت: من عذابیم را به هر که بخواهم می‌رسانم، و رحمتم همه چیز را فراگرفته است؛ پس به زودی آن را برای کسانی که تقوا پیشه می‌کنند و زکات می‌دهند و کسانی که به آیات ما ایمان می‌آورند، مقرر خواهم داشت. (اعراف، آیه ۱۵۶). ﴿فَوَرِبَكَ لَتَخْشُرَهُمْ وَالشَّيَاطِينَ لَمَّا لَتَخْضَرَهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمْ حِيجَانًا * وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارْدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَثْمًا مَقْبِضًا * ثُمَّ تَنْجِيَ الَّذِينَ أَتَقْوَا وَتَنْذِرَ الظَّالِمِينَ فِيهَا حِيجَانًا﴾؛ پس به پروردگارت سوگند که قطعاً آنان را با شیاطین محشور می‌کنیم، سپس آنان را به زانو درافتاده برگرد جهنم حاضر می‌سازیم و هیچ کس از شما نیست مگر این که بر آن وارد می‌گردد. این بر پروردگارت حکمی قطعی است؛ سپس کسانی را که تقوا پیشه کرده‌اند نجات می‌دهیم، و ستمگران را به زانو در افتاده در آن رها می‌کنیم. (مریم، آیات ۶۱ و ۶۲). ﴿وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ لَيْسَ فِي جَهَنَّمْ مَثْوَى لِلْمُتَكَبِّرِينَ * وَيَنْبَغِي اللَّهُ لِلَّذِينَ أَتَكَوْنُوا يَمْنَازُهُمْ لَا يَسْتَهِمُ الْسُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزُنُونَ﴾؛ روز قیامت چهره کسانی را که بر خدا دروغ بسته‌اند سیاه می‌بینی، آیا برای متکبران جایگاهی در جهنم نیست؟ و خدا کسانی را که تقوا پیشه کرده‌اند، به سبب کامیابی شان نجات می‌دهد، درحالی که نه بدی به آنان می‌رسد و نه غمگین می‌شوند. (زمیر، آیات ۶۰ و ۶۱). ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ * لَا يَدْعُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمُؤْمِنَةُ الْأُولَى وَقَاهُمْ عَذَابُ الْجَحِيمِ﴾؛ به یقین، تقوا پیشگان در جایگاهی امن قرار دارند. در آنجا جز مرگ نخستین [که در دنیا رخ می‌دهد] طعم مرگ را نخواهند چشید و [خدا] آنان را از عذاب آتش شعله‌ور مصون می‌دارد. (دخان، آیات ۵۱ و ۵۶). ﴿فَانْذِرْنَاهُمْ نَارًا شَاطِئِي * وَسَيْجِيَّنَاهُ الْأَثْقَنِ﴾؛ پس شمارا به آتشی که زبانه می‌کشد اخطرار کردم. ولی انسان تقوا پیشه از آن دور داشته می‌شود. (لیل، آیات ۱۴ و ۱۷).

که خود و خانواده خویش را از آتش جهنم حفظ نمایند،^۱ راه‌های حفظ نمودن را نیز به آنان نشان داده است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها انجام دادن اعمالی است که سبب ایجاد تقوای در انسان می‌شود، و روزه یکی از اعمالی است که انسان را در دست یابی به تقوای الهی یاری می‌کند.^۲

سفرارش فرزندان به روزه گرفتن از سوی ائمه اطهار

۱. حضرت علی در ضمن سفارش به امام حسن می‌فرماید:

اللهُ أَللّهُ فِي صِيَامٍ شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنَّ صِيَامَهُ جُنَاحٌ مِنَ النَّارِ^۳

خدرا خدا را درباره روزه ماه رمضان، زیرا روزه این ماه سپر محافظی از آتش جهنم است.

۲. مسمعی گوید: هر گاه ماه رمضان فرا می‌رسید، صدای امام صادق را می‌شنیدم که فرزندان خود را به اهمیت دادن به ماه رمضان سفارش کرده و می‌فرمود: «... سپس با نفس خویش بستیزید، زیرا در این ماه رزق و روزی شما تقسیم و لحظات مرگ هر کس معین می‌شود. هم‌چنین در این ماه میهمانان خدا را که برآ وارد می‌شوند، می‌نویسند و در این ماه شبی هست که عمل در آن برابر است با عمل هزار ماه.^۴

۳. معاویه بن وهب می‌گوید از امام صادق پرسیدم: در چند سالگی فرزندان

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَوْا قُوَّةً أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيْكُمْ نَارًا وَقُوْدُهَا التَّأْسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شَدَادٌ لَا يَعْصُمُونَ اللَّهُ مَا أَمْرَهُمْ وَيَعْلَمُونَ مَا يُؤْمِنُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ‌ها هستند مصون دارید. بر آن [آتش] فرشتگانی درشت‌خوی و سخت‌گیر گمارده شده‌اند که خدا را در آنچه

به آنان فرمان داده است عصیان نمی‌کنند، و آنچه را که بدان فرمان می‌یابند انجام می‌دهند. (تحریم، آیه ۶).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَوْا كُتُبَ عَلَيْكُمُ الْأَصِيَامَ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعْنَكُمْ شَتَّقُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما نوشته شده است، چنان‌که پیش از شما بودند نوشته شده بود، باشد که تقوای پیشه شوید؛

(بقره، آیه ۱۸۳).

۳. تحف المعقول، ص ۱۹۵.

۴. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۷۵ و ۶۳.

خود را به روزه وادر کنم؟ امام فرمود: بین چهارده و پانزده سالگی، و اگر پیش از رسیدن به این سن هم روزه گرفت، او را به حال خود بگذار و مانع روزه او نشو. یکی از فرزندانم، پیش از رسیدن به این سن روزه گرفت و من او را به حال خود گذاشتم و مانعش نشدم.^۱

۴. حلبي از امام صادق روایت کرده که حضرت فرمود: ما فرزندان خود را در هفت سالگی در حدّی که تاب و توان آن را دارند، به روزه گرفتن و امدادیم، گرچه تا وسط روز یا بیش از آن و یا کمتر از آن و هر گاه تشنگی و گرسنگی بر آنها غلبه کرد، افطار می‌کردند. [و این دستور به روزه گرفتن به خاطر آن بود که] به روزه گرفتن انس گرفته و عادت و توانایی پیدا کنند. پس شما فرزندان خود را در نه سالگی به روزه گرفتن و ادارید و به هر اندازه که توانستند، روزه بگیرند و اگر تشنگی بر آنها غلبه کرد، افطار کنند.^۲

ج . انفاق: یکی دیگر از اعمال عبادی که در تربیت دینی فرزندان و خانواده مورد تأکید خداوند قرار گرفته است، توجه به مستحقان جامعه و کمک مالی به آنها می‌باشد.^۳ فرزندان اگر چه در دوران خردسالی، نوجوانی و جوانی اموال آن چنانی ندارند تا به این امر اقدام نمایند، ولی پدر و مادر می‌توانند، از همان اموالی که خود در اختیار آنان قرار می‌دهند، آنها را تشویق و ترغیب نموده تا مقداری را به مستمندان و مستحقان جامعه پرداخت نمایند.

ایجاد روحیه انفاق در فرزندان، آثار ارزشمندی در زندگی آینده آنها بر جای خواهد داشت و خداوند سبحان نیز در قرآن سفارش زیادی در مورد توجه به فقرا و

۱. کافی، ج ۴، ص ۱۲۵.

۲. بحد الاتّوار، ج ۹۲، ص ۱۴.

۳. «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عَنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا»؛ و در این کتاب [سرگذشت] اسماعیل را یاد کن، که او درست و عده و فرستاده و پیامبر بود. (مریم، آیه ۵۵).

مساکین دارد و در بسیاری موارد انجام آن را با اقامه نماز همراه کرده است^۱ و خاندان عصمت و طهارت را به سبب اطعام مسکین، یتیم و اسیر، مورد ستایش و تمجید قرار داده است.^۲ یکی از راههایی که می‌تواند، روحیه یاری کردن و کمک مالی به مستحقان جامعه را در فرزندان ایجاد کند، آگاه نمودن آن‌ها به آثار و ارزش‌های زکات، انفاق و اطعام می‌باشد که در قرآن و کلام معصومین مطرح شده است.

سیره ائمه اطهار در تشویق فرزندان به انفاق

۱. هارون بن عیسیٰ گوید: روزی امام صادق به فرزند خود فرمود: «فرزندم، چه مقدار از پول خرجی خانه مانده است؟ عرض کرد: چهل دینار. حضرت فرمود: همه آن را در راه خدا صدقه بده. عرض کرد: در این صورت چیزی برای ما نمی‌ماند. حضرت فرمود: همه‌اش را انفاق کن که خداوند جای آن را پر خواهد کرد. آیا می‌دانی برای هر چیزی کلیدی هست و کلید روزی صدقه می‌باشد. [فرزندم] همه‌اش را انفاق کن. محمد به دستور پدر عمل کرد و آنچه را همراه خود داشت، در راه خدا صدقه داد، هنوز ده روز نگذشته بود که از جایی برای حضرت چهار هزار

۱. «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الْزَكَارَ... * أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الْزَكَارَ... * وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الْزَكَارَ... * إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا أَصْلَاحَاتٍ وَأَفَمُوا أَصْلَاحَاتٍ وَآتُوا الْزَكَارَ...»؛ و نماز را به پا دارید و زکات بدھید و نماز

را به پا دارید و زکات بدھید؛ و نماز را برابر پامی دارد، و زکات می‌پردازد، کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته

کرده و نماز را برابر داشته و زکات داده‌اند، (بقره، آیات ۸۳، ۱۱۰، ۱۷۷، ۲۷۷). «...وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا

الْزَكَارَ...»؛ ... نماز را برابر دارید و زکات بدھید؛ (نساء، آیات ۷۷، ۱۶۲). «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَذْنَى

يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الْزَكَارَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»؛ .. جز این نیست که سریرست شما خدا و رسول او و کسانی اند که

ایمان آورده‌اند؛ همانان که نماز را برابر می‌دارند و در حال رکوع صدقه می‌دهند. (مائده، آیه ۵۵).

۲. «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَسْرُّونَ مِنْ كَاسٍ كَانَ مِزاجُهَا كَافُرًا * عَيْنًا يَسْرُّبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يَهْجُرُونَهَا تَهْجِيرًا * يُوْفُونَ بِالنَّدَرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا

کانَ شَرْهُ مُسْتَطِيرًا * وَيَطْعَمُونَ الظَّعَامَ عَلَى حَبْهِ مُسْكِنِيًّا وَيَتِيمًا وَأَيْسِيرًا»؛ بی‌تردید، نیکان از پیمانه‌ای می‌نوشند که

آمیزه آن کافور است؛ آنان به نذر خود وفا می‌کنند و از روزی که شرشن فراگیر است می‌ترسند. [و می‌گویند]: ما

فقط برای خشنودی خدا به شما طعام می‌دهیم، از شما نه پاداشی می‌خواهیم و نه تشکری. (انسان،

آیات ۵ و ۷). (۹).

دینار رسید. حضرت فرمود: فرزندم، ما چهل دینار برای خدا دادیم و او در عوض چهار هزار دینار به ما عطا فرمود.^۱

۲. محمد بن عمر بن یزید گوید: به حضرت ابوالحسن، -امام رضا- -خبر دادم که دو پسر از دستم رفت و یک پسر خردسال برایم مانده است. حضرت فرمود: از طرف او صدقه بد. گوید: همین که خواستم برجیزم و از حضورش مرخص شوم به من فرمود: دستور ده تا فرزند خردسالت به دست خودش قطعه نانی یا چیز دیگری صدقه بدهد اگر چه بسیار کم باشد؛ زیرا چیزی که در راه خدا صدقه داده می‌شود، اگر چه انک باشد، در درگاه الهی بزرگ است، به شرط آن که صدقه دهنده در نیت خود صادق باشد؛ خدای متعال می‌فرماید: «هر که به اندازه ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را خواهد دید...».^۲

۳. امر به معروف و نهی از منکر: آگاه نمودن فرزندان از مسئولیت‌های اجتماعی مانند تذکر دادن به دیگران و ارشاد آن‌ها به سوی کارهای خوب و نهی آن‌ها از کارهای زشت، یکی از وظایف پدر و مادر و مورد تأکید و توجه ویژه قرآن کریم می‌باشد و در سفارش لقمان حکیم به فرزند خویش مطرح گردیده است.^۳ اهمیت انجام این مسئولیت به حدی است که عمل به آن سبب برتری امت اسلامی بر دیگر امت‌ها^۴، جلب رحمت،

۱. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۴۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۶۱.

۳. «إِذْ قَالَ لَهُمَانْ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعْظِمُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكُ بِاللَّهِ إِنَّ الْشَّرِكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ * يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمِرْ بِالْمُعْرُوفِ وَأَنْهِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصْبَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»؛ و [یاد کن] هنگامی را که لقمان به پرسش -در حالی که او را پند می‌داد - گفت: ای پسرک من، به خدا شرک نیاور که به راستی شرک ظلمی بزرگ است. ای پسرک من، نماز را برپا دار، و به کار پسندیده فرمان ده و از کار ناپسند باز دار، و بر آسمی بی که به تو می‌رسد شکیبا باش، که این [شکیبای] از امور ضروری و لازم است. (لقمان، آیات ۱۳ و ۱۷).

۴. كُلُّمُ خَيْرٌ أَمْ إِخْرِجْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمُعْرُوفِ وَنَهْيُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آتَمْ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ

نصرت و پاداش بزرگ الهی،^۱ نیل به رستگاری^۲ و جاودانگی در بهشت^۳ و در زمرة

→ **مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ**; بهترین امتی که برای مردم به ظهور رسیده است شمایید؛ [چرا که] به کارهای پسندیده و می‌دارید، و از کارهای ناپسند باز می‌دارید، و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند برایشان بهتر بود. بعضی از آنان مؤمنند، و بیشترشان نافرمانند. (آل عمران، آیه ۱۱۰).

۱. **وَالْمُؤْمِنُونَ وَالسُّؤْمِنَاتُ يَعْصُمُهُ أُولَيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَا عَنِ النَّشْكَرِ وَيُعِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُبُوْثُونَ الرَّكَأَةَ وَيُطْبِعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيِّرَ حَمْمَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ**; و مردان و زنان مؤمن بعضی شان یاور بعضی دیگرند؛ به کارهای پسندیده و می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و نماز را بربا می‌کنند و زکات می‌دهند، و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. اینان را خدا به زودی مورد رحمت خود قرار می‌دهد. به یقین، خدا عزت‌مندو حکیم است. (توبه، آیه ۷۱). **«الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ يَغْيِرُ حَقًّا إِنَّمَا يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعَ اللَّهِ النَّاسَ بِعَصْمَهُمْ بِيَنْهَا لَهُدْمَتْ صَوَاعِحُ وَيَسْعَ وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا أَسْمُ اللَّهِ كَفِيرًا وَيَصْرُنَ اللَّهَ مَنْ يَصْرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَغَوِيٌّ عَزِيزٌ * الَّذِينَ إِنْ مَكَثَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَكْتُو أَلْزَكَاهُ وَأَسَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَتَهَوَّ عَنِ النَّشْكَرِ وَلَهُ عَاقِبَةٌ أَمْوَارٌ»**؛ همانان که به ناحق از خانه‌ایشان اخراج شده‌اند، آن هم فقط بدین سبب که می‌گفتند: پروردگار مخداست. و اگر خدا بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، دیرها و کلیساها و معبدهای یهود و مساجدی که در آنها بسیار یاد خدا می‌شود، ویران می‌شدند. و قطعاً خدا کسانی را که او را یاری کنند یاری می‌کند، چرا که به تردید خدا نیرومند و با عزت است. همانان که اگر در زمین به آنان فرمانتراوای دهیم، نماز بربا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده و می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام کارها فقط در اختیار خدادست. (حج، آیات ۴۰ و ۴۱). **«لَا خَيْرٌ فِي كَيْسِرٍ مِنْ نَجَاوِمٍ إِلَّا مَنْ أَمْرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةَ اللَّهِ فَسَوْفَ تُؤْتَيْهِ أَجْرًا عَظِيمًا»**; در بسیاری از نجواهای آنان خیری نیست؛ مگر کسی که [در نجوایش] به صدقه یا به کاری پسندیده یا اصلاحی میان مردم فرمان دهد. و هر کس برای طلب خشنودی خدا چنین کند، به زودی اجری بزرگ به او خواهیم داد. (نساء، آیه ۱۱۴).

۲. **وَلَنَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَا عَنِ النَّشْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُلْحُونُ**; و باید از میان شما گروهی باشند که [مردم را] به خوبی‌ها دعوت کنند، و به کارهای پسندیده و دارند، و از کارهای ناپسند باز دارند؛ و اینان خود ظفر مندند. (آل عمران، آیه ۱۰۴).

۳. **إِنَّ اللَّهَ أَشَّرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمَّا لَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَيِّلِ اللَّهِ يَقِنُّوْنَ وَيَقْتُلُونَ وَعَدَّا عَلَيْهِ حَقًا فِي الْشُّورَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَنِي بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَأَشَّرَّهُ وَبِيَعْمَلِهِ وَذَلِكَ هُوَ أَلْفَوْزُ الْأَعْظَمِ * الْتَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِعُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالثَّانُونَ عَنِ النَّشْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحَدُودِ اللَّهِ وَشَرِّ الْمُؤْمِنِينَ**؛ بی تردید، خدا از مؤمنان نیروهای بدنی و مالی شان را خریده است در برابر این که بهشت برای آنان باشد. آنان در راه خدا پیکار می‌کنند و می‌کشته می‌شوند. این به عنوان وعده حقی است بر خدا در

صالحان^۱ و مومنان^۲ قرار گرفتن می‌شود.

یکی از نکات مورد توجه در این مسئله، آشنایی با احکام و آداب و شیوه‌های انجام این مسئولیت اجتماعی است که در اثر بخشی آن نقش بسیاری مهمی دارد و ناگاهی از آن‌ها، آسیب‌های فراوانی را به دنبال خواهد داشت؛ از این‌رو، در کنار توجه به اصل مسئله مسئولیت اجتماعی در اصلاح افراد جامعه و دعوت آنان به ارزش‌ها، آداب و شیوه‌های انجام این مسئولیت نیز بسیار مهم می‌باشد، زیراگاهی به جهت رعایت نشدن آداب و شرایط امر به معروف، نتیجه معکوس به بار می‌نشیند و چه بسیار افراد را در مورد اصل دین و ارزش‌ها، بدین و متغیر می‌کند.

۴. آموزش قرآن به فرزند

با توجه به این‌که قرائت حمد و سوره از شرایط صحبت نماز است و اقامه نماز بدون آشنایی با قرآن امکان‌پذیر نیست، تعلیم قرآن به فرزندان در کنار تعلیم نماز، از وظایف پدران و مادران است. فرآگیری قرآن افزون بر کاربرد آن در نماز، آشار و برکات فراوانی در زندگی انسان‌ها دارد، زیرا آخرین کتاب آسمانی است که تمام

→ تورات و انجیل و قرآن. و چه کسی از خدا به عهد خود وفادارتر است؟ پس به معامله [پر سود] خود که کرده‌اید شادمان باشید، و این همان کامیابی بزرگ است. [این مؤمنان]، همان توبه کنندگان و عابدان و ستایشگران و سیاحت کنندگان [در راه خدا] و رکوع کنندگان و سجده کنندگان و ادارکنندگان به کارهای پستدیده و بازدارندگان از کارهای ناپسند و نگهبانان حدود خدا هستند. و به مؤمنان بشارت ده. (توبه، آیات ۱۱۱ و ۱۱۲).

۱. «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُونُونَ بِالْعَرْوَفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَسُلْطَانُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الْأَصْلَاحِينَ»؛ به خدا و روز واپسین ایمان دارند، و به کارهای پستدیده و امی دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و در کارهای خیر شتاب می‌کنند، و اینان از شایستگانند. (آل عمران، آیه ۱۱۴).

۲. «الثَّانِيُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِبُونَ أَلْسَاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَرْوُفِ وَالثَّاهِرُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحَدُودِ اللَّهِ وَبَشَّرَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ [این مؤمنان]، همان توبه کنندگان و عابدان و ستایشگران و سیاحت کنندگان [در راه خدا] و رکوع کنندگان و سجده کنندگان و ادارکنندگان به کارهای پستدیده و بازدارندگان از کارهای ناپسند و نگهبانان حدود خدا هستند. و به مؤمنان بشارت ده. (توبه، آیه ۱۱۲).

قوانين هدایت و سعادت انسان‌ها را در بر دارد. قرآن سفره گسترده و غذای آسمانی و گنجینه حقایق و اسرار الهی است. قرآن بهار دل‌های خزان زده و مایه طراوت اندیشه‌های افسرده و راکد است. قرآن شفای دل‌ها و ریسمان الهی است و هر کس به آن چنگ زند، نجات می‌یابد و هر کس آن را رها کند، هلاک می‌گردد.

قرآن هدایتگر جهانیان است و تضمین کننده سعادت پیروان آن. تلاوت قرآن، کلید ارتباط با حق است و تدبیر در آیات آن سبب بیداری دل‌ها و شکوفایی مغز هاست.

هم‌چنین آموزش قرآن به انسان‌ها یکی از مسئولیت‌های مهم الهی پیامبر اکرم ﷺ بوده است...!

آموزش قرآن به فرزند در روایات

۱. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

۱. «رَبَّنَا وَأَبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولاً مِنْهُمْ يَتْلُو عَنِيهِمْ آيَاتَكَ وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَبَرِّكَهُمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» * کما اُرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولاً مِنْهُمْ يَتْلُو عَنِيهِمْ آيَاتَنَا وَبَرِّكَهُمْ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَبَعَلَمُهُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَشْلُمُونَ»؛ پروردگار، و در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیز که آیات تو را بر آنان بخواند و کتاب و حکمت به آنان پیامورزد و آنان را پاک سازد که در حقیقت، تو خود عزتمند و حکیمی. [آری، کعبه را قبله شما قرار دادیم تا نعمت خود را بر شما تمام کنیم،] همان‌طور که [برای اتمام نعمت] در میان شما پیامبری از خودتان فرستادیم که آیات ما را بر شما می‌خواند، و شما را پاک می‌سازد، و به شما کتاب و حکمت می‌آموزد، و آنچه را که نمی‌دانستید به شما تعلیم می‌دهد. (بقره، آیات ۱۲۹ و ۱۵۱). «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولاً مِنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَبَرِّكَهُمْ وَبَعَلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَهُ ضَلَالٌ مُّبِينٌ»؛ به راستی خدا به مؤمنان نعمتی گران عطا کرد، آن‌گاه که میانشان پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان سازد و به آنان کتاب و حکمت پیامورزد؛ و قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. (آل عمران، آیه ۱۶۴). «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَّةِ رَسُولاً مِنْهُمْ يَتْلُو عَنِيهِمْ آیَاتِهِ وَبَرِّكَهُمْ وَبَعَلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَهُ ضَلَالٌ مُّبِينٌ»؛ اوست که در میان درس ناخواندگان، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان می‌خواند و آنان را تزکیه می‌کند و کتاب و حکمت به آنان می‌آموزد، و قطعاً آنان پیش‌تر در گمراهی آشکاری بوده‌اند. (جمعه، آیه ۲).

حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ... وَيُعْلَمُهُ كِتَابُ اللَّهِ؛

حتی فرزند بر پدرش آن است که به او کتاب خدا را آموخت دهد.

در روایتی دیگر حضرت فرمود:

**أَدْبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثَتِ خَصَالٍ: حُبٌّ تَبَيِّنُهُمْ، وَحُبٌّ أَهْلٌ بَيْنَهُمْ، وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ،
فَإِنَّ حَمَلَةَ الْقُرْآنِ فِي ظِلِّ اللَّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ مَعَ أَنْبِيائِهِ وَأَصْفَيَائِهِ؛**

فرزندانتان را به سه ویژگی تربیت کنید: محبت پیامبر تان، محبت اهل بیتش و قرائت قرآن، زیرا حاملان قرآن در سایه [رحمت] خدایند، در آن روز که هیچ سایه‌ای جز سایه خدا نیست و در کنار پیامبران و برگزیدگان او جای دارند.

۲. حضرت علی خطاب به فرزندش امام حسن فرمود: در اولین گام برای تربیت تو، از آموخت کتاب خدا و تأویل آن شروع کردم^۳ و در وصیتی به فرزندانش فرمود:

اللَّهُ أَلَّهُ فِي الْقُرْآنِ فَلَا يَسْبِقُنَّكُمْ إِلَى الْعِلْمِ بِهِ غَيْرُكُمْ؛

خدا را خدا را درباره قرآن؛ مبادا دیگران در فهم آن بر شما پیشی بگیرند.

۳. امام صادق فرمود:

عَلَّمُوا أَوْلَادَكُمْ يُسَ فَإِنَّهَا رَيْخَانَةُ الْقُرْآنِ؛

به فرزندانتان سوره یس پیاموزید، زیرا این سوره گل [یاغ] قرآن است.

پاداش آموخت قرآن به فرزند

۱. معاذ گوید از رسول خدا شنیدم که می فرمود:

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۹.

۲. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۵۶.

۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۴. تحف المعقول، ص ۱۹۴.

۵. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۲۵.

مَا مِنْ رَجُلٍ عَلَمَ وَلَدَهُ الْقُرْآنَ إِلَّا تَعَاجَ اللَّهُ أَبْوِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِتَاجِ الْمَلِكِ وَكُسْبًا
حُلَّتْيَنِ لَمْ يَرَ النَّاسُ مُثَلَّهُمَا!

هیچ مردی فرزند خود را قرآن نیاموزد مگر این‌که خداوند پدر و مادر کودک را در روز قیامت تاج پادشاهی عطا کند و دو لباس بهشتی به آنان پوشاند که هرگز مردم مانند آن را ندیده باشند.

۲. امام صادق فرمود:

... وَ مَنْ عَلَمَهُ (وَلَدَهُ) الْقُرْآنَ دُعِيَ الْأَبْوَانُ فَكُسْبًا حُلَّتْيَنِ يُضِيءُ مِنْ نُورِ هِمَا وَجُوهُ
أَهْلِ الْجَنَّةِ؟^۱

هر کس به فرزند خود قرآن بیاموزد، روز قیامت پدر و مادرش را فرا خوانند و دو لباس بهشتی به آنان پوشانند که از نور آن چهره بهشتیان روشن و پر فروغ گردد.

۵. آداب معاشرت

یکی از مسائلی که در تربیت دینی فرزندان مورد توجه خداوند و ائمه هدی قرار گرفته، آموختن آداب معاشرت به آن‌هاست. مقصود از آداب معاشرت، مجموعه اصول اخلاقی و فضایل رفتاری و درونی است که لازم است کودک از همان ابتدا آن را بیاموزد و به آن عادت کند. این رفتارها ابتدا به صورت تقلید از بزرگ‌ترها، به ویژه پدر و مادر شکل می‌گیرد، سپس از هنگام تعقل و اندیشه کودک که به مرحله تمیز و تکلیف می‌رسد، به صورت عقلانی و ایمانی در می‌آید. پذیرش فضیلت‌ها و ارزش‌های اخلاقی و عادت کردن به رفتار و خوی پسندیده و آداب اسلامی جزو

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۲۵

۲. همان، ج ۱۵، ص ۱۹۴

ملکات نفسانی کودک می‌گردد و بخشنی از شخصیت ذاتی او می‌شود. این پذیرش و قابلیت شکل‌گیری به خاطر آن است که مانع دینی در درون کودک تثبیت شده و احساس حضور و نظارت الهی در اعماق وجودش ریشه دوانده است.^۱

در اهمیت تربیت فرزندان بر اساس آداب معاشرت، همین قدر بس که این امر نزد اهل بیت یکی از حقوق فرزندان بر پدر شمرده شده است.^۲

نمونه‌هایی از آداب معاشرت در قرآن

۱. ادب برخورد با والدین: یکی از آداب بسیار ارزشمندی که خداوند به همه فرزندان سفارش کرده^۳ ادب برخورد با پدر و مادر، به ویژه هنگام سخن گفتن با آن‌هاست؛ یعنی فرزند بزرگوارانه و مهربانانه با آن‌ها سخن بگوید و از گفتن هر نوع سخنی که سبب ناراحتی شان می‌شود، پرهیز نماید. در این مورد نیکو آن است که مادر به فرزندش ادب برخورد با پدر را بیاموزد و پدر نیز به او، رعایت ادب در مورد

۱. حقوق فرزندان از دیدگاه اسلام، ص ۱۴۵.

۲. قال رسول الله ﷺ: «بِاَعْلَمِ، حُقُّ الْوَلَدِ عَلَىٰ فَالِّيٰهِ أَنْ يُحَسِّنَ إِسْمَهُ وَأَدَبَهُ» (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۲)؛ قال علی بن الحسین : «وَإِنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَيْتَهُ بِهِ مِنْ حُسْنٍ الْأَدَبِ». (تحف العقود، ص ۲۶۳).

۳. «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِنَّهُ وَبِالِّيٰهِ أَنِّيٰنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغُنَّ عِنْدَكُمُ الْكِبَرُ أَخْدُهُمَا أَوْ كِلَّاهُمَا فَلَا تَقْلِمْهُمَا أَفَ وَلَا تَتَهَّهُهُمَا وَقُلْهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا * وَآخْفِضْهُمَا جَنَاحَ الْأَذْلَلِ مِنَ الْرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ أَرْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»؛ وپروردگار تو حکم کرده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آن دو، یا هر دو، نزد تو به پیری رسیدند، به آنان «أَفَ» [هم که نشانگر دلتگی است] نگو، و بر آنان بانگ مزن و با آنان سخنی شایسته بگوی. و از روی مهریانی، بال فروتنی بر آنان فرود آور و بگو: پروردگار، بر آنان - به پاس این که مرا در کودکی تربیت کردند - رحمت آور. (اسراء، آیات ۲۳ و ۲۴). «وَإِنْ جَاهَكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِيْ ما لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبَهُمَا فِي الْأَذْلَلِيَا مَفْرُوضًا وَآتَيْهُمْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّهُ إِلَيَّهُمْ فَلَيْلَكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»؛ و اگر آن دو تلاش کردند که تو را بر این وادارند که چیزی راشریک من سازی که نسبت به آن هیچ آگاهی نداری، از آنان فرمان مبر، ولی در [امور] دنیا به شیوه‌ای پسندیده با آن دو معاشرت کن، و راه کسی را پیروی کن که توجه به من دارد؛ سپس بازگشت شما فقط به سوی من است، آن‌گاه شما را از آنچه می‌کردید با خبر خواهم ساخت. (لئمان، آیه ۱۵).

مادرش را توصیه کند.^۱

۲. ادب ورود به اتاق پدر و مادر: یکی از آداب معاشرت که در قرآن به مؤمنان سفارش شده تا به فرزندان خویش بیاموزند، ادب وارد شدن به اتاق استراحت پدر و مادر می‌باشد که در سه وقت از شبانه روز (پس از نماز صبح، هنگام استراحت نیم روز، پس از نماز شام) هنگام وارد شدن اجازه بگیرند.^۲ رعایت این ادب اسلامی سبب محفوظ ماندن فرزندان از انحرافات جنسی می‌شود.

۳. ادب ورود به خانه خویش: سلام کردن هنگام وارد شدن به خانه خویش یکی از آداب معاشرت می‌باشد که خداوند به همه سفارش فرموده است^۳ و پدر و مادر وظیفه

۱. ر.ک: همین اثر، بحث ویژگی‌های فرزندان صالح.

۲. «يَا أَئِلَّا الَّذِينَ آتُوا لِيَسْتَأْذِنُكُمُ الَّذِينَ مَلَكُتُ أَيْمَانَكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الظَّجَرِ وَحِينَ ضَعَفُونَ شِيَاطِنُكُمْ مِنْ أَطْهَمِهِرَةٍ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ أَئِسْ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْصُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آلَاتِ اللَّهِ عَلِيهِمْ حَكِيمٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید برگاندان و کسانی از شما که به سُنّت بلوغ نرسیده‌اند، [در شبانه روز] سه بار از شما [برای ورود] اجازه بگیرند؛ پیش از نماز صبح، و هنگامی که در نیمروز لباس‌های خود را بپرون می‌آورید، و پس از نماز عشا. [اینها] سه وقت خلوت شماست. در غیر این [سه وقت]، بر شما و آنان باکی نیست [که بی‌اجازه وارد شوند]، زیرا آنان پیوسته نزد شما در حال رفت و آمدند و بعضی از شما بر بعضی دیگر وارد می‌شود. این گونه، خدا آیات را برای شما بیان می‌کند، و خدا دانا و حکیم است. (نور، آیه ۵۸).

۳. «أَيَسْ عَلَى الْأَعْنَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَغْرِى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَنْفِسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ مُهُورِتُكُمْ أَوْ بُيُوتِكُمْ أَبَاهِيَّتُكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْواتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْنَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكُتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقَكُمْ أَيَسْ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَبِيعًا أَوْ أَشْتَانًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتَ نَسَلَّمُوا عَلَى أَنْفِسِكُمْ تَهِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آلَاتِ تَعْلَكُمْ تَعْقِلُونَ»؛ بر بایانا و لنگ و بیمار و برخودتان باکی نیست که از خانه‌های خود، یا خانه‌های پدران تان، یا خانه‌های مادران تان، یا خانه‌های برادران تان، یا خانه‌های خواهران تان، یا خانه‌های عموهای تان، یا خانه‌های عمه‌های تان، یا خانه‌های دایی‌هایتان، یا خانه‌های خاله‌های تان، یا مکان‌هایی که کلید آنها را در اختیار دارید، یا [خانه‌های] دوستان تان [چیزی] بخورید. بر شما باکی نیست که به طور دسته جمعی یا جدا‌ جدا بخورید. پس هرگاه به خانه‌هایی [که گفته شد] وارد شدید، به یکدیگر

دارند این ادب را به فرزندان بیاموزند تا چنانچه آنان خواستند وارد منزل شوند، بر اهل خانه سلام کنند.

۴. ادب ورود به خانه دیگران: اذن خواستن و سلام کردن هنگام ورود به خانه دیگران از توصیه‌های خداوند به مؤمنان است.^۱ آن‌ها نیز باید این ادب را به فرزندان خویش بیاموزند. خداوند حکمت رعایت این ادب را خیر، صلاح، طهارت و پاکیزگی قرار داده است.

نکته جالب در این توصیه خداوند این است که برای اذن گرفتن جمله «تستأنسوا» به کار رفته نه «تستأذنوا»؛ زیرا جمله دوم فقط اجازه گرفتن را بیان می‌کند، ولی جمله اول که از ماده «انس» گرفته شده، اجازه‌ای توأم با محبت و لطف و آشنایی و صداقت را می‌رساند و نشان می‌دهد حتی اجازه گرفتن باید کاملاً مؤدبانه و دوستانه و خالی از هر گونه خشونت باشد.

بنابراین، هر گاه این جمله را بشکافیم، بسیاری از آداب مربوط به این بحث در آن خلاصه شده است؛ یعنی فریاد نکشید؛ در را محکم نکویید؛ با عبارت‌های خشک و زننده اجازه نگیرید؛ به هنگامی که اجازه داده شد، بدون سلام -که نشانه صلح و صفا و پیام آور محبت و دوستی است- وارد نشوید.

گفتني است که اين سفارش و حکم را که جنبه انساني و عاطفي آن روشن است، با

→ سلام کنيد که اين از جانب خدا تحقيقي مبارک و پسندideh است. اين گونه، خدا آيات را برای شما بيان می‌کند، باشد که عقل خود را به کار گيريد. (نور، آيه ۶۱).

۱. (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَمُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مُؤْتَمِنِينَ حَتَّىٰ شَتَّانِسُوا وَتُسْلِمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ أَعْلَمُكُمْ تَذَكَّرُونَ * فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَخْدَأَ فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ أَرْجِعُوا فَأَرْجِعُوا هُوَ أَرْبَعُكُمْ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ)؛ اي کسانی که ايمان آورده‌اید، به خانه‌ایی که خانه‌های شما نیست وارد نشوید تا این که آشنایی بدھید و بر اهل آن سلام کنید. این برای شما بهتر است، باشد که متذکر شوید. پس اگر کسی را در آن نیافتید داخل آن نشوید تا به شما اجازه داده شود؛ و اگر به شما گفته شد: «برگردید» برگردید که این برای شما پاکیزه‌تر است؛ و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است. (نور، آيات ۲۷ و ۲۸).

دو جمله «ذلکم خیر لكم» و «لعلکم تذکرون» همراه می‌کند که خود دلیل آن است که این گونه احکام و آداب ریشه در اعمق عواطف و عقل و شعور انسانی دارد و اگر انسان کمی در آن بیندیشد، متذکر خواهد شد که خیر و صلاح او در رعایت این آداب است.^۱

فلسفه رعایت ادب ورود به خانه دیگران

وجود انسان دارای دو بعد فردی و اجتماعی است؛ به همین دلیل دارای دو نوع زندگی است؛ خصوصی و عمومی که هر کدام برای خود ویژگی‌ها و آداب مقرراتی دارد.

انسان ناگزیر است در محیط اجتماع قیود زیادی را از نظر لباس، شیوه حرکت و رفت و آمد تحمل کند، ولی روشن است که ادامه این وضع در تمام مدت شبانه روز خسته کننده و درد سر آفرین است.

او می‌خواهد مدتی از شبانه روز را آزاد باشد، قید و بندها را دور کند، به استراحت پردازد. با خانواده و فرزندان خود به گفت‌وگوهای خصوصی بنشیند و تا آنجا که ممکن است، از این آزادی بهره گیرد و به همین دلیل، به خانه خصوصی خود پناه می‌برد و با بستن درها به روی دیگران، زندگی خویش را به طور موقت از جامعه جدا می‌سازد و همراه آن از انبوه قیودی که ناگزیر بود در محیط اجتماع بر خود تحمیل کند، آزاد می‌شود.

حال باید در این محیط آزاد با این فلسفه روشن، امنیت کافی وجود داشته باشد. اگر بنا باشد هر کس سر زده وارد این محیط گردد و به حریم امن آن تجاوز کند، دیگر آن آزادی و استراحت و آرامش وجود نخواهد داشت؛ از این رو، همواره در میان انسان‌ها مقررات ویژه‌ای در این زمینه بوده است، و در وارد شدن به خانه اشخاص

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۲۸.

بدون اجازه آنها در تمام قوانین ممنوع است و مجازات دارد و حتی در جایی که ضرورتی از نظر حفظ امنیت و جهات دیگر ایجاب کند که بدون اجازه وارد شوند، باید پس از طی مراحل قانونی باشد.^۱

سیره پیامبر اکرم ﷺ در ورود به خانه دیگران

پیامبر اکرم ﷺ زمانی خواست وارد خانه دخترش فاطمه شود. نخست بر در خانه آمده، دست به روی در گذاشت و در را کمی عقب زد، سپس فرمود: السلام عليکم! فاطمه پاسخ سلام پدر را داد؛ سپس پیامبر ﷺ فرمود: کسی که همراه من است نیز اجازه دارد وارد شود؟ فاطمه عرض کرد: مقنعه بر سر من نیست و هنگامی که حجاب اسلامی را بر گرفت، پیامبر ﷺ بار دیگر سلام کرد و فاطمه جواب داد و مجددًا اجازه ورود برای خودش گرفت و بعد از پاسخ موافق فاطمه ، برای همراهش جابر بن عبد الله نیز اجازه ورود گرفت.^۲

در روایت دیگری آمده است: هنگامی که حضرت به در خانه کسی می آمد، روبه روی در نمی ایستاد بلکه در طرف راست یا چپ قرار می گرفت و می فرمود: السلام عليکم!؛ زیرا آن روز هنوز معمول نشده بود که در برابر در خانه پرده بیاویزند.^۳

در روایت دیگری آمده است، مردی از پیامبر ﷺ پرسید: آیا به هنگامی که می خواهم وارد خانه مادرم شوم باید اجازه بگیرم، فرمود: آری. عرض کرد: مادرم غیر از من خدمتگزاری ندارد، باز هم باید اجازه بگیرم؟ فرمود: آیا دوست داری مادرت را بر هنر ببینی؟ مرد عرض کرد: خیر. حضرت فرمود: پس از او اجازه بگیر.^۴

۱. همان، ج ۲۴، ص ۴۳۰ و ۴۲۹.

۲. تفسیر نور النّقیلین، ج ۳، ص ۵۸۷، ح ۸۷

۳. تفسیر فخر رازی، ج ۲۳، ص ۱۹۸.

۴. تفسیر نور النّقیلین، ج ۳، ص ۵۸۶، ح ۸۱

۵. ادب راه رفتن: یکی از آداب معاشرت که در قرآن ذکر شده، ادب هنگام راه رفتن است. این ادب اسلامی از سفارش‌های لقمان حکیم به فرزندش می‌باشد که فرمود: ای پسرم، مغوروانه بر زمین راه مرو و اعتدلال را هنگام راه رفتن رعایت کن.^۱

راه رفتن مسئله ساده‌ای است، ولی همین مسئله ساده می‌تواند بیانگر حالات درونی و اخلاقی و احیاناً نشانه شخصیت انسان باشد، زیرا خلقيات و روحیات انسان در لابه‌لای همه اعمال و آداب او منعکس می‌شود و گاه یک عمل کوچک حاکی از این روحیه ریشه دار است؛ از این رو، از آنجا که اسلام تمام ابعاد زندگی را مورد توجه قرار داده، در این زمینه نیز چیزی را فروگزار نکرده است.^۲

نمونه دیگری که در قرآن در مورد ادب راه رفتن آمده است، ادب راه رفتن یکی از دختران شعیب است^۳ که می‌تواند برای زنان و دختران ما الگوی ارزشمندی باشد تا هنگام تردّد در معابر عمومی باحیا حرکت کنند نه به صورتی که توجه نامحرمان را به خود جلب نمایند.

۶. ادب سخن‌گفتن با مردم: یکی از آداب معاشرت که باید پدر و مادر به فرزندان

۱. «وَلَا تُصْعِرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَنْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحاً إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَهُوَرٌ * وَأَقْسِدُ فِي مَشْيَكَ وَأَعْضُضُ مِنْ صُوْبِكَ إِنَّ أَكْثَرَ الْأَصْوَاتِ لَصُوْتُ الْعَمِيِّ»؛ و از مردم [به تکبر] روی بر متاب، و در زمین با شادی [و غرور] گام بر مدار، که خدا هیچ متكبر فخر فروشی را دوست نمی‌دارد. و در راه رفتن خود معتدل باش، و از صدای خود بکاه، که ناپسندترین صدای خران است. (لقمان، آیات ۱۹ و ۱۸).

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۵۷.

۳. «فَجَاءَتْهُ إِخْدَاهُمَا تَهْشِي عَلَى أَسْتِيشِيَّةٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْزَ ما سَقَيَتْنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخْفُ سَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»؛ پس یکی از آن دو زن در حالی که با شرم و حجا راه می‌رفت، نزد او آمد و گفت: پدرم تو رامی خواند تا در برابر این که [دامها را] برای ما آب دادی به تو مزد دهد. پس هنگامی که [موسى] نزد اوی آمد و سرگذشت خود را برای او شرح داد، [او] گفت: نتوس که از آن قوم ستمکار نجات یافته. (قصص، آیه ۲۵).

بیاموزند، ادب سخن گفتن با مردم است. این ادب را لقمان حکیم به فرزندش چنین بازگو کرد: «ای پسرم، هنگام سخن گفتن با مردم صدای را کوتا کن، زیرا [صدای بلند] همانند صدای الاغ زشت است.^۱

یکی از توصیه‌های خداوند به قوم بنی اسرائیل ادب برخورد با مردم است که فرمود: با مردم مؤدبانه و شایسته سخن بگویید^۲ و در آیه‌ای دیگر به پیامبر ﷺ فرمود به بندگانم بگو نیکو سخن بگویند.^۳

۷. ادب برخورد با مؤمنان: از جمله آدابی که پدر و مادر وظیفه دارند به فرزندان بیاموزند، ادب برخورد با مؤمنان است. سلام کردن به مؤمنان هنگام برخورد با آن‌ها، توصیه خداوند به پیامبر اکرم ﷺ است^۴ که این توصیه شامل همه ما خواهد بود. در آیه‌ای دیگر به همه مؤمنان فرمود: اگر کسی به شما تحیت [سلام] گوید، پاسخ او را

۱. (وَأَقِدْ فِي مَشِيكَ وَأَعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْواتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ)؛ و در راه رفتن خود معتدل باش، و از صدای خود بکاه، که ناپسندترین صدایها صدای خران است. (لقمان، آیه ۱۹).

۲. (وَإِذَا أَخْذُنَا مِيشَاقَ بَئْسَ إِشْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُنَّ إِلَّا اللَّهُ وَبِالْأَوَالِدِينِ إِخْسَانًا وَذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلْتَّائِسِ حُسْنَنَا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الْزَكَاءَ ثُمَّ تَوَلَُّمُ إِلَّا قَلِيلًا مِثْكُمْ وَأَثْمَمُ سُعْرُضُونَ)؛ و [بِادْ كنید] وقتی را که از بنی اسرائیل پیمان استوار گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و بیتیمان و بینوایان نیکی کنید، و با مردم نیکو سخن بگویید، و نماز را به پا دارید و زکات بدھید؛ سپس جز اندکی از شما، همه اعراض کنان پشت کردید. (بقره، آیه ۸۳).

۳. (وَقُلْ لِعِبَادِي بَقُولُوا أَتَيْ هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِإِنْسَانٍ عَدُوًّا مُّبِينًا)؛ و به بندگانم بگو: آنچه را که بهترین [سخن] است بگویند، زیرا شیطان میان آنان آشوب و دشمنی می‌افکند. به یقین، شیطان برای انسان دشمنی آشکار است. (اسراء، آیه ۵۳).

۴. (وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا قُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ أَلَوْحَمَةٌ أَنَّهُ مَنْ عَيَّلَ مِنْكُمْ سُوءً بِجَهَاهِهِ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غُفْرَ رَجِيمٌ)؛ و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، بگو: سلام بر شما، پروردگار تان این رحمت را بر خود مقرر کرده است که هر کس از شما به نادانی کار بدی کند، سپس بعد از آن توبه کند و به صلاح آید، [او را می‌بخشد، زیرا] او بسیار آمرزنده و مهربان است. (انعام، آیه ۵۴).

بهرتر دهید یا [دست کم] به همان گونه پاسخ گویید.^۱

رعایت ادب و احترام به مؤمنان در مجالس، یکی دیگر از سفارش‌های خداوند است که پدر و مادر مسئولیت دارند به فرزندانشان بیاموزند.^۲

۸. ادب برخورد با معلم: از جمله آدابی که پدر و مادر وظیفه دارند به فرزندانشان بیاموزند، ادب برخورد با معلم‌شان می‌باشد، زیرا آن‌ها حق بسیار مهمی بر گردن فرزندان دارند. خداوند در قرآن رعایت این ادب را از سوی موسی در مورد حضرت خضر متذکر شده است^۳ تا همه بدانند چگونه باید در مقابل معلم ادب را رعایت نمایند.

۹. ادب برخورد با فقیران: رعایت ادب برخورد با فقیران یکی از سفارش‌های خداوند به پیامبر اکرم ﷺ و یکی از صفات مؤمنان است.^۴ پدر و مادران نیز باید

۱. «وَإِذَا حُيَّسْتُمْ يَتَحِيَّفُوكُمْ فَلَا يَأْتُوكُمْ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا»؛ و چون به شما تحیتی گفته شد، با تحیتی نیکوتراز آن پاسخ گویید، یا همان را بازگردانید؛ همانا خدا حساب‌همه چیز را دارد. (نساء، آیه ۸۶).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَمُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسُحُوا يَقْسِنَ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ أَنْشُرُوا فَانْشُرُوا يَرْقَعَ اللَّهُ الَّذِينَ آتَمُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ خَيْرٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که به شما گفته شد: در مجالس جای بازگردانید، تا خدا به شما گشایش دهد؛ و هنگامی که گفته شد: برخیزید، برخیزید، تا خدا کسانی از شما را که ایمان آورده و کسانی را که از دانش برخوردار شده‌اند به درجاتی بالا برآ و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است. (مجادله، آیه ۱۱).

۳. «قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِعَ مَعِي صَبَرًا * وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا تَمْ تُحْطِطُ بِهِ غُثْرًا * قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ شاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَغْصِي لَكَ أَمْرًا»؛ گفت: تو هرگز نمی‌توانی بر همراهی با من صبر کنی. و چگونه بر چیزی که به شناخت آن احاطه نداری صابر می‌کنی؟ گفت: ان شاء الله مرا شکنیا خواهی یافت و در هیچ فرمانی مخالفت تو نخواهم کرد. (کهف، آیات ۶۷ و ۶۸).

۴. «وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُوا الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قُولًا مَعْرُوفًا»؛ و هنگامی که خویشاوندان و بیت‌یمان و بینوایان بر سر تقسیم [ارث] حاضر شدند، چیزی از آن به ایشان عطا کنید و با آنان سخنی پسندیده بگویید. (نساء، آیه ۸).

۵. «الَّذِينَ يُنْفِعُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُنْبِعُونَ مَا أَنْفَعُوا مَنَّا وَلَا أَذَى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

فرزندان را با این ادب آشنا نمایند تا چنانچه در جامعه با قشر فقیر و مسکین بربخورد کردند، ادب را نسبت به آن‌ها رعایت نمایند.

۱۰. ادب برخورد با جاهلان: برخورد کریمانه و مقابله به مثل نکردن با رفتار زشت نا‌آگاهان، یکی از آداب ارزشمندی است که خداوند بندگان خاص و مؤمنان را به سبب رعایت آن، تمجید کرده است. پدر و مادر نیز وظیفه دارند فرزندانشان را به رعایت این ادب در برخورد با جاهلان آموزش دهند.^۱

احترام و محبت به فرزند

اهمیت احترام و محبت به فرزند

یکی از ویژگی‌های پدر و مادر در خانواده قرآنی، احترام گذاشتن به فرزندان و ابراز محبت و مهربانی با آنان است. خداوند در قرآن کریم برخورد محبت‌آمیز پدران با فرزندانشان، مثل برخوردهای حضرت نوح^۲،

→ يَخْرُّونَ * قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذَى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ؛ کسانی که اموالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس در پی انفاقشان نه متّی می‌نهند و نه آزاری می‌رسانند، اجرشان را نزد پروردگارشان خواهند داشت، و ترسی بر آنان نیست و غمگین نمی‌شوند. گفتار پسندیده و گذشت [در برابر سائل] بهتر است از صدقه‌ای که آزاری در پی آن باشد، و خدا بی‌نیاز و بربدار است. (بقره، آیات ۲۶۲ و ۲۶۳).

۱. «وَعِبَادُ الْرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَسْتُرُونَ عَلَى الْأَرْضِ هُنَّا وَإِذَا خَاطَبُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا * وَالَّذِينَ لَا يَسْتَهِنُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَاماً»؛ و بندگان [خدای ارحمان کسانی‌اند، [در پاسخ‌شان] سخنانی مساملت آمیز می‌گویند. و آنان که در هنگامی که جهالت پیشگان به آنان خطاب می‌کنند، [در پاسخ‌شان] سخنانی مساملت آمیز می‌گویند. و آنان که در باطل حضور نمی‌یابند، و هرگاه بر لغو و بیهوده بگذرند، بزرگوارانه می‌گذرند. (فرقان، آیات ۶۳ و ۷۲). «وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَغْرِضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِي الْجَاهِلِيَّنَ»؛ و هنگامی که سخن بیهوده بشنوند از آن روی برمی‌گردانند و می‌گویند: اعمال ما برای خود ما و اعمال شما برای خود شماست. سلام بر شما، ما خواهان [همنشینی با] نادانان نیستیم. (قصص، آیه ۵۵).

۲. «وَهُنَّ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَلِ وَتَادِي نُوحُ أَبَنَهُ وَكَانَ فِي مَغْزِلٍ يَا بُنَيَّ أَزْكَبَ مَعْنَا وَلَا تَكُونُ مَعَ الْكَافِرِينَ»؛ و کشتی،

حضرت ابراهیم^۱، حضرت یعقوب^۲ و لقمان حکیم^۳ با فرزندانشان را مطرح کرده تا همه پدران و مادران از سیره آنان، شیوه برخورد با فرزندان را بیاموزند و در تربیت فرزندان به کار گیرند تا بتوانند به مسئولیت سنگین خود عمل نمایند. فرزندان همانند دیگر انسان‌ها افرون بر نیازهای جسمی، از لحاظ روح و روان نیز نیازهایی دارند که باید از سوی پدر و مادر و اعضای خانواده تأمین گردد. یکی از

→ آنان را در میان امواجی کوه آسا، می‌برد؛ و نوح پسرش را که در کناری بود نداشت: ای پسرک من، با ما سوار شو و با کافران مباش. (هود، آیه ۴۲).

۱. «فَلَمَّا بَلَغَ مَعْنَى الْسُّعْدِ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي النَّارِ أَذْبَحُكَ فَأَنْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ أَعْفُلُ مَا تُؤْمِنُ سَعَيْدِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الْصَّابِرِينَ»؛ پس هنگامی که با او به حد تلاش رسید، گفت: ای پسرک من، من در خواب می‌بینم که تو را ذبح می‌کنم، بنگر که چه رأی می‌دهی؟ گفت: ای پدر، آنچه را که بدان فرمان یافته‌ای انجام ده که به خواست خدا مرآ از صابران خواهی یافت. (صفات، آیه ۱۰۲).

۲. «وَقَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَادْخُلُوا مِنْ أُبُوبٍ مُّتَرْقَةٍ وَمَا أُنْتُمْ عَنْهُمْ مِّنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلُ وَعَلَيْهِ فَإِنْتُو كُلُّ الْمُتَوَكِّلُونَ * وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمْرَهُمْ أَبْوَهُمْ مَا كَانُ يُغْنِي عَنْهُمْ مِّنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حاجَةً فِي نَفْسٍ يَغْنُوبُ قَصَالًا وَإِنَّهُ لَدُو عِلْمٌ لِمَا عَلِمْنَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»؛ و گفت: ای پسران من، از یک در وارد نشود، بلکه از درهای مختلف وارد شوید، و من به هیچ وجه نمی‌توانم آنچه را خدا برای شما خواسته است از شما باز دارم. حکم جز برای خدا نیست. فقط بر او توکل کرده‌ام، و توکل کنندگان باید فقط بر او توکل کنند. و چون از آنجا که پدرشان به آنان فرمان داده بود وارد شدند، این کار به هیچ وجه نمی‌توانست آنچه را که خدا برایشان خواسته بود از آنان باز دارد؛ فقط نیازی بود در دل یعقوب که آن را [با این توصیه] بر آورده ساخت. و بی‌شک او در اثر آنچه ما به وی آموخته بودیم علمی [اویزه] داشت، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (یوسف، آیات ۶۷ و ۶۸).

۳. «وَإِذْ قَالَ لِتُمَانَ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعْظِهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكُ بِاللَّهِ إِنَّ أَشْرِكَ لَطْلُمُ عَظِيمٌ * يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِيقَالٌ حَيَّيٌ مِّنْ حَرَدٍ كِلْ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ أَطْبَيْ خَيْرٌ * يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمِرْ بِالْمُسْرُوفِ وَأَنْهِ عَنِ الشَّنَكِ وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصْبَاكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»؛ و [یاد کن] هنگامی را که لقمان به پسرش - در حالی که او را پند می‌داد - گفت: ای پسرک من، به خدا شرک نیاور که به راستی شرک ظلمی بزرگ است. ای پسرک من، اگر عمل [آدمی] هموزن دانه خردلی و در درون سنگی یا در آسمان‌ها یا در زمین باشد، [روز قیامت] خدا آنرا می‌آورد. به یقین، خدا دقیق و آگاه است. ای پسرک من، نماز را بپای دار، و به کار پستدیده فرمان ده و از کار ناپسند باز دار، و بر آسیبی که به تو می‌رسد شکنیبا باش، که این [شکنیبا] از امور ضروری و لازم است. (لقمان، آیات ۱۳ و ۱۶ و ۱۷).

مهم‌ترین چیزهایی که نیازهای روحی و روانی آن‌ها را فراهم می‌کند، احترام کردن و ابراز محبت و مهربانی ورزیدن به آنان است. تأمین نمودن این بخش از نیازهای فرزندان، آثار و برکات فراوانی دارد.

همان گونه که محروم شدن فرزندان از مهر و محبت والدین، سبب بروز عوارض و صدمات روحی و روانی غیر قابل جبرانی خواهد شد. احساس کمبود عاطفی در فرزندان می‌تواند منشأ بسیاری از ناهنجاری‌ها و انحراف‌های آنان و سبب جذب شیادان و منحرف شدن آن‌ها شود. فرزندان در هر سنی که باشند، برای خود شخصیت و احترام قائل‌اند و دوست دارند به شخصیت آنان احترام شود و مورد احترام و تکریم قرار گیرند؛ از این رو، سزاوار است پدر و مادر به این گرایش فطری توجه کرده و روحیه آنان را با عزت نفس و اعتماد به نفس تربیت و تحکیم نمایند؛ از جمله در مهمانی‌ها و دیدارهای خانوادگی و عمومی، آنان را همانند دیگران گرامی بدارند و به شیوه‌ای خردمندانه تحسین کنند و از هر گونه تحقیر و تمسخر و به رخ کشیدن عیب‌ها و لغزش‌های فرزندان خویش پرهیزنند و حتی در محیط درون خانه نیز این نکته را از یاد نبرند. روح کودک چون گل بسیار ظریف و حساس است و ممکن است با کوچک‌ترین حرکت ناهنجار پژمرده شود. برخی پدران و مادران به غلط تصور می‌کنند که چون پدر و مادر شده‌اند، حق هر گونه اعمال نظر جابرانه و سلطه‌جویانه را بر فرزندان خود دارند و می‌توانند با آنان هر گونه که بخواهند رفتار کنند در صورتی که در این میان حد و مرزهای باریکی نهفته است و موازین شرعی و تربیتی و اخلاقی دقیقی وجود دارد که نشان می‌دهد اگر پدر و مادر حکومتی بر فرزندان خود دارند، حکومتی است که خیر و صلاح همه اعضای تحت پوشش آن را در بر می‌گیرد و چیزی جز حاکمیت عشق و محبت و معرفت و تربیت والای انسانی نیست.

زمان مناسب برای ابراز محبت به فرزند

از نظر اسلام، اظهار محبت و مهر ورزی باید از دوران کودکی آغاز و پایه ریزی شود، خداوند تربیت همراه با محبت و رحمت را، حکمت سفارش فرزندان به احترام و محبت نسبت به پدر و مادر قرار داده است.^۱

پیامبر اکرم ﷺ نیز در سفارشی فرمود:

أَجِبُّوا الصَّبِيَّانَ وَ ارْجِعُوهُمْ...؟^۲

کودکان را دوست بدارید و آن‌ها را مورد لطف و رحمت قرار دهید.

امام صادق ع نیز در این مورد فرمود:

إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَ جَلَّ - يَرْحَمُ الرَّجُلَ لِسِدْدَةِ حُبِّهِ لِوَلَدِهِ؛^۳

خداوند مرد را به خاطر شدت محبت فرزندش، مورد لطف و رحمت قرار می‌دهد.

در روایت دیگر، آن امام معصوم فرمود: «موسى بن عمران به خدا عرضه داشت: پروردگار، کدام عمل نزد تو برتر است؟ خداوند فرمود: دوست داشتن کودک؛ زیرا فطرت آنان را بر توحید و یگانگی ام آفریدم و اگر هم آنان را بمیرانم، با رحمتم داخل بهشت می‌گردمان.»^۴

۱. «وَكَفَى رَبُّكَ أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيمَانًا وَبِالْأُذْنِينِ إِخْسَانًا إِمَّا يَبْلُغُنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَخْدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تُكْثِرْ لَهُمَا أُفْ وَلَا تَنْهَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الْذَّلِيلِ مِنَ الْرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ أَرْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»؛ وپروردگار تو حکم کرده است که جز او را نیستید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آن دو، یا هر دو، نزد تو به پیری رسیدند، به آنان «أَفَ» [هم که نشانگر دلتانگی است] نگو، و بر آنان بانگ مزن و با آنان سخنی شایسته بگوی. و از روی مهربانی، بال فروتنی بر آنان فرود آور و بگو: پروردگار، بر آنان - به پاس این که مرا در کودکی تربیت کردند - رحمت آور. (اسراء، آیات ۲۳ و ۲۴).

۲. ممحنة البيضاء، ج ۲، ص ۲۳۷.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۱.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۴.

کودکان همان گونه که به تغذیه جسمانی نیاز دارند، به همان میزان به محبت و عطوفت نیز نیاز دارند. کودکان همواره باید احساس کنند که پدر و مادرشان آن‌ها را دوست دارند و حامی او هستند و همین محبت و توجه، محیط روانی آرام و قابل اعتمادی را برای آن‌ها فراهم می‌کند که عامل عمدۀ و مؤثری در رشد و تکامل عاطفی آنان می‌باشد.

محبت و مهربانی در خانواده، پایه اساسی پرورش صحیح عواطف کودکان است و در پرتو آن می‌توان احساسات کودک را به خوبی هدایت نمود و او را به راه صحیح و مسیر سعادت بخش سوق داد. با بررسی واژه محبت در قرآن، در می‌یابیم که خداوند نیز از عنصر محبت برای تحریک و تشویق جامعه انسانی به انجام کارهای نیک و شایسته و باز داشتن آن‌ها از بدی‌ها و انحراف‌ها، استفاده کرده است.^۱

در مسیر تربیت، عامل محبت، قوی‌ترین عنصر برای پذیرش و تحمل و تفاهم است. اگر در خانواده، محبت متقابل حاکم شود و پدر و مادر بتوانند محیطی آکنده از مهر و عواطف به وجود آورند، راه تفاهم و همکاری برای فرزندان باز می‌شود و فرزندان پرورش یافته در چنان محیطی، در عرصه‌های بزرگ اجتماع با مردم مهربان و رئوف خواهند بود. اما اگر فرزندان لذت محبت و احترام را در خانواده و از سوی پدر و مادر نچشیده باشند، اساساً معنای محبت و مهر ورزی را درک نخواهند کرد و اگر با آنان نامهربانی شود و با خشونت و بی احترامی برخورد گردد، آنان نیز با مردم همان گونه رفتار خواهند کرد.

۱. «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُؤْمِنِينَ»؛... همانا خدا توبه کاران را دوست می‌دارد. (بقره، آیه ۲۲۲)؛ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُخْلِصِينَ»؛ همانا خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد. (آل عمران، آیه ۱۴۸)؛ «وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»؛ و خدا صابران را دوست می‌دارد. (آل عمران، آیه ۱۴۶)؛ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُشْرِكِينَ»؛... به یقین، خدا کسانی را که ستم را از بین می‌برند دوست می‌دارد. (حجرات، آیه ۹)؛ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»؛... به یقین، خدا تقواپیشه گان را دوست می‌دارد. (توبه، آیه ۴).

ضرورت اظهار محبت به فرزند

اگر سؤالی مطرح شود که مگر پدر یا مادری هستند که فرزندان خود را دوست نداشته باشند؟ در پاسخ باید گفت: همه پدران و مادران فرزندان خود را دوست دارند، ولی ممکن است برای جلوگیری از برخی سوء استفاده‌ها، آن را آشکار نکنند و یا اگر در مورد فرزندی سخت‌گیری می‌کنند، در راستای تربیت اوست. شکی نیست که دوست داشتن فرزند امری فطری است، ولی گاهی امور فطری دچار تحریف، تعطیل و تعدیل می‌شوند. برای جلوگیری از تحریف این علاقهٔ درونی و یا تعطیل آن، اسلام توصیه‌های لازم و مؤکد را نموده تا علاوه بر توجه، روش ابراز محبت و مهربانی را نیز آموخته باشند. یکی از آن شیوه‌ها، اظهار زبانی است که پدر و مادر با زبان، محبت و علاقهٔ خود را به فرزندان اعلام نمایند و شیوهٔ دیگر، تهیهٔ هدیه است که نشان دهندهٔ عشق و علاقهٔ پدر و مادر به فرزند است.

اعتدال در ابراز محبت به فرزند

در احترام و ابراز محبت به فرزندان دو نکتهٔ دارای اهمیت و قابل توجه است:

نکتهٔ اول: زیاده روی نکردن در مهر ورزی و احترام است، و چنان که تفریط و کوتاهی در محبت خطرناک و آفت‌زاست و ریشه‌آمید و نشاط و حیات را در وجود آنان می‌خشکاند، افراط و کوتاهی در محبت نیز آنان را می‌پوساند. تعادل و توازن در احترام و مهر ورزی، عامل بالندگی و رشد یافتن است. آنچه در دین اسلام سفارش شده، رعایت اعتدال است. نتیجهٔ افراط در محبت، پر توقع بار آمدن فرزندان، جوانه زدن ریشه‌های خود پسندی و عجب، سرکشی کردن آنان در برابر حقیقت و یا به عکس، عدم اعتماد به نفس و احساس وابستگی شدید است.

رعایت عدالت در محبت به فرزندان

نکته دیگر محبت ورزیدن، رعایت عدالت در بین فرزندان است. حتی اگر به هر علّتی والدین، یکی از فرزندان خود را بیشتر دوست داشته باشند، نباید آن را اظهار کنند، زیرا فرزندان آن را در می‌یابند و تبعیض، تخم‌کینه و حسد و قهر و جدایی را در دل آن‌ها می‌کارد.^۱

خداآوند برای هدایت پدران و مادران، سرگذشت حضرت یعقوب و آثار برخورد او را با فرزندانش مطرح^۲ و پیامبر اکرم ﷺ نیز در این مورد به پدران و مادران سفارش کرده است:

إِنْقُوا اللَّهَ وَ أَعْدِلُوا فِي أَوْلَادِكُمْ^۳

از خدا بترسیم و در بین فرزندان‌تان به عدالت رفتار کنید.

در حدیثی دیگر فرمود:

إِعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي النُّحْلِ، كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَعْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبَرِّ وَاللَّطْفِ^۴

در بین فرزندان‌تان در هدیه دادن عدالت را مراعات کنید؛ همچنان که دوست دارید در

۱. حقوق فرزندان از دیدگاه اسلام، ص ۱۶۷.

۲. «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَ إِخْرَيْهِ آيَاتٌ لِلْسَّائِلِينَ * إِذْ قَالُوا يُوْسُفُ وَأَخْرُوهُ أَخْبُرُ إِلَى أَئِسِنَا مِنَا وَتَعْنُ عُصْبَةً إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ * أَقْتَلُوا يُوْسُفَ أَوْ أَطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ ئُكْمٌ وَجْهُ أَبِيهِكُمْ وَسَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ»؛ به یقین، در [دانسته] یوسف و برادرانش برای پرسش‌گران نشانه‌هایی [از تدبیر و حکمت خدا] است. آنگاه که [سراداران او] گفتند: راستی یوسف و برادرش [بنیامین] نزد پدرمان از ما محبوب‌ترند، در حالی که ما گروهی کار آمدیم او زندگی پدر را اداره می‌کنیم، بی‌تردید، پدرمان در نا‌آکاهی آشکاری به سر می‌برد. یوسف را بکشید یا او را به سرزمینی ادور دست [بیندازیم، تا توجه پدرمان فقط به شما باشد، و پس از او قومی [دارای زندگی] سامان یافته شوید. (یوسف، آیات ۷ و ۸ و ۹).]

۳. میزان المحکمة، ج ۱۰، ص ۷۰۶.

۴. همان.

بین شما، در نیکی و لطف، به عدالت رفتار شود.

در کلامی دیگر فرمود:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّىٰ فِي الْقُبْلِ؛^۱

خداؤند دوست دارد حتی در بوسیدن بین فرزنداتان عدالت را مراحت کنید.

با توجه به آثار تخریبی تبعیض و عدم رعایت عدالت بین فرزندان آن‌جاکه خوف فتنه، حسد، و کینه و فساد باشد، فقهاء در مورد تبعیض بین فرزندان فتوا به حرمت دادند. امام خمینی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی فرمودند: «تبعیض میان فرزندان در بخشش مکروه است و در مواردی که سبب فتنه، دشمنی، حسد، کینه و فساد گردد، حرام است.»^۲

احترام و محبت به فرزند در سیره پیامبر اکرم

۱. احترام به امام حسن

عبدالله بن شیبہ از پدرش نقل کرده که روزی پیامبر ﷺ آهنگ نماز کرد، در حالی که امام حسن به آن حضرت آویزان بود. رسول خدا ﷺ امام حسن را در مقابل خود بر زمین نهاد و شروع به نماز کرد. وقتی که به سجده رفت، آن را طولانی کرد. راوی گوید: سر خود را از سجده برداشت تا بینم چرا سجدۀ پیامبر طولانی شده است، ناگاه چشمم به امام حسن افتاد که بر شانه پیامبر نشسته بود. هنگامی که آن حضرت سلام نماز را گفت، مردم به آن حضرت عرض کردند: ای رسول خدا ﷺ، در این نماز سجده‌ای کردی که پیش از این چنین سجده‌ای نکرده بودی، گویی بر شما وحی نازل می‌شد؟ پیامبر در پاسخ فرمود: بر من وحی نازل نشد اما پسرم بردوش

۱. کنز العمال، ح ۴۵۳۵۰.

۲. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۱.

نشسته بود و دوست نداشتم که او را شتابزده کنم، صبر کردم تا از دوشم پایین آمد.^۱

۲. احترام به امام حسین

لیث بن سعد گوید: «روزی پیامبر ﷺ با مردم نماز می‌خواند. امام حسین که کودکی خردسال بود، نزد آن حضرت نشسته بود و هر گاه پیامبر ﷺ به سجده می‌رفت، بر پشت آن حضرت می‌نشست و دو پای خود را تکان می‌داد و گفت حل حل^۲ و هر گاه پیامبر می‌خواست سر از سجده بردارد او را می‌گرفت و در کنار خود می‌نشاند، اما همین که به سجده می‌رفت، بار دیگر امام حسین بر پشت آن حضرت قرار می‌گرفت و جمله: حل حل را تکرار می‌کرد، تا این‌که پیامبر ﷺ از نماز فارغ شد. یک یهودی [که نظاره‌گر مهربانی پیامبر به امام حسین بود] به سخن در آمد و گفت: ای محمد، شما با فرزندان خود رفتاری می‌کنید که هرگز ما چنین نمی‌کنیم. پیامبر فرمود: اگر شما نیز به خدا و رسول او ایمان داشتید، بی‌تردید با فرزندان خود مهربان بودید. مرد یهودی گفت: پس من به خدا و رسول او ایمان می‌آورم و اسلام آوردم، زیرا مشاهده کرد که پیامبر ﷺ با همه عظمتی که داشت، چگونه بزرگوارانه [با کودکان] رفتار می‌کند.^۳

ابوهریزه گوید: روزی پیامبر اکرم ﷺ با حسن و حسین به سوی ما می‌آمد، در حالی که هر یک از آن دو بر یکی از شانه‌های پیامبر ﷺ نشسته بودند و رسول خدا ﷺ یک بار این را می‌بوسید و بار دیگر آن را تا این‌که به نزد ما رسید. یکی از یاران به آن حضرت عرض کرد: یا رسول الله، این دو را بسیار دوست می‌داری؟

۱. بحد الاتوار، ج ۴۳، ص ۲۹۴.

۲. کلماتی است که برای تندرستن شتران به کار می‌برند.

۳. بحد الاتوار، ج ۴۳، ص ۲۹۶.

فرمود: هر که این دو را دوست بدارد، بی تردید به من مهر ورزیده است.^۱ مردی به نام «یعلی عَمِری» از محضر رسول اکرم ﷺ خارج شد تا به ضیافتی که دعوت شده بود، برود. ناگاه حسین را دید که با کودکان مشغول بازی است. طولی نکشید که رسول اکرم ﷺ به همراه اصحاب خود از منزل خارج شدند. وقتی پیامبر ﷺ حسین را دید، از اصحاب جدا شد و در حالی که به سوی فرزندش قدم بر می‌داشت، دستانش را گشود تا او را در آغوش بگیرد. کودک خنده کنان این سو و آن سو می‌گریخت و رسول الله ﷺ نیز خندان از پی او می‌دوید و سرانجام کودک را گرفت و دستی بر زیر چانه او دست دیگر را پشت گردن او گذاشت و لب به لب نهاد و او را بوسید.^۲

علقمه از ابو سلمه روایت کرده است که پیامبر ﷺ زبان خود را برای حسن و حسین بیرون می‌آورد و همین که چشم کودک به زبان پیامبر می‌افتداد، به طرف او می‌دوید. مردی به نام عُيَّنة بن بدر فراری (که شاهد این شیرین کاری پیامبر ﷺ نسبت به حسین بود) از روی شگفتی گفت: به خدا سوگند! پسرم مرد گشته و بر صورتش موی رسته است، با این حال تا کنون حتی برای یک بار هم او را نبوسیدم. پیامبر ﷺ فرمود: هر که لطف و مهر نشان ندهد، مورد مهر و محبت قرار نگیرد.^۳

۳. احترام به سایر کودکان

مرحوم طبرسی گوید: گاهی نوزادی را خدمت پیامبر ﷺ می‌آوردند تا آن حضرت برای او دعای خیر کند یا نامی برایش انتخاب نماید. آن حضرت برای تکریم

۱. همان، ج، ۴۳، ص ۲۸۱.

۲. همان ص ۲۷۱.

۳. مجموعه ورام، ص ۸۰

پدر و مادر، کودک را در آغوش می‌گرفت و بسا می‌شد کودک در همان حال ادرار کند. برخی از کسانی که شاهد ماجرا بودند، بر سر کودک فریاد می‌کشیدند، اما پیامبر ﷺ می‌فرمود: ادرارش را قطع مکنید و کودک را به حال خود می‌گذشت تا ادرارش تمام شود؛ سپس برایش دعا می‌کرد یا نامی برای او انتخاب می‌نمود و بدین ترتیب باعث سورور و شادی پدر و مادر طفل می‌گشت، و آن‌ها احساس نمی‌کردند که پیامبر از ادرار فرزندشان ناراحت شده است، و چون آن‌جا را ترک می‌کردند، پیامبر پیراهن خود را می‌شست.^۱

عبدالله سنان از امام صادق نقیل می‌کند: «رسول اکرم ﷺ نماز ظهر را با مردم به جماعت گزارد و دو رکعت آخر را به سرعت تمام کرد. پس از نماز، مردم گفتند: یا رسول الله، آیا در نماز حادثه‌ای رخ داد؟ حضرت پرسید: مگر چه شده است؟ عرض کردند: دو رکعت آخر نماز را با سرعت خواندید. فرمود: مگر صدای شیون و فریاد کودک را نشنیدید؟»^۲

یکی از دیگر شیوه‌های ارزشمند پیامبر اکرم ﷺ در احترام و شخصیت دادن به کودکان، سلام کردن به آنان بود. آن حضرت در این مورد فرمود: پنج چیز است که تا لحظه مرگ آن‌ها را ترک نمی‌کنم: یکی از آن‌ها سلام گفتن به کودکان است تا این رفتار، پس از من سنت گردد.^۳

آنچه می‌توان از سیره پیامبر اکرم ﷺ آموخت این است که نه باید از یاد خدا غافل ماند و به نماز بی اعتنایی کرد و نه این‌که مهر و عاطفه کودک و نیازهای او را بی‌اهمیت دانست و به فراموشی سپرد. نماز را باید کامل و با توجه به جا آورد، اما می‌توان با در

۱. مکارم الاخلاق، ص ۲۵.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۸.

۳. مجموعه ورثام، ص ۳۵۹.

نظر گرفتن نیازهای کودکان، آن را به اختصار برگزار نمود. گاهی هم می‌توان در حال نماز به نیازها و عواطف اطفال پاسخ مناسب داد، در عین حال وضع و حال نمازگزار را هم حفظ نمود.

دعا برای فرزند

یکی از عوامل مؤثر در صالح شدن فرزندان، دعای پدر و مادر می‌باشد، زیرا دعای پدر و مادر از دعاهایی است که زود مستجاب می‌شود. دعا برای فرزندان یکی از ویژگی‌های پیامبران الهی همچون حضرت آدم^۱، ابراهیم^۲، اسماعیل^۳،

۱. «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَعْثَلَهَا حَمَلَتْ حَنَالًا حَفِيًّا فَمَرَأَتْ بِهِ فَلَمَّا أَنْقَلَتْ دَعَوَ اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنْكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ»؛ اوست آن که شما را از یک تن آفرید، و جفت‌ش را از جنس او قرار داد تا در کنارش آرامش بیابد. پس هنگامی که با او آمیزش کرد، باری سبک برگرفت، و [مدتی] آن را با خود داشت. پس چون گران‌بار شد، پدر و مادر، خدا، پروردگار خود را خواندند که اگر فرزندی شایسته به ما عطا کنی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود. (اعراف، آیه ۱۸۹)؛ «رَبَّ هَبَّ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ * قَبَّلَنَا بِغُلَامٍ حَلِيمٍ»؛ [آن‌گاه گفت]: پروردگار، [نسلي] از شایسته‌گان به من عطا کن. پس او را به پسری بردار مژده دادیم. (صفات، آیات ۱۰۰ و ۱۰۱).

۲. «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّي أَجْعَلْ هَذَا الْبَلْدَةَ آمِنًا وَآجْبِنِي وَبَنِي أَنْ تَعْبِدَ الْأَصْنَامَ * رَبَّنَا إِنِّي أَشْكَنْتُ مِنْ ذُرَيْتِي بِوَلِدٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمَحْرَمَ رَبَّنَا لِيَقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَقْنِدَةً مِنَ النَّاسِ ثَهُوِي إِلَيْهِمْ وَأَزْرُقُهُمْ مِنَ النَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُونُ»؛ و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگار، این شهر را [مکان] امن قرار ده، و مرا و فرزندانم را از برستش بت‌ها دور بدار. پروردگار، من برخی از فرزندانم را در دره‌ای بی‌کشت [وزرع] در کنار خانه حرمت یافته تو ساکن کردم؛ پروردگار، تا نماز را برپا دارند. پس دلهای مردمی را به آنان منمایل گردان و از محصولات [گوناگون] نصیب‌شان کن، شاید سپاسگزاری کنند. (ابراهیم، آیات ۳۵ و ۳۷).

۳. «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ أَلْقَاعِدَ مِنْ أَلْبَيْتِ وَإِشْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقْبِلُ مِنَا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * رَبَّنَا وَأَجْعَلْنَا مُشْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرَيْتِنَا أَمَّةً مُشْلِمَةً لَكَ وَأَرْنَا مَنَاسِكَنَا وَثُبَّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ السَّوَابُ أَرَّحِيمُ»؛ و [یاد کن] وقتی را که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های این خانه (کعبه) را بالا می‌بردند [او می‌گفتند]: پروردگار، از ما قبول کن که در حقیقت، تو خود شنوا و دانایی. پروردگار، و ما را دو بنده تسليم فرمان خویش قرار ده و از نسل ما امتشی ایدید آور [اکه تسليم فرمان تو

یعقوب^۱ و بندگان خاص^۲ خداوند چون مادر حضرت مریم^۳ است. آن‌ها برای صالح شدن فرزندان، گرایش پیدا نکردن آنان به شرک، برپایی نماز، تسليم در برابر خدا، محبویت در بین مردم و محفوظ ماندن از شیطان رانده شده، دعا می‌کردند و خداوند نیز دعایشان را اجابت می‌نموده.

پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} در مورد آثار استغفار پدر و مادر در حق فرزندان فرمودند: بنده‌ای را در بهشت یک درجه بالاتر می‌برند که آن را دستاورد اعمال خود نمی‌داند. به پروردگار خطاب می‌کند: پروردگار، این درجه از کجا به من داده شده است؟ خداوند می‌فرماید: به خاطر این‌که پدر و مادرت پس از تو برایت طلب آمرزش کردند.^۴ امام صادق در اهمیت دعای پدر، فرمودند: یکی از دعاها یکی که از لطف، رحمت و استجابت الهی محروم نمی‌ماند، دعای پدر در حق فرزند می‌باشد.^۵

→ باشند، و شیوه پرستش خود را به ما بنمای و توبه ما را بپذیر که در حقیقت، بسیار توبه‌پذیر و مهریانی. (بقره، آیات ۱۲۷ و ۱۲۸).

۱. «فَلُوْيَا يَا ابْنَا أَسْتَغْفِرُ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا حَاطِئِينَ * قَالَ سُوفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»؛ گفتند: ای پدر، برای ما آمرزش گناهانمان را بخواه. که ما خطاکار بودیم. گفت: به زودی از پروردگارم برای شما آمرزش می‌خواهم؛ به یقین، اوست که بسیار آمرزند و مهریان است. (یوسف، آیات ۹۷ و ۹۸).

۲. «وَسَبَادُ الرَّحْمَنِ الدَّيْنِ يَعْلَمُونَ عَلَى الْأَرْضِ هُوَنَّا وَإِذَا خَاطَبُهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا * وَالَّذِينَ يَعْلَمُونَ رَبِّنَا هُبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذَرْيَاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلنُّمَّقَيْنِ إِمَاماً»؛ و بندگان [خدای رحمان کسانی اند که روی زمین با نرمی و تواضع راه می‌روند، و هنگامی که جهالت پیشه گان به آنان خطاب می‌کنند، [در پاسخ شان] سخنانی مسالمت‌آمیز می‌گویند. و آنان که می‌گویند: پروردگار، از همسران و فرزندان ما نور چشمانی به ما ببخش، و ما را پیشوای تقوا پیشه گان قرار ده. (فرقان، آیات ۶۳ و ۷۴).

۳. «فَلَمَّا وَضَعَهَا قَاتَلَ رَبُّ إِنِّي وَضَعَهَا أُثْنَى وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَيْسَ الدَّكَرُ كَالْأُثْنَى وَإِنِّي سَمِّيَتُهَا مَرِيمَ وَإِنِّي أَعِدُّهَا بِكَ وَدُرِّيَتُهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»؛ پس وقتی که آن را بزاد، گفت: پروردگار! من آن را دختر زاییدم - و خدا به آنچه او زاییده بود دانتر بود، و پسر مانند این دختر نبود - و من او را مریم نام نهادم، و او و نسلش را از شیطان رانده شده به تو پناه می‌دهم. (آل عمران، آیه ۳۶).

۴. مسند رک الوسائل، ج ۶، ص ۴۳۹.

۵. سفينة البحار، ج ۱، ص ۴۵۸.

شیوه دعا کردن برای فرزند

خداؤند با بیان دعای پیامبران در حق فرزندان، به ما آموخته است که چگونه برای فرزندان خویش دعا کیم و چه چیزهایی را از او برای فرزندان بخواهیم. یکی از بهترین دعاهایی که همه پدران و مادران می‌توانند از آن برای فرزندان خویش بهره ببرند و به درگاه خداوند همان‌گونه درخواست نمایند، دعای بسیار ارزشمند و جامع امام سجاد در حق فرزندانش می‌باشد که فرمود: «بار خدایا، به من نعمت عطا فرما بماندن فرزندانم و به شایسته گردانیدن ایشان برای [اطاعت و پیروی از] من، و به بهره بردن من از ایشان. بار خدایا، عمرشان را برای من دراز گردان و مدت زندگانی شان را بسیار نما، و خرد آنان را برای من پرورش ده و ناتوانشان را نیرومند ساز، و تن‌ها و کیش‌ها و خوها ایشان را برای من سالم بدار، و در جان‌ها و اندامشان و در هر چه از کار ایشان به آن می‌کوشم، تندرنستی ده [از دردها و پیشامدهای ناروا نگاهداری شان فرما] و روزی‌هایشان را برای من و به دست من فراوان گردان و ایشان را نیکوکاران و پرهیزکاران [از گناه] و بینایان [راه حق] و شنوندگان [سخن راست] و فرمانبران خودت و دوستداران و پند دهنده‌گان برای دوستانت و کینه داران برای همه دشمنانت [که به تو نگرווیده‌اند] قرار ده؛ آمین.

بار خدایا، بازوی مرا به وسیله ایشان استوار گردان، و کجی مرا به آنان راست نما [در سختی و گرفتاری و پریشانی آن‌ها را کمک من گردان] و عدد و شماره [اهل و خویش] مرا به آنان افرون کن، و مجلس مرا به ایشان بیارا [آنان را اهل علم و دانش و فضل و کمال قرار ده] و یاد مرا به آن‌ها زنده بدار، و در نبودن، مرا به سبب ایشان بی نیاز کن، [آن‌ها را جانشین من گردان] و به وسیله اینان مرا بر حاجت و خواسته‌ام یاری فرماد، و ایشان را برای من دوست دار و مهربان و روی آور و [در کمک یاری] پا بر جا،

و [در انجام دستورم] فرمان برقرار ده، نه گناهکار و بد کننده و مخالفت کننده و خطا کار، و مرا در پرورش و تأدیب [آموختن راه پسندیده] و نیکی کردن به ایشان یاری فرما، و مرا از جانب خود افزون بر ایشان فرزندان پسر ببخش، و آنان را برای من نیک قرار ده، و آنها را در آنچه [در این راز و نیاز که] از تو خواسته‌ام، یاورم گردان و مرا و فرزندانم را از شیطان رانده شده [از رحمت] پناه ده.

بار خدایا، همه آن خواسته‌ها را به توفیق و فراهم شدن اسباب کار و رحمت و مهربانی ات به ما عطا فرما، و ما را از آتش پناه ده، و مانند آنچه از تو برای خود و فرزندانم در دنیای کنونی و آخرت آینده خواستم، به همه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان ببخش...».^۱

مشورت با فرزندان

یکی از ویژگی‌های پدر و مادر که در تربیت فرزندان نقش به سزاوی دارد، مشورت نمودن و نقش دادن به آنان در زندگی و میدان دادن برای پذیرش مسئولیت و ایفای آن است. در قرآن کریم حضرت ابراهیم برای انجام مأموریت الهی در ذبح کردن فرزندش اسماعیل، با او مشورت نمود.^۲ این عمل ارزشمند آن پیامبر اولوالعزم بر اساس دستور خداوند - که حضرت ابراهیم را به عنوان اسوه معرفی نموده است -^۳

۱. صحیفه سجادیه، ترجمه فیض الاسلام، با ویرایش اندک، ص ۱۶۸.

۲. «فَلَمَّا بَلَغَ مَعْنَى السُّعْدِ قَالَ يَا بُنْتَ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَأَنْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ أَعْفُلُ مَا تُؤْمِرُ سَجَدْتِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنْ أَصْطَابِرِينَ»؛ پس هنگامی که با او به حد تلاش رسید، گفت: ای پسرک من، من در خواب می‌بینم که تو را ذبح می‌کنم، بنگر که چه رأی می‌دهی؟ گفت: ای پدر، آنچه را که بدان فرمان یافته‌ای انجام ده که به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت. (صفات، آیه ۱۰۲).

۳. «فَدَكَاثَتْ لَكُمْ أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لَهُمْ إِنَّا بُرُءُوا مِنْكُمْ وَمَا عَنِّدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ

می‌تواند الگویی باشد برای همه پدران و مادران تا در تصمیم‌ها و کارها، خصوصاً کارهایی که به فرزندان مربوط می‌شود، با آن‌ها مشورت کنند.

زمان بلوغ که به تعبیری دوره جوانی و استقلال فرزند آغاز می‌شود، والدین باید به شخصیت و افکار و اندیشه او بها بدهند. نوجوانان در چنین سنینی علاقه‌مند به بروز شخصیت مستقل و نشان دادن توانایی‌ها و استعدادهای درونی خود هستند که اگر بستر مناسب و زمینه مساعدی برای آن پیدا شود، بی‌تردید در رشد و شکوفایی متعادل شخصیت آنان تأثیر بسزایی خواهد داشت. اما متأسفانه برخی از والدین به این موضوع توجه نمی‌کنند و با توجیهاتی ناپذیرفتی، از این امر سر باز می‌زنند؛ برای مثال، برخی، خامی و ناپختگی رأی جوان را بهانه قرار می‌دهند، در حالی که باید توجه داشت برای هر کاری نقطه شروعی است.

پختگی و صاحب صلاحیت شدن صالحان نیز نقطه آغازی داشته است و گرنه هیچ کس نباید دست به اقدامی بزند که پیش‌تر آن را تجربه نکرده است. توصیه به مشورت که بکی از سفارش‌های قرآن به جامعه ایمانی است،^۱ اگر ابتدا در خانواده‌ها مورد توجه قرار گیرد، بی‌تردید آثار آن در جامعه نیز آشکار خواهد شد.

→ وَيَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعِدَاوَةُ وَالْبُخْضَاءُ أَبْدًا حَتَّىٰ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلُ إِبْرَاهِيمَ لِأَيْهِ لَا سَتَقْرِنَ لَكَ وَمَا أَمْلَكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَّبَّنَا عَلَيْنَا تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَتَبْشِرُ وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ»؛ قطعاً برای شما در [روش] ابراهیم و کسانی که با او بودند سرمشی نیکوست؛ آن گاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و از آنچه جز خدا می‌پرسیم بیزاریم. شما را قبول نداریم، و میان ما و شما دشمنی و کینه دائمی آشکار است؛ تا وقتی که به خدای یگانه ایمان بیاورید. آری، روش ابراهیم سرمشق شماست،] جز سخن ابراهیم که به پدرش گفت: حتماً برای تو طلب آمرزش می‌کنم، و در برابر خدا اختیار هیچ چیزی را برای تو ندارم. پروردگارا، فقط بر تو توکل کرده‌ایم و فقط به سوی تو بازگشته‌ایم و بازگشت [همه] فقط به سوی توست. (متحنه، آیه ۴).

۱. «وَالَّذِينَ أَسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَمُوا أَصْلَاهَ وَأَمْرُهُمْ سُورِي بَيْتِهِمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُسْتَقْنُونَ»؛ و [برای] کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را بر پا داشته‌اند و کارشان در میانشان براساس مشورت است و از آنچه به آنان عطا کرده‌ایم انفاق می‌کنند. (شوری، آیه ۳۸).

مشورت کردن و نظر خواستن از فرزندان، نوعی جلب مشارکت است و همین امر موجب رشد و تعالیٰ شخصیت آنان می‌شود، زیرا فرزندان در این صورت احساس مفید و مستقل بودن می‌کنند که به نوعی مسئولیت متوجه آن‌ها شده است. در این حالت، آنان با مشکلات درگیر می‌شوند و در مبارزه با مشکلات و راه حل یافتن برای آن‌ها، استعدادهای نهفته‌شان شکوفا می‌گردد و اعتماد به نفس بیشتری پیدا می‌کنند.

انتخاب همسر برای فرزند

یکی دیگر از ویژگی‌های یک پدر و مادر نمونه در خانواده قرآنی، انتخاب همسر مناسب برای فرزند است. خداوند در قرآن همه را توصیه می‌کند که برای افراد مجرّد، چه مرد و چه زن، زمینه ازدواج را فراهم نمایند^۱ و از سیره پیامبر شریعت شعیب خبر داده است که آن حضرت وقتی شوهر مناسبی (حضرت موسی) برای دخترش یافت، برای تزویج دختر با او اقدام کرد.^۲

ازدواج یکی از راههای حفاظت انسان از گناه و آلوگری است و اگر خداوند به مؤمنان توصیه می‌فرماید که: خود و خانواده خود را از آتش دوزخ حفظ کنند، بسی تردید فراهم کردن وسایل ازدواج برای فرزندان از جمله راههایی

۱. «وَأَنْكُحُوا أَلَيْامِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءٌ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَابْنُهُ عَلَيْهِمْ»؛ و مردان و زنان مجرد و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید. اگر نیازمند باشند، خدا آنان را به فضل خود بی‌نیاز می‌کند؛ و خدا گشايشمند و داناست. (نور، آیه ۳۲).

۲. «قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَ إِحْدَى أَئْتَيَ هَاتِئِنِ عَلَى أَنْ تَأْجُزَنِي شَانِي حِجَّاجٍ إِنِّي أَتَمَّتَ عَشَرًا فِيمَنْ عَثِّنَكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشْتَ عَلَيْكَ سَتِّجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ»؛ گفت: من می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به نکاح تو در آورم به شرط آن که هشت سال اجیر من شوی، و اگر ده سال را کامل کنی اختیار آن با توست، و من نمی‌خواهم بر تو سخت بگیرم، و ان شاء الله مرا از شایستگان خواهی یافت. (قصص، آیه ۲۷).

است که می‌تواند آن‌ها را از ارتکاب گناهانی که سبب جهنمی شدن‌شان می‌شود، حفظ نماید.^۱

ازدواج همانند تغذیه یکی از نیازهای طبیعی انسانی است که باید زمینه تأمین آن فراهم شود و پدران و مادران همان گونه که برای تأمین تغذیه فرزندان تلاش می‌کنند، با نزدیک شدن سن ازدواج آن‌ها، وظیفه دارند به بهترین صورت برای تأمین نیاز ازدواج، اقدامات لازم را فراهم نمایند.

انتخاب همسر برای فرزند در روایات

۱. پیامبر اکرم ﷺ در بیان حقوق فرزندان فرمود:

مِنْ حَقٌّ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثَةُ... وَ مُّزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ^۲؛

از جمله حقوق فرزند بر پدر آن است که وقتی فرزند به سن بلوغ رسید، همسری برایش انتخاب کند.

۲. امیر مؤمنان علی از رسول خدا ﷺ روایت کرده است که حضرت فرمود:

إِذَا أَتَاكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ دِيْنَهُ وَ أَمَانَتَهُ فَرَوْجُوهُ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ،
فَسُلَادُهُ كَبِيرٌ^۳؟

اگر فردی به خواستگاری دختر شما آمد که از دینداری و امانتداری او رضایت دارید و خشنودید، دخترتان را به او تزوج کنید و اگر چنین نکنید، فتنه و فساد بزرگی

۱. (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَمُوا قُوَّا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُوْدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَازُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمْرَهُمْ وَيَعْلَمُونَ مَا يُؤْمِرُونَ)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ‌ها هستند مصون دارید. بر آن [آتش] فرشتگانی درستخوی و سخت‌گیر گمارده شده‌اند که خدارادر آنچه به آنان فرمان داده است عصیان نمی‌کنند، و آنچه را که بدان فرمان می‌یابند انجام می‌دهند. (تحریر، آیه ۶).

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۷.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۸۸.

در جامعه پدید خواهد آمد.

۳. مردی برای مشورت در امر ازدواج دخترش به حضور امام حسن رسید و در این باره با آن حضرت گفت و گو کرد. حضرت فرمود: او را به همسری مردی با تقوای آور، زیرا اگر او را دوست داشته باشد، اکرام و احترامش خواهد نمود و اگر مورد خشم و غضبیش قرار گرفت، به او ستم نخواهد کرد.^۱

۴. علی بن اسپاط نامه‌ای به حضرت امام باقر نوشت و مسئله ازدواج دخترانش را مطرح کرد که کسی همانند خود و هم پایه خود نمی‌یابد. امام در پاسخ او نوشت: مقصودت را از آنچه درباره دخترانت برايم نوشته بودی و این‌که کسی را همانند خودت پیدا نمی‌کنی، دریافتیم. خداوند تو را رحمت کند. در این باره فراوان میندیش، زیرا پیامبر ﷺ فرمود: اگر کسی به خواستگاری آمد که اخلاق و دیانت او مورد رضایت و پسند شما بود، دخترتان را به همسری او در آورید و اگر اقدام نکنید، فتنه و فساد بزرگی در جامعه پدید خواهد آمد.^۲

۵. رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود:

مَنْ زَوَّجَ كَرِيمَةً بِفَاسِقٍ نَزَّلَ عَلَيْهِ كُلَّ يَوْمٍ أَلْفُ لَعْنَةٍ، وَ لَا يَصْعَدُ لَهُ عَمَلٌ إِلَى السَّمَاءِ، وَ لَا يُسْتَجَابُ لَهُ دُعَاؤُهُ، وَ لَا يُقْبَلُ مِنْهُ صَرْفٌ وَ لَا عَدْلٌ^۳؛

هر کس دختر خود را به همسری شخص فاسق در آورد، هر روز لعنت بر او فرود آید و هیچ گاه عملی از او به آسمان بالا نمی‌رود و دعایش مستجاب نمی‌گردد و هیچ انفاق و فدیه‌ای از او پذیرفته نخواهد شد.

۶. حسین بن بشار واسطی گوید: نامه‌ای به امام رضا نوشتم که خویشاوندی

۱. مکارم الاخلاق، ص ۲۰۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۱.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۷۹.

دارم و از دختر من خواستگاری کرده است، ولی کمی بد اخلاق است. حضرت فرمود: اگر بد اخلاق است چنین اقدامی نکن.^۱

۷. رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم فرمود: اگر فرزند دختر باشد، حق او بر پدر آن است که هر چه زودتر او را به خانه شوهرش بفرستد.^۲

توجه به دیدگاه فرزند در انتخاب همسر

۱. از عطاء بن ابی ریاح نقل شده که گفت: «هنگامی که علی فاطمه را از پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم خواستگاری کرد، پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم نزد فاطمه آمد و فرمود: فاطمه جان، علی تو را از من خواستگاری کرده است. فاطمه سکوت کرد و چیزی نفرمود [که سکوت علامت رضایت بود] پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم از نزد فاطمه بیرون آمد و وی را به همسری علی در آورد.^۳

۲. ابوموسی از رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم روایت کرد که آن حضرت فرمود:

إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يُزْوِجَ ابْنَتَهُ قَلِيلٌ مِّنْهُا^۴؛

اگر کسی بخواهد دختر خود را شوهر دهد، نخست با دختر مشورت نماید.

۳. ابن ابی یعفور از دست پدر و مادرش به امام صادق صلوات الله عليه و آله و سلم شکایت برد و عرض کرد: من می خواهم با زنی ازدواج کنم، ولی پدر و مادرم مخالف هستند و زن دیگری را در نظر دارند. امام فرمود: «با همان زنی ازدواج کن که خود می خواهی، و آن را که پدر و مادرت در نظر دارند، رها کن.^۵

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۴.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۱۹۹.

۳. بحد الانتهاء، ج ۴۳، ص ۱۳۶.

۴. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۱۱.

۵. مکارم الاخلاق، ص ۲۳۷.

توجه به آینده فرزند

فرزندان امانت‌های الهی هستند که پایه‌های آینده زندگی آن‌ها بر تصمیم‌های پدر و مادر و برنامه ریزی آن‌ها استوار است. دقت و توجه بیشتر در این امور از سوی پدر و مادر، آینده درخشنان فرزندان را رقم می‌زند و بی توجهی در آن، بدختی و گرفتاری آینده فرزندان را به بار خواهد آورد.

بنابراین، همه پدران و مادران وظیفه دارند تا درباره آینده فرزند خویش بیندیشند و با برنامه ریزی و درایت، با توجه به ارزش‌های دینی، زمینه آینده روشن و مطلوبی را برای فرزندان فراهم نمایند.

پدر و مادر باید درباره همه امور مربوط به فرزند خود که در آینده با آن‌ها سر و کار خواهد داشت، مطالعه کنند. این چیزی نیست که به زمان آینده موكول شود، بلکه باید از همان ابتدای تولد فرزند در فکر آینده او باشند. دور اندیشی و توجه به آینده فرزندان به عنوان یکی از اوصاف پدران صالح در قرآن مطرح شده است.^۱ پیامبر اکرم ﷺ نیز با سخن ارزشمندی به این مطلب امرنماوه و درباره مردی از انصار که هنگام مرگش پنج یا شش بندۀ خود را آزاد کرد و جز آن‌ها چیزی نداشت و چیزی برای فرزندان خردسالش به جا نگذاشت، فرمود:

لَوْ أَعْلَمُمُونِي أَمْرَهُمْ مَا تَرَكُتُكُمْ تَدْفَنُونَهُ مَعَ الْمُسْلِمِينَ تَرَكَ صِبْيَةً صِغَارًا

۱. (وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلاَمَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِيْنَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَّهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغا أَئْسَهُمَا وَيَسْتَخْرُجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَشْرِقِ ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ يَشْطِعْ عَلَيْهِ صَبَرَاً؛ وَإِنَّمَا آنِ دُوَّرَيْرَانَ، از آنِ دو پسر بچه یتیم در این شهر بود، و زیر آن گنجی متعلق به آن دو وجود داشت، و پدرشان [مردی] شایسته بود؛ پس پروردگار تو خواست آن دو به رشد فکری خود برسند و گنجشان را بیرون آورند، او این به خاطر رحمتی از جانب پروردگار توبود، و من آن را از پیش خود نکردم. این بود حکمت آنچه که نتوانستی بر آن صبر کنی. (کهف، آیه ۸۲).

يَتَكَفَّفُونَ الْثَّالِثَ؟^۱

اگر وضعیت او را به من اعلام کرده بودید، نمی‌گذاشتمن او را در گورستان مسلمانان به خاک بسپارید؛ چند کودک خردسال باقی گذاشته تا از مردم گدایی کنند.

شیوه برخورد با یتیمان، عامل مؤثر در آینده فرزند

از جمله مسائلی که از منظر قرآن در آینده فرزندان نقش بسیار مهمی دارد، شیوه عملکرد و برخورد پدر و مادر با یتیمان در جامعه است. خداوند سبحان در این مورد می‌فرماید: «آن‌ها که فرزندان ناتوانی از خود به یادگار بگذارند، از آینده آنان می‌ترسند و نگران هستند، باید [از ستم درباره یتیمان مردم] بترسند، پس از [مخالفت] خدا بپرهیزنند و [با یتیم مردم] با نرمی سخن بگویند. کسانی که اموال یتیمان را از روی ظلم و ستم می‌خورند، تنها آتش می‌خورند و به زودی به آتش سوزان می‌سوزند.^۲»

با توجه و تفکر در سخن خداوند، مشخص می‌شود که شیوه عملکرد هر پدر و مادری چقدر در سرنوشت فرزندانشان تأثیر دارد که هر نوع غفلت از این امر، می‌تواند مشکلات فراوانی را فرا روی فرزندانشان قرار دهد.

بنابراین، هر پدر و مادری که نگران آینده فرزندان خویش است، وظیفه دارد در برخورد با یتیمان مردم رفتار شایسته‌ای داشته باشد و از خیانت درباره آنان بترسد و اساساً باید دانست که مسائل اجتماعی همواره به شکل یک سنت از امروز به فردا، و از

۱. تحف العقول، ص ۳۶۵.

۲. ﴿وَيَنْهَا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي طُغْوِيهِمْ نَارًا وَسَيَأْكُلُونَ سَعِيرًا﴾؛ و آنان که اگر پس از خود فرزندانی ناتوان بر جای بگذارند، بر [تیاه شدن] آنان می‌ترسند، باید [از تضییع حقوق یتیمان] بیم داشته باشند؛ پس باید از خدا پرواکنند و باید سخنی استوار بگویند. کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند، جز این نیست که شکم خود را از آتش پر می‌کنند، و به زودی در آتشی برافروخته خواهند سوخت. (نساء، آیات ۹ و ۱۰).

فردابه آینده دور دست سرایت می‌کند، و آن‌ها که سنت ظالمانه‌ای در اجتماع بر جای می‌گذارند و مثلًاً رسم «آزار به یتیمان» را در جامعه رواج می‌دهند، در حقیقت خود عاملی هستند که در آینده با فرزندانشان نیز چنین شود؛ بنابراین نه تنها به فرزندان دیگران ستم می‌کنند، بلکه راه ستمگری را به فرزندان خود نیز هموار می‌سازند.

بخش چهارم

ویژگی‌های فرزند صالح

ویژگی اول: نیکی به پدر و مادر

فرزنده صالح در خانواده قرآنی افزون بر انجام دادن تکالیف فردی مانند نماز و روزه، در برابر دیگر اعضای خانواده دارای وظایفی است، مهم‌ترین آن‌ها نیکی به پدر و مادر است که در اینجا از دیدگاه قرآن و روایات، این موضوع را بررسی می‌کنیم:

اهمیت نیکی به پدر و مادر

۱. نیکی به پدر و مادر جایگاه ارزشمندی نزد پروردگار دارد؛ به طوری که احسان

به والدین را پس از مهم‌ترین فریضه، یعنی توحید ذکر کرده است:^۱

﴿...لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...﴾^۲

جز خدا را پرستید و به پدر و مادر نیکی کنید.

﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...﴾^۳

و خدا را بپرستید، و چیزی را شریک او قرار ندهید، و به پدر و مادر نیکی کنید؛....

﴿إِلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...﴾^۴

۱. الـبـیـزـانـ، ج ۱۳، ص ۷۸.

۲. بـقـرـهـ، آـیـهـ ۸۳.

۳. نـسـاءـ، آـیـهـ ۳۶.

۴. هـمـانـ، آـیـهـ ۱۵۱.

به خدا شرک نورزید و به پدر و مادر نیکی کنید.

﴿وَقَضَى رَبُّكَ أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...﴾^۱

و پروردگار تو حکم کرده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید...

۲. نیکی به پدر و مادر نسبت به دیگر افراد، برتر بوده و حقوق آنها، مهم ترین حق در میان مجموعه حقوق انسان‌ها بر یکدیگر است. این مطلب از تقدم ذکری لفظ والدین در آیات بر دیگر افراد فهمیده می‌شود.^۲

﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ...﴾^۳

... به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید،...

﴿... وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَأَبْنِ الْسَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ...﴾^۴

به پدر و مادر نیکی کنید و به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و همسایه نزدیک و همسایه دور و در راه مانده و برگانی که مالکشان هستید (نیز نیکی کنید).

۳. ترک نیکی به پدر و مادر از محرمات شمرده شده است:

﴿قُلْ تَعَالَوْا أَئْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...﴾^۵

بگو: بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برای شما بخوانم؛ آن این است که چیزی را شریک او قرار ندهید، و به پدر و مادر نیکی کنید،...

۱. اسراء، آیه ۲۳.

۲. الہیزان، ج ۱۳، ص ۷۸.

۳. بقره، آیه ۸۳.

۴. نساء، آیه ۳۶.

۵. انعام، آیه ۱۵۱.

۴. ترک نیکی به پدر و مادر سبب ذلت و خواری در دنیا و گرفتار شدن به شدیدترین عذاب الهی در قیامت است:

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا... ثُمَّ تَوَلَّتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ * فَمَا جَزاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذُلْكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِرْصٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَنَّا تَعْمَلُونَ﴾^۱

و [یاد کنید] وقتی راکه از بنی اسرائیل پیمان استوار گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر... نیکی کنید سپس جز اندکی از شما، همه اعراض کنان پشت کردید.* پس جزای کسانی از شما که این کار را می‌کنند جز خواری در زندگی دنیا چیزی نیست و روز قیامت به سوی سخت‌ترین عذاب بازگردانده می‌شوند؛ و خدا از آنچه می‌کنید هرگز غافل نیست.

۵. نیکی به پدر و مادر، یکی از مصادیق راه مستقیم خداوند است:

﴿قُلْ تَعَالَوَا أَتُلُّ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ إِلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا... * وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ...﴾^۲

بگو: بیایید تا آنچه را پروردگار تان بر شما حرام کرده است برای شما بخوانم؛ آن این است که چیزی را شریک او قرار ندهید، و به پدر و مادر نیکی کنید، * و [بگو:] که این راه مستقیم من است؛ پس، از آن پیروی کنید.

۶. نیکی به پدر و مادر از جمله ميثاق الهی است:

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...﴾^۳

۱. بقره، آیات ۸۳ و ۸۵

۲. انعام، آیات ۱۵۱ و ۱۵۳

۳. بقره، آیه ۸۳

و [یاد کنید] وقتی را که از بنی اسرائیل پیمان استوار گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید،...

۷. احسان و نیکی یحیی به پدر و مادرش سبب ستایش خداوند از او است:
 ﴿يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ... * وَبَرَّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَارًا عَصِيًّا﴾^۱
 ای یحیی، کتاب [خدا] را به قوت بگیر؛...* و با پدر و مادرش خوش رفتار بود و زورگو و سرکش نبود.

نیکی به پدر و مادر در ادیان آسمانی

سفرارش نیکی به پدر و مادر، به دین اسلام اختصاص ندارد، بلکه در طول تاریخ از سوی شرایع آسمانی مورد تاکید قرار گرفته است. در سوره بقره، آیه ۸۳ و جوب احسان به والدین را پیرو عبادت خداوند، از پیمانها و وظایف حتمی بنی اسرائیل بر شمرده است و در سوره مریم آیه ۱۴، در مدح و تمجید حضرت یحیی می فرماید: ﴿وَكَانَ تَقِيَّاً وَبَرَّا بِوَالِدَيْهِ﴾؛ آن حضرت پرهیزکار و به پدر و مادر نیکوکار بود... و همچنین در سوره مریم آیه ۳۲ به نقل از حضرت عیسی می فرماید: آنگاه که در گهواره به اذن خدا سخن گفت و از مادر خویش دفاع کرد، فرمود: ﴿وَبَرَّا بِوَالَّدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَارًا شَقِيًّا﴾؛ خداوند مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داد و مرا ستمگر و شقی قرار نداد.

این سفارش خداوند اصولاً برای نوع انسان است؛ از این رو در سه مورد ﴿وَوَصَّيْنَا إِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ﴾ آمده است؛ یعنی ما انسان را به پدر و مادرش سفارش کردیم که به آنان نیکی کند. این مطلب در آیه ۸ سوره عنکبوت و آیه ۱۴ سوره لقمان و آیه ۱۵ سوره احقاف آمده، خدای متعال در حالی که نسبت به سایر تکالیف و وظایف

۱. مریم، آیات ۱۲ و ۱۴.

شرعی، به مومنان خطاب می‌کند، سفارش نسبت به والدین را به نوع انسان فرموده و این اشاره به مقتضای انسانیت، احسان به والدین است.

با توجه به این‌که هر پدر و مادری همه امکانات خود را با نهایت اخلاص در راه حفظ و نگهداری و تربیت فرزند قرار می‌دهد تا او مستقل و بی نیاز شود و زحمت و تلاش آنان را شکر گزار باشد، اگر کسی محبت‌ها و زحمت‌های پدر و مادر را فراموش کند یا نادیده بگیرد، وجدان خود را فراموش کرده است و از یک وظیفه انسانی سر باز زده است؛ بنابراین تشریع الهی بر طبق سنت طبیعی خداوند، انسان را به همان امری وادار کرده است که وجدان او اقتضا دارد و چنین قانونی نمی‌شود به جامعه یا شریعتی خاص اختصاص داشته باشد.

فلسفه نیکی به پدر و مادر

خداوند سبحان زحمت‌ها و رنج‌های مادر در زمان حمل و شیردهی فرزند را، فلسفه و دلیل سفارش به نیکی و حق‌شناسی در حق پدر و مادر بیان کرده است^۱ که در واقع توجه به این مسئله می‌تواند سبب بیداری هر انسانی گردد تا بداند نیکی او نسبت به پدر و مادر، به ویژه مادر در مقابل فدایکاری‌های او قابل محاسبه نمی‌باشد؛ چرا که مادر در طول سی ماه بارداری و شیردهی و پس از آن، زحمات طاقت فرسایی را متحمل شده است. از نخستین روزهای انعقاد نطفه، حالت مادر دگرگون می‌شود و

۱. «وَصَيَّنَا إِلِّيْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَنَاهُ أَمْهُ كُرْهًا وَوَضْعَةً مُرْكُزَهَا وَحَمْلَهُ وَفِصَالَهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَكْلَهَ...»؛ و ما انسان را به احسان در باره پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش با سختی دوران حمل او را گذراند و با سختی او را بزاد و مدت حمل او تا بازداشتنش از شیر سی ماه است. [او به تدریج بزرگ می‌شود] تا آن‌گاه که به رشد فکری خود نایل شود. (احقاف، آیه ۱۵). «وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا يَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِأَنْوَالِهِنَّ إِحْسَانًا... وَقُلْ رَبِّ أَرْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّيْسَانِي صَغِيرًا»؛ و پروردگار تو حکم کرده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. و بگو: پروردگار، بر آنان - به پاس این‌که مرا در کودکی تربیت کردند - رحمت آور. (اسراء، آیات ۲۳ و ۲۴).

ناراحتی‌ها پشت سر یکدیگر می‌آیند. هر قدر جنین رشد و نمو بیشتری می‌یابد، مواد بیشتری از شیره جان مادر می‌گیرد و حتی روی استخوان‌های او و اعصابش اثر می‌گذارد؛ گاه خواب و خوراک و استراحت و آرامش را از او می‌گیرد و در آخر دوران حمل، راه رفتن و حتی نشست و برخاست برای او مشکل می‌شود، اما با صبر و حوصله تمام و به عشق فرزندی که به زودی چشم به دنیا می‌گشاید و بر روی مادر لبخند می‌زند، تمام این ناملایمات را تحمل می‌کند. دوران وضع حمل که یکی از سخت‌ترین لحظات زندگی مادر است، فرامی‌رسد تا آنجاکه گاه مادر جان خود را بر سر فرزند می‌نهد.

باری، مادر بار سنگینش را بر زمین گذارد، دوران سخت دیگری شروع می‌شود؛ دوران مراقبت دائم و شبانه روزی از فرزند؛ دورانی که باید به تمام نیازهای کودکی پاسخ گوید که هیچ گونه قدرتی برای بیان نیازهای خود ندارد، جز این که ناله سر دهد و اشک ریزد و مادر باید با کنجهکاوی و صبر و حوصله تمام، یک یک این نیازها را تشخیص دهد و برآورده کند. نظافت فرزند در این دوران، مشکلی است طاقت فرسا و تأمین غذای او که از شیره جان مادر گرفته می‌شود، ایثاری است بزرگ.

بیماری‌های مختلفی که در این دوران دامان نوزاد را می‌گیرد و مادر باید با شکیابی فوق العاده به مقابله با آن‌ها برجیزد، مشکل دیگری است.

این‌که قرآن در این‌جا، تنها از ناراحتی‌های مادر سخن به میان آورده و سخنی از پدر در میان نیست، نه به خاطر عدم اهمیت آن است؛ چراکه پدر نیز در بسیاری از این مشکلات شریک مادر است، ولی چون مادر سهم بیشتری در این زحمت‌ها دارد، بیشتر روی او تکیه شده است؛ همان‌گونه که در کلام معصومین نیز به این مسئله توجه شده است. در روایتی آمده است، مردی از پیامبر اکرم ﷺ سه بار پرسید: به چه

کسی نیکی کنم؟ حضرت فرمود: به مادرت.^۱ در روایتی دیگر، مردی خدمت پیامبر اکرم ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا، من در زندگی ام فراوان گناه کردم، ولی اکنون پشمیمانم و می‌خواهم توبه کنم، چه راهی در پیش گیرم تا پروردگار به سرعت از گناهان من درگذرد؟ فرمود: از پدر و مادر تو کدام زنده‌اند؟ عرضه داشت: تنها پدرم، فرمود: برو به پدر خود خدمت کن. بعد فرمود: اگر این مرد مادر داشت و به مادر خود خدمت می‌کرد، سریع‌تر گناهان او مورد عفو قرار می‌گرفت.^۲ در حدیثی دیگر از پیامبر اکرم ﷺ آمده است: مردی مادر پیرش را بر دوش گرفته و به طواف کعبه مشغول بود. در همان هنگام خدمت پیامبر ﷺ رسید و عرض کرد: آیا حق مادرم را توانستم ادا کنم؟ حضرت فرمود: نه، حتی یک نَفَس او را جبران نکردم.^۳

امام صادق فرمود:

قراءةُ الْقُرْآنِ فِي الْمُصْحَفِ تُخَفَّفُ الْعَذَابَ عَنِ الْوَالَّدَيْنِ وَلَوْ كَانَا كَافِرَيْنِ^۴؛
خواندن قرآن با نگاه به آن، عذاب را بر والدین سبک می‌سازد، گرچه آن دو کافر باشند.

محدوده نیکی به پدر و مادر

خداآوند در قرآن، برای احسان و نیکی به پدر و مادر هیچ قیدی نیاورده و به صورت مطلق ذکر کرده^۵ تا شامل هر نوع تجلیل و احترام و نیکی شود و از سوی دیگر، هر پدر و مادری را نیز شامل می‌شود، گرچه آن پدر و مادر مشرك باشند.

۱. وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ابواب احکام الاولاد، باب ۹۴، ح. ۱.

۲. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۲.

۳. فی ضلال القرآن، ج ۷، ص ۴۱۵.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۳.

۵. بقره، آیه ۸۳، نساء، آیه ۳۶، انعام، آیه ۱۵۱، اسراء، آیه ۲۳.

خداؤند در قرآن فرمود:

﴿وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطْعِهُمَا...﴾^۱

«و به انسان سفارش کردیم که نسبت به پدر و مادرش نیکی کند. و اگر آن دو کوشیدند تا چیزی را شریک من سازی که هیچ علمی به [حقانیت] آن نداری، از آنان اطاعت مکن.»

و در آیه دیگر می فرماید:

﴿وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ...وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطْعِهُمَا وَصَاحِبَهُمَا فِي الْأَرْضِ مَعْرُوفٌ﴾^۲

و به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم... * و اگر آن دو تلاش کردند که تو را بر این وادارند که چیزی را شریک من سازی که نسبت به آن هیچ آگاهی نداری، از آنان فرمان مبر، ولی در [امور] دنیا به شیوه‌ای پستدیده با آن دو معاشرت کن.»

البته طبق این دو آیه اطاعت از پدر و مادر مقید است به این که آن‌ها فرزند را به شرک ورزی دستور ندهند و الا فرزندان حق ندارند از آنان اطاعت کنند؛ اما نیکی کردن به آن‌ها در دنیا سفارش شده است.

محدوده نیکی به پدر و مادر در کلام معصومین

امام صادق فرمود: «سه چیز را خداوند، برای هیچ انسانی رخصت نداده است: نیکی به پدر و مادر چه نیکوکار و چه فاجر، و فای به عهد چه نیکوکار و چه فاجر، و

۱. عنکبوت، آیه ۸

۲. لقمان، آیات ۱۴ و ۱۵.

ادای امانت چه نیکوکار و چه فاجر.»^۱

جابر بن عبد الله انصاری می‌گوید: شنیدم مردی به امام صادق عرض کرد: پدر و مادرم مخالف حق هستند. امام فرمود: «به آن‌ها نیکی کن، همان‌گونه که اگر مسلمان بودند، به آن‌ها نیکی می‌کردی.»^۲

معمر بن خلاد گوید: به امام رضا عرض کردم: آیا پدر و مادرم را با این‌که مسلمان نیستند، یاد آوری کنم؟ امام فرمود: «آن‌ها را به یاد بیاور و از طرف آن‌ها صدقه بده و اگر در حال حیات هستند، با آن‌ها مدارا کن، زیرا رسول خدا فرمود: خداوند مرا به رحمت مبعوث نموده نه به عقوق و نامهربانی.»^۳

آثار و فواید نیکی به پدر و مادر

۱. قبولی اعمال نیک: احسان به پدر و مادر، یکی از عوامل قبولی اعمال نیک انسان

می‌باشد:

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا... أُولَئِكَ الَّذِينَ نَتَبَّعُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا﴾؛^۴

و ما انسان را به احسان در باره پدر و مادرش سفارش کردیم،... * ایناند که در میان

اهل بهشت نیکوترین اعمالشان را قبول می‌کنیم...

۲. آمرزش گناهان: آمرزش گناهان، یکی از آثار ارزشمند احسان و نیکی به پدر و

مادر می‌باشد:

۱. نود الثنین، ج ۳، ص ۱۵۱، ح ۱۴۱ و وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ابواب احکام الاولاد، باب ۹۳، ح ۳.

۲. بحدار الانواد، ج ۷۱، ص ۵۶ و وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ابواب احکام الاولاد، باب ۹۳، ح ۲.

۳. وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ابواب احکام الاولاد، باب ۹۳، ح ۱.

۴. احقاف، آیات ۱۵ و ۱۶.

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا... أُولَئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوِرُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ﴾^۱

و ما انسان را به احسان در باره پدر و مادرش سفارش کردیم،... * ایناند که در میان

اهل بهشت نیکوترين اعمالشان را قبول می کنیم و از بدی هایشان در می گذریم؛...

۳. ورود در جمع بهشتیان: احسان و نیکی به پدر و مادر، یکی از عوامل ورود انسان

به جمع بهشتیان می باشد:

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا... أُولَئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوِرُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَ الصَّدُقُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ﴾^۲

و ما انسان را به احسان در باره پدر و مادرش سفارش کردیم،... * ایناند که در میان

اهل بهشت نیکوترين اعمالشان را قبول می کنیم و از بدی هایشان در می گذریم؛

وعده راستی که به آنان داده می شد.

۴. قرار گرفتن در جایگاه صالحان: قرار گرفتن در جایگاه صالحان، از آثار احسان و

نیکی به پدر و مادر است:

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا... وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا أَصْحَاحَ لَنْدِخَلَّنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ﴾^۳

و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند... * و کسانی که ایمان آورده

و کارهای شایسته کرده اند، حتماً آنان را در زمرة شایستگان در می آوریم.

۵. بھرہ مندی از تقوا: بھرہ مندی از تقوا، یکی از آثار احسان و نیکی به پدر و مادر

است:

۱. احباب، آیات ۱۵ و ۱۶.

۲. همان.

۳. عنکبوت، آیات ۸ و ۹.

﴿قُلْ تَعَالَوَا أَئُلُّ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا... ذِلِكُمْ وَصَاحِكُمْ بِهِ لَعَنَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۱

بگو: بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برای شما بخوانم؛ آن این است که چیزی را شریک او قرار ندهید، و به پدر و مادر نیکی کنید،... این است آنچه [خدا] شما را به آن سفارش کرده است، باشد که تقوا پیشه کنید.

۶. بهره مندی از محبت الهی: بهره مندی از محبت الهی، یکی از آثار احسان و نیکی به پدر و مادر است:

﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا... إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالاً فَخُوراً﴾^۲

خدا را بپرستید، و چیزی را شریک او قرار ندهید، و به پدر و مادر نیکی کنید،... همانا خدا کسی را که متکبر و خود ستاست دوست نمی‌دارد.

۷. بهره مندی از پاداش بزرگ:

﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا... مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^۳

و خدا را بپرستید، و چیزی را شریک او قرار ندهید، و به پدر و مادر نیکی کنید،... و از نزد خود اجری بزرگ می‌دهد.

نیکی به پدر و مادر در سن پیری

با توجه به سفارش خداوند در بسیاری از آیات، نیکی به پدر و مادر، اختصاص به

۱. انعام، آیات ۱۵۱ و ۱۵۳.

۲. نساء، آیه ۳۶.

۳. همان، آیات ۳۶ و ۴۰.

زمان خاصی ندارد و باید فرزندان در تمام عمرشان به آن‌ها نیکی کنند؛ اما به جهت شرایط خاص سن پیری، خداوند منان سفارش‌های ویژه‌ای در این دوره سنی نسبت به آن‌ها دارد و به چند مورد از مصاديق نیکی اشاره کرده است:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَلْعَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقْلُ لَهُمَا أُفًّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾^۱

و پروردگار تو حکم کرده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آن دو، یا هر دو، نزد تو به پیری رسیدند، به آنان «أَفَ» [هم که نشانگر دلتنگی است] نگو، و بر آنان بانگ مزن و با آنان سخنی شایسته بگوی.

خسته نشدن از نیکی به پدر و مادر

نیکی به پدر و مادر آن چنان ارزشمند و دارای فواید و برکات است که هیچ فرزند آگاهی از انجام آن خسته نمی‌شود؛ اما بعضی فرزندان به سبب غفلت و عدم آگاهی کامل از این آثار ارزشمند، در انجام وظایف خسته شده و باز می‌مانند و یا با اکراه انجام می‌دهند. خداوند سبحان برای بیدار کردن این گونه انسان‌ها و تذکر به آن‌ها می‌فرماید:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَلْعَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقْلُ لَهُمَا أُفًّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾^۲

و پروردگار تو حکم کرد که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو نزد تو به پیری رسند، پس به آن‌ها «أَفَ» [سخن بیزاری و ناخوشایند] مگو و برایشان بانگ مزن [یا آنان را از خود مران] و به ایشان گفتاری نیکو و در خور

۱. اسراء، آیه ۲۳.

۲. اسراء، آیه ۲۳.

گرامی داشت، بگو.

آفات ترک نیکی به پدر و مادر

۱. جدا شدن از راه خدا: ترک نیکی به پدر و مادر در قرآن از محرمات الهی شمرده شده و یکی از آثار سوء آن جدا شدن از راه خداست:

﴿قُلْ تَعَالَوْا أَئُلُّ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا... وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا أَلْسُنَبَلَ فَتَرَقَ بِكُمْ عَنْ سِيِّلِهِ﴾^۱

بگو: بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برای شما بخوانم؛ آن این است که چیزی را شریک او قرار ندهید، و به پدر و مادر نیکی کنید،... و [یگو:] که این راه مستقیم من است؛ پس، از آن پیروی کنید، و از راهها [ای دیگر] پیروی نکنید که شما را از راه خدا پراکنده کند. این است آنچه [خدا] شمارا به آن سفارش کرده است، باشد که تقوا پیشه کنید.

۲. ذلت و خواری در دنیا: سرپیچی از میثاق الهی در احسان به پدر و مادر، یکی از عوامل گرفتار شدن به ذلت و خواری در دنیا است:

﴿وَإِذْ أَخَدْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا... ثُمَّ تَوَلَّتُمُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ * فَمَا جَزاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذُلِّكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِرْجٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...﴾^۲

و [یاد کنید] وقتی را که از بنی اسرائیل پیمان استوار گرفتیم که جز خدارانپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید، و با مردم نیکو سخن بگویید، و

۱. انعام، آیات ۱۵۱ و ۱۵۳.

۲. بقره، آیات ۸۳ و ۸۵.

نماز را به پا دارید و زکات بدھید؛ سپس جز اندکی از شما، همه اعراض کنان پشت کردید. ... پس جزای کسانی از شما که این کار را می‌کنند جز خواری در زندگی دنیا چیزی نیست، و روز قیامت به سوی سخت‌ترین عذاب بازگردانده می‌شوند؛ و خدا از آنچه می‌کنید هرگز غافل نیست.

۳. گرفتار شدن به عذاب شدید در قیامت: عمل نکردن به میثاق الهی در نیکی به پدر و مادر، یکی از عوامل گرفتار شدن به عذاب شدید در قیامت است:

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا... ثُمَّ تَوَلَّتُمُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ * فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذُلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِرْصٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرْدُونَ إِلَى أَشَدِ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾^۱

«و [یاد کنید] وقتی راکه از بنی اسرائیل پیمان استوار گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید، و با مردم نیکو سخن بگویید، و نماز را به پا دارید و زکات بدھید؛ سپس جز اندکی از شما، همه اعراض کنان پشت کردید. ... پس جزای کسانی از شما که این کار را می‌کنند جز خواری در زندگی دنیا چیزی نیست، و روز قیامت به سوی سخت‌ترین عذاب بازگردانده می‌شوند؛ و خدا از آنچه می‌کنید هرگز غافل نیست.»

آثار و فواید نیکی به پدر و مادر در روایات

در مورد ارزش و آثار نیکی به پدر و مادر، مطالب بسیار سودمندی در سخنان ارزشمند حضرات معصومین وجود دارد که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. بقره، آیات ۸۳ و ۸۵

۱. طاعت خداوند: رسول خدا صلوات الله عليه وآله وسالم فرمود: «فَإِنْ صَلَّهُمَا (والدين) طَاعَةُ اللَّهِ»^۱
۲. نشانه شناخت خوب بنده از خداست: امام الصادق عليه السلام فرمود: «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ مِنْ حُسْنٍ مَعْرِفَةُ الْعَبْدِ بِاللَّهِ»^۲.
۳. برترین چیزی که بنده را به خدا نزدیک می‌کند، پس از معرفت به پروردگار، نماز، نیکی به پدر و مادر، و رها کردن حسد، خود پسندی و فخر است، امام کاظم فرمود: «أَفَضَلُّ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ بِهِ، الصَّلَاةُ، وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ، وَتَرْكُ الْحَسَدِ وَالْعُجُبِ وَالْفَخْرِ»^۳.
۴. سبب جلب رحمت خدا: رسول الله صلوات الله عليه وآله وسالم فرمود: «رَحْمَ اللَّهُ إِمْرَأً أَغَانَ وَالدَّهُ عَلَى بِرِّهِ»^۴.
۵. باعث محفوظ ماندن انسان از خشم خداوند: رسول الله صلوات الله عليه وآله وسالم فرمود: «... وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَقَيْةٌ مِنَ السَّخَطِ...»^۵.
۶. به منزله جهاد در راه خدا: رسول الله صلوات الله عليه وآله وسالم فرمود: «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ يُجْزِيُ عَنِ الْجَهَادِ»^۶.
۷. از واجبات بزرگ الهی: امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ أَكْبَرُ فَرِيضَةٍ»^۷.
۸. از بهترین اعمال: امام صادق عليه السلام فرمود: «أَفَضَلُّ الْأَعْمَالِ الصَّلَاةُ لِوَقْتِهَا، وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ، وَالْجَهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۸.

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۵

۲. همان، ص ۶۵

۳. تحف العقول، وصایای امام هفتم

۴. بحار الانوار، ص ۶۵

۵. همان، ج ۷۴، ص ۹۴

۶. نهج الناصحه، ج ۱۰۸۶

۷. غرر الحكم

۸. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۵

۹. از نشانه‌ها و صفات شیعه: امام باقر فرمود: «ما شیعَتُنَا إِلَّا مَنِ اتَّقَى اللَّهَ وَأَطَاعَهُ، وَمَا كَانُوا يُعَرِّفُونَ إِلَّا بِالتَّوَاضُعِ وَالْتَّخْسِعِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَكَثْرَةِ ذَكْرِ اللَّهِ وَالصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ وَالْبُرُّ بِالْوَالِدَيْنِ»^۱.

۱۰. سبب بهره مندی از دوستی پیامبر و امام معصوم : جابر بن حیان گوید: به امام صادق خبر دادم از نیکوکاری فرزندم اسماعیل با من. امام فرمود: «من فرزندت را دوست می‌داشتم، اینک دوستی من به وی بیشتر شد، زیرا رسول خدا و خواهری رضاعی داشت که به نزد حضرت آمد، پس چون به او نگاه کرد، خشنود شد و آنچه به خود پیچیده بود، از برای او پهن کرد و او را بر آن نشاند و به او رو آورد و با او سخن می‌گفت و در صورتش می‌خندید. پس از آن حرکت کرد و رفت و برادر او آمد، با وی آن چنان که با خواهرش ملاطفت نمود، نکرد، پس از آن حضرت سؤال شد که یا رسول الله، به خواهر رضاعی خود آن احترام‌ها را انجام دادید، لیکن با برادرش آن چنان نکردی؟ فرمود: به جهت آنکه خواهر بیشتر از این برادر به پدر و مادرش نیکویی می‌کند».^۲

۱۱. بهره مندی از خیر فراوان: امام صادق فرمود:

مَا يَمْنَعُ الرَّجُلَ مِنْكُمْ أَنْ يَرَرَّ وَالِّدَيْهِ حَيَّيْنِ أَوْ مَيِّيْنِ، يُصَلِّي عَنْهُمَا، وَيَتَصَدَّقُ عَنْهُمَا، وَيَحْجُجُ عَنْهُمَا، وَيَصُومُ عَنْهُمَا، فَيَكُونُ الَّذِي صَنَعَ لَهُمَا وَلَهِ مِثْلُ ذَلِكَ فَيَزِيدُ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - بِرِّهِ وَصِلَتِهِ حَيْرًا كَثِيرًا^۳؛

چه چیزی شما را باز می‌دارد از این‌که به پدر و مادر در دوران زندگی و پس از مرگ احسان و نیکی کنید؟ هر فرد از شما می‌تواند به جای آن‌ها نماز بخواند، صدقه بدهد،

۱. تحف العقول، حکم و مواعظ امام پنجم .

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۰.

۳. سفينة البحار، ج ۲، ص ۶۸۶.

حج برود و روزه بگیرد؛ پس آنچه را انجام می‌دهد برای آن‌ها ثبت می‌شود و برای او نیز مانند همان ثبت می‌شود و به علاوه، خداوند به خاطر احسان و صله او، خیر فراوانی به او می‌رساند.

۱۲. سبب ورود به بهشت: رسول خدا فرمود:

رُعِمَ أَنْفُ رَجُلٍ أَذْرَكَ أَبَوِيهِ عِنْدَ الْكِبَرِ فَلَمْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ!

بینی آن کس به خاک مالیده باد که پدر و مادر خود را در پیری درک نمی‌کند و آن‌ها او را به بهشت نبرند.

رسول خدا فرمود:

كُنْ بازًا وَاقْتَصِرْ عَلَى الْجَنَّةِ وَ إِنْ كُنْتَ عَاقَّ فَاقْتَصِرْ عَلَى الثَّارِ!^۲

به پدر و مادر نیکی کن تا بهشت برای تو باشد و چنانچه عاق پدر و مادر باشی، جهنم از برای تو خواهد بود.

۱۳. محفوظ ماندن از آتش جهنم:

قال رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ: إِنَّ أَبِي قَدْ كَبُرَ حِدَّاً وَ ضَعَفَ فَنَحْنُ تَحْمِلُهُ إِذَا أَرَادَ الْحَاجَةَ فَقَالَ: إِنْ إِسْتَطَعْتَ أَنْ تَلِي ذَلِكَ مِنْهُ فَافْعُلْ، وَ لَقَمْهُ بِيَدِكِ فَإِنَّهُ جُنَاحٌ لَكَ غَدَّاً!^۳

شخصی به امام صادق عرض کرد: پدرم پیر و ناتوان شده، او را برای قضای حاجت حمل می‌کنیم و می‌بریم. امام صادق فرمود: اگر قدرت داری، خودت این کار را انجام بده و خود بر دهان او غذا بگذار تا این عمل سپر آتش فرداست باشد.

۱۴. بهره‌مندی از پاداش حج: رسول خدا فرمود:

مَا مِنْ وَلَدٍ بَارِزٌ يَنْتَرُ إِلَى وَالِدِيهِ نَظَرٌ رَحْمَةٌ إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ نَظَرٍ حِجَّةٌ مَبْرُورَةٌ

۱. بحدائق النور، ج ۷۱، ص ۸۶.

۲. جامع السادات، ص ۳۳۶.

۳. بحدائق النور، ج ۷۱، ص ۵۶.

فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَإِنْ نَظَرَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَائَةً قَالَ: نَعَمْ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَطْيَبُ!

هر فردی که از روی رحمت و نیکی به پدر و مادر نگاه کند، به هر نگاهش [ثواب] یک حج مقبول داده می‌شود. عرضه داشتند: ای رسول خدا، اگر در هر روز صد بار نگاه کند، فرمود: آری، خداوند بزرگ‌تر و پاکیزه‌تر است.

۱۵. بهره‌مندی از لذت زندگی: رسول خدا فرمود: «لِذَّةُ الْعَيْشِ فِي الْبَرِّ
بِالْأَوَالِدَيْنِ».^۲

۱۶. سروری نیکان در بهشت: رسول خدا فرمود: «سَيِّدُ الْأَبْرَارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ
بَرَّ وَالْدَيْهِ».^۳

۱۷. زیاد شدن عمر:

عَنْ عَنْا بْنِ سَرِيرٍ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ فِينَا مَيْسِرٌ فَذَكَرَ وَ اصْلَأَهُ الْقِرَابَةَ
فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ : يَا مَيْسِرَ، قَدْ حَضَرَ أَجْلُكَ عَيْرَ مَرَّةٍ وَ لَامَرَّتَيْنِ كُلُّ ذَلِكَ
يُؤَخِّرُ اللَّهُ أَجْلَكَ لِصِلَاتِكَ قَرَابَتَكَ وَ إِنْ كَنْتَ تُرِيدُ أَنْ يُزَادَ فِي عُمْرِكَ فَيُرَّ شَيْخَيْنَ
(يعني أبویه)^۴؛

عنا ابن سریر گوید: با میسر نزد امام صادق بودیم، از صله رحم سخن به میان آمد، حضرت فرمود: ای میسر، اجلت بیش از یک بار رسیده، ولی خداوند هر بار به تأخیر انداخت؛ زیرا صله رحم می‌کردی، و اگر می‌خواهی عمرت زیاد شود، به پدر و مادرت نیکی کن.

۱۸. تأخیر در مرگ: رسول خدا فرمود:

۱. همان، ج ۷۴، ص ۸۴

۲. همان، ص ۶۷

۳. همان، ص ۸۶

۴. همان، ص ۸۴

«رَأَيْتُ بِالْمَنَامِ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ أَتَاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبِضِ رُوحِهِ فَجَاءَ بِرُوحِهِ بِوَالِدِيهِ فَمَنَعَهُ مِنْهُ»^۱.

۱۹. جلوگیری از فقر: امام صادق فرمود: «... فَلَيَكُنْ بِوَالِدِيهِ بارًّا فاذا کانَ كَذِلِكَ لَمْ يُصِبْهُ فِي حَيَاةِهِ فَقُرْ أَبْدًا»^۲.

۲۰. رفع سختی‌های جان کندن: امام صادق فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُخْفَفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - عَنْهُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ، فَلَيَكُنْ بِوَالِدِيهِ بارًّا»^۳.

۲۱. زیاد شدن روزی: امام باقر فرمود: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَمْدَدَهُ فِي عُمْرِهِ وَ يَزَادَ فِي رِزْقِهِ، فَلَيُبَرِّرَ وَالِدِيهِ»^۴.

۲۲. عامل نیکی فرزندان: امام صادق فرمود: «بِرُّوا أَبَاءَكُمْ يَبَرُّوا أَبْنَاؤَكُمْ»^۵.

نیکی به پدر و مادر بعد از مرگ آن‌ها در روایات
 نیکی به پدر و مادر به دوران حیات آنان اختصاص ندارد، بلکه باید پس از درگذشت آنها نیز پیوسته به یادشان بود و در حق آنان نیکی کرد، به ویژه این‌که بنابر روایات ائمه اطهار، پدر و مادر پس از مرگ هر لحظه چشم انتظار حسن و کار نیکی از فرزندان هستند؛ اعمالی که می‌تواند باقیات صالحات باشد و در علو درجات آن‌ها تأثیر بگذارد. روح آنان در جهان برزخ شاهد و ناظر بر اعمال ماست.
 خداوند طلب آمرزش برای پدر و مادر را از فضایل حضرت ابراهیم^۶ و

۱. همان، ج ۷۱، ص ۸۰.

۲. همان، ص ۸۱.

۳. همان.

۴. میزان الحكمه، باب الاحسان الى الوالدين.

۵. بحد الانوار، ج ۷۱، ص ۶۵.

۶. «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ ... رَبَّنَا أَغْفِنْ لِي وَالِدَيَّ...»؛ و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا، پروردگارا، مرا و پدر و مادرم را بیامرز. (ابراهیم، آیات ۳۵ و ۴۱).

حضرت نوح^۱ شمرده است. در روایات نیز به این امر سفارش شده که به چند مورد اشاره می‌شود.

رسول خدا فرمود:

سَيِّدُ الْأَبْرَارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ بَرَّ وَالَّذِي هُوَ بَعْدَ مَوْتِهِمَا^۲؛

بزرگ نیکوکاران در قیامت مردی است که به پدر و مادرش بعد از مرگشان نیکی کند.

امام صادق فرمود:

إِنَّ الْعَبْدَ لِيَكُونُ بَارِّاً بِوَالَّدِيهِ فِي حَيَاتِهِمَا ثُمَّ يَمُوتُنَّ فَلَا يَقْضِي عَنْهُمَا دَيْنَهُمَا، وَ لَا يَسْتَغْفِرُ لَهُمَا فَيَكْتُبُهُ اللَّهُ عَاقَّاً، وَ إِنَّهُ لِيَكُونُ لَهُمَا عَافَّاً فِي حَيَاتِهِمَا غَيْرَ بَارِّ لَهُمَا فَإِذَا مَاتَا قَضَى دَيْنَهُمَا، وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمَا فَيَكْتُبُهُ اللَّهُ تَعَالَى بَارِّاً^۳؛ هَمَانَا بَنْدَهَايِ بَالْبَرِّ وَ مَادِرِ خَوِيشِ در زمان حیاتشان نیکوکار است، سپس آن‌ها می‌میرند و او بدھی آن‌ها را نمی‌پردازد و برای شان آمرزش نمی‌خواهد؛ از این رو خدا او را عاق و نافرمان می‌نویسد و بنده دیگر در زمان حیات پدر و مادر خود مورد عاق آن‌هاست و به آن‌ها نیکی نمی‌کند، ولی چون مُردنده، بدھی آن‌ها را می‌پردازد و برای شان آمرزش می‌خواهد و خدای عز و جل او را نیکوکار می‌نویسد.

امام صادق فرمود:

مَا يَمْنَعُ الرَّجُلَ مِنْكُمْ أَنْ يَبَرَّ وَالَّذِي هَيَّنِ أَوْ مَيَّنِ، يُصَلِّي عَنْهُمَا، وَ يَتَصَدَّقُ عَنْهُمَا، وَ يَحْجُجُ عَنْهُمَا، وَ يَصُومُ عَنْهُمَا، فَيَكُونَ الَّذِي صَنَعَ لَهُمَا وَ لَهُ مِثْلُ ذَلِك.^۴

مرگ والدین نباید سبب قطع رشته خدمات گردد، بلکه باید پس از مرگ به آنها نیکی

۱. «وَ قَالَ نُوحُ...رَبِّ أَغْفِنْ لِي وَلِوَالِدَيَ...»؛ و نوح گفت: پروردگارا،... پروردگارا، مرا و پدر و مادرم را بیامز،... (نوح، آیات ۲۶ و ۲۷).

۲. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۶

۳. الکافی، ج ۲، باب البر بالوالدين، ص ۱۶۳

۴. سفينة البحار، ج ۲، ص ۶۸۶

کرد؛ برای شان نماز گزارد و صدقه داد و روزه گرفت و حج انجام داد؛ خداوند همان ثوابی را که برای آنان مقرر داشته است، به فرزند هم عطا می‌کند.

امیرالمؤمنین فرمود:

زُورُوا مَوْتَانِكُمْ فَإِنَّهُمْ يَعْرُجُونَ بِزِيَارَتِكُمْ، وَلَيُطْلِبُ أَحَدُكُمْ حَاجَتَهُ عِنْدَ قَبْرِ أَبِيهِ، وَعِنْدَ قَبْرِ أُمِّهِ بِمَا يَدْعُوهُ أَهْمَاهَا؛

مردگان خود را زیارت کنید [به زیارت اهل قبور بروید]؛ زیرا آنان از زیارت شما خوشحال می‌شوند، و هریک از شما حاجت خود را نزد قبر پدر و مادر خود بخواهد.

ویژگی دوم: اطاعت از پدر و مادر

اهمیت اطاعت از پدر و مادر

یکی دیگر از ویژگی‌های فرزند صالح در خانواده قرآنی که مورد توجه خداوند قرار گرفته، اطاعت و پیروی از پدر و مادر است. در اهمیت این خصلت و ویژگی در قرآن کریم، همین قدر کافی است که خداوند، حداقل نافرمانی در مقابل دستورها و خواسته‌های پدر و مادر را که به صورت اف گفتن می‌تواند از فرزند سرزنش، نهی فرموده^۱ است و به تعبیری می‌توان گفت: به اطاعت بی چون و چرا امر کرده و ارتکاب این عمل به ظاهر کوچک (اف گفتن) سبب تهدید به عذاب از سوی خداوند گردیده است^۲، و افراد نافرمان در مقابل فرمان و دعوت‌های پدر، مانند پسر نوح، به

۱. وسائل الشیعه، کتاب الطهارة، ابواب الدفن، باب ۵۴، ح ۵.

۲. (وَقَضَى رَبُّكَ أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِنَّا هُوَ بِالْأَوَّلِ الْذِينَ إِخْسَانًا إِمَّا يَتَّلَغَّنَ عِنْدَكَ الْكِبَرُ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَّاهُمَا فَلَا تَقْلُبْهُمَا أَفَ وَلَا تَتَهْرُّهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا)؛ و پروردگار تو حکم کرده است که جز او را نپرسید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آن دو، یا هر دو، نزد تو به پیری رسیدند، به آنان «اف» [هم که نشانگر دلتگی است] بگو، و بر آنان بانگ مزن و با آنان سخنی شایسته بگوی. (اسراء، آیه ۲۳).

۳. (وَالَّذِي قَالَ لَوَالَّذِي أَفَ لَكُمَا أَعْدَانِي أَنْ أُخْرِجَ وَقَدْ خَلَتْ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَغْيِبَانِ اللَّهَ وَيَلْكَ آمِنٌ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ)

خشم و عذاب الهی گرفتار خواهند شد.^۱ از سوی دیگر، به افراد مطیع و پیرو پدر و مادر مؤمن، وعده الحاق به آنها در بهشت، داده شده است^۲ و از آنها هم چون حضرت اسماعیل که بدون چون و چرا فرمان پدرش حضرت ابراهیم را آن هم در تقدیم جان اطاعت نمود، ستایش شده است.^۳

فلسفه اطاعت از پدر و مادر

مقتضای طبیعت بشر بلکه عقل هر انسانی چنین حکم می‌کند که باید در مقابل هر احسان و محبتی، حق‌شناسی کرد و به بهترین وجه در مقام جبران برآمد. خداوند نیز

→ فَيُقُولُ مَا هذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ * أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّ قَدْ حَلَتْ مِنْ قَلِيلٍ مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ؛ و آن کس که به پدر و مادرش می‌گوید: اُف بر شما، آیا به من و عده می‌دهید که [زنده از گور] بپرون آورده می‌شوم و حال آنکه پیش از من نسل‌ها در گذشتند او کسی از آنها زنده نشد؟ و آن دو به خدا استغاثه می‌کنند [و می‌گویند]: وای برتو! ایمان بیاور، که وعده خدا حق است، و او می‌گوید: این جز افسانه‌های پیشینیان نیست، این‌اند که در زمرة امّت‌هایی از جن و انس که پیش از آنان درگذشتند، وعده عذاب در حقشان ثابت شده است؛ به یقین آنان زیانکارند. (احقاف، آیات ۱۷ و ۱۸).

۱. «...وَتَادِي نُوحُ أَبْنَهُ وَكَانَ فِي مَغْرِبٍ يَا بُنَيَّ أَرْكَبَ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ * قَالَ سَأَوِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمٌ أَلَيْكَمْ مِنْ أَثْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحَمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا التَّوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ»؛ و نوح پسرش را که در کناری بود ندا کرد: ای پسرک من، با ما سوار شو و با کافران مباش. گفت: به زودی به کوهی پناه می‌برم که مرا از طغیان آب حفظ می‌کند. گفت: امروز در برابر فرمان خدا هیچ نکاه دارندۀ‌ای نیست، مگر کسی که خدا بر او رحم کند. و موج میان آن دو حایل شد و او از غرق شدگان گردید. (هود، آیات ۴۲ و ۴۳).

۲. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَأَتَيْعُمُهُمْ دُرْيَتِهِمْ بِإِيمَانِ الْحَقْتَنَا بِهِمْ دُرْيَتِهِمْ»؛ و کسانی که ایمان آورده و فرزندانشان در ایمان از آنان پیروی کرده‌اند، فرزندانشان را به آنان ملحق می‌کنیم... (طور، آیه ۲۱).

۳. «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ الْسَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي النَّمَاءِ أَنَّى أَذْبَحُكَ فَأَنْظَرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ أَغْلِلْ مَا تُؤْمِرُ سَجَدْتِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنْ أَصَابِرِيَنَ * فَلَمَّا أَشْلَمْنَا وَتَلَهُ لِلْجَيْنِ * وَفَدَيْنَا بِذِيْجِ عَظِيمٍ»؛ پس هنگامی که با او به حد تلاش رسید، گفت: ای پسرک من، من در خواب می‌بینم که تو را ذبح می‌کنم، بنگر که چه رأی می‌دهی؟ گفت: ای پدر، آنچه را که بدان فرمان یافته‌ای انجام ده که به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت. پس چون هر دو تسلیم [فرمان خدا] شدند، و ابراهیم او را به یک جانب صورت افکند [که ذبحش کند، عملشان را قبول کردیم]. و قربانی بزرگی را فدای او کردیم. (صفات، آیات ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۷).

بر این امر تأکید فرموده است: «هَلْ جَزْءٌ لِّإِحْسَانٍ إِلَّا إِحْسَانٌ؟»^۱ پدر و مادر از جمله کسانی هستند که تمام تلاش خود را برای رشد جسمانی و روحانی فرزند خویش صرف و سعی می‌کنند با ایثار و فداکاری و گذشت از رفاه و شادی خویش، زمینه رفاه و شادی فرزندان را فراهم نمایند و به گواه تاریخ، بسیاری از پدران و مادران حاضرند جان خود را در خطر قرار دهنند تا جان فرزندشان در خطر قرار نگیرد، بلکه می‌توان گفت پس از خداوند، بزرگ‌ترین خدمتی که کسی در حق دیگری انجام می‌دهد، خدمات ارزنده پدر و فداکاری‌های مادر است.

هستی انسان در مراحل بعدی در گرو خدمات ارزنده آنان است و پدر و مادر در دوران بارداری و کودکی، زحمات توان فرسایی را متحمل می‌شوند و در حق کودک خود مبذول می‌دارند و اگر از طرف این دو باغبان وجود، چنین خدماتی انجام نمی‌گرفت، نهال وجود تمام انسان‌ها می‌خشکید؛ به همین مناسبت، خداوند پس از مسئله شکر گزاری خویش، موضوع نیکی به پدر و مادر و اطاعت از آن‌ها را با بیان زحمت‌های مادر مطرح می‌کند^۲ تا انسان از بزرگ‌ترین وظیفه اخلاقی و وجودانی خویش آگاه گردد.

امام سجاد درباره زحمات پدر و مادر و عجز از جبران آن، به خدا عرضه می‌دارد: يَا الَّهُ، أَيْنَ طُولَ شُغْلِهِمَا بِتَرْبِيَتِي؟ وَ أَيْنَ شَدَّةُ تَعَبِّهِمَا فِي حِرَاسَتِي؟ وَ أَيْنَ اقْتَارُ هَمَا عَلَى أَنفُسِهِمَا لِلتَّوْسِعِهِ عَلَيْهِ؟ هِيَهَاتِ! مَا يَسْتَوِيَانِ مِنْيَ حَقَّهُمَا وَ لَا ادْرَكُ مَا يَجْبُ عَلَى

۱. الرحمن، آیه ۶۰.

۲. «وَوَصَّيْنَا أَبْنَائَنَا بِوَالِدَيْهِ حَتَّىٰ أَمْسُ وَهَنَا عَلَىٰ وَهُنِّي وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُنْ لِي وَلِوَالِدَيْنِكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ»؛ و به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش درحالی که سستی بر روی سستی عارض او می‌گشت دوران حمل او را گذراند، و از شیر بازگرفتنش در دو سال است. آری، به او سفارش کردیم [که برای من و برای پدر و مادرت سپاس بگزار. بازگشت [همگان] فقط به سوی من است. (لقمان، آیه ۱۴).]

لهم، و لا انا ب قادر من وظيفة خدمتهم؟ ای خدای من، کجاست تلاش زیاد والدين در تربیت من؟ کجاست زحمت فراوان آنها در حفظ من؟ کجاست سختگیری آنها بر خودشان؟ ولی توسعه و فرونی را برای من اجرا کردند. هرگز حق آنها را نمی‌توانم ادا کنم و چیزی که بر من نسبت به آنها واجب است، درک نمی‌شود و وظیفه و خدمت به آنها هرگز ادا نمی‌گردد.

محدوده اطاعت از پدر و مادر

یکی از مسائل مهم مربوط به اطاعت از پدر و مادر، موضوع محدوده اطاعت از آنان، به ویژه در مسائل اعتقادی است که در قرآن مورد توجه جدی خداوند قرار گرفته است. خداوند در مسائل اعتقادی، به ویژه مسئله توحید که یکی از اساسی‌ترین موضوع‌های اعتقادی است، انسان‌ها را از اطاعت و تقلید جاهلانه پدران و مادران نهی^۲ و به پیامد خطرناک آن هشدار داده و افراد لجوج و حق‌نایذیر که بر اطاعت و تقلید کورکورانه از پدران و اجدادشان اصرار داشتند، به انواع عذاب خویش تهدید نموده است.^۳ علت اصلی نهی خداوند، بی‌عقلی، جهل و گمراهی پدران آنها بوده

۱. تفسیر کاشف، ج ۵، ص ۳۶.

۲. «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ... وَإِنْ جَاهَدَاكَ إِثْرَثَكَ بِيْ ما يَئِسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا...»؛ و به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم... و اگر آن دو تلاش کردند که تو را براین وادراند که چیزی را شریک من سازی که نسبت به آن هیچ آگاهی نداری، از آنان فرمان میر... (لهمان، آیات ۱۴ و ۱۵) «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ إِثْرَثَكَ بِيْ ما يَئِسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا...»؛ و به انسان سفارش کردیم که نسبت به پدر و مادرش نیکی کند. و اگر آن دو کوشیدند تا چیزی را شریک من سازی که هیچ علمی به [حقانیت] آن نداری، از آنان اطاعت ممکن... (عنکبوت، آیه ۸).

۳. «وَإِلَى عِادٍ أَخَاهُمْ هُوَدًا قَالَ يَا قَوْمٍ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَعَقَّلُونَ * قَالُوا أَجِئْنَا لِتَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَدَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آباؤُنَا فَأَنَا بِمَا تَعْدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ * قَالَ فَدُّ وَقْعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضْبٌ أَتُجَادُ لُونَى فِي أَسْماءِ

است^۱ و در غیر این صورت، اگر پدر و مادری دارای شعور، شناخت، آگاهی و هدایت یافته و مؤمن باشند، اطاعت از چنین پدر و مادری از روی علم و آگاهی مورد سفارش و ستایش خداوند می‌باشد.^۲

→ سَيِّئُمُوْهَا أَنْشَمْ وَأَبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ فَإِنَّظِرُوا إِنَّى مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَنَظِّرِينَ؛ وَ بِهِ سُوْى قَوْمَ عَادِ، بِرَادِرَشَانَ هُودِ رَا افْرِسْتَادِيمْ]. گفت: ای قوم من، خدا را پرسید که برای شما معبدی جز او نیست. پس آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟ گفتند: آیا به سوی ما آمدہ‌ای که تنها خدا را پرسیتم و آنچه را پدرانمان می‌پرسیدند و اگذاریم؟ اگر راست می‌گویی، آنچه را که ما را بدان تهدید می‌کنی برای مایاور. گفت: قطعاً پلیدی [کفر] و خشمی از پروردگارتان بر شما واقع شده است. آیا درباره اسم‌هایی [ابی مسمی] که شما و پدرانتان [برای بت‌ها] نهاده‌اید، و خدا هیچ دلیلی ابر حقایقیت آنها نازل نکرده است با من مجادله می‌کنید؟ پس متظر [عذاب] باشید که من هم با شما از منتظران. (اعراف، آیات ۶۵ و ۷۰ و ۷۱) وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ تَذَبِّرِ إِلَّا قَالَ مُتَرْفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثارِهِمْ مُتَقَدِّمُونَ * فَأَنَّتَمْنَا مِنْهُمْ فَأَنَّظِرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ؛ وَ بَدِينَ كَوْنَهِ در هیچ شهری پیش از تو اخطار کننده‌ای نفرستادیم مگر این‌که خوشگذرانشان گفتند: ما پدرانمان را بر آینین یافته‌ایم و ما از آثارشان پیروی خواهیم کرد. پس، از آنان انتقام گرفتیم. پس بنگر که عاقبت تکذیب کنندگان چگونه بود؟ (زخرف، آیات ۲۳ و ۲۵) وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَتَتِعْنُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَاتُلُوا بِلْ نَتَيْعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ؛ و هنگامی که به آنان گفته می‌شود: از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می‌گویند: [نه]، بلکه ما از آنچه پدران مان را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا [در هر حال از پدرانشان پیروی می‌کنند]، هر چند شیطان آنان را به عذاب آتش شعله‌ور دعوت می‌کرده است؟ (لهمان، آیه ۲۱).

۱. ...أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَقْعُلُونَ شَيْئاً وَلَا يَهْتَدُونَ؛ ... آیا [در هر حال از پدرانشان پیروی می‌کنند]، هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی‌کردن و هدایت نیافته بودند؟ (بقره، آیه ۱۷۰) ...أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئاً وَلَا يَهْتَدُونَ؛ ... آیا [از پدرانشان پیروی می‌کنند]، هر چند پدرانشان چیزی نمی‌دانستند و هدایت نیافته بودند؟ (ماتا، آیه ۱۰۴).
۲. ...وَالَّذِينَ آمَنُوا وَأَتَيْعُثُمْ بِرُّتْبَتِهِمْ بِإِيمَانِ الْحَقْتَنَّا بِهِمْ ذُرْتَهُمْ...؛ و کسانی که ایمان آورده و فرزندانشان در ایمان از آنان پیروی کرده‌اند، فرزندانشان را به آنان ملحق می‌کنیم... (طور، آیه ۲۱) ...أَمْ كُتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَسَرَ يَعْوَبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِتِسْيِهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا تَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّهَا وَاحِدَةٌ وَتَحْنُنَ لَهُ مُسْلِمُونَ؛ آیا شما حاضر بودید هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید؟ آن کاه که به پسرانش گفت: پس از من چه چیزی را خواهید پرسید؟ گفتند: معبد تو و معبد پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را می‌پرسیم که معبدی یکانه است و ما تسلیم او هستیم. (بقره، آیه ۱۳۳) ...وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ شُرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطْعِمُهُمَا وَصَاحِبَهُمَا فِي الدُّنْيَا مَغْرُوفاً وَأَتَيْعُ سَبِيلَ مَنْ أَنَّابَ إِلَيَّ...؛ و اگر آن دو تلاش کردنده که تو را به این وادارند که چیزی

در روایات نیز به این مسئله توجه شده که به ذکر چند مورد اکتفا می‌شود:

امام صادق نیز در این باره فرمودند:

بِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَأَحِبٌ فَإِنْ كَانَا مُسْرِكَيْنِ فَلَا تُطِعْهُمَا، وَلَا غَيْرَ هُمَا فِي الْمَعْصِيَةِ فَإِنَّهُ لَأَطَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ^۱

نیکی به پدر و مادر بر همه واجب است، ولی اگر مشرك بودند، در شرك از آنها و در معصیت از هیچ کس اطاعت ممکن؛ به درستی که در معصیت خالق، هیچ کسی را حق اطاعت مخلوق نیست.

حضرت علی می‌فرماید:

إِنَّ لِلْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا... فَحَقُّ الْوَالِدِ أَنْ يُطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ^۲
حق پدر بر فرزند آن است که فرزند در هر چیزی جز معصیت خداوند، از او اطاعت کند.

در کلامی دیگر از آن حضرت آمده است:

لَأَطَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ^۳

اطاعت از مخلوق در عصیان و نافرمانی خالق روانیست.

آثار و فواید اطاعت از پدر و مادر

۱ و ۲. بهره‌مندی از هدایت الهی و نجات از عذاب خداوند
اطاعت فرزند از پدر و مادر مؤمن، سبب هدایت آنان و نجات از عذاب الهی

→ راشریک من سازی که در مورد آن هیچ آگاهی نداری از آنان فرمان مبر، ولی در [امور] دنیا به شیوه‌ای پسندیده با آن دو معاشرت کن و راه کسی را پیروی کن که توجه به من دارد. (لهمان، آیه ۱۴).

۱. بحد الاتوار، ج ۷۱، ص ۵۶.

۲. هیچ البلاغ، حکمت ۳۹۱.

۳. همان، حکمت ۱۶۷.

می‌شود. همان‌گونه که در قرآن آمده، اگر پسر حضرت نوح از فرمان پدر سرپیچی نمی‌کرد، هم از هدایت شدگان بود و هم از عذاب الهی نجات می‌یافت.^۱

۳. سبب بهره‌مندی از ستایش خداوند:

﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعْهُ الْسَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَأَنْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ أَفْعَلْ مَا تُؤْمِرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الْصَّابِرِينَ * فَلَمَّا أَسْلَمَاهَا وَتَلَّهُ لِلْجَبَيْنِ * إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * وَقَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ﴾^۲

«پس هنگامی که با او به حدّ تلاش رسید، گفت: ای پسرکم، من در خواب می‌بینم که تو را ذبح می‌کنم، بنگر که چه رأی می‌دهی؟ گفت: ای پدر، آنچه را که بدان فرمان تسلیم [فرمان خدا] شدند، و ابراهیم او را به یک جانب صورت افکند [که ذبحش کند، عملشان را قبول کردیم].* راستی که خواب خود را تحقیق بخشدید [و فرمان ما را اطاعت کردی]: ما نیکوکاران را این گونه جزا می‌دهیم [و نیت کار خیر را به جای عمل از آنان می‌پذیریم].* و قربانی بزرگی را فدای او کردیم.»

۴. سبب پیوستن فرزند به پدر و مادر در بهشت می‌شود:

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَتَعِيمٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَأَتَّبَعُتُهُمْ دُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَنْنَا بِهِمْ دُرِّيَّتُهُمْ...﴾^۳

«همانا تقوایشگان در باغ‌ها و در نعمت‌هایی فراوانند.* و کسانی که ایمان آورده و فرزندانشان در ایمان از آنان پیروی کرده‌اند، فرزندانشان را به آنان ملحق می‌کنیم.»

۱. هود، آیات ۴۲ و ۴۳.

۲. صافات، آیات ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۵ و ۱۰۷.

۳. طور، آیات ۲۱ و ۱۷.

۵. اطاعت فرزند از پدر و مادر یکی از مصادیق نیکی به پدر و مادر است و همه آثار و برکات دنیایی و آخرتی که در مورد نیکی به پدر و مادر در قرآن کریم و سخنان ائمه اطهار مطرح شده، نصیب فرزندی خواهد شد که از روی ایمان، مطیع پدر و مادرش باشد.^۱

ویژگی سوم: پرهیز از نافرمانی پدر و مادر

پرهیز از سرپیچی و نافرمانی پدر و مادر یکی از ویژگی‌های ارزشمند فرزند صالح در خانواده قرآنی می‌باشد که مورد تأکید خداوند و ائمه اطهار قرار گرفته است.

پیامدهای نافرمانی از پدر و مادر

۱. نافرمانی از دستور الهی

نافرمانی از پدر و مادر، سبب نافرمانی و نادیده گرفتن سفارش‌ها و دستورهای خداست، زیرا خداوند در آیات گوناگون، به نیکی به پدر و مادر و اطاعت از آن‌ها سفارش کرده^۲ و نافرمانی از دستورها و درخواست‌های آنان را حتی در حد اف گفتن، نهی کرده است.^۳

۲. گرفتار شدن به عذاب الهی

خداوند در مورد کسی که در مقابل دستورهای پدر و مادر مومن در مورد ایمان

۱. ر.ک: همین اثر، فصل دوم، ویژگی اول، آثار و فواید نیکی به پدر و مادر.

۲. بقره، آیه ۸۳ نساء، آیه ۳، انعام، آیه ۱۵۱، اسراء، آیات ۲۳ و ۲۵، عنکبوت، آیه ۸ لقمان، آیات ۱۴ و ۱۵ و

احقاف، آیه ۱۵.

۳. اسراء، آیه ۲۳ و احقاف، آیات ۱۵ و ۱۷.

آوردن، سرپیچی کرده، می‌فرماید: چنین کسانی به عذاب من گرفتار خواهند شد؛^۱ همان گونه که پسر نوح به سبب نافرمانی از دستور پدرش - حضرت نوح - به عذاب الهی گرفتار شد.^۲

۳. از زمرة زیان‌کاران

سرپیچی از فرمان پدر و مادر، سبب ورود در جمع زیان‌کاران است:

﴿وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أَفٌ... وَهُما يَسْتَغْيِثَانِ اللَّهَ وَيَلْكَ آمِنٌ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ * إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ﴾^۳

و آن کس که به پدر و مادرش می‌گوید: اُف بِر شما، و آن دو به خدا استغاثه می‌کنند [و می‌گویند]: وا بر تو! ایمان بیاور، که وعده خدا حق است، و او می‌گوید: این جز افسانه‌های پیشینیان نیست، * اینانند که در زمرة امت‌هایی از جن و انس که پیش از آنان درگذشتند، وعده عذاب در حقشان ثابت شده است؛ به یقین آنان زیان‌کارند.

۴. از زمرة ستمگران و گناه‌کاران

﴿يَا يَحْيَىٰ حُذِيرَةُ الْكِتَابِ... وَبَرَّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَتَارًا شَقِيقًا﴾^۴

ای یحیی، کتاب [خدا] را به قوت بگیر؛...* و با پدر و مادرش خوش‌رفتار بود و زورگو و سرکش نبود.

۱. احقاف، آیات ۱۷ و ۱۸.

۲. هود، آیات ۴۲ و ۴۳.

۳. احقاف، آیات ۱۷ و ۱۸.

۴. مریم، آیات ۱۲ و ۱۴.

۵. از زمرة بدبختان

﴿قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ... * وَبَرَا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَارًا شَقِيقًا﴾^۱

[عيسى] گفت: من بنده خدایم،... * و مرا با مادرم خوش رفتار ساخته و زورگو و تیره بختم نکرده است.

پیامد نافرمانی از پدر و مادر در روایات

نافرمانی از اطاعت پدر و مادر و سرپیچی از دستورهای آنان، از مصاديق روشن عاق والدين می باشد^۲ که در روایات، پیامد بسیار خطرناکی، چه دنیایی و چه آخرتی، درباره آن از حضرات معصومین نقل شده و به عنوان بزرگترین گناه کبیره^۳ و رشت ترین گناه^۴ معروفی شده است. توجه به هر یک از آن پیامدها می تواند انسان را از مقام والای پدر و مادر آگاه نموده، او را از هر گونه سرپیچی و نافرمانی از آنان باز بدارد. گفتنی است که مراد از نافرمانی از پدر و مادر که پیامد ناگواری را به همراه دارد، شامل صورتی است که پدر و مادر به گناه و نافرمانی خدا دستور ندهند، که در این فرض - همان گونه که در بحث محدوده اطاعت از پدر و مادر گذشت - هیچ فرزندی حق ندارد از دستورهای پدر و مادر که او را به گناه و شرک دعوت می نمایند، اطاعت نماید،^۵ گرچه وظیفه دارد با آنان، خوش رفتاری نماید و تا حد امکان زمینه ناراحتی

۱. همان، آیات ۳۰ و ۳۲.

۲. فرهنگ معین «عق»، المثلج «عق»، مجتمع البحرين «عق».

۳. قال رسول الله ﷺ : «أَكْبَرُ الْكَبَائِرِ، الْشَّرُكُ بِاللَّهِ، وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ» مستدرک الوسائل، کتاب النکاح، ابواب احکام الاولاد، باب ۷۵، ح ۷۹.

۴. قال امام علی : «أَقْبَحُ الْمُعَاصِي قَطْبِيَّةُ الرَّجْمِ وَالْعَقُوقُ» میزان الحكم، ج ۱۰، ص ۷۱۲.

۵. «وَصَبَّنَا إِلَيْنَا بِوَالَّدَيْهِ حُسْنَاً وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِيْ ما لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطْعِمُهُمَا...»؛ و به انسان سفارش کردیم که

آنها را فراهم نکند. پیامد مطرح شده در روایات، برخی مربوط به دنیاست که گریان‌گیر فرد نافرمان و عاق والدین می‌شود و بعضی مربوط به پس از مرگ و آخرت است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

الف - پیامدهای دنیابی

۱. مجازات در دنیا: قال رسول الله ﷺ :

ثَلَاثَةٌ مِّنَ الدُّنْوِبِ تُعَجَّلُ عَقُوبَتِهَا وَ لَا تُؤَخَّرُ إِلَى الْآخِرَةِ: عُقوَقُ الْوَالِدَيْنِ، وَ الْبَغْيُ عَلَى النَّاسِ، وَ كُفْرُ الْإِحْسَانِ!

سه دسته از گناهان در همین دنیا مورد عقوبت و مجازات واقع می‌شوند و عذاب آن‌ها تا به آخرت تأخیر نمی‌افتد: عاق والدین، ستمکاری به مردم و کفران نیکی و احسان.

۲. اجابت نشدن دعا: قال الصادق :

... وَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ... عُقوَقُ الْوَالِدَيْنِ!

یکی از گناهانی که سبب رد دعای انسان می‌شود، نافرمانی و عقوق والدین است.

۳. بند آمدن زبان هنگام جان دادن:

→ نسبت به پدر و مادرش نیکی کند. و اگر آن دو کوشیدند تا چیزی را شریک من‌سازی که هیچ علمی به [حقانیت] آن نداری، از آنان اطاعت مکن... (عنکبوت، آیه ۸) «وَصَيَّبَنَا إِلَيْهِنَا بِوَالِدَيْهِ... وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا نَهِيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطْهِمُهُمَا وَصَاحِبِيْسِهِمَا فِي أَدْلِيْتِهِمَا مَعْرُوفاً...»؛ و به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم... و اگر آن دو تلاش کردند که تو را بر این وادارند که چیزی را شریک من‌سازی که به آن هیچ آگاهی نداری، از آنان فرمان مبر، ولی در [امور] دنیا به شیوه‌ای پسندیده با آن دو معاشرت کن، و راه کسی را پیروی کن که توجه به من دارد؛ سپس بازگشت شما فقط به سوی من است، آنگاه شما را از آنچه می‌کردید با خبر خواهم ساخت. (للمان، آیات ۱۴ و ۱۵).

۱. امامی مفید، ج ۱، مجلس بیست و هشتم، ص ۲۳۷.

۲. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۷۴ و الکافی، ج ۲، ص ۴۴۸.

دخل رسول الله ﷺ عَلَى الْحَارِثِ فِي مَرَضِهِ الَّذِي ماتَ فِيهِ، فقال: قُلْ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، وَقَدِ احْتَبَسَ لِسَانُهُ، فَعَلِمَ النَّبِيُّ ﷺ أَنَّهُ مِنَ الْعُوقُقِ، فَدَعَا أُمَّهُ وَتَسَفَّعَ إِلَيْهَا بِالرَّضِيَّ عنْهُ، فَرَضِيَتْ فَفَتَحَ اللَّهُ لِسَانَهُ حَتَّى شَهَدَ أَنَّ لِإِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَماتَ عَلَى ذَلِكَ^١؟

پیامبر اسلام ﷺ روزی بر حارت که بیمار بود، وارد شد و فرمود: کلمه توحید (لا اله الا الله) را بر زبان خود جاری کن، ولی حارت زبانش از گفتن این کلمه باز ماند. رسول خدا ﷺ متوجه شد که مورد عاق مادر خود است؛ از این رو مادر او را خواند و درخواست شفاعت و رضایت از فرزندش نمود و مادرش راضی شد. در این هنگام زبانش باز شد و به وحدانیت خدا شهادت داد و در حالی که مادرش از او راضی بود، از دنیا رفت.

٤. ساقط شدن از عدالت برای امامت نماز: عمر بن یزید می‌گوید: از امام صادق پرسیدم: امام جماعتی است که هیچ ایرادی ندارد و به همه مسائل آشنایی دارد، فقط با پدر و مادرش به درشتی سخن می‌گوید و آنان را به خشم می‌آورد، آیا می‌توانم پشت سر چنین کسی قرائت نماز را خودم بخوانم؟ امام در پاسخ فرمود:

لَا تَقْرَأْ خَلْفَةً مَا لَمْ يَكُنْ عَاقَّاً قَاطِعاً؛

به او اقتدا کن و حمد و سوره‌ات را نخوان تا وقتی که عاق والدین و قاطع رحم نباشد.^٢

٥. کوتاه شدن عمر: رسول الله ﷺ فرمود:

... عُقُوقُ الْوَالَّدَيْنِ يُبَيِّنُ الْعُمَرَ...^٣

١. مستدرک الوسائل، کتاب النکاح، احکام الاولاد، باب ح۷۵، ح۳۵.

٢. من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٣٧٩ و ٣٨٠.

٣. مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٣٠٥.

نافرمانی پدر و مادر دنباله عمر را قطع می‌کند.

امام هادی فرمود:

وَالْعُقُوقُ يُعَقِّبُ الْقِلَةَ وَيُؤَدِّي إِلَى الذِّلَّةِ^۱؛

نافرمانی و عاق والدین سبب کمی [مال و آبرو و عمر] شده و شخص را به ذلت می‌کشاند.

۶. فقر: باز آن حضرت فرمود:

الْعُقُوقُ يُعَقِّبُ الْقِلَةَ...^۲؛

عق والدین سبب کم شدن [مال و آبرو و عمر] می‌شود.

۷. ذلت و خواری: هم‌چنین از همان بزرگوار نقل شده است:
الْعُقُوقُ... يُؤَدِّي إِلَى الذِّلَّةِ^۳؛

عق والدین سبب ذلت و خواری می‌شود.

۸. سلب شدن توفیقات: امام رضا فرمود:

حَرَّمَ اللَّهُ عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ لِمَا فِيهِ مِنَ الْخُرُوجِ مَنِ التَّوْفِيقِ لِطَاعَةِ اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ -
وَ التَّوْقِيرِ لِلْوَالِدَيْنِ...^۴؛

خداوند عاق والدین شدن را حرام گردانید؛ زیرا سبب سلب توفیق در طاعت خدا و مخالف با بزرگداشت والدین می‌باشد.

ب: پیامد آخرتی

۱. محرومیت از آمرزش الهی: رسول خدا فرمود:

۱. همان، کتاب النکاح، ابواب احکام الاولاد، باب ۷۵، ح ۲۹.

۲. همان.

۳. وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ابواب احکام الاولاد، باب ۷۵، ح ۲۹.

۴. بحار الانوار، ج ۷۴، باب ۲، ح ۶۶.

يُقال لِلْعَاقٍ: إِعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنِّي لَا أَغْفِرُ لَكَ!

به عاق والدين گفته می شود: هر چه می خواهی بکن، پس به درستی که من تو را نمی آمرزم.

۲. مانع قبولی اعمال: پیامبر گرامی صلوات الله عليه وآله وسلام فرمود:

**أَخْبَرَنِي جِبْرِيلُ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى: يَعْزِيزِي وَجَلَالِي وَارْتِفَاعِ مَكَانِي! لَوْ أَنَّ الْعَاقَّ
لِوَالِدَيْهِ يَعْمَلْ بِأَعْمَالِ الْأَتْبَيْعَ جَمِيعًا لَمْ أَقْبِلْهَا مِنْهُ؟**

جبرئیل به من خبر داد از جانب خدای تعالی که به عزّت و جلال و بلندی مقامم سوگند! اگر عاق والدين اعمال همه انبیا را انجام دهد، از وی نمی پذیرم.

از رسول خدا صلوات الله عليه وآله وسلام نقل شده است که فرمود:

**إِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ قَالَ: يَا رَبِّ، أَيْنَ صَدِيقِي فُلَانُ الشَّهِيدُ؟ قَالَ تَعَالَى: فِي
النَّارِ، قَالَ: أَلَيْسَ قَدْ وَعَدْتَ الشُّهَدَاءَ الْجَنَّةَ؟ قَالَ: بَلَى، وَلِكُنْ كَانَ مُصْرِّاً عَلَى
عُقُوقِ الْوَالِدَيْنِ وَأَنَا لَا أَقْبِلُ مَعَ الْعُقُوقِ عَمَلاً؟**

حضرت موسی عرض کرد: خدایا، آن رفیق من که شهید شد، در کجا بسر می برد؟ خطاب رسید: او در جهنّم است، عرض کرد: مگر شهدا را وعده بهشت نداده ای؟ فرمود: چرا، ولی او اصرار داشت به نافرمانی و عاق والدين و من عمل چنین کسی را نمی پذیرم.

۳. محرومیت از دیدار پیامبر صلوات الله عليه وآله وسلام در قیامت: رسول خدا صلوات الله عليه وآله وسلام فرمود:

كُلُّ الْمُسْلِمِينَ يَرَوْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَاقُ الْوَالِدَيْنِ...؟

۱. همان، ج ٧٤، ص ٨٠.

۲. اطیب البیان، ج ۱۰، ص ۴۲۳.

۳. مسدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۹۳.

۴. اطیب البیان، ج ۱۰، ص ۴۲۳.

تمام مسلمانان روز قیامت مرا می‌بینند، مگر چند طایفه که از جمله آن‌ها، عاق والدین است.

۴. مشمول لعن الهی: انس بن مالک گوید: نزد علی بن ابی طالب بودم در آن ماهی که به فیض شهادت رسید و آن ماه رمضان بود. فرزندش امام حسن مجتبی را طلب کرد و فرمود: ای ابا محمد، بالای منبر برو و حمد و ثنای خدای را بسیار بگو و یاد جدت رسول خدا را به بهترین صورت بیان کن و بگو خدا لعنت کند فرزندی که پدر و مادرش را نافرمانی کند و مورد عاق آنها قرار گیرد.^۱

۵. مشمول لعن پیامبر اکرم ﷺ:

لَعْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَرْبَعَةً... وَ الْعَاكَ^۲؟

پیامبر اکرم ﷺ چهار گروه را لعنت کرد که یکی از آن‌ها کسی است که مورد عاق پدر و مادر واقع می‌شود.

۶. محرومیت از بهشت و نعمتهای آن: رسول خدا ﷺ فرمود:

أَرْبَعَةٌ حُقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُدْخِلَهُمُ الْجَنَّةَ، وَ لَا يُذْيِقُهُمْ تَعِيمَهَا: مُذْمِنُ الْخَمْرِ، وَ آكِلُ الرِّبَا، وَ آكِلُ مَالِ الْيَتَمِ بِغَيْرِ حَقٍّ، وَ الْعَاكُ لِوَالِدِيهِ^۳؛

خداآوند به چهار گروه اجازه ورود به بهشت نمی‌دهد و از نعمت‌هایش به آن‌ها نمی‌چشاند: شراب‌خوار؛ ربا‌خوار؛ آن‌کس که مال‌یتیم به ناحق خورد و آن که عاق خداوند به چهار گروه اجازه ورود به بهشت نمی‌دهد و از نعمت‌هایش به آن‌ها نمی‌چشاند: شراب‌خوار؛ ربا‌خوار؛ آن‌کس که مال‌یتیم به ناحق خورد و آن که عاق

پدر و مادر باشد.

قال رسول الله ﷺ:

ثَلَاثَةٌ قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَنَّةَ: مُذْمِنُ الْخَمْرِ، وَ الْعَاكُ، وَ الدَّيْوُثُ الَّذِي يُقْرُرُ فِي

۱. معانی الاخبار، ص ۱۱۸.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۹۳.

۳. نهج الفضاح، ص ۴۹.

أَهْلِهِ الْخُبْثَ^۱

سه گروه هستند که خداوند بهشت را بر آن‌ها حرام کرده است: شراب خوار، عاق والدین و دیویت که بی‌ناموسی را در خانواده خود ندیده گیرد.

قال رسول الله ﷺ :

إِيّاكُمْ وَ عَقُوقَ الْوَالَّدَيْنِ فَإِنَّ رِيحَ الْجَنَّةِ تُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ أَلْفِ عَامٍ وَ لَا يَجِدُهَا عَاقٌ، وَ لَا قَاطِعٌ رَحِيمٌ^۲؟

بر حذر باشید از نافرمانی پدر و مادر، همانا بوی بهشت از مسیر هزار سال به مشام می‌رسد، اما عاق والدین و قطع کننده رحم از آن محروم است.

۷. ورود به جهنم: قال رسول الله ﷺ :

كَنْ بَارِّاً وَ اقْتَصِرْ عَلَى الْجَنَّةِ، وَ إِنْ كُنْتَ عَاقًا فَظَاهِرًا فَاقْتَصِرْ عَلَى التَّارِ^۳؛

با پدر و مادر مهریان باش که جایگاه تو در بهشت است، ولی اگر در برابر شان نافرمان باشی، جهنم و آتش نصیب توست.

۸. محروم شدن از نظر الهی: پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

چهار نفرند که خداوند در قیامت به آنان نگاه نمی‌کند: یکی از آن چهار نفر، عاق والدین است.^۴

۹. قبول نشدن نماز: امام صادق فرمود:

مَنْ نَظَرَ إِلَى أَبُوئِهِ نَظَرَ مَاقِتٍ وَ هُمَا ظَالِمَانِ لَهُ، لَمْ يَقْبِلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاتَهُ^۵؛

کسی که به پدر و مادر خود خشمگینانه نگاه کند، در حالی که آن دو بر او ظلم کرده

۱. همان، ص ۱۱.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۳۲۸؛ بحار الانوار و ج ۷۴، ص ۸۳.

۳. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۴۴.

۴. خصال، ترجمه جعفری، ج ۱، ص ۲۹۴.

۵. بحار الانوار، ج ۷۴، باب ۲، ح ۲۶.

باشند، خداوند نماز او را قبول نمی‌کند.

ویژگی چهارم: تشکر از پدر و مادر

اهمیت تشکر از پدر و مادر

قدرشناسی از زحمات پدر و مادر، وظیفه‌ای است که عقل هر انسانی به آن حکم می‌کند و هر نوع ناسپاسی از آن‌ها، مورد سرزنش هر انسان منصفی است.

در اهمیت تشکر و قدردانی از پدر و مادر نزد خداوند، همین قدر کافی است که خداوند، شکر گزاری از آنان را در کنار شکر از خودش مطرح کرده است: «أَنِ اَشْكُرُ لِي وَلِوَالِدَيْكَ^۱. امام رضا در مورد این آیه فرمودند: «همانا خداوند به سپاس‌گزاری از پدر و مادر امر کرده است؛ پس هر کس از پدر و مادرش سپاس‌گزاری نکند، شکر خدا را به جا نیاورده است.»^۲

آن امام بزرگوار، در سخن دیگر فرمود: «تشکر از پدر و مادر یکی از حقوق واجب بر عهده فرزند می‌باشد.»^۳

آثار و فواید تشکر از پدر و مادر

قدردانی از پدر و مادر، از مصاديق روشن نیکی به پدر و مادر است که همه برکات و فواید آن را دارا می‌باشد و مهم‌تر از هر چیز، تشکر فرزند از پدر و مادر نشانه پی بردن به ارزش زحمات و فدایکاری‌های آنان می‌باشد که سبب خشنودی پدر و مادر می‌شود.

۱. لقمان، آیه ۱۴.

۲. تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۰۱، ح ۳۴.

۳. تحف العقول، ص ۲۳۸.

انواع تشکر از پدر و مادر

تشکر از خدمات پدر و مادر، با زبان و عمل انجام می‌گیرد. سپاس زبانی نیکوست، اما افزون برآن، باید با عمل نیز از پدر و مادر تشکر شود تا صداقت در شکرگزاری محقق گردد.

ویژگی پنجم: احترام به پدر و مادر

اهمیت احترام به پدر و مادر

احترام به پدر و مادر یکی از راههای قدرشناصی از خدمات و فداکاری‌های آنان است که مورد تأیید هر انسان عاقلی است و در مقابل، هر گونه بی‌حرمتی به آنان، مورد سرزنش و توبیخ هر انسان منصفی می‌باشد. خداوند منان نیز به پاس قدردانی از تلاش‌های خالصانه پدر و مادر، احترام به آنان را به ویژه در سن پیری، بر فرزندان لازم و هر گونه بی‌احترامی، حتی در حد کوچک‌ترین فعل مانند اف گفتن به آنان را نهی فرموده است! از سوی دیگر، افرادی که پدر و مادر خویش را، احترام کردند،

۱. (وَقَضَى رَبُّكَ أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِإِلَوَالِدِينِ إِخْسَانًا إِمَّا يَبْيَلُغُنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَخْدُهُمَا أُوكِلَاهُمَا فَلَا تَقْلُّ لَهُمَا أُفَّ وَلَا تَنْهَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا * رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلَّادُوَّا يَنْ غَفُورًا)؛ و پروردگار تو حکم کرده است که جز او را پرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آن دو، یا هر دو، نزد تو به پیری رسیدند، به آنان «اف» [هم که نشانگر دلتنگی است] نگو، و بر آنان بانگ مزن و با آنان سخنی شایسته بگوی. پروردگاران به آنچه در ضمیر تان است [از خودتان آگاه‌تر است. اگر شایسته باشید، قطعاً او آمرزندۀ توبه‌کنندگان است. (اسراء، آیات ۲۳ و ۲۵) «وَوَصَّيْتَا إِلَيْنَا إِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهُنَّا عَلَىٰ وَمُنِّ وَفَصَالَهُ فِي عَامِينِ أَنِ اشْكُنْ لِي وَلِوَالِدِيهِ إِلَيَّ التَّصِيرِ * وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا نَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُنْهِيَهُمَا وَصَاحِبَهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَأَتَبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ قَاتِبُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»؛ و به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش درحالی که سستی بر روی سستی عارض او می‌گشت دوران حمل او را گذراند، و از شیر باز گرفتنش در دو سال است. آرای، به او

مانند حضرت یحیی، حضرت عیسی، حضرت اسماعیل و حضرت یوسف را ستایش و تمجید می‌کند^۱ و در مقابل، افرادی را که به پدر و مادر خویش بی‌احترامی کردند، به عذاب خویش تهدید نموده و آن‌ها را از زیان‌کاران شمرده است.^۲

→ سفارش کردیم[که برای من و برای پدر و مادرت سپاس بگزار. بازگشت [همگان] فقط بهسوی من است. و اگر آن دو تلاش کردند که تو را براین وادراند که چیزی را شریک من سازی که نسبت به آن هیچ آگاهی نداری، از آنان فرمان مبر، ولی در [امور] دنیا به شیوه‌ای پسندیده با آن دو معاشرت کن، و راه کسی را پیروی کن که توجه به من دارد؛ سپس بازگشت شما فقط به سوی من است، آن‌گاه شما را از آنچه می‌کردید با خبر خواهم ساخت. (لقمان، آیات ۱۴ و ۱۵).

۱. «وَسَرَا بِوَالَّذِيْهِ وَأَمْ يَكُنْ جَبَارًا عَصِيًّا * وَبَرَا بِوَالَّذِيْهِ وَلَمْ يَغْلُطْنِي جَبَارًا شَقِيًّا»؛ و با پدر و مادرش خوش‌رفتار بود و زورگو و سرکش نبود. و مرتباً به مادرم خوش‌رفتار ساخته و زورگو و تیره بختم نکرده است. (مریم، آیات ۱۴ و ۳۲) «فَلَمَّا بَلَغَ سَعْةَ الْسَّعْيِ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرِي فِي النَّارِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَأَنْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ أَفْعُلُ مَا شُوْمَرُ سَجَدْنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنْ أَصْتَابِرِينَ»؛ پس هنگامی که با او به حد تلاش رسید، گفت: ای پسرک من، من در خواب می‌بینم که تو را ذبح می‌کنم، بنگر که چه رأی می‌دهی؟ گفت: ای پدر، آنچه را که بدان فرمان یافته‌ای انجام ده که به خواست خدا را از صابران خواهی یافت. (صفات، آیه ۱۰۲) «فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ أَوْى إِلَيْهِ أَبُوْيَهُ وَقَالَ أَدُخُلُوا يَضْرِبُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ أَمْنِيْنَ * وَرَقَعَ أَبُوْيَهُ عَلَىٰ الْعَرْشِ...»؛ [یعقوب و خاندانش به سوی مصر حرکت کردند؛] پس هنگامی که [در محل استقبال] بر یوسف وارد شدند، یوسف پدر و مادرش را نزد خود جای داد و گفت: به مصر در آیید که به خواست خدا در امن و امان خواهید بود. و پدر و مادرش را بر تخت بالا برد، و همه در برابر او خصوص کنان به زمین افتادند، و یوسف گفت: ای پدر، این تعییر خواب گذشته من است که پروردگارم به آن تحقق بخشد، و راستی او به من احسان کرد که مرا از زندان خارج ساخت و شما را از آن بیابان [یه این جا] آورد، پس از آن که شیطان میان من و برادرانم فتنه افکند. به یقین پروردگار من نسبت به آنچه بخواهد صاحب لطف است. همانا اوست که دانا و حکیم است. (یوسف، آیات ۹۹ و ۱۰۰).

۲. «وَالَّذِي قَالَ لَوَالَّذِيْهِ أَفْ لَكُمَا أَتَعْدَنِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتْ أَلْقَوْنُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَعْيِشانَ اللَّهُ وَلِكَ أَمْ إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا اسْاطِيرُ الْأَوَّلِيْنَ * أُولَئِكَ الَّذِيْنَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أَمْمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِيْنَ»؛ و آن کس که به پدر و مادرش می‌گوید: اف بر شما، آیا به من وعده می‌دهید که [زنده از گور] بیرون آورده می‌شوم و حال آن که پیش از من نسل‌ها در گذشتند او کسی از آنها زنده نشد؟ و آن دو به خدا استغاثه می‌کنند [و می‌گویند]: وای برتون! ایمان بیاور، که وعده خدا حق است، و او می‌گوید: این جز افسانه‌های پیشینیان نیست، اینانند که در زمرة امته‌هایی از جن و انس که پیش از آنان درگذشتند، وعده عذاب در حقشان ثابت شده است؛ به یقین آنان زیانکارند. (احقاف، آیات ۱۷ و ۱۸).

محدوده احترام به پدر و مادر

احترام به پدر و مادر هیچ محدوده‌ای ندارد و شامل هر پدر و مادری می‌شود، حتی اگر مشرک باشند، برخلاف اطاعت کردن که مقید به عدم دعوت به شرک ورزش است^۱؛ از این رو، همان‌گونه که در بحث نیکی کردن به پدر و مادر گذشت - با توجه به دستور صریح خداوند، فرزندان وظیفه دارند به پدر و مادر خود احترام کنند و اگر آنان تلاش کردند فرزندانشان را به شرک دعوت کنند، خواسته آنان را اجابت نکنند، ولی حق ندارند نسبت به آن‌ها بی احترامی کنند، بلکه باید حرمت‌شان را نگه دارند.

آثار احترام به پدر و مادر

با توجه به این‌که احترام به پدر و مادر یکی از مصادیق روش‌شن احسان و نیکی به آنان است، تمام آثار و برکات نیکی به پدر و مادر که پیش‌تر بیان شده، در مورد احترام، نیز مطرح می‌باشد که برای پرهیز از تکرار، از ذکر آن‌ها خود داری می‌شود.

رعایت احترام پدر و مادر در سخن گفتن با آنان

برخورد عاطفی و مؤدبانه با پدر و مادر و احترام آنان به هنگام سخن گفتن با ایشان، از سفارش‌ها و تکلیف‌های الهی است که در قرآن به آن اشاره شده است.^۲ در این سفارش خداوند شرایط سنی پدر و مادر نیز مطرح گردیده تا فرزندان هنگام

۱. لقمان، آیه ۱۵.

۲. «وَقُضِيَ رُبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيمَانًا وَبِالْأَدِينِ إِحْسَانًا إِمَّا يَتَّلَغَّنَ عَنْكَ الْكِبَرَ أَخْدُمُهَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تُقْرَنْ لَهُمَا أُفْ وَلَا تَنْهَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»؛ وپروردگار تو حکم کرده است که جز او را پرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آن دو، یا هر دو، نزد تو به پیری رسیدند، به آنان «أَفْ» [هم که نشانگر دلتگی است] نگو، و بر آنان بانگ مزن و با آنان سخنی شایسته بگوی. (اسراء، آیه ۲۳).

برخورد با پدر و مادر پیر، با صبر و حوصله بیشتر، احترام آن‌ها را نگه دارند، زیرا کهولت سن دارای آثاری چون کم حوصلگی می‌باشد که این امر سبب شده تا فرزندان توجه ویژه‌ای به آن‌ها داشته باشند.

پیامد بی‌احترامی به پدر و مادر

بی‌احترامی به پدر و مادر یکی از عوامل عاق والدین است، زیرا سبب ناراحتی و اذیت آنان می‌شود و پیامدهای خطرناکی که در بحث نافرمانی از پدر و مادر مطرح شد، برای فردی که احترام پدر و مادر را رعایت نکند، مطرح می‌باشد.

حضرت علی می‌فرماید:

مَنْ أَحْرَّنَ وَالِّدِيْهِ فَقَدْ عَقَّهُمَا^۱؛

هر کس پدر و مادرش را اندوهگین کند، مورد عاق آن‌ها قرار گرفته است.

امام صادق فرمود:

کم‌ترین عاق والدین، گفتن اف به پدر و مادر است و اگر خداوند -عز و جل - چیزی را کمتر از آن می‌دانست، از آن نهی می‌فرمود.^۲

حضرت در کلامی دیگر فرمود: «نگاه تنده به پدر و مادر سبب عاق والدین می‌شود.»^۳

احترام به پدر و مادر در روایات

احترام به پدر و مادر از سوی پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار بسیار سفارش شده

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۷۲.

۲. تفسیر نور التغیین، ج ۳، ح ۱۳۰.

۳. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۶۱.

است که در بحث نیکی به پدر و مادر و پیامد نافرمانی از پدر و مادر، به بعضی از آن‌ها اشاره شد؛ در این جا نیز به گوشاهای از سخنان ارزشمند آنان اشاره می‌شود.

امام صادق درباره احترام به پدر و مادر، ذیل آیه **﴿إِمَّا يَبْلُغُنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ﴾** فرمود: «اگر پدر و مادر احترام تو را نگه نداشتند و سبب ناراحتی تو شدند، تو احترام آن‌ها را نگه‌دار و به آن‌ها اف نگو و اگر تو را زدند، تو آن‌ها را ناراحت نکن».^۱ زیرا بی احترامی به آن‌ها با گفتن اف، سبب عاق والدین می‌شود؛ چرا که اگر چیزی کمتر از اف گفتن، وجود داشت که سبب بی احترامی پدر و مادر می‌شد، خداوند از آن منع می‌کرد.^۲ در مورد آیه **﴿وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾** فرمود: «اگر تو را زدند، در جواب بگو: خداوند شما را بی‌امزد».^۳

و در مورد آیه **﴿وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الْذَلْلِ مِنَ الرَّحْمَةِ﴾** فرمود: «نگاه به پدر و مادر باید با محبت همراه باشد و صدای فرزند نباید از صدای آن‌ها بلندتر گردد و دست فرزند نباید از دست آن‌ها بالاتر باشد و جلوتر از آن‌ها نباید حرکت کند».^۴

امام کاظم فرمود: «کسی نزد پیامبر اکرم ص آمد و از حق پدر سؤال کرد. حضرت فرمود:

لَا يُسَمِّيهِ بِاسْمِهِ، وَ لَا يَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ، وَ لَا يَجْلِسُ قَبْلَهُ، وَ لَا يُسْتَبِّبْ لَهُ؛^۵ فرزند نباید پدرش را به اسم صدا زند و جلوتر از او راه برود و قبل از او بنشیند و کاری کند که مردم به پدرش بدگویی کنند».

ابراهیم بن مهزم گفت: از نزد امام صادق هنگام شب خارج شده و به منزل خود

۱. همان، ج ۷۴، ص ۲۹ و الکافی، ج ۳، ص ۱۵۸.

۲. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۵۹ و الکافی، ج ۲، ص ۳۴۸.

۳. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۹.

۴. همان.

۵. تفسیر نور التقیین، ج ۳، ص ۱۴۹.

در مدینه آمدم، در حالی که مادرم با من بود. بین من و او صحبتی درگرفت که من با درشتی صحبت کردم. وقتی صبح شد، نماز صبح را خواندم و به محضر امام آمدم. تا وارد شدم، امام بدون مقدمه، فرمودند: ای پسر مهزم، چه شده بین تو و مادرت که در کلام دیشب به او درشتی کردی؟ آیا نمی‌دانی که شکم او منزلی بود که ساکن آن تو بودی و دامن او گهواره‌ای بود که در آن راحت می‌گرفتی، و پستان او ظرفی بود که از آن می‌آشامیدی؟! گفتم بلی. فرمود: پس دیگر با او تندی نکن.^۱

شخصی در زمان امام صادق به محضر آن حضرت آمد و از پدر خود چنین شکایت کرد که پدر من خانه را به من بخسیده است، اما اکنون پشمیمان شده است. امام صادق فرمود: پدرت بعد از بخشیدن منزل، کار بدی کرده که پشمیمان شده است، لیکن با این وضع اگر پدرت با شما بحث کرد، صدای خود را در جواب او بلند نکن، و اگر او صدای خود را بلند کرد، در مقابل پدرت، صدای خود را پایین نگاهدار و صدای خود را هرگز مانند دو نفری که با هم نزاع می‌کنند، در مقابل پدر خود بلند نکن.^۲ امام باقر فرمود: «پدرم در راه، پدر و پسری را دید با هم راه می‌رفتند، ولی پسر [بی ادب در حال حرکت] به بازوی پدر تکیه کرده بود. پدرم زین العابدین از این عمل ناپسند آن چنان خشمگین شد که تا پایان زندگی با آن پسر حرف نزد». ^۳

احترام به پدر و مادر در سیره عملی پیامبر اکرم ﷺ

۱. احترام به پدر و مادر رضاعی

در سال‌های آغار بعثت، روزی پیامبر اکرم ﷺ، فرش یا روپوش خود را در زمین

۱. بحد الاتوار، ج ۷۴، ص ۷۶

۲. وسائل الشیعه، کتاب القضا، ابواب کفیة الحکم و احکام الدعوی، باب ۳۶، ج ۲.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۳۴۹

پهن کرده و روی آن نشسته بود، ناگهان دید شوهر حلیمه سعده‌یه - مادر رضاعی حضرت، حارث بن عبدالعزی - به حضور آن حضرت می‌آید. پیامبر ﷺ به یاد مهربانی‌های او، از جا برخاست و به او احترام شایانی کرد و گوشه‌ای از روپوش خود را گسترده و او را روی آن نشاند، طولی نکشید که مادرش، حلیمه وارد شد. حضرت گوشه دیگر روپوش خود را برای او پهن کرد و او را نیز روی آن نشاند و محبت فراوانی به او نمود.^۱

۲. احترام به مادر حضرت علی

روزی علی ، گریان نزد پیامبر اکرم ﷺ آمد و گفت: «اَنَّ اللَّهَ وَ اَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ» رسول خدا ﷺ به او فرمود: چرا گریانی؟ گفت: یا رسول الله مادرم [فاطمه بنت اسد] رحلت کرد. پیامبر گریست و فرمود: اگر مادر تو بود، مادر من هم بود. این عمامه مرا با این پیراهنم برگیر و او را در آن کفن کن و به زن‌ها بگو، خوب غسلش بدھند و بیرونش نبرتا من بیایم که کار او با من است. پیامبر ﷺ، پس از ساعتی آمد و بر جنازه او نماز خواند که مانند آن را بر دیگری نخوانده بود و چهل تکبیر گفت و در قبر او دراز خوابید و علی و حسن را با خود وارد قبر کرد و چون از کار خود فارغ شد، به علی و حسن فرمود: از قبر بیرون بروند و خود را به بالین فاطمه کشانید تا بالای سرش رسید و فرمود: ای فاطمه، من سید اولاد آدم هستم و بر خود نبالم، اگر منکر و نکیر آمدند و از تو پرسیدند پروردگارت کیست؟ بگو. خدا پروردگار من و محمد ﷺ پیامبر من و اسلام دین من و قرآن کتاب من و پسرم امام و ولی من است. سپس فرمود: خدایا، فاطمه را بر قول حق، بر جا دار! و از قبر بیرون آمد و چند مشت خاک روی آن پاشید و دو دست به هم زد و فرمود: قسم به آن که جان محمد ﷺ به

۱. سیره حلیمه، ج ۲، ص ۹۸.

دست اوست! فاطمه دست به هم زدنم را شنید.

«umar bin yasir» از جا برخاست و عرض کرد، پدر و مادرم قربانت یا رسول الله! نمازی بر او خواندی که بر احدی پیش از او نخوانده بودی. فرمود: ای ابو یقظان، او لایق آن بود. ابوطالب فرزندان بسیار داشت، فاطمه مرا سیر می‌کرد و آنها را گرسنه می‌داشت، مرا جامه در بر می‌کرد و آنها بر همه بودند و مرا می‌شست و آنها ژولیده بودند و...^۱.

۳. احترام به خواهر رضاعی

umar bin حیان گوید: به امام صادق خبر دادم از احترام و نیکویی فرزندم اسماعیل نسبت به خودم. فرمود: من فرزندت را دوست می‌داشم، اینک دوستی من به وی بیشتر شد، زیرا رسول خدا صلوات الله علیه و آله و آله و آله، خواهری داشت رضاعی که نزد حضرت آمد، حضرت چون به وی نگاه کرد، خشنود شد و آنچه به خود پیچیده بود، برای او پهنه کرد و او را برابر آن نشاند و به او روآورد و با او سخن می‌گفت و در صورتش می‌خندید. پس از آن، او رفت و برادرش آمد. حضرت باوی آن چنان که با خواهرش ملاطفت نمود، رفتار نکرد. از حضرت سؤال شد که یا رسول الله، نسبت به خواهر رضاعی خود، آن احترام‌ها را به جا آوردی، لیکن به برادر او آن چنان نکردی؟ حضرت فرمود: به جهت آن که آن خواهر، بیشتر از این برادر به پدر و مادرش نیکویی و احترام می‌کند.^۲

۴. احترام به اولین مادر رضاعی

پیامبر صلوات الله علیه و آله و آله و آله، در کودکی، سه روز اول و به قولی هفت روز اول از مادرش آمنه شیر

۱. امالی، شیخ صدوق، ص ۳۱۴ و ۳۱۵.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۱.

خورد و سپس ثویبه آسلمیه او را شیر داد و بعد حلیمه سعدیه، ثویبه هر وقت نزد پیامبر ﷺ می‌آمد، آن حضرت به یاد محبت‌های او به وی احترام و احسان می‌کرد. خدیجه نیز به او احترام و محبت می‌کرد. رسول خدا ﷺ بعد از هجرت، برای او لباس و هدیه‌های دیگر می‌فرستاد.^۱

ویژگی ششم: تواضع در مقابل پدر و مادر اهمیت تواضع در مقابل پدر و مادر

تواضع و فروتنی در مقابل پدر و مادر به ویژه در سن پیری آنان، از سفارش‌های خداوند به فرزندان صالح است. در قرآن، پس از سفارش انسان به احسان والدین، نهی از کمترین اهانت و ناراحتی آنان و رعایت ادب در هنگام سخن گفتن با آن‌ها فرموده است: «بال‌های تواضع خویش را در برابر شان از محبت و لطف فرود آور و بگو: پروردگارا همان گونه که آن‌ها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده.»^۲

احسان متواضعانه نسبت به پدر و مادر احسان و نیکی به پدر و مادر و دیگر افراد، اگر با تواضع همراه نباشد، مورد قبول

۱. كحل البصري، ص ۳۰ و اعيان الشيعه، ج ۱، ص ۲۱۹.

۲. (وَقَضَى رَبُّكَ أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِأَنْوَالِدِينِ إِخْسَانًا إِمَّا يَتَلَقَّنَ عِنْدَكَ الْكِتَرَ أَحْدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تُقْلِنْهُمَا أَفَ وَلَا تَنْهَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الْذَلْلِ مِنَ الْرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ أَرْزَقْهُمَا كَمَا زَيَّبَنِي صَغِيرًا؛ وَپروردگار تو حکم کرده است که جزو او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آن دو، یا هر دو، نزد تو به پیری رسیدند، به آنان «أَفَ» [هم که نشانگر دلتگی است] نگو، و بر آنان بانگ مزن و با آنان سخنی شایسته بگوی. و از روی مهریانی، بال فروتی بران آنان فرود آور و بگو: پروردگار، بر آنان - به پاس این که مرا در کودکی تربیت کردند - رحمت آور. (اسراء، آیات ۲۳ و ۲۴).

خداؤند قرار نمی‌گیرد؛ در سوره نساء، می‌خوانیم: ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَأَبْنِ السَّيِّلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالاً فَخُوراً﴾^۱ احسان به والدین باید همراه با تواضع باشد نه تکبر، چون خداوند انسان متکبر را دوست ندارد.

تواضع در مقابل پدر و مادر در روایات

ابی ولاد گوید: از امام صادق در مورد آیه ﴿وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الَّذِلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ﴾ سؤال کردم که مراد چیست؟ امام فرمود: «نگاه محبت آمیز با آنان داشته باشی و صدایت را از صدای آنها بالاتر نبری و دست را بر بالای دست آنها نگیری و جلوتر از آنها حرکت نکنی».^۲

امام موسی فرمود: «مردی نزد رسول خدا آمد و از حق پدر بر فرزند سؤال کرد، حضرت فرمود: او را به اسم صدا نزنند، جلوتر از او راه نرود، قبل از او ننشینند و به او فحش ندهد [کاری انجام ندهد که سبب فحش دادن مردم به پدرش شود].»^۳

ویژگی هفتم: اجازه از پدر و مادر

یکی دیگر از ویژگی‌های فرزند صالح در خانواده قرآنی اجازه گرفتن از پدر و مادر هنگام وارد شدن به اتاق خصوصی آنان در تمام اوقات شبانه روز است. البته

۱. نساء، آیه ۳۶.

۲. تفسیر نود التقلین، ج ۳، ص ۱۴۸ و ۱۴۹، ح ۱۲۹.

۳. همان، ح ۱۳۳.

فرزندانی که به حد تمیز رسیدند ولی به سن بلوغ نرسیدند، لازم است در سه وقت (قبل از نماز فجر و در نیم روز، هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را بیرون می‌آورند و بعد از نماز عشا) هنگام ورود به اتاق پدر و مادر اجازه بگیرند و بدون اجازه وارد نشوند، ولی فرزندان بالغ هر زمان که خواستند وارد شوند، باید اجازه بگیرند و در صورتی که در اتاق‌های عمومی هستند، به اجازه نیاز نیست.^۱

آموزش فرزندان نابالغ برای اجازه گرفتن در وقت وارد شدن به اتاق خصوصی والدین، از وظایف پدر و مادر است که در جایگاه خود (ویژگی‌ها و وظایف والدین) مطرح خواهد شد؛ اما در مورد اجازه گرفتن فرزندان بالغ، مخاطب خداوند خود فرزندان بالغ می‌باشند^۲ که باید به این تکلیف الهی توجه نموده و به آن عمل کنند.

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنُمُ الَّذِينَ مَلَكُتُ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمْ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَةِ النَّجْرِ وَحِينَ تَضَعَعُونَ شَيَافِكُمْ مِنْ أَطْهَرِهِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ أَيْسَرُ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُسَيِّئُنَ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ * وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوَا كَمَا أَشْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُسَيِّئُنَ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید برداشتان و کسانی از شما که به سن بلوغ نرسیده‌اند، [در شبانه روز] سه بار از شما [برای ورود] اجازه بگیرند؛ پیش از نماز صبح، و هنگامی که در نیمروز لباس‌های خود را بیرون می‌آورید، و پس از نماز عشا. [اینها] سه وقت خلوت شمامست. در غیر این [سه وقت]، بر شما و آنان باکی نیست [که بی اجازه وارد شوند]، زیرا آنان پیوسته نزد شما در حال رفت و آمدند و بعضی از شما بر بعضی دیگر وارد می‌شوید. این گونه، خدا آیات را برای شما بیان می‌کند، و خدا دانا و حکیم است. و هنگامی که کودکان شما به سن بلوغ رسیدند، باید [برای ورود] اجازه بگیرند، چنان که کسانی هم که پیش از آنان [به سن بلوغ رسیده] بودند اجازه می‌گرفتند. این گونه، خدا آیات خود را برای شما بیان می‌کند، و خدا دانا و حکیم است. (نور، آیات ۵۸ و ۵۹).

۲. «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوَا كَمَا أَشْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُسَيِّئُنَ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»؛ و هنگامی که کودکان شما به سن بلوغ رسیدند، باید [برای ورود] اجازه بگیرند، چنان که کسانی هم که پیش از آنان [به سن بلوغ رسیده] بودند اجازه می‌گرفتند. این گونه، خدا آیات خود را برای شما بیان می‌کند، و خدا دانا و حکیم است. (نور، آیه ۵۹).

آثار اجازه گرفتن

۱. محفوظ ماندن از انحراف جنسی

خداوند، بعد از بیان دستور اجازه گرفتن فرزندان بالغ، خودش را به صفت علم و حکمت توصیف کرده است تا به انسان بفهماند این تکلیف، بر گرفته از علم و حکمت الهی است^۱ که در رعایت کردن آن، آثار ارزشمندی وجود دارد و ترک آن سبب پیامد ناگواری برای خانواده‌ها می‌شود، زیرا اجازه نگرفتن فرزندان در ورود به خلوتگاه پدر و مادر، سبب آگاهی یافتن آن‌ها از مسائل زناشویی می‌شود که این امر، موجب انحرافات جنسی فرزندان شده و به عفت و پاکدامنی آنان، ضربات جبران‌ناپذیری وارد می‌کند.

۲. رعایت احترام به پدر و مادر

یکی دیگر از حکمت‌های اجازه گرفتن فرزندان از پدر و مادر، احترام گذاشتن به مقام و منزلت آنان است؛ چون ورود بدون اجازه، نشانه بی‌احترامی به مقام آن‌هاست. پدر به عنوان مدیر ارشد خانواده و مادر به عنوان مربی زحمت‌کش خانه، اگر مورد بی‌احترامی فرزندان قرار گیرند، حیا و آبرومندی از محیط خانه رخت بر می‌بندد و دیگر بوی صفا، صمیمیت و محبت از آن خانه به مشام نمی‌رسد؛ اما اگر فرزندان، سعی کنند علاوه بر هنگام ورود به اتاق خصوصی پدر و مادر، در دیگر کارهای

۱. «وَإِذَا بَلَغُ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلَيَسْتَأْذِنُوا كَمَا أَسْتَأْذِنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلَيْهِ حَكْمٌ»؛ و هنگامی که کودکان شما به سن بلوغ رسیدند، باید [برای ورود] اجازه بگیرند، چنان‌که کسانی هم که پیش از آنان [به سن بلوغ رسیده] بودند اجازه می‌گرفتند. این گونه، خدا آیات خود را برای شما بیان می‌کند، و خدادانا و حکیم است. (نور، آیه ۵۹).

خویش نیز از آنان اجازه بگیرند، به طور مسلم با این عمل ارزشمند خویش، هم احترام پدر و مادر را رعایت کرده‌اند و هم آنان را از خود راضی نموده‌اند و هم نتیجه تربیت آنان را به صحنه نمایش در آورده‌اند و در نهایت، به صلاح خویش نیز دست خواهند یافت، زیرا اگر در موردی پدر و مادر تشخیص دهنده که انجام کاری به ضرر فرزندان تمام می‌شود، حتماً آن‌ها را از مضرات آگاه خواهند کرد؛ اما اگر فرزندان بدون اذن پدر و مادر دست به هر کاری بزنند، چگونه می‌توانند از تجربیات و آگاهی‌های پدر و مادر بهره‌مند گردند؟

۳. سبب آرامش روحی اعضای خانواده

یکی از عوامل مؤثر در سلب آرامش روحی اعضای خانواده، خصوصاً پدر و مادر، اجازه نگرفتن و هماهنگی نکردن فرزندان با پدر و مادر و انجام خودسرانه در کارهای مهم و سرنوشت ساز و اثر گذار در مسائل اخلاقی و فرهنگی است. دغدغه هر پدر و مادر دلسوخته‌ای، ایجاب می‌کند تا برای جلوگیری از هر گونه آسیب روحی و تربیتی در کارهای مهم فرزندان دخالت کنند و این انتظار به حق آنان است که فرزندان از آن‌ها اجازه گرفته و هماهنگی نمایند. این کار علاوه بر آرامش بخشی روحی برای پدر و مادر، برای فرزندان نیز آرامش‌آور است تا با اطمینان بیشتری کارهای خود را انجام خواهند داد.

ویژگی هشتم: دعا و استغفار برای پدر و مادر

اهمیت دعا و استغفار برای پدر و مادر

دعا کردن برای پدر و مادر و طلب رحمت و استغفار برای آن‌ها یکی از

سفراش‌های مهم خداوند به فرزندان صالح است.^۱

فلسفه دعا برای پدر و مادر

فداکاری‌ها و مهربانی‌های پدر و مادر در تربیت فرزندان به ویژه هنگام طفولیت، از عواملی است که خداوند برای سفارش به دعا برای پدر و مادر، بیان نموده است. توجه به این مسئله، نقش مهمی در بیداری فرزندان نسبت به زحمات پدر و مادر دارد، زیرا یاد آوری دوران طفولیت که انسان در تمام ابعاد زندگی حتی طهارت و نجاست، وابسته به فداکاری پدر و مادر است، می‌تواند نقش مهمی در انجام وظایف در حق آنان داشته باشد که یکی از آن‌ها، دعا و طلب رحمت و مغفرت چه در حیات و چه بعد از مرگ برای آنان است.

آثار دعا و طلب آمرزش برای پدر و مادر

۱. بهره مندی پدر و مادر از رحمت خداوند

با توجه به این‌که طلب رحمت برای پدر و مادر از سفارش‌های خدادست، بی‌تردید با احباب همراه خواهد بود و خداوند پدر و مادر را به جهت دعای فرزند مورد رحمت خویش قرار خواهد داد، و در غیر این صورت، به فرزند چنین سفارشی نمی‌کرد؛ علاوه بر این خداوند در قرآن به انسان‌ها، دستور داده که دعا کنید تا احباب نماید.^۲

۱. «وَقَضَى رَبُّكَ أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَإِلَّا لِلَّهِ أَحَدٌ إِنَّ الْمُصْلِحَاتَ إِنَّمَا يَنْهَا كَمَا يَنْهَا كَمَا يَنْهَا صَغِيرًا...»؛ و پروردگار تو حکم کرده است که جزو رانپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید... و بگو: پروردگار، بر آنان - به پاس این‌که مرا در کودکی تربیت کردند - رحمت آور. (اسراء، آیات ۲۳ و ۲۴).

۲. «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادٍ عَنِّي فَإِنِّي فَرِيقٌ أَجِيبُ دَعْرَةً أَلْدَاعٍ إِذَا دَعَانِ...»؛ و هر گاه بسندگانم از تو درباره من بپرسند

۲. بهرمندی پدر و مادر از آمرزش الهی

خداؤند در بیان فضایل پیامبران اولو العزم، همچون حضرت نوح^۱ و حضرت ابراهیم^۲، طلب آمرزش برای پدر و مادر را قبل از دیگران، از خصوصیات ارزشمند آنان ذکر کرده است، تا همگان با اسوه قرار دادن آن انبیا، به جایگاه مهم پدر و مادر پی برده و همانند آنان، طلب مغفرت برای پدر و مادر را فراموش نکنند.
با توجه به وعده الهی در اجابت دعا^۳ و طلب مغفرت، خداوند با طلب مغفرت فرزند برای پدر و مادر، بیتردید آنان را میآمرزد.

دعا و طلب آمرزش برای پدر و مادر در روایات

طلب آمرزش سبب نجات از عاق والدین

امام صادق ، فرمود: ... «فرزندی در زمان حیات پدر و مادر خود، مورد عاق آنهاست و به آنها نیکی نمیکنند، ولی بعد از مرگ آنها بدھی شان را میدهد و

[→ که نزدیکم یا دور؟ بگو:] من نزدیکم، و دعای دعا کننده را - وقتی که مرا بخواند - اجابت میکنم... (بقره، آیه ۱۸۶) «وَقَالَ رَبُّكُمْ أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؛ و پروردگار تان گفت: مرا بخوانید، تا شما را اجابت کنم،... (غافر، آیه ۶۰).

۱. «قَالَ نُوحٌ رَبِّي... * رَبِّ أَغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ...»؛ و نوح گفت:... پروردگار، مرا و پدر و مادرم را و هر کسی را که با ایمان به خانه ام درآید، و مردان و زنان مؤمن را بیامز،... (نوح، آیات ۲۶ و ۲۸).

۲. «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ... * رَبَّنَا أَغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ»؛ و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم گفت:... پروردگار، مرا و پدر و مادرم و مؤمنان را روزی که حساب برپامی شود، بیامز. (ابراهیم، آیات ۳۵ و ۴۱).

۳. «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبْدِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَنِ...»؛ و هر گاه بندگانم از تو درباره من بپرسند [که نزدیکم یا دور؟ بگو:] من نزدیکم، و دعای دعا کننده را - وقتی که مرا بخواند -... (بقره، آیه ۱۸۶) «وَقَالَ رَبُّكُمْ أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؛ و پروردگار تان گفت: مرا بخوانید، تا شما را اجابت کنم،... (غافر، آیه ۶۰).

برای شان طلب آمرزش می‌کند، خدای - عزّوجلّ - [به سبب این رفتار] او را از نیکوکاران به پدر و مادر قرار می‌دهد.^۱

دعا برای پدر و مادر غیر مؤمن

معمر بن خلّاد به امام رضا عرض کرد، آیا برای پدر و مادرم که حق را نمی‌شناسند، دعا کنم؟ امام فرمود: «برای آن‌ها دعا کن و برایشان صدقه بده و اگر زنده هستند با آن‌ها مدارا کن، زیرا رسول اکرم صلوات‌الله‌عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خداوند مرا به مهربانی برانگیخت نه به نافرمانی و خشونت.»^۲

طلب مغفرت برای پدر و مادر بعد از مرگ آنها

مردی خدمت پیامبر اکرم صلوات‌الله‌عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسید و عرضه داشت، آیا بعد از مرگ پدر و مادرم، نیکویی مانده است که در حق آن‌ها انجام دهم؟ حضرت فرمودند: «بله، برای آن‌ها نماز بخوان و طلب آمرزش نما و اگر عهدی به عهده آن‌ها بود، ادا کن و دوستان آن‌ها را گرامی بدار و با بستگان آن‌ها صله رحم نما.»^۳

ویژگی نهم: انفاق به پدر و مادر

اهمیّت: یکی از مصاديق نیکی و احسان به پدر و مادر که در قرآن بر آن تأکید شده است، انفاق و کمک مالی به آن‌هاست. اگر فرزندی دارای امکانات مالی باشد و پدر و مادرش نیازمند باشند، بر فرزند واجب است نیازهای آنان را تأمین کند و اگر تهیدست نباشد نیز سفارش شده است به آن‌ها کمک نماید.

۱. بحد الاتّوار، ج ۷۱، ص ۸۶

۲. تفسیر نور النّقیلین، ج ۳، ص ۱۵۱، ح ۱۴۷

۳. همان، ح ۱۴۶

در مورد شأن نزول آیه ﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ الْدِيْنُ﴾^۱ و﴿الْأَقْرَبِينَ وَالْأَيَّامِي وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ الْسَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ حَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾^۲ نقل شده است فردی به نام «عمر بن جموج» که پیر مرد ثروتمندی بود، از پیامبر اکرم صلوات الله عليه وآله وسلام سوال کرد: چه چیزی را انفاق کنم و به چه کسانی؟ آیه فوق نازل شد و به او پاسخ داده شد که از اموال (حالات) به پدر و مادر و گروههای دیگر (که مورد بحث ما نمیباشد) انفاق کن.^۳

خداؤند در این آیه انفاق به پدر و مادر را برابر گروه مقدم داشت؛ همان گونه که در آیه دیگر از همین سوره ﴿كُتُبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا لِلَّهِ الْدِيْنُ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾^۴ سفارش مالی برای آنان را برابر دیگران مقدم داشت و این عمل را از صفات متّقین شمرد.

انفاق به پدر و مادر قبل از درخواست آنها: ابی ولاد حناط گوید: از امام صادق درباره آیه ﴿وَبِالْأَوَالِدِيْنِ إِحْسَانًا﴾^۵ پرسیدم: مراد از احسان به پدر و مادر چیست؟ امام فرمود: «خوش رفتاری با آنان و این که آنان را رهانکنی تا از تو بخواهند آنچه را بدان نیاز دارند، هر چند ثروتمند باشند. آیا چنین نیست که خداوند - عزو جل - میفرماید: هرگز به نیکوکاری نرسید تا انفاق کنید از آنچه دوست دارید؟

آثار انفاق به پدر و مادر

۱. نجات از عاق والدین: امام صادق فرمود: بندهای نسبت به پدر و مادر خویش

۱. بقره، آیه ۲۱۵.

۲. مجتمع البیان، ج ۱ و ۲، ص ۴۰۹ و تفسیر کبیر، ج ۶، ص ۲۳.

۳. بقره، آیه ۱۸۰.

۴. بقره، آیه ۸۳.

۵. تفسیر نور النّقیلین، ج ۳، ص ۱۴۸، ح ۱۲۹.

در زمان حیاتشان نیکوکار است، ولی پس از مرگشان، بدھی آن‌ها را نمی‌پردازد و برایشان آمرزش نمی‌خواهد؛ از این رو خدا او را در زمرة افرادی که دچار عاق والدین شده می‌نویسد، و بنده دیگر در زمان حیات پدر و مادر خود مورد عاق آن‌هاست و به آن‌ها نیکی نمی‌کند، ولی چون مرگ آن‌ها را دریابد، بدھی آن‌ها را می‌پردازد و برایشان طلب آمرزش می‌کند؛ از این رو خدای -عزو جلّ- او را نیکوکار می‌نویسد.^۱

۲. بهره‌مندی از پاداش الهی: امام صادق فرمود: مرگ والدین نباید سبب قطع رشته خدمات به آن‌ها گردد، بلکه باید پس از مرگ به آن‌ها نیکی کرد، برایشان نماز گزارد، انفاق نمود، حج انجام داد و روزه گرفت، زیرا خداوند همان پاداشی را که برای آنان مقرر داشته است، برای فرزند هم قرار خواهد داد.^۲

۳. سکونت در بالاترین مقام علیین: امام باقر فرمود: خداوند چهار گروه از مؤمنان را در بالاترین مقام علیین ساکن می‌کند: یکی از آن گروه‌ها کسانی هستند که به پدر و مادر خود انفاق کنند و به آن‌ها مدارا و نیکویی نمایند و ناراحتshan نکنند.^۳

۴. بهترین سرمایه: پیامبر اکرم فرمود: بهترین سرمایه آن است که انسان آن را به پدر و مادرش انفاق کند.^۴

پیامد قرک انفاق به پدر و مادر

جوانی از ثروتمندان مدینه، پدر پیری داشت که احسان به او را ترک نمود و او را از مال خود محروم کرد، خداوند متعال، اموالش را از او گرفت و فقر و تنگدستی و

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۶.

۲. الکافی، ج ۲، باب البر بالوالدین، ص ۱۶۳.

۳. امالی مفید، ص ۱۶۶ و ۱۶۷.

۴. بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۳۴.

بیماری به او روی آورد و بیچاره شد. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: ای کسانی که پدر و مادرها را آزار می‌رسانید، از حال این جوان، عبرت بگیرید و بدانید چنان که دارایی اش در دنیا از نزد او بیرون رفت و غنا و ثروت و صحتش به فقر و بیماری بدل گشت، در آخرت نیز هر درجه‌ای که در بهشت داشت، به واسطه این گناه از دست داده و در مقابلش از درکات آتش برای او آماده شده است.^۱

ویژگی دهم: همکاری با پدر و مادر

همکاری فرزندان با پدر و مادر یکی از خصوصیات ارزشمند فرزند صالح می‌باشد که در قرآن نمونه‌هایی از آن آمده است؛ مانند همکاری حضرت اسماعیل با پدرش حضرت ابراهیم^۲ در بنای کعبه و تطهیر آن و همکاری دختران شعیب در دامداری^۳ به پدرشان.

آثار همکاری با پدر و مادر: فرزندان با این کار، پدر و مادر را خوشحال و خشنود می‌سازند و برای آینده خود، تجربیات خوبی کسب می‌کنند. همچنین اگر - خدای ناخواسته - پدر و مادرشان به هر دلیلی از کار بیفتدند، خواهند توانست مسئولیت

۱. سفينة البحار، «والد».

۲. «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ أَقْوَاعَدَ مِنْ آثِيَّتٍ وَإِشْعَاعِيلُ...»؛ و [یاد کن] وقتی را که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های این خانه (کعبه) را بالا می‌برندند... (بقره، آیه ۱۲۷) «...وَعَهَدْنَا إِلَيْ إِبْرَاهِيمَ وَإِشْمَاعِيلَ أَنْ طَهَّرَا بَيْتَنَا لِلطَّافِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكُعِ الْسُّجُودُ»؛ ... و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که خانه مرا برای طوف کنندگان و معتکفان و رکوع کنندگان سجدۀ گزار پاکیزه بدارید. (بقره، آیه ۱۲۵).

۳. «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ أَمْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا حَطَبُكُمَا قَاتَلَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُضْدِرَ الْرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْئُ كَبِيرٌ»؛ و چون به آب مدین رسید، گروهی از مردم را بر آن یافت که [دام‌های خود را] آب می‌دادند، و پشت سرشان دو زن را یافت [که دام‌هایشان را از حرکت] بازمی‌داشتند. [موسی] گفت: کار شما دو تن چیست؟ گفتند: ما [یه دام‌های خود] آب نمی‌دهیم تا این چوپانان [دام‌هایشان را] برگردانند، و پدر ما پیرمردی کهنسال است [و این کار از او ساخته نیست]. (قصص، آیه ۲۳).

زندگی را بر دوش بکشند و زندگی آبرومندانه را ادامه دهند.

ویژگی یازدهم: وصیت برای پدر و مادر

یکی از سفارش‌های خداوند به فرزندان ممکن و صالح، وصیت کردن هنگام فرا رسیدن مرگ، برای پرداخت بخشی از اموال به پدر و مادر است. این عمل را خداوند از صفات افراد با تقوا شمرده است.^۱ چون در این کتاب، این موضوع در بحث انفاق به پدر و مادر مطرح شده است، از ادامه بحث صرف نظر می‌شود؛ اما این نکته نباید فراموش شود که یکی از مصاديق نیکی به پدر و مادر، اختصاص مقداری از اموال حتی بعد از مرگ از سوی فرزند برای آن‌ها می‌باشد که مورد توجه خداوند قرار گرفته است.

ویژگی دوازدهم: عذر خواهی از پدر و مادر

اهمیت: فرزندان شایسته اگر در حق پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده کوتاهی کردند و مرتکب اشتباه شدند، از آنان عذر خواهی و به درگاه خداوند توبه و استغفار می‌کنند تا خداوند آنان را بیامرزد.

خداوند پس از سفارش به نیکی در مورد پدر و مادر در قرآن، و نهی از بی احترامی به آنان و امر به تواضع در مقابل آن‌ها، فرموده است: توبه توبه کنندگان را می‌پذیرد؛^۲

۱. «كُبَيْ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» بر شما نوشته شده است که وقتی یکی از شما را مرگ در می‌رسد، اگر مالی بر جای می‌گذارد، برای پدر و مادر و خویشاوندان نزدیک ترش به طور پسندیده وصیت کند. [این] حقی است بر تقواییشگان. (بقره، آیه ۱۸۰).

۲. «فَصَنِي رَبِّكَ أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَتَّلَعَّنَ عَنْ ذَكَرِ الْكَبِيرِ أَدْهُمُهَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَنْهُمَا أَنَّ وَلَاتَنْهُمَا وَقُلْ أَهُمَا قَوْلًا كَيْمًا وَأَخْفُضْ أَهُمَا جَنَاحَ أَنْدَلٍ مِنَ الْرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبُّ أَرْحَمُهُمَا كَمَا زَيَّانِي صَغِيرًا رَبُّكُمْ أَعَمَّ بِمَا فِي ثُوْسِكُمْ إِنْ

یعنی اگر فرزندی در انجام دادن سفارش‌ها و دستورهای داده شده در حق پدر و مادر کوتاهی کند و توبه نماید، خداوند توبه او را می‌پذیرد. برادران یوسف، وقتی به پدرشان بی احترامی کردند و بعد فهمیدند که اشتباه کرده‌اند، نزد پدر به اشتباه خود اقرار و از او درخواست کردند تا برایشان از درگاه خداوند طلب آمرزش کند. حضرت یعقوب نیز به آنها وعده داد که به زودی برای آنان استغفار خواهد کرد، زیرا خداوند آمرزند و مهربان است.^۱ در روایات آمده است که مراد از کلام حضرت یعقوب که فرمود: «به زودی برای شما استغفار می‌کنم» سحرگاه شب جمعه بود.^۲ اقرار به اشتباه و طلب عفو و توبه از مهم‌ترین پیام این آیات برای همه فرزندانی است که در حق پدر و مادر خویش کوتاهی کرده‌اند.

آثار عذر خواهی: عذر خواهی و اقرار به اشتباه و پرهیز از هر گونه لجبازی در مقابل اعضای خانواده، یکی از عوامل مهم در حفظ آرامش و صفاتی خانواده است و در مقابل، هر گونه اصرار بر اشتباه، لجبازی و نپذیرفتن کوتاهی، سبب تیرگی فضای خانواده و حصول کدورت و کینه و دشمنی بین اعضای خانواده است.

→ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلأَوَابِينَ غَفُورًا^۳; و پروردگار تو حکم کرده است که جز او را نپرسنید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آن دو، یا هر دو، نزد توبه پیری رسیدند، به آنان «أَفَ» [هم که نشانگر دلتنگی است] نگو، و بر آنان بانگ مزن و با آنان سخنی شایسته بگوی. و از روی مهربانی، بال فروتنی بر آنان فرود آور و بگو: پروردگار، بر آنان - به پاس این که مرا در کودکی تربیت کردند - رحمت آور. پروردگارتان به آنچه در ضمیرتان است [از خودتان] آگاه‌تر است. اگر شایسته باشید، قطعاً او آمرزندۀ توبه‌کنندگان است. (اسراء، آیات ۲۳ و ۲۴ و ۲۵).

۱. «وَلَمَّا فَصَلَّتِ الْعِبْرُ قَالَ أَبُوهُمُ إِلَيْهِ لَأَجْدُ رِبِّيْ مُوْسَيْ لَوْلَا أَنْ تُعَذِّّدُونَ * قَالُوا تَأَلَّهُ إِنَّكَ لَنِي ضَلَالُكَ الْقَدِيرِ * فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ فَأَرَدَّ بَصِيرَاهُ قَالَ أَلَمْ أَقْلُ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَعْلَمُونَ * قَالُوا يَا أَبَانَا أَسْتَغْفِرُ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ * قَالَ سُوفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّيْ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الْرَّحِيمُ»؛ و هنگامی که کاروان [از مصر] فاصله گرفت،

پدرشان [یعقوب] گفت: اگر مرا سیک عقل نخوانید، من بوى پیراهن یوسف را احساس می‌کنم. گفت: به زودی از پروردگارم برای شما آمرزش می‌خواهم؛ به یقین، اوست که بسیار آمرزند و مهربان است. (یوسف، آیات ۹۴ و ۹۸).

۲. تفسیر نور النّقیلین، ج ۲، ص ۴۶۵، ح ۱۹۶.

خداؤند با بیان سرگذشت کوتاهی‌های برادران یوسف در حق آن حضرت و اقرار آن‌ها بر اشتباه خود و گذشت حضرت یوسف در حق آن‌ها،^۱ پیام مهمی را در مورد تحکیم روابط خانوادگی مطرح کرده است.

ویژگی سیزدهم: پرهیز از حسادت

خداؤند با بیان پیامد حسادت قabil نسبت به هابیل^۲ و حسادت برادران یوسف با آن حضرت،^۳ این هشدار را به تمام انسان‌ها و فرزندان داده است تا از هر گونه حسادت، خودداری نمایند. حسادت در بین اعضای خانواده سبب بدینی و کدورت خواهد شد و اگر از آن خودداری نشود، فضای خانواده، نفرت‌انگیز می‌شود و کسی حقوق دیگری را رعایت نمی‌کند، در نتیجه، اختلاف جای وحدت را در میان

۱. «قَالُوا إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوْمُنُكُ فَالَّذِي يُوْمُنُكُ هُنَّا أَخْيَرُ مَنْ يَتَّقَى وَيَصْبِرُ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُفْسِدُ أَجْرَ الْحُسْنَيْنِ» * قَالُوا تَالِلَّهِ لَقَدْ أَتَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ * قَالَ لَا تَتَرَبَّ عَلَيْكُمْ أَلْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الْأَرْحَاجِينَ»؛ گفتند: آیا راستی تو خود، یوسفی؟ گفت: آری، من یوسفم و این هم برادرم [اینیامین] است. همانا خدا بر ما نعمت ارزانی داشته است. بی‌شک هر که تقاو و صبر پیشه کند، [از اجر خدا برخوردار می‌شود، زیرا] خدا اجر نیکوکاران را ضایع نمی‌کند. گفتند: به خدا سوگند، خدا تو را بر ما برتری داده است، و قطعاً ما خطا کار بودیم. گفت: اکنون ملامتی بر شما نیست. خدا شما را می‌بخشد و او مهربان‌ترین مهربانان است. (یوسف، آیات ۹۰ و ۹۲).

۲. «وَأَتَلَّ عَلَيْهِمْ بَنَآ أَبْنَيَ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَبَا قُرْبَانًا فَتَقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يَتَقْبَلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِيْنَ»؛ و خبر دو پسر آدم را به درستی بر آنان بخوان، هنگامی که [هر یک از] آن دو، قربانی ای تقدیم کردند؛ پس از یکی از آن دو قبول شد و از دیگری قبول نشد. او گفت: حتماً تو را خواهم کشت. گفت: خدا فقط از تقوا پیشه گان قبول می‌کند. (مائده، آیه ۲۷).

۳. «قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَنْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا... * لَقَدْ كَانَ فِي يُوْسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتُ لِلْسَّائِلِيْنِ * إِذْ قَالُوا يُوْسُفُ وَأَخْوَهُ أَخْبُرُ إِلَى أَبِيهِ مِنَا وَتَحْنُ عُصْبَةً إِنَّ أَبِيَّنَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِيْنِ»؛ گفت: ای پسرک من، خواب خود را برای برادرانت حکایت نکن که درباره تو نیرنگی [خطرناک] به کار می‌برند... به یقین، در [ادستان] یوسف و برادرانش برای پرسشگران نشانه‌هایی [از تدبیر و حکمت خدا] است. آن‌گاه که [برادران او] گفتند: راستی یوسف و برادرش [اینیامین] نزد پدرمان از مامحوب‌ترند، در حالی که ما گروهی کار آمدیم [و زندگی پدر را اداره می‌کنیم]؛ بی‌تردید، پدرمان در ناگاهی آشکاری به سر می‌برد. (یوسف، آیه ۵ و ۸).

خانواده می‌گیرد.

حسادت در خانواده‌ها، بیشتر بین فرزندان اتفاق می‌افتد نه بین فرزند و پدر و مادر، و ریشه آن هم توجه ویژه و محبت فوق العاده پدر و مادر به بعضی از فرزندان است. مهم‌ترین عامل دور کردن فرزندان از این صفت زشت و خطرناک، اصلاح رفتار پدر و مادر و پرهیز از تبعیض در اظهار محبت به فرزندان است.^۱

پیامد حسادت در قرآن

در خطرناک بودن پیامد حسادت همین بس که خداوند به پیامبر اکرم صلوات الله عليه و سلام امر می‌کند که از شر حسودان به من پناه ببر،^۲ و حسودان را به عذاب خویش تهدید فرموده است.^۳

ویژگی چهاردهم: عفو و گذشت

در خانواده قرآنی، اعضای آن از کوتاهی‌های یکدیگر می‌گذرند. این مطلب یکی

۱. «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِلسَّائِلِينَ * إِذْ قَالُوا لَيُوسُفَ وَأَخْوَهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا أَبِيهِنَا وَتَعْنُ عُصْبَيْهِ إِنَّ أَبَانَا لَنَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»؛ به یقین، در [دادستان] یوسف و برادرانش برای پرسشگران نشانه‌هایی [از تدبیر و حکمت خدا] است. آن‌گاه که [برادران او] گفتند: راستی یوسف و برادرش [بیامین] نزد پدرمان از ماجهوب‌ترند، در حالی که ما گروهی کار آمدیم او زندگی پدر را اداره می‌کنیم. بی‌تردید، پدرمان در ناگاهی آشکاری به سر می‌برد. (یوسف، آیات ۷ و ۸).

۲. «فَلَمَّا أَعْوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ * وَمِنْ شَرِّ حَابِيدٍ إِذَا حَسَدَ»؛ بگو: پناه می‌برم به خداوندگار سبیده دم، و از شر حسود، آن‌گاه که حسد ورزد. (فلق، آیات ۱ و ۵).

۳. «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا أَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا * فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ حَدَّ عَنَّهُ وَكُفِي بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا»؛ آیا دریاره این مردم (پیامبر و پیروانش) بر آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است حسد می‌ورزند؟ همانا مابه خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و فرمانروایی بزرگی به آنان عطا کردیم. پس بعضی از آنان به وی ایمان آوردند و بعضی از آنان از او اعتراض کردند، و آتش برافروخته دوزخ [برایشان] کافی است. (نساء، آیات ۵۴ و ۵۵).

از پیام‌های مهم سرگذشت حضرت یوسف و برادران آن حضرت و قصه هابیل و قابیل می‌باشد. حضرت یوسف پس از کوتاهی هایی که برادرانش در حق ایشان مرتکب شدند، با این‌که امکان انتقام و پاسخ به آن نامهربانی‌ها فراهم بود، اما پس از اقرار آنها به اشتباه خویش، از تقصیر آنان درگذشت و حتی سرزنششان هم نکرد^۱، و در جریان تصمیم قابیل به قتل برادرش هابیل، هابیل از درگیر شدن با برادرش قابیل خودداری کرد که در نهایت مورد ستم برادر قرار گرفت.^۲

۱. «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَ إِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلْسَائِلِينَ * قَالُوا تَالِلُهُ لَقَدْ أَتَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ * قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمْ أَلَيْوَمَ يَعْفُرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»؛ به یقین، در [داستان] یوسف و برادرانش برای پرسشگران نشانه‌هایی [از تدبیر و حکمت خدا] است. گفتند: به خدا سوگند، خدا تو را بر ما برتری داده است، و قطعاً مخطا کار بودیم. گفت: اکنون ملامتی بر شما نیست. خدا شما را می‌بخشد و او مهربان‌ترین مهربانان است. (یوسف، آیات ۷ و ۹۱ و ۹۲).

۲. «وَأَتَلُّ عَلَيْهِمْ بَنَآ أَبْنَيْنِ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَبَا قُرْبَانًا فَتَعْبَلَ مِنْ أَحْدِهِمَا وَلَمْ يَتَعْبَلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَعْتَلَنَكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَعَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ * لَيْسَ بِسُطْطَتِ إِلَيَّ يَدْكَ لِتَعْتَلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِي إِلَيْكَ لَا قُتْلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ و خبر دو پسر آدم را به درستی بر آنان بخوان، هنگامی که [هر یک از] آن دو، قربانی‌ای تقدیم کردند؛ پس از یکی از آن دو قبول شد و از دیگری قبول نشد. او گفت: حتماً تو را خواهم کشت. گفت: خدا فقط از تقوایشگان قبول می‌کند. به یقین، اگر تو برای کشنن من دست به سویم بگشایی، من برای کشنن تو دست به سویت نخواهم گشود، زیرا من از خدا، پروردگار جهانیان می‌ترسم. (مائده، آیات ۲۷ و ۲۸).

كتاب نامه

- فرآن

١. آمدی، عبد الواحد، *خمرر الحكم*، ترجمه محمد علی انصاری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
٢. ابن شهرآشوب، ابو جعفر، *مناقب آل ابی طالب*، دارالأضواء، بیروت ۱۴۰۵ ق.
٣. احمد بن حنبل، *مسند*، دارصادر بیروت [بی تا].
٤. امین عاملی، سید محسن، *اعیان الشیعه*، دارالتعارف، بیروت [بی تا].
٥. اویس معلوف، *المنجد*، آرمان، تهران ۱۳۷۱ ش.
٦. پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه*، دنیای دانش، تهران ۱۳۸۲ ش.
٧. حرانی، حسن بن علی بن حسین بن شعبه، *تحف العقول عن آل الرسول* بسط، جامعه مدرسین، قم ۱۴۰۴ ق.
٨. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، آل البيت، قم ۱۴۰۹ ق.
٩. حلی، ابن فهد، *علة الداعی*، دارالكتب اسلامی، قم ۱۴۰۷ ق.
١٠. حویزی، عبد علی بن جمعة، *تفسیر نور الثقلین*، اسماعیلیان، ۱۳۷۳ ش.
١١. خمینی، امام روح الله، *تحریر الوسیله*، نشر اسلامی، قم ۱۳۶۳ ش.

۱۲. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی، انتشارات دریا، تهران ۱۳۸۶ ش.
۱۳. ری شهری، محمد، *میزان الحکمة*، دارالحدیث، قم ۱۴۱۶ ق.
۱۴. سید رضی، حسین بن موسی، *نهج البلاعه*، ترجمه دشتی، مشهور، ۱۳۷۳ ش.
۱۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *الاماکن*، مؤسسه البعثة، قم ۱۴۱۷ ق.
۱۶. ———، *خصال*، نسیم کوثر، قم ۱۳۸۲ ش.
۱۷. ———، *علل الشرایع*، انتشارات مؤمنین، قم ۱۳۸۰ ش.
۱۸. ———، *معانی الاخبار*، انتشارات اسلامی، قم ۱۳۶۱ ش.
۱۹. ———، *من لا يحضره الفقيه*، جامعه مدرسین، قم ۱۴۰۴ ق.
۲۰. طباطبائی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، جامعه مدرسین، قم ۱۳۹۳ ق.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البيان*، انتشارات ناصر خسرو، تهران ۱۳۷۶ ش.
۲۲. طبرسی، محمد بن جریر بن رستم، *دلائل الامامة*، ابو جعفر، منشورات المرتضی، قم ۱۳۶۳ ش.
۲۳. طبسی، محمد جواد، *حقوق فرزندان از دیدگاه اسلام*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۳۷۴ ش.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، *مکارم الاخلاق*، شریف رضی، قم ۱۳۷۰ ش.
۲۵. طیب، سید عبدالحسین، *اطیب البيان فی تفسیر القرآن*، انتشارات اسلام، تهران ۱۳۷۸ ش.
۲۶. عرفان بن سلیم، عبد القادر، *روضۃ المتقین*، العشا حسونه، دارالفکر، بیروت ۱۴۱۷ ق.
۲۷. فخر رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الكبير*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۴۱۳ ق.
۲۸. فیض الاسلام، علینقی، ترجمه صحیفہ سجادیه، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۲۹. فیض کاشانی، ملا حسن، *المحجة البيضاء*، اعلمی، بیروت [بی تا].
۳۰. قائمی، دکتر علی، *نظام حیات خانواده در اسلام*، انتشارات امیری، تهران ۱۳۷۹ ش.
۳۱. قمی، حاج شیخ عباس، *سفينة البحار*، مؤسسه انتشارات فراهانی، تهران ۱۳۶۳ ش.
۳۲. ———، *کحل البصر*، انتشارات ناصر، قم ۱۳۸۵ ش.

۳۳. كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، *أصول الكافى*، دارالكتب الاسلامية، تهران ۱۳۷۵ ش.
۳۴. متقي هندي، تقى الدين، *كتنز العمال*، مؤسسة الرسالة، بيروت ۱۴۱۳ ق.
۳۵. مجلسى، علامه محمد باقر، *بحار الانوار*، مؤسسة الوفا بيروت ۱۴۰۳ ق.
۳۶. مسلم بن حجاج قشيرى، ابوالحسن، *صحیح مسلم*، دارالكتاب العربي، بيروت ۱۴۰۷ ق.
۳۷. معین، احمد، *فرهنگ فارسى*، انتشارات امیر کبیر، تهران ۱۳۷۵ ش.
۳۸. مغنية، محمد جواد، *تفسیر کاشف*، دارالعلم للملائين، بيروت، ۱۹۹۰ م.
۳۹. مفید، محمد بن نعман (شیخ مفید)، *الاختصاص*، دارالمفید، بيروت ۱۴۱۴ ق.
۴۰. مکارم شیرازی، آیة الله ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، دارالكتب الاسلامية، تهران ۱۳۷۵ ش.
۴۱. موظف رستمی، محمد على، ره پویه، دارال المعارف، ۱۳۸۷ ش.
۴۲. نراقی، محمد مهدی، *جامع السادات*، ترجمه سید جلال الدین مجتبی، انتشارات حکمت، تهران ۱۳۷۰.
۴۳. نوری طبرسی، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ق.
۴۴. ورام بن ابی فراس، *مجموعه ورام*، چاپ قم [ابی تا].
۴۵. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر و دیگران، *فرهنگ قرآن*، انتشارات بوستان کتاب، قم ۱۳۸۱ ش.